



کتابخانه مجازی هزارستان
www.HaPdf.com

حزب وحدت اسلامی افغانستان از کنگره تا کنگره

تألیف
استاد قربانعلی عرفانی یکه‌ولنگی

* تقدیم به روان تابناک :
لاله کفنان انقلاب اسلامی
و شهدای قهرمان و گمنام
حزب وحدت اسلامی افغانستان

شناسنامه کتاب :

- حزب وحدت اسلامی افغانستان از کنگره تا کنگره
- نام کتاب :
- استاد قربانعلی عرفانی یکه‌ولنگی
- نویسنده :
- انتشارات سراج
- ناشر :
- وابسته به مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان - شماره (۳)
- مقدمه و نظارت تصحیح و چاپ از: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان
- حروفچینی :
- کامپیوتر حزب وحدت اسلامی
- تاریخ چاپ :
- چاپ اول - زمستان ۱۳۷۲
- چاپخانه :
- چاپ نهضت، قم، ۳۵۱۱۶
- مرکز پخش: قم - خیابان ارم، جنب داروخانه نصر، صحافی احسانی، تلفن ۲۳۵۸۲

فهرست مطالب

نگاهی به تاریخ جنبش سیاسی شیعیان افغانستان	۹
سخنی با خوانندگان	۱۹
پیش درآمدی برتشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان	۲۳
الف - حزب اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان	۲۴
ب - جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان	۲۵
ج - جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان	۲۸
د - ائتلاف چهارگانه	۲۹
هـ - شورای ائتلاف اسلامی افغانستان	۳۰
و - تلاش برای اتحاد در داخل کشور	۳۲

فصل اول: کنگره پنجاب و امضای منشور وحدت در لعل

طرح تشکیل کنگره	۳۷
کنگره پنجاب	۳۹
ستاد برگزاری مراسم کنگره	۴۰
اعضای شرکت کننده در کنگره پنجاب	۴۱
کنگره کار خود را آغاز می کند	۴۶
استقبال پرشور مردم از کنگره	۴۸
متن قطعنامه	۵۱
تجلیل از بیستمین سالگرد شهید بلخی	۵۴
کمیسیون سیاسی برای پیگیری مواد قطعنامه کنگره	۵۵

۵۸	در حاشیه کنگره پنجاب
۶۱	به سوی ولسوالی لعل و حادثه کوتل خارقول
۴۶	منشور وحدت امضاء شد
۶۵	اجلاس سران و قوماندانان ها در لعل
۶۷	منشور اتحاد سازمان نصر و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان
۷۰	جلسه مهم سخنرانی برای ابلاغ مردم لعل

فصل دوم - پیگیری اتحاد در ولایت میدان

۷۵	گردهمائی ۲۰ سنبله ۶۷ در ولایت میدان
۷۷	اجلاس احزاب در بهسود
۸۰	مصاحبه
۸۲	جلسه سیاستنگ یا آب نقره
۸۶	تعیینات شورای مرکزی
۸۸	طرح مذاکره با آقای سید علی بهشتی
۹۰	به سوی پنجاب و پروان
۹۵	چرا نشست ۱۵ عقرب صورت نگرفت

فصل سوم - پیگیری اتحاد در ولایت غزنی

۱۰۱	گردهمائی مهم و تاریخی در جاغوری
۱۰۴	منطقه بوسعید جاغوری
۱۰۵	متن پیمان اتحاد در جاغوری
۱۰۶	تعیین کمیت اعضای شورای مرکزی اتحاد در غجور
۱۱۲	در سنگماشه
۱۱۳	اعزام نماینده اتحاد در خارج کشور
۱۱۶	نامه به شورای ائتلاف

۱۱۷	 نامه به آیه الله محسنی قندهاری
۱۱۸	 نگاهی گذرا به وضعیت جاغوری
۱۲۰	 سرود استقلال
۱۲۶	 به سوی مأموریت در خارج کشور
۱۲۶	 باز داود
۱۲۸	 در بازار بادنی چه گذشت ؟
۱۲۸	 در کویت پاکستان
۱۳۰	 از کویت به سوی تفتان

فصل چهارم - پیگیری اتحاد در ایران

۱۳۳	 در جمهوری اسلامی ایران با شورای ائتلاف
۱۳۵	 مصاحبه اختصاصی با رسالت
	اعلامیه جمعی از طلاب و فضلاء پاسداران جهاد و سازمان نصر
۱۴۱	 و جمعی از طلاب غیرگروهی
۱۴۳	 اعلامیه علماء و طلاب مستقل افغانستان
۱۴۴	 کمیسیون پیگیری اتحاد
۱۴۶	 حرکت اسلامی به اتحاد پیوست
۱۴۹	 سفر به سوی مشهد مقدس
۱۵۰	 دعوت از حزب الله افغانستان
۱۵۱	 مذاکره با حزب الله در تهران
۱۵۶	 کمیسیون پیگیری اتحاد نظر نهائی خود را ابراز می دارد
۱۶۰	 رهبر حرکت اسلامی اتحاد را امضاء نمود
۱۶۲	 دیدار با وزیر خارجه ایران
۱۶۳	 طرح اتحاد طرح انحرافی است !

فصل پنجم - پیگیری اتحاد در بامیان

۱۶۹	 میثاق وحدت در مرکز بامیان امضاء شد
۱۷۲	 کارنامه بعدی حزب وحدت
۱۷۳	 اعزام هیئت به خارج از کشور
۱۷۵	 دیدار با آقای ابراهیمی
۱۷۶	 به سوی زادگاهم افغانستان
۱۷۸	 بامیان
۱۸۱	 هیئت جمهوری اسلامی ایران در بامیان
۱۸۳	 به سوی ارزگان
۱۸۴	 به سوی منطقه نیلی
۱۸۷	 دیدار با آقای صادقی نیلی
۱۸۹	 اقدام برای حل مسئله تمران
۱۹۰	 تعیینات موقت در مرکز بامیان

فصل ششم - پیگیری اتحاد در خارج کشور

۱۹۵	 هیئت اعزامی به سوی خارج کشور
۱۹۶	 هیئت حزب وحدت در تهران
۲۰۳	 دیدار هیئت حزب وحدت بامقام معظم رهبری آیه الله خامنه ای
۲۰۶	 جمع بندی از عملکرد هیئت در خارج کشور
۲۰۷	 مردم می پرسند
۲۱۳	 اعلامیه انحلال حرکت اسلامی افغانستان
۲۱۴	 اعلامیه پشتیبانی از حزب وحدت

فصل هفتم - دستاوردهای حزب وحدت اسلامی افغانستان

۲۲۴	 اجرای احکام شرعی
-----	------------------------

۲۲۴	از نظر سیاسی
۲۲۵	از نظر فرهنگی
۲۲۸	دستاوردهای حزب وحدت در خارج کشور
۲۲۹	از نظر فرهنگی و تبلیغاتی
۲۳۰	از نظر سیاسی
۲۳۱	هیئت حزب وحدت در پاکستان
۲۳۳	اجلاس چهار جانبه اسلام آباد
۲۳۶	حزب وحدت و کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی
۲۳۷	دومین اجلاس چهار جانبه در تهران
۲۴۰	هیئت حزب وحدت در سازمان ملل
۲۴۲	مسکو و سفر مجاهدین
۲۴۵	هیئت حزب وحدت در کنفرانس کشورهای اسلامی در سنگال
۲۴۷	سمینار حزب وحدت اسلامی افغانستان در آلمان

فصل هشتم - کنگره سراسری حزب وحدت اسلامی افغانستان در بامیان

۲۵۹	حزب وحدت اسلامی در کنگره سراسری
۲۶۴	قطعه نامه کنگره حزب وحدت اسلامی در بامیان



کتابخانه مجازی هزارستان
www.HaPdf.com

بنام خدا

نگاهی به تاریخ جنبش سیاسی شیعیان افغانستان

یکی از ابعاد بسیار مهم تاریخ سیاسی یک کشور، مطالعه و بررسی و تدوین تاریخ جنبش‌های سیاسی و قیام‌ها و مبارزات آزادی‌خواهانه و انقلابی آن کشور است و در واقع شیرین‌ترین و جذاب‌ترین و جاویدانه‌ترین بخش تاریخ جوامع انسانی را هم همین قسمت تشکیل می‌دهد چون در همین بخش است که اراده و آرمان توده‌ها و ملت‌ها تبارز پیدا کرده و عناصر انقلابی و ایثارگر و شخصیت‌های آگاه و وارسته بعنوان مظهر و سمبل حرکت مردمی و ملی ظهور کرده‌اند و در اوج کشاکش ظالم و مظلوم، استعمارگر و استعمار شده و حاکم و محکوم، پرافتخارترین حماسه‌ها را خلق نموده‌اند و با افشای چهره زر و زور و تزویر، واقعیت‌ها و حقیقت‌های کتمان شده تاریخ را منعکس ساخته‌اند.

در تاریخ سیاسی افغانستان این بخش از تاریخ ما آنطوری که باید و شاید، مورد پژوهش قرار نگرفته جز بصورت پراکنده و در لابلای کتاب‌ها و مقاله‌ها در حالی که مبارزات سیاسی و آزادیخواهانه ملت مسلمان افغانستان سابقه بسیار طولانی و روشن و افتخارآمیز داشته و مقتضی است که متفکران و پژوهشگران ما در این راستا گام‌های جدی‌تر و استوارتری بردارند و زاویه‌های تاریک و حرف‌های نگفته را با تصویری روشن و بی‌طرفانه از حوادث و رویدادها به خامه کشند.

در کنار مجموعه جنبش سیاسی در کشور، مبارزات آزادیخواهانه و جنبش انقلابی شیعیان افغانستان در عین اینکه سابقه طولانی و نقش مؤثر در تاریخ سیاسی کشور داشته، به دلائل گوناگون از طرف دوست و دشمن در پرده کتمان گذاشته شده و هنوز هم نویسندگان و مؤرخین افغانستان این ساحة وسیع از تاریخ وطن را نادیده می گیرند و یا اهمیت لازم را به آن نمی دهند و از این رو لازم است که فرهنگیان و محققان ما باید با صرف همت بیشتر در این وادی وارد شوند و تاریخ تحولات جامعه خود را با دقت و واقع بینانه و بی طرفانه مورد کنکاش قرار دهند و براساس اینکه «گذشته چراغ راه آینده است» برای نسل های آینده جامعه خود، چراغ های روشن و پرفروغ آگاهی و بیداری برافروزند.

جنبش سیاسی و انقلابی شیعیان افغانستان را می توانیم به دو دوره تقسیم کنیم :

اول - دوره پیش از انقلاب اسلامی .

دوم - دوره انقلاب اسلامی .

در دوره پیش از انقلاب، بخاطر شرایط خاص سیاسی و فرهنگی و سیاست تبعیض، اختناق و سرکوبگرانه رژیم های استبدادی و دست نشاندۀ حاکم، مردم ما تنها کاری که می توانستند، «دفاع از موجودیت» خود بود و بهمین جهت جز اتخاذ سیاست دفاعی، نتوانستند جنبش متشکل و سازماندهی شده پایدار و دوامدار سیاسی را پدید آورند و لذا حرکت سیاسی آنها بصورت قیام ها و خیزش ها و حرکت های پراکنده و مقطعی بروز یافته که هر چند هر کدام در مرحله خود از اهمیت بسزائی برخوردار بوده و تنها راه ممکن برای مقابله با استبداد محسوب می شده، ولی هیچ کدام بعنوان یک حزب و تشکیلات پایدار ظهور نکرده است که در این راستا بعنوان نمونه (البته بعد از دوره سیاه سرکوب وحشیانه عبدالرحمن) از حرکت فرهنگی ماهرانه و زیرکانه فیض محمد کاتب، اقدام انقلابی و ایثارگرانه شهید عبدالخالق، قیام شجاعانه ابراهیم

گاوسوار، جنبش سیاسی و انقلابی علامه شهید سید اسماعیل بلخی و یارانش و قیام‌های پراکنده دیگر می‌توان نام برد. البته در سال‌های اخیر سلطنت ظاهرشاه هم زمینه‌های لازم حرکت متشکل سیاسی و پایه‌گذاری تشکیلات انقلابی فراهم شده بود و از طرف علماء و روحانیت مبارز و روشنفکران مسلمان ما در کابل و هزاره‌جات و حوزات علمیه قم و نجف اشرف، فعالیت مؤثر و چشمگیر و وسیعی انجام گردید که در جای خود پیش زمینه‌ای برای دوره دوم و آغاز فعالیت‌های گروهی محسوب می‌شود.

مطالعه و بررسی این دوره مشکلات و پیچیدگی‌های زیادی دارد، زیرا اولاً محدوده وسیعی از زمان و حداقل سه صد سال را دربرمی‌گیرد و ثانیاً منابع و مدارک کافی در دسترس نیست و در لابلاهای صدها کتاب باید به مطالعه پرداخت و ثالثاً سیاست تبعیض و مداخله و تحریف و کتمان‌کاری در این دوره، واقعیت‌ها و حقایق را تا آنجا وارونه نشان داده که دستیابی به حقیقت را بسیار دشوار و مشکل ساخته است اما با همه این مشکلات می‌توان با جستجوی موشکافانه، حداقل پرده‌های کتمان را کنار زده و گوشه‌هایی از تحولات تاریخی را تحلیل و تبیین کرد همانطوری که تعدادی از محققین و نویسندگان ما همچون آقای یزدانی و عده دیگر گام‌های آغازین را در این رابطه برداشته‌اند که قابل تقدیر و مایه امیدواری است.

اما در دوره بعد از کودتای ننگین ۷ ثور و تسلط باند خلق و پرچم و آغاز قیام عمومی مردم مسلمان افغانستان، حرکت سیاسی و تشکیلاتی شیعیان افغانستان را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

- ۱- مرحله قیام عمومی و رویش احزاب و گروه‌های سیاسی.
- ۲- مرحله ادامه جهاد ضد روسی و اختلافات داخلی و درگیری‌های احزاب
- ۳- مرحله درک ضرورت وحدت و تأسیس حزب وحدت اسلامی

افغانستان .

مرحلهٔ اوّل که از سال ۵۷ آغاز می‌شود تا سال ۶۰، شاهد تأسیس ده‌ها حزب و گروه کوچک و بزرگ سیاسی است که از میان آنها می‌توان گروه‌های ذیل را برشمرد :

- * شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان .
 - * سازمان نصر افغانستان
 - * پاسداران جهاد اسلامی افغانستان .
 - * حرکت اسلامی افغانستان .
 - * نهضت اسلامی افغانستان .
 - * جبههٔ متحد انقلاب اسلامی افغانستان (که خود از پنج گروه دیگر تشکیل گردید) .
 - * حزب دعوت اتحاد اسلامی افغانستان (که از سه گروه ترکیب یافته بود) .
 - * سازمان نیروی اسلامی افغانستان .
 - * حزب الله افغانستان .
 - * سازمان مجاهدین مستضعفین افغانستان .
 - * کانون مهاجر افغانستان .
 - و ده‌ها گروه و انجمن دیگر .
- عوامل عمدهٔ این تعدّد عمدتاً عبارت بود از : عدم تجربهٔ سیاسی و عقب‌ماندگی فکری و فرهنگی، قیام عمومی و خودجوش مسلحانه در تمام مناطق و ولایات و عدم ارتباط و هماهنگی تشکیلاتی رهبران و گردانندگان قیام، خودخواهی‌ها و انحصارطلبی‌ها و بالاخره دخالت عناصر مخالف و احياناً دشمن در ایجاد تفرقه و تعدد و...

مرحله دوم که همزمان است با شدیدترین تهاجمات ارتش اشغالگر روس و مقاومت بی‌نظیر و شجاعانه مردم مسلمان ما در سرتاسر جبهات، شدیدترین بحران داخلی و درگیری‌های مسلحانه احزاب و گروه‌ها را نیز در بردارد که تا اواخر سال ۱۳۶۵ بشدت ادامه یافت و متأسفانه تلخ‌ترین و فاجعه‌آمیزترین حوادث در این مرحله رخ داد و در حالی که مردم از آن همه اختلاف حزبی و جنگ و درگیری کاملاً متنفر شده بودند، گروه‌ها و احزاب، هر کدام به توجیه مواضع خود پرداخته و به جنگ داخلی ادامه می‌دادند.

مرحله سوم آغاز حرکت جدی وحدت‌طلبی است که در سال ۱۳۶۶ در خارج کشور با تشکیل شورای ائتلاف و در داخل با آغاز فعالیت وسیع برای وحدت کامل گروه‌ها، شکل گرفت و در سال ۶۷ اجلاس‌ها و کنگره‌های بزرگ سرتاسری در مناطق مختلف هزاره‌جات منعقد گردید که نهایتاً در تاریخ ۲۵ سرطان ۶۸ حزب وحدت اسلامی افغانستان بطور رسمی تشکیل شده و آغاز به فعالیت کرد.

سه مرحله یاد شده، هر کدام شایسته این است که با دقت مورد مطالعه قرار گرفته و تاریخ وقایع هر مرحله بطور مفصل تدوین شود چون هنوز زمان زیادی نگذشته و شخصیت‌ها و شاهدان عینی حوادث زنده هستند و اگر از آن اقدام نشود ممکن است با سرنوشت دوره اول تاریخ خود مواجه شویم و چه بجا و شایسته است که شخصیت‌های فرهنگی انقلاب که خود هم در تحولات جامعه نقش داشته و هم از نزدیک شاهد صحنه‌ها بوده‌اند، دست به قلم برده و حداقل خاطرات و مشاهدات شخصی و دیدگاه‌ها و نظرات خود را در مورد این سه مرحله تدوین و منتشر کنند و در این راستا اقدام مفید و سازنده جناب آقای استاد عرفانی در تدوین کتاب حاضر که تاریخ بخشی از رویدادهای مرحله سوم و شکل‌گیری حزب وحدت اسلامی افغانستان را در بردارد، بسیار قابل قدر و امیدوار کننده است.

استاد قربانعلی عرفانی فرزند ابراهیم معروف به «عادل» یکی از روحانیون متدین و پرهیزکار زمان خود، در یکه‌ولنگ از ولسوالی‌های ولایت بامیان بدنیا آمده و در کودکی پدر را از دست داده و به همت بلند و استعداد عالی خود، در منطقه مشغول تحصیل شده و تا لمعتین را در یکه‌ولنگ به تحصیل ادامه داده و در سال ۱۳۴۷ به منظور ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شده و در آن حوزه تاریخی سطوح عالی را نزد اساتید مشهور نجف و خارج فقه و اصول را خدمت رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی و آیه الله شهید مصطفی خمینی و آیه الله شهید صدر علیه السلام تلمذ کرده‌اند.

استاد عرفانی در حوزه نجف در اثر آشنائی به افکار بلند و انقلابی امام خمینی علیه السلام و با درک اوضاع اسفبار ملت مسلمان افغانستان، مبارزه سیاسی و فرهنگی را آغاز می‌کنند و در سال ۱۳۵۳ همراه با حلقه‌ای از روحانیون مبارز افغانستانی در نجف اشرف، برای اولین بار اعلامیه‌ای را تحت عنوان «طلاب علوم اسلامی افغانستان» برضد رژیم ارتجاعی ظاهرشاه منتشر می‌نمایند و از طرف دیگر با علمای مبارز کابل و قم نیز ارتباط برقرار می‌کنند و در سال ۱۳۵۶ طی سفری به افغانستان با چهره‌هایی همچون آیه الله صادقی ترکمنی، سید میراحمد عالم و استاد مزاری و استاد واعظی شهرستانی و استاد ناطقی شفافی دایکندی و اندیشمند بزرگ شهید مبلغ از نزدیک آشنا می‌شوند و بدین ترتیب برای ادامه فعالیت‌های سیاسی، بین حلقه‌های کابل و قم و نجف اشرف هماهنگی کامل ایجاد می‌شود.

در سال ۱۳۵۷ با وقوع کودتای منحوس تره‌کی، استاد عرفانی همراه با استاد شهید سید حسین حسینی و استاد مفقودالثر عبدالحسین اخلاقی نجف را ترک گفته و وارد ایران می‌شوند و در این زمان است که مبارزات سیاسی وارد مرحله جدیدی می‌گردد و استاد عرفانی همراه با شهید حسینی و شهید واحدی و استاد بزرگوار عبدالعلی مزاری دبیرکل فعلی حزب وحدت اسلامی افغانستان و جمعی دیگر «سازمان نصر افغانستان» را تشکیل می‌دهند و در این چوکات به

مبارزات فعال خود ادامه می‌دهند. لازم به تذکر است که اعضای شورای مرکزی و رهبری کننده سازمان نصر عبارت بودند از: استاد عبدالعلی مزاری، استاد قربانعلی عرفانی، استاد صادقی ترکمنی، استاد عزیزالله شفق، استاد سید عباس حکیمی، استاد محمد کریم خلیلی، استاد یوسف واعظی، استاد خادم حسین ناطقی شفائی، استاد محمد ناطقی پنجابی و استاد شهید سید حسین حسینی.

استاد عرفانی در طول دوره انقلاب سفرهای متعددی به داخل کشور داشته و از نزدیک با جبهات جهادی و سنگرهای رزم ارتباط داشتند. در سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ دو بار به داخل رفتند و برگشتند و در سال ۱۳۶۵ برای بار سوم به داخل رفتند که نزدیک به سه سال در داخل کشور برای ایجاد اتحاد بین احزاب و گروه‌ها فعالیت کردند و در زمستان ۱۳۶۷ بعنوان اولین پیام‌رسان اتحاد از داخل کشور به ایران آمدند و در اینجا با فعالیت شبانه‌روزی در جهت اتحاد تلاش کردند و در میزان ۶۸ مجدداً به داخل کشور رفتند و این سفر در زمانی بود که حزب وحدت اسلامی بطور رسمی در بامیان تشکیل شده و آغاز به کار کرده بود و در سال ۱۳۷۰ به ایران آمدند و بعنوان عضو شورای نمایندگی حزب وحدت اسلامی در تهران مشغول انجام وظیفه شدند و با پیروزی مجاهدین بلافاصله به کابل رفتند و در یک و نیم سال اخیر دو بار برای انجام مأموریت به خارج آمده و سریعاً به کابل بازگشته‌اند و در آنجا بعنوان عضو شورای مرکزی و عضو شورای تصمیم‌گیری کابل در پست‌های مختلف فعالیت کرده‌اند و هم‌اکنون (قوس ۱۳۷۲) هم در کابل تشریف دارند.

یکی از ویژگی‌های شخصیت استاد عرفانی این است که علاوه بر شخصیت سیاسی و جهادی و سهم‌گیری در همه تحولات ۱۵ ساله اخیر، یک عنصر ورزیده فرهنگی، سخنور توانا، نویسنده چیره دست و یک محقق و پژوهشگر خستگی‌ناپذیر هستند و تاکنون مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته‌اند که از آن جمله کتاب‌های «امر به معروف و نهی از منکر»، «صبر از دیدگاه قرآن»، «امام خمینی و انقلاب اسلامی افغانستان»، «تحولات سیاسی - اجتماعی

بامیان» از ایشان چاپ و منتشر شده و مقالات متعددی هم در مجلات و جرائد ایران و افغانستان نشر یافته است. ایشان از معدود کسانی هستند که همیشه و در هر سفر، دفتر و قلم با خود همراه داشته و خاطرات سفر و مشاهدات خود را بطور کامل یادداشت می‌کنند که در این رابطه مجموعه «خاطرات سفر» ایشان یک مجموعه جذاب و شیرین و خواندنی است و اگر روزی تنظیم و چاپ شود حتماً مورد استقبال خوانندگان قرار می‌گیرد و کتاب حاضر هم در واقع محصول همین یادداشت‌ها است و در جای جای آن، خاطرات شخصی ایشان را در سفرهای متعددی که در راستای تأسیس و تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان داشته‌اند می‌خوانید که خود به شیرینی و دلچسپی کتاب افزوده و آن را جذاب‌تر ساخته است.

یکی از امتیازات عمده این کتاب این است که همه مطالب و محتویات آن از مشاهدات عینی نویسنده می‌باشد چون ایشان که خود یکی از بنیان‌گذاران اولیه حزب وحدت اسلامی هستند، در تمام مراحل و تأسیس این حزب، پا بپای همه تحولات در داخل و خارج کشور از نزدیک حضور داشته و ناظر صحنه بوده‌اند و از این رو تمام مطالب آن مستند و مطابق با واقعیت‌ها می‌باشد.

البته تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان که بحق می‌توان آن را یک انقلاب دوم در جامعه شیعی افغانستان دانست، تاریخ پرفراز و نشیب و ماجراهای تلخ و شیرین بسیار دارد مخصوصاً حوادث بیست ماهه اخیر در کابل و داستان جنگ‌ها، مقاومت‌ها، ایثارگری‌ها و مظلومیت‌ها که هیچکدام در این کتاب نیامده است و همانطوری که از نام آن پیدا است فقط «از کنگره تا کنگره» یعنی از کنگره پنجاب در ۲۵ سرطان ۶۷ تا کنگره سراسری حزب در بامیان بتاريخ ۱۳۷۰/۶/۲ را بررسی کرده است و امیدوار هستیم که نویسنده محترم، دنباله تاریخ حزب وحدت اسلامی را بعنوان جلد دوم نیز بزودی تهیه کرده و آماده انتشار نماید تا رویدادهای این مرحله از جنبش سیاسی جامعه ما بطور مستند در سینه تاریخ کشور ثبت شود.

در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای نویسنده محترم این کتاب و همه نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و جهادی کشور لازم است این نکته را یادآور شویم که مواضع و دیدگاه‌های شخصی ارائه شده در متن کتاب، مربوط به نویسنده آن می‌باشد و الزاماً بدان معنی نیست که همه مطالب، مطابق نظر و دیدگاه «مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان» باشد.

و السلام

مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان - قم

قوس ۱۳۷۲ ش

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنی با خوانندگان:

تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان که زیر بنای اصلی آن در کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی کشور در ولسوالی پنجاب صورت گرفت، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی کشور و یک پدیده بزرگ و کاملاً استثنایی در دوران انقلاب اسلامی افغانستان می باشد.

تثبیت حاکمیت حزب وحدت اسلامی در سراسر مناطق مرکزی کشور و در جای جای افغانستان بیانگر ژرف نگری و عمق اندیشه رهبران و مسئولین حزب وحدت اسلامی است که با شناخت دقیق و عینی از واقعیت های موجود، قدرت خلاق و سازنده خود را به نمایش گذاشتند. از این رو بر تمامی نیروهای سیاسی و اجتماعی و تک تک ملت شجاع و مؤمن ما که در یک گذرگاه مهم تاریخی قرار گرفته اند، لازم است مسئولیت خطیر خود را درک نموده، گذشته و آینده خود را مورد بررسی و دقت قرار دهند و بدانند تنها نجات و رستگاری ما در تشکل و هماهنگی زیر سایه حزب وحدت اسلامی است و بدانند حزب وحدت تنها جریانی است که می تواند حافظ منافع مردم و آرمانهای واقعی آنها باشد.

در طول انقلاب اسلامی در افغانستان بسیاری از راهها و شیوه ها برای هماهنگی و همسویی نیروهای جهادی به کار گرفته شد، ولی هیچ یک از آن شیوه ها کار ساز نبود و موفقیت نداشت؛ اگر آتش اختلاف و نفاق را در گوشه ای مهار می کردیم، متأسفانه آتش نفاق از سوی دیگر شعله می کشید و حزب وحدت اسلامی تنها آزمایشی است که باید در راه تقویت و استمرار آن تلاش صورت گیرد.

حزب وحدت اسلامی افغانستان آخرین تیری است که به سوی هدف رها شده و باید به هدف اصابت کند و اگر این تشکل نوپا و آرمانی «خدای نکرده» ضربه بخورد پیامد آن هرج و مرج و آنارشیزمی است که مهار نمودن آن مشکل بوده و تمام دست

آوردهای حزب وحدت به باد خواهد رفت، زیرا در گذشته احزاب و سازمانهایی بودند که هر کدام برای خود اصول و تشکیلاتی برگزیده و بر همان اساس فعالیت می کردند، اکنون که آن دیوارها فرو ریخته و جای خود را به حزب وحدت اسلامی داده است، بر هر یک از مسئولین و رهبران این جریان مقدس و مردمی است که مصالح علیای مردم خود را بر هر چیزی مقدم بدارند و در راه حفظ، تقویت و تشکل بهتر آن تلاش نمایند.

حزب وحدت اسلامی افغانستان محصول تلاش ها و رنجهای فراوان مردمی است که تلخی ها و مرارت های تبعیض و تعصب های جاهلی را با تمام وجود خود در طول تاریخ در سرزمین آبائی خود لمس کرده و برای بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی خود راه های پر و پیچ و خم و طولانی را با همه سختی هایش طی نموده است و اکنون در سایه این رستاخیز ملی می روند تا هویت اصلی خود را باز یافته و در کاروان تمدن بشری همراه با دیگران راه فلاح و ترقی را پیمایند.

در خاتمه لازم می دانم نکاتی چند را در رابطه با نوشته حاضر برای خوانندگان محترم تذکر دهم:

۱- کتاب حاضر که به نام «حزب وحدت اسلامی افغانستان از کنگره تا کنگره» نامگذاری شده حاوی مطالبی است که از بدو تاسیس آن یعنی از کنگره پنجاب ۱۳۶۷ تا کنگره بامیان ۱۳۷۰ تدوین شده و در لابلای آن تمام تحولات سیاسی و اجتماعی، سیر حوادث و چگونگی به وجود آمدن این تشکیلات، قدم به قدم چه در داخل کشور و چه در خارج آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و امید است که برای خوانندگان گرامی مفید واقع شود.

۲- در این کتاب که مشتمل بر هشت فصل و یک مقدمه می باشد، علاوه بر تدوین روند تاریخی تشکیل حزب وحدت اسلامی، از مسئولین و قوماندانها و افرادی که به نحوی در ایجاد اتحاد سراسری تلاش نمودند یاد آوری شده است و این کار تنها به عنوان یک ادای وظیفه در برابر کوشش این برادران صورت گرفته و هیچگونه انگیزه جنبی و گرایش های شخصی دخالت ندارد.

۳- در این نوشتار تنها به روند تاریخی و سیر حوادث تشکیل حزب وحدت بسنده شده و از تحلیل ها و پیش داوریهای غیر ضروری که احیاناً مطالب اصلی کتاب را گم و یا کمرنگ می کند خودداری شده است.

۴- این کتاب که بیانگر نحوه تشکیل حزب وحدت اسلامی از سال های ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۰ می باشد تمام مطالب و مندرجات آن مربوط به همان زمان است و حرکت های سرنوشت ساز و تاریخی که پس از سال ۱۳۷۰ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی اتفاق افتاده و جنگ های تحمیلی علیه حزب وحدت اسلامی در کابل و مقاومت کم نظیر مردم ما در عرصه های سیاسی و نظامی که خود حماسه جاودانه است نیاز به تدوین کتاب جداگانه ای دارد که امیدواریم به زودترین فرصت اقدام صورت گیرد.

۵- در این نوشتار علاوه بر یادداشتهای شخصی ام از مجله میثاق وحدت، تجلی وحدت، پیک و طلوع وحدت و جزوه تشکیل حزب وحدت نقطه عطفی مهم و تعیین کننده نیز استفاده شده است.

هدف از نگارش کتاب:

هر حرکت سیاسی، اجتماعی و تاریخی در وقت و زمان خود، اگر در لابلای اوراق حفظ نشود، ممکن است برای همیشه در سینه تاریخ دفن شود، حزب وحدت اسلامی که خود یک تاریخ است، باید در شرائط موجود تدوین و در اختیار نسل های بعدی گذارده شود، زیرا تجربه نشان داده اگر جامعه ای برای یک واقعیت تاریخی مربوط به زمان خود اهمیت قائل نشود و از کنار آن به سادگی بگذرد مسلماً در آینده های دور دچار سردرگمی و خلأ تاریخی خواهد شد زیرا اگر ملتی پشتوانه تاریخی نداشته باشد، هویت اجتماعی هم نخواهد داشت! حوادث دوران انقلاب بخصوص پدیده حزب وحدت برای نسل های آینده ما خود یک تاریخ است! تاریخ پرافتخار و ارزشمند و الهام بخش.

حزب وحدت اسلامی به عنوان یک حرکت تاریخی باید بصورت اصلی و واقعی خود در نسل های آینده منتقل شود، مبدا تحریف گران حقائق، آنها که در سایه زر، زور

و تزویر برای خود تاریخ می سازند، حقایق را وارونه نشان دهند و برای تحکیم موقعیت خود نسلی را متهم و در دادگاه تاریخ محاکمه نمایند.
در پایان از آقایان که در تنظیم و چاپ این کتاب همکاری نموده صمیمانه تشکر و قدردانی می شود.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه اُنِیب

قربان علی عرفانی

۱۳۷۲/۳/۵

پیش درآمدی بر تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان:

هر چند تشکّل اصلی و بنیادی حزب وحدت اسلامی افغانستان در کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی، در مرکز ولسوالی پنجاب از توابع ولایت بامیان در برج سرطان ۱۳۶۷ پی ریزی شد که در نوع خود برجسته ترین ابتکار و پربارترین حرکت الهی و خودجوش مردمی بود و در یک ارزیابی گذرا و مختصر نتایج مثبت و پر ثمری در پی داشت، ولی این اقدام تاریخی و سرنوشت ساز، یک حرکت آنی و زود رس و بریده از گذشته به شمار نمی آید بلکه ریشه این حرکت در درون انقلاب اسلامی کشورمان نهفته است. یعنی اندیشه خالص وحدت خواهی و آرمان وحدت طلبی عمومی از همان روزهای نخست قیام عمومی، در قلب تک تک ملت مسلمان ما نهفته بود تا در سایه اتحاد سراسری و فراگیر، تشکّل آرمانی جهت دار بوجود آید و انقلاب را تا پیروزی نهایی رهبری نماید.

مسئولین احزاب و سازمانهای اسلامی از همان آغاز انقلاب که تشکّل و سازماندهی خاص خود را داشتند، در راه تحقق این امر مقدس و حیاتی (وحدت عمومی) فعالیت می کردند و فریاد وحدت خواهی از هر گوشه و کنار بلند بود و همه در آرزوی چنین روزی بسر می بردند، متأسفانه در شرایط بحرانی و حساس آن روز که همه مردم در اوج اندیشه و احساس انقلابی به سر می بردند، این فریاد کمتر به گوشها می رسید و بلکه در میان امواج تند انقلاب و موضعگیریهای متفاوت گم و حداقل کمرنگ میگردید.

با سپری شدن عمری از انقلاب اسلامی در افغانستان و با پخته تر شدن تجربه های انقلابی و آزمایشهای تلخی که در کوران پرتنش انقلاب و رستاخیز عظیم جهادی بدست آمد، اندیشه مقدس وحدت گرایی بیشتر از گذشته در دل مجاهد مردان پارسا و متقی جوانه زد و رشد نمود و زمینه های مساعدی در جهت تحقق این ایده مقدس و خدایی فراهم گردید. از این رو می دیدیم سران احزاب و سازمانهای اسلامی در ادامه فعالیت های جهادی با دایر نمودن جلسه های متعدد و با عشق و علاقه فراوان در صد

شدند تا تارهای عنکبوتی را که در اطرافشان تنیده‌اند، پاره نموده، در صف واحدی با هم متصل شوند.

هر چند سیر تکاملی این حرکت مقدس دارای ابعاد وسیع و گسترده است که در هر گوشه و زاویه آن فرازهایی از فضیلتها و ارزشهای تاریخی نهفته است ولی ما برآنیم که این حرکت را بصورت کوتاه و فشرده به رشته تحریر درآوریم چونکه فرو رفتن در زوایای پریچ و خم دوران انقلاب، از هدف اصلی مان که همان تدوین تاریخ اتحاد است باز خواهد داشت. بدین مناسبت لازم می دانم گوشه ای از فعالیتهایی را که برای اتحاد در طول انقلاب اسلامی مان صورت گرفته، به گونه ای گذرا و فهرست وار یادآور شویم تا از نظر تاریخی سندی باشد برای وحدت خواهی و پیگیری آن برای ملت عزیز و قهرمان مان.

الف: اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان

در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۴ عده ای از احزاب اسلامی تحت عنوان «حزب اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان» اعلام موجودیت نمود که اولین اطلاعیه شان بدین شرح منتشر شد:

بسمه تعالی

به اطلاع عموم برادران مسلمان بویژه ملت مسلمان افغانستان می رسانیم که:

۱- نهضت اسلامی افغانستان

۲- حرکت اسلامی افغانستان

۳- سازمان نصر افغانستان

۴- نهضت روحانیت و جوان افغانستان

۵- اتحادیه علمای افغانستان

به تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۴ در حزب واحدی بنام «حزب اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان» با هم متحد شدند. بنابراین هر گونه اعلامیه، بیانیه و مصاحبه‌ای که بنام یکی از

این گروه‌ها در رادیو یا روزنامه پخش و نشر می شود، مربوط به این گروه نخواهد بود و اعلامیه تنها به اسم «اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان» منتشر می شود.

حزب اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان ۱۳۵۷/۱۰/۲۴

حزب اتحاد، نشریه‌ای بنام «آزادی» داشت که اطلاعیه فوق در اولین و آخرین شماره آن در برج دلو ۱۳۵۸ به چاپ رسید ولی متأسفانه بسیار زود دفن شد و حتی از پخش آن نیز جلوگیری به عمل آمد!

به دنبال این حادثه عده‌ای از مهاجرین آگاه و دلسوز ما که از عمق توطئه آگاه شدند دست به تظاهرات زدند و خواستار وحدت تمامی گروه‌های اسلامی موجود در افغانستان شدند و دستهای نامرئی که برای انحلال اتحاد بکار افتاده بودند را محکوم نمودند.

ب: جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان

ایادی مرموز پیدا و نهان که از هر سو، برای تخریب اتحاد دراز شده بود نگذاشتند روند اتحاد بصورت طبیعی مراحل خود را طی کند. احزاب و سازمانهایی که هنوز در اتحاد نیامده بودند که باید به تدریج جذب می شدند. دیدیم که قبل از پخته شدن اتحاد مسئله ائتلاف احزاب و سازمانها مطرح و سرانجام پس از نشستهای بسیار ده گروه از سازمانهای تشیع افغانستان تحت عنوان: «جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان» با هم جمع و اطلاعیه ائتلاف خود را بدین شرح به آگاهی مردم مسلمان افغانستان و جهان رسانیدند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«و اعدو الهم ما استطعتم من قوة»

در برابر زور گویان و تجاوزگران تا میتوانید قویان را بسیج کنید.

(قرآن کریم.)

در این مقطع حساس از تاریخ کشورمان که استعمار سرخ کرملین به منظور بلعیدن سرزمین افغانستان و به اسارت کشیدن ملت غیور آن، دهان را به مثابه جهنم سوزانی باز و ارتش خونخوارش را همانند مور و ملخ در سرزمین ما پراکنده است و در این برهه

بحرانی که ملت مظلوم و دلیر ما اعم از زن و مرد و پیر و جوان به جرم مسلمان بودن توسط هواپیماهای روس بمباران و به وسیله جلاخان و آدم کشان روسی به رگبار مسلسل بسته می شوند، این حقیقت بر تمام نیروهای مبارز مسلمان افغانستان ثابت شده است که جز با تشکل و سازماندهی کامل همه نیروهای انقلاب اسلامی، غلبه بر دشمن بسی نیرومند که تا بن دندان مسلح و از پیشرفته ترین تجهیزات نظامی و تاکتیکیهای جنگی بر خوردار است، امر مشکل و دشواری خواهد بود.

مضافاً این که امپریالیسم غرب به سرکردگی امریکا و رژیم توسعه طلب چین نیز چشم طمع بسوی خاک وطن عزیزمان دوخته اند و با هیاهو و جار و جنجال می خواهند بعد از شکست روسها جای پای برای خود تدارک ببینند.

لذا نهادها و سازمانهای اسلامی - سیاسی بر آن شدند تا نیروهای اسلامی و مردمی خود را علیه دشمن خونخوار یعنی ابر قدرت روسیه و هر قدرت متجاوز دیگر، با الهام از ندای رهایی بخش قرآن در جبهه منظمی تحت عنوان «جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان» بسیج نموده، با وحدت عمل در جهت نجات اسلام و میهن اسلامی خود گامهای فراتری به پیش گذارند.

جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان که از شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان و گروههای نه گانه ای که ذیلاً ذکر می شود، تشکیل یافته، با در نظر داشت وظیفه ملی و اسلامی و درک مسئولیت خطیر و سنگینی که در قبال ملت مسلمان و محروم افغانستان به عهده دارد تشکل و مبارزه اش را تا محو کامل هر گونه استبداد و استعمار و ایجاد جمهوری عدل اسلامی و استقلال کامل وطن از قید و بند سلطه گران شرقی و غربی در تمام بافتهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ادامه خواهند داد. از تمام مسلمانان جهان تقاضا می شود که ما را در این مبارزه سخت و بی امان تنها نگذارند.

اسامی نیروهای مؤتلفه

۱- شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان

- ۲- سازمان نصر افغانستان
- ۳- حرکت اسلامی افغانستان
- ۴- حزب اسلامی رعد افغانستان
- ۵- نهضت اسلامی افغانستان
- ۶- مجاهدین خلق افغانستان
- ۷- سازمان نیروی اسلامی افغانستان
- ۸- جنبش اسلامی مستضعفین افغانستان
- ۹- نهضت روحانیت و جوان افغانستان
- ۱۰- اتحادیه علمای افغانستان

برای جبهه آزادیبخش اساسنامه‌ای زیر نظر علمای بزرگ و شخصیت‌های سیاسی تدوین شد و مجله‌ای بنام «عاشورا» در چندین نوبت منتشر گردید و امکاناتی هم به همین عنوان داخل کشور ارسال شد. با این همه کار و فعالیت که در راه ایجاد چنین تشکلی صورت گرفت و دلهای ملت مستضعف ما را بخود متوجه نمود، دیدیم که جبهه آزادیبخش بسیار زود از هم متلاشی و بدون اعلان رسمی منحل شد. البته فروپاشی جبهه دارای عوامل گوناگون و متعددی است که تا آنجا که لازم می‌دانم یاد آوری می‌نمایم:

- ۱- عدم متجانس بودن گروههای مؤتلفه که با گرایشها و دیدگاههای متفاوت گرد آمده بودند.
- ۲- خودخواهی و خود محوری بعضی از سران و رهبران گروههای مؤتلفه که از نظر تبلیغاتی از نام و عنوان ائتلاف، برخلاف مقررات تشکیلاتی، به نفع خود استفاده می‌کردند.
- ۳- دخالت ناروای بعضی از افراد و عناصر که پس از مدت زمانی چهره‌شان آشکار گردید.
- ۴- عدم اعتقاد بعضی از همین گروهها به جبهه آزادیبخش که تنها از وجهه مردمی

وامکاناتی آن می خواستند چند روزی سود ببرند که برای مدتی هم این کار را ادامه دادند.

ج: جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان:

در ادامه فعالیتهای مستمر برای ایجاد هماهنگی بین گروهها و سازمانهای همسو، جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان متشکل از چهار گروه که ذیلاً آورده می شود به تاریخ ۶/۱۱/۶۱ طی اطلاعیه ای اتحاد خود را اعلان نمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصمو بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (قرآن کریم)

اگر مسلمین اتحاد کنند نه افغانستان مورد هجوم واقع می شود و نه فلسطین.

(امام خمینی)

پرواضح است که ابرجنایتکاران شرق و غرب و کمپانیهای فریکار استعماری جهان، همه دست به دست هم داده و در جستجوی یافتن راه حل سیاسی مسئله افغانستان بر آمده اند تا آبروی برباد رفته و شکستهای سیاسی نظامی سوسیال میلیتاریسم روسیه جهانخوار را در برابر امت شهادت خواه و مقاوم افغانستان جبران نمایند.

بنابراین اگر دیر بجنبیم بیم آن می رود که خواسته های بحق ملت مسلمانان که در پی اصالت بخشیدن به ارزشهای والای اسلامی و حفظ و حراست از حیثیت، شرف و سنگر اعتقاد اسلامی خویش صدها هزار انسان آزاده را تقدیم راه خدا (جل جلاله) کرده اند، پایمال نمایند که در چنین شرایط، همبستگی و فشرده شدن هر چه بیشتر نیروهای اصیل و رهروان راه الله و پویندگان خط ولایت فقیه یک ضرورت حیاتی و انقلابی بوده و وجوب شرعی دارد.

لذا است که با درک این ارزش الهی و برای رفع سریع سلطه باطل و فروستن دروازه های شرک و ستم و تخریب لانه های فساد، نفاق و... و تحقق بخشیدن به فرامین قرآن عظیم الشأن، اینک چهار سازمان اصیل اسلامی معتقد به ولایت فقیه، دارای

سابقه طولانی مبارزه علیه کفر و استبداد، در فضای آرام و صمیمانه، ائتلاف خود را بر مبنای خط مشی روشن که با آرمان همه ملت ما سازگار است، تحت عنوان «جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان» اعلام می‌دارند.

این جبهه با اتکال به نیروی لایزال الهی دست وحدت و اخوت بسوی همه امت مسلمان افغانستان، بخصوص روحانیون، علمای نیروها و گروههای اصیل اسلامی و کسانی که مدتها از تعدد سازمانها و همچنین از تعصبات کور نژادی، منطقه‌ای، گروهی و... در افغانستان رنج برده‌اند و صادقانه خواهان هماهنگی هستند، دراز نموده و با ضوابط و معیارهای اسلامی به استقبال همه علاقه‌مندان شتافته، تقاضای همکاری برادرانه می‌نماید و نیز از قاطبه امت اسلامی و جنبشهای رهائی بخش جهان و همه نهادهای اسلامی و ارتباط جمعی جمهوری اسلامی ایران انتظار داریم که در راه پیشبرد این هدف مقدس ما را یاری فرمایند. تا باشد انشاء الله گام مثبتی در راه به ثمر رساندن انقلاب اسلامی افغانستان برداشته باشیم.

برقرار باد وحدت مسلمانان در سراسر جهان

سرنگون باد شرک و کفر و نفاق

جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان

۱۳۶۱/۱۱/۶

۱- سازمان اسلام مکتب توحید

۲- سازمان روحانیت و جوان افغانستان (رجا)

۳- سازمان فدائیان اسلام

۴- فدائیان امت مسلمان افغانستان (فاما)

د: ائتلاف چهارگانه:

در ادامه حرکت وحدت خواهی بین احزاب و سازمانها در سال ۱۳۶۳ پس از

مذاکرات جدی که تقریباً شش ماه طول کشید چهار گروه:

۱- پاسداران جهاد اسلامی افغانستان

۲- جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان

۳- سازمان نصر افغانستان

۴- نهضت اسلامی افغانستان

تصمیم به ائتلاف گرفتند که بنام «سازمانهای مؤتلفه» یاد می شدند اما این ائتلاف هم با اعلام موجودیت خود به پایان رسید، آقای مزاری اولین و آخرین سخنگوی آن بود و جز تعدادی اعلامیه و بیانیه مشترک در مسائل سیاسی اثر دیگری از آن باقی نماند.

فعالیت جدی و مستمر برای ایجاد اتحاد عمومی در سال ۶۴ و ۶۵ نیز با قدرت و شدت ادامه داشت که این بار نیز با دخالتهای ناروای بعضی از عناصر... و ایجاد جو متشنج و شانتاژ، روند رو به افزایش اتحاد را ملوث نموده، وحدت خواهان واقعی را دلسرد و نگران نمود. عده ای از برادران موثر جهادی که در برابر دخالت دیگران مقاومت میکردند پس از بررسی و تحلیل عمیق از اوضاع سیاسی... بدین نتیجه رسیدند که روند اتحاد در خارج کشور، آسیب پذیر خواهد بود و با دخالت های ناروا به نتیجه نخواهد رسید و نیز کسانی که دربرون از کشور زندگی می کنند کمتر می توانند ضرورت اتحاد را درک نمایند. از این رو، ضرورت ایجاد می کند که این حرکت در داخل کشور و از درون سنگرها آغاز می شود. لذا عده ای از مسئولین محترم و دلسوز جامعه راهی افغانستان شدند تا به آرمان مردم که همانا ایجاد اتحاد عمومی است جامه عمل بپوشانند.

ه: شورای ائتلاف اسلامی افغانستان:

هر چند تشکل شورای ائتلاف در زمستان سال ۶۵ پی ریزی شده بود ولی موجودیت رسمی آن در بهار سال ۶۶ اعلام گردید. احزاب و سازمانهایی که زیر پوشش شورای ائتلاف فعالیت می کردند به شرح زیر می باشد:

۱- سازمان نصر افغانستان

۲- حرکت اسلامی افغانستان

۳- نهضت اسلامی افغانستان

۴- جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان

۵- سازمان نیروی اسلامی افغانستان

۶- دعوت اسلامی افغانستان

۷- پاسداران جهاد اسلامی افغانستان

۸- حزب الله افغانستان

۹- شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان که بعداً به شورای ائتلاف پیوست

انگیزه تشکیل شورای ائتلاف

ایجاد قدرت منسجم و هماهنگ مردمی، جلوگیری از اختلاف، ایجاد وحدت سرتاسری، اتخاذ استراتژی واحد از نظر سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، معرفی مبارزات مردم تشیع افغانستان در سطح جهان و در نهایت استقرار حکومت اسلامی در افغانستان هدف اصلی این ائتلاف بود.

در بخشنامه این شوری آمده است:

۱- هیچ یک از اعضای ائتلاف هشتگانه حق تعرض، تجاوز و جنگ علیه یکدیگر را ندارند و چنانچه در بعضی مناطق مخاصماتی وجود داشته باشد با رسیدن این اطلاعیه موظف هستند که فوراً دست از جنگ بکشند و اختلافات خود را از طریق مذاکره و به شیوه برادرانه حل و فصل نمایند.

۲- هیچ یک از اعضای مذکور، حق تبلیغ سو، علیه یکدیگر را ندارند که تبلیغات مقدمه نزاع و جنگ سرد پیش درآمد جنگ گرم خواهد بود.

۳- همه اعضای ائتلاف هشتگانه آزاد هستند که در تمام مناطق، فعالیتهای تبلیغاتی، جهادی، دفاتر فرهنگی و در صورت نیاز پایگاه نظامی داشته باشند، هیچ گروهی از گروههای عضو، حق جلوگیری و ایجاد مانع را ندارد.

در ارزیابی عملکرد سه ساله شورای ائتلاف بدین نتیجه می رسیم که این شورا از نظر سیاسی و تبلیغاتی و معرفی چهره انقلاب اسلامی مردم تشیع افغانستان گامهای استوار و بلندی برداشته است، بخصوص پس از دیدار و گفتگو با نماینده روسیه در

تهران، امضای پر تکل شورای مشورتی، طرح دولت موقت پیشاور، تبادل هیئتها بین تهران و اسلام آباد و مذاکرات همه جانبه با برادران اتحاد هفتگانه، توانست شیعیان افغانستان را به عنوان مجموعه هماهنگ و قدرت مؤثر جهادی و سیاسی در صحنه جهانی مطرح کند اما با همه عملکرد مثبت و مفیدی که داشت ولی در داخل کشور برای رفع مخاصمات، جلوگیری از تشنج که در بعضی مناطق بین گروههای مؤتلفه وجود داشت نتوانست گام عملی و مؤثری بردارد در شرائطی که برادران مسئول در شورای ائتلاف خارج کشور دوستانه دور میز نشسته، پیرامون مسائل سیاسی در رابطه با افغانستان و جهان تبادل نظر می کردند، در داخل کشور بین همین نیروهای مؤتلفه اختلاف و کشمکشهای حادی وجود داشت و گهگاه به زد و خورد منجر می شد.

شورای ائتلاف در دوران عمر سه ساله خود، نه طرحی عملاً برای اتحاد نیروها داشت و نه هیئتی برای اصلاح امور، به داخل اعزام کرد و نه امکاناتی برای برادران مجاهد در افغانستان تدارک دید. تنها در محدوده خارج مشغول فعالیت سیاسی و تبلیغاتی بودند عملکرد شورای ائتلاف بخصوص در اواخر آنچنان دور از واقعیتهای موجود در جامعه ما بود که یک نوع فاصله از نظر موضعگیری بین داخل و خارج احساس می شد. از اینرو، ائتلاف نمی توانست برای مدتی دوام داشته باشد.

و: تلاش برای اتحاد در داخل کشور:

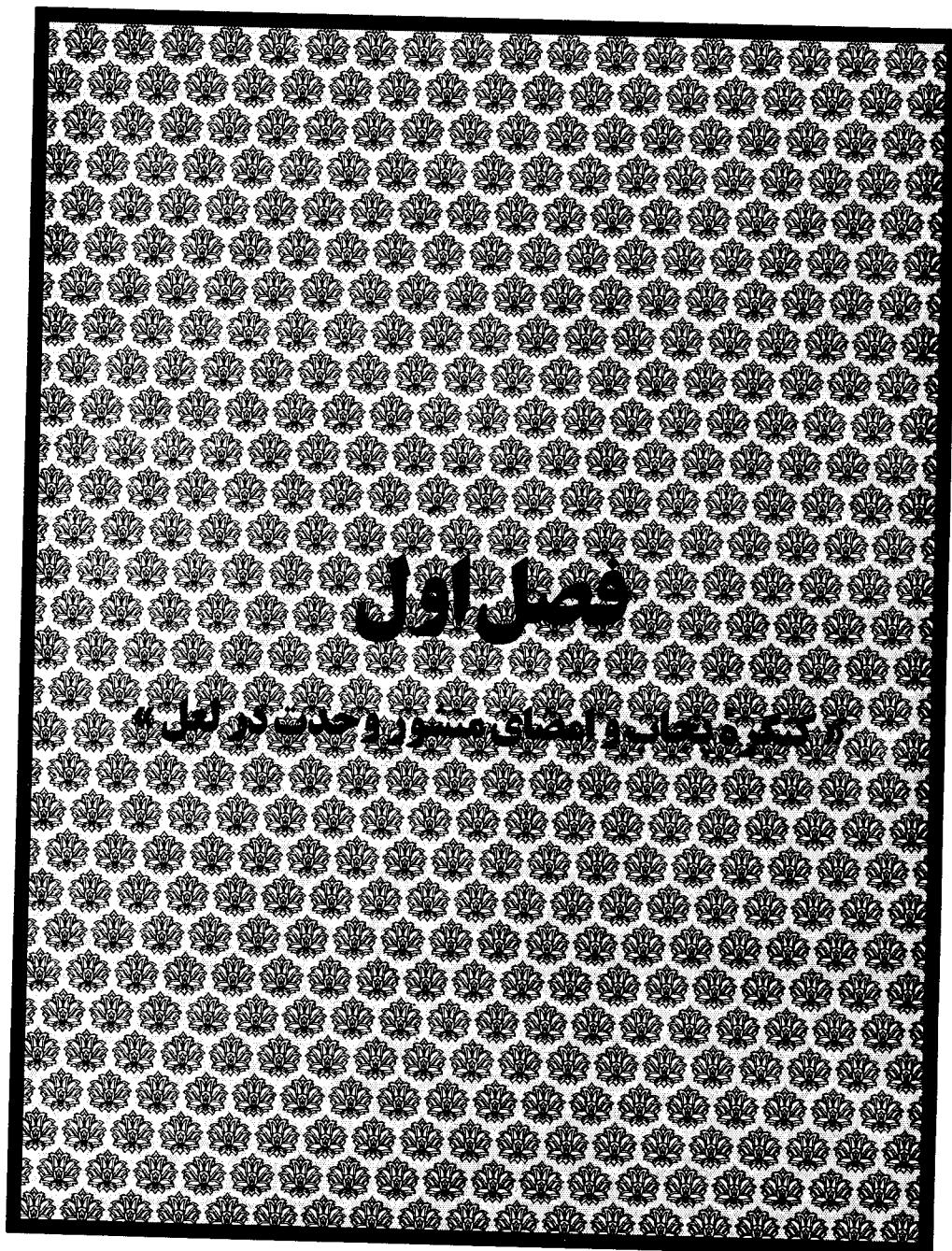
همانگونه که گفته آمد فعالیتهای مستمر و جدی برای ایجاد وحدت سراسری بین احزاب و سازمانهای اسلامی در خارج کشور همواره با شکست مواجه می شد و این عدم موفقیت برادران در خارج، انگیزه ای شد برای پیگیری و ادامه فعالیت وحدت خواهی در داخل کشور.

لذا عده ای از برادران چون آقای عبدالعلی مزاری و آقای محمد ناطقی و بنده در اوایل سال ۱۳۶۵ راهی افغانستان شدیم.

در ابتدای ورود به ولایت ارزگان از تمام علمای بزرگان، فرماندهان و مسئولین احزاب از جمله آقای صادقی دعوت به عمل آمد تا با ایجاد جو سالم و حسن

تفاهم بتوانیم جلو تشنج را بگیریم. متأسفانه در اثر سؤطن حاکم بر سران احزاب گردهمائی بصورت لازم و فراگیر صورت نگرفت ولی ما همچنان به تلاشهای خود در جهت هماهنگی احزاب اسلامی ادامه دادیم و پس از گشت و گذار در مناطق مرکزی - هزاره جات - و گفتگو با مسئولین سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد توانستیم جلسه‌ای را در تاریخ ۱۴ عقرب ۶۵ با حضور مسئولین سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان از ولایات میدان، پروان، غور، ارزگان و بامیان در ولسوالی پنجاب منطقه دهن گهدر دایر نماییم. این گردهمائی به مدت ۲ روز به درازا کشید و مصوبه‌ای امضا شد که در آن بر ضرورت اتحاد احزاب و سازمانهای اسلامی تأکید شده بود و قرار شد از بقیه گروهها نیز دعوت بعمل آید که در این رابطه هیئتهائی بسوی ولایت سمنگان (دره صوف) بلخ و غزنی اعزام گردید و گردهمائی بعدی در پانزده قوس ۶۵ موکول گردید.

در فرصتی که پیش آمد آقایان مزاری، عزیزالله شفق، محمد ناطقی و من سفر عاجلی به سوی ولایت سمنگان و بغلان داشتیم. مذاکرات مفید و سودمندی با مسئولین جهادی در ولسوالی دره صوف، پشت بند و پیش بند صورت گرفت که همه بر ضرورت انسجام و هماهنگی همه جانبه تأکید میکردند، هر چند تصمیم به سفری بسوی ولایت بلخ و جوزجان داشتیم ولی بخاطر اشتراک در جلسه موعود (۱۵ قوس) از مسافرت منصرف شده، دوباره به ولسوالی پنجاب برگشتیم. متأسفانه این اجلاس که برای ادامه حرکت ما بسیار مهم بود، در اثر جو متشنج منطقه و عدم حضور شخصیتهای مؤثر جهادی چون آقای صادقی نیلی و... و بخاطر سرمای زمستان و کوههای صعب العبور هزاره جات، دایر نشد ولی این اقدام در مجموع راه گشای خوبی بود برای ادامه کارمان و ما همچنان در راه تحقق این هدف بزرگ و مقدس به تلاش و فعالیت مان ادامه دادیم. تشکیل کنگره پنجاب که در ادامه آن حرکت، خود یک پدیده مهم و تحول تاریخی بود که الحمدالله به ثمر نشست و سرانجام حزب وحدت اسلامی افغانستان شکل گرفت.



طرح تشکیل کنگره

در تاریخ ۶۷/۳/۱۸ در مرکز ولسوالی لعل و سر جنگل، از توابع ولایت «غور» که یکی از ولسوالی های مهم و پرجمعیت مردم تشیع افغانستان است، اینجانب با برادرمان جناب آقای محمد اکبری که یکی از چهره های برجسته جهادی ملت عزیز افغانستان و از مسئولین بلند پایه پاسداران جهاد اسلامی افغانستان می باشند، در بالای تپه ای نزدیک مرکز قضا، نشسته و برادران مجاهد حجج اسلام حسین صابری و سید عبدالحمید سجادی که از اعضا، برجسته سازمان نصرافغانستان و نیروهای مؤثر جهادی بودند، نیز حضور داشتند، با حالت ناراحتی از هرگوشه و کناری سخن می گفتیم، از وضعیت جغرافیایی لعل، از هوای صاف و سردی بهاران و از رودخانه ای که خروشان و سهمگین از کنارمان می گذشت، رودخانه کهن لعل که ابتدای هریود را تشکیل می دهد و صدها خاطره تلخ و شیرین را در طول تاریخ این سرزمین در سینه خود جا داده است، مغرورانه و آرام بسوی چخچران و از آنجا به هرات سرازیر شده و مسیر خود را سیراب می کند و سرانجام در مرزهای افغانستان و ایران در میان شنزارها گم میشود.

سخن از بهاران بود و از سبزه های گوناگون که تمام دشت و صحرا را فرا گرفته و چهره زمین را دگرگون نموده است و از نسیم سرد و ملایم بهاران که همواره بر تمامی موجودات می وزید و فضای صاف و پاک از همه آلودگیها و لجنها را به وجود آورده بود.

سخن از سرزمین مظلومان و پا برهنگان بود و بالاخره از حوادث غمبار ولسوالی لعل و سر جنگل که چگونه جوانان این منطقه، قربانی خود خواهان و جاه طلبانی شدند

که در خدمت بیگانگان قرار گرفته و مسلحانه در آنسوی مرز، موضع گرفته، با برادران خود جنگیدند....!

سخن از اوضاع و حوادث ناگواری بود که در پیرامون مان وجود داشت و در قلب کشورمان رخ می داد. خلاصه، سخن از مظلومیت مردم ما در افغانستان بود و از پراکندگیها و از درگیریهای بدون مفهوم، بدانسان که توان مهار و جلوگیری از تشنج و ابتکار در کار سازنده، از دست گروهها و احزاب رفته بود و همگی ناخواسته دنبال حوادث کشیده می شدند!!

اگر آتش خانمان سوز نفاق را از گوشه‌ای فرو می‌نشاندیم، متأسفانه از گوشه‌ای دیگر شعله‌ور می‌شد و خرمن هستی ملتی را می‌سوزاند و موجودیت آن را به خطر می‌انداخت و هویت مردمی را زیر سؤال می‌کشید.

فعل و انفعالات سیاسی در سطح بین‌المللی در رابطه با حل سیاسی قضایای افغانستان از یک طرف، تشکیل دولت موقت از سوی احزاب مقیم پیشاور پاکستان به ریاست انجنیر احمد شاه احمد زی، نادیده گرفتن حق تشیع افغانستان از دیگر سو، مسائل و مشکلاتی بود که همواره افکار مسئولین و رهروان جهادی را به خود متوجه ساخته بود و همه در اندیشه اینکه «چه باید کرد تا از این پراکندگیها رهایی یابیم و از وضعیت تأسف بار موجود به وضع مطلوب برسیم و نقش خود را به درستی ایفا نمائیم» راه‌های گوناگون مطرح و طرحهای متعددی ارائه گردید ولی در میان همه نجواها و بگو مگوها، جمله کوتاه ولی سرنوشت سازی که برخاسته و نشأت گرفته از توجه و لطف عنایت خداوند بود، در مغزمان جرقه زد «کنگره» یعنی «تشکیل کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی» تا در یک گردهمایی عمومی و بزرگ به تحلیل حوادث و مشکلات بنشینیم و راه‌های مناسبی برای رفع تشنج و پیشبرد اهداف انقلاب مان پیدا نمائیم.

خلاصه تشکیل کنگره یگانه راه حل مناسبی به نظرمان آمد که در قدم اول از مسئولین و قوماندانهای عالی رتبه سازمان نصر و پاسداران جهاد دعوت به عمل آمد

و نیز از سران و شخصیت‌های سیاسی، ملی و موسفیدان و بزرگان قوم، تا با تبادل نظر پیرامون اوضاع آشفته افغانستان بخصوص منطقه، تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد.

در همان جلسه چهار نفری تصمیم گرفته شد که کنگره در تاریخ ۲۱ سرطان ۱۳۶۷ برگزار گردد، زیرا نظر به کوهستانی بودن مناطق مرکزی افغانستان (هزاره جات) و راههای پر پیچ خم و صعب العبور و مسئله عدم امنیت راهها، جمع شدن همه افراد مورد نظر مشکل می نمود، علاوه بر آنچه گفته شد، دلیل دیگر تأخیر در برگزاری این بود که فرصتی پیدا شود برای تنظیم برنامه های کنگره تا هر چه با شکوه و پر بار برگزار شود.

کنگره پنجاب

برادران پیرامون محل برگزاری کنگره به تبادل نظر پرداختند و به اتفاق، مرکز پنجاب محل برگزاری کنگره تعیین گردید چرا که ولسوالی پنجاب از مرکزیت مناسبی برخوردار است، تمام راههای مواصلاتی و تجارتي از طرف ولایات میدان، غور، بامیان و ارزگان در پنجاب منتهی می گردد.



استاد عرفانی در حال سخنرانی در کنگره پنجاب

لذا نامه های عنوانی مسئولین سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد در ولایات ارزگان، میدان، پروان، بامیان، جوزجان (سمنگان)، دره صوف و بلخ و غزنی ارسال گردید و از آنها دعوت به عمل آمد که در تاریخ تعیین شده خود را در مرکز ولسوالی پنجاب برسانند.

ستاد برگزاری مراسم کنگره

برای بهتر برگزار شدن مراسم کنگره، پذیرایی از مهمانان، برآورد مصارف و هزینه های لازم، اداره جلسه، تنظیم برنامه ها، تعیین سخنرانها، بررسی مقاله ها، کنترل جلسه، جلوگیری از بی نظمی و احیاناً اخلاص لگاری، تنظیم شعارها، تدوین پلاکارتهای ...، ستادی از جوانان متعهد و انقلابی تشکیل گردید بنام «ستاد برگزاری مراسم کنگره» که برادر شهید سید عبدالحمید سجادی از سازمان نصر به عنوان مسئول ستاد و برادر سید بحر از پاسداران جهاد به عنوان معاون ایشان در ستاد تعیین گردیدند.

ستاد برگزاری مراسم کنگره، از ۱۵ سرطان ۶۷ کار خود را در مرکز پنجاب آغاز نمود، همزمان با آمدن مهمانان کنگره از ولایات که به تدریج در مرکز وارد می شدند. مرکز پنجاب با پلاکارت های گوناگون و شعارهای انقلابی که از اهداف و آرمان کنگره خبر می داد، تزئین یافته بود. شعارهایی چون:

مقدم مهمانان عالی قدر و مسئولین محترم را گرامی می داریم.

در مرکز ولسوالی پنجاب خوش آمدید.

اتحاد نیروهای جهادی رمز پیروزی و عظمت ما است.

اتحاد رمز پیروزی است و اختلاف عامل نابودی است.

و دهها شعار زیبا و انقلابی که توجه هر بیننده ای را به خود جلب می نمود.

محل برگزاری جلسه در باغ وسیع و زیبای شفا خانه پنجاب، تعیین گردید درختهای انبوه و سر به فلک کشیده این ساختمان برای جلوگیری از تابش آفتاب گرم برج سرطان حفاظ موثری به وجود آورده بود و مردم به راحتی می توانستند ساعتها به برنامه گوش فرا دهند.

در اطراف جایگاه روی دیوارهای شفاخانه، روی تنه های درختان پارچه های رنگارنگ دیده می شد که با شعارهای انقلابی تزئین شده بود. عکسهای امام خمینی (رحمة الله علیه) و شهدای گرانقدر انقلاب و عکس سید جمال الدین و شهید بلخی به چشم می خورد.

در جایگاه مخصوص هیئت رئیسه، آرم سازمان نصر و پاسداران جهاد در یک پارچه بزرگ در حالیکه دو دست از میان آرم دو جریان بیرون آورده شده و به عنوان رمز وحدت به هم گره خورده بود. مشاهده می شد نمای پارچه برای حاضران بسیار جالب بود.

در بیرون محوطه، ژنراتور برق که برای فعال نمودن بلندگوها فعالیت داشت با صدای خشن و نه چندان آشنای خود گوشها را نوازش می داد.

اعضای شرکت کننده در کنگره پنجاب

چهره های اجتماعی - سیاسی و نظامی که از ولایات و ولسوالی ها علیرغم همه مشکلات، بعد مسافت و عدم امنیت راه توانستند در کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی شرکت نمایند قرار شرح زیر است:

الف: پروان

۱- حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای میر حسین صادقی ترکمنی عضو شورای مرکزی سازمان نصر

۲- آقای شیخ هادی مسئول ولایتی پروان از سازمان نصر

۳- حجة الاسلام آقای خدري از سازمان نصر

۴- آقای میر علم پهلوان حر از سازمان نصر

۵- حجة الاسلام سید واعظ از پاسداران جهاد از لولنج

۶- حاج صمد حکمت از دره ترکمن از پاسداران جهاد

۷- آقای سید دلیر از لولنج از پاسداران جهاد

ب: میدان

- ۱- حجة الاسلام آقای عید محمد ابراهیمی مسئول ولایتی سازمان نصر
- ۲- حجة الاسلام آقای نوید مسئول پایگاه شهید قاسمی از سازمان نصر
- ۳- برادر مجاهد آقای عباس دلجو مسئول ولایتی کابل و از اعضای مرکز تعلیمی شهید بلخی با برادر ذهاب از سازمان نصر
- ۴- برادر مجاهد آقای انجنیر صدر از مرکز تعلیمی شهید بلخی از سازمان نصر
- ۵- حجة الاسلام و المسلمین آقای ضامن علی محقق دامیرداد از مسئولین پاسداران

جهاد

- ۶- حجة الاسلام آقای محمدی مسئول پایگاه امام حسن بهسود از پاسداران جهاد
- ۷- حجة الاسلام آقای احمدی از مسئولین جرجی پاسداران جهاد
- ۸- برادر مجاهد آقای علوی مسئول پایگاه امام مهدی از پاسداران جهاد

ج: ارزگان

- ۱- حجة الاسلام آقای واعظ زاده سنگ تخت از مسئولین سازمان نصر
- ۲- حجة الاسلام آقای موسوی بندر سنگ تخت از مسئولین سازمان نصر
- نمایندگان حجة الاسلام و المسلمین آقای خادم حسین ناطقی شفائی
- ۳- حجة الاسلام غفاری از دایکندی خدیر از سازمان نصر
- ۴- حجة الاسلام حاج احسانی از خدیر از سازمان نصر

د: غور

- ۱- حجة الاسلام و المسلمین آقای حسین صابری مسئول ولایتی غور سازمان نصر
- ۲- حجة الاسلام و المسلمین آقای سید عبدالحمید سجادی یکی از مسئولین بزرگوار سازمان نصر

- ۳- برادر مجاهد مولوی شیدا از ولایت غور «ایماق» سازمان نصر
- ۴- حجة الاسلام و المسلمین محمد رضا آقابزرگ مسئول بخش قضای لعل و

سرجنگل

۵- حجة الاسلام آقای فاضل کرمانی از اعضای قضای لعل

۶- حجة الاسلام سید نادر بحر مسئول پایگاه موسی ابن جعفر از پاسداران جهاد

ه: سمنگان:

۱- برادر مجاهد حجة الاسلام والمسلمین آقای کاظم جعفری مسئول ولایتی بغلان و

سمنگان سازمان نصر

و: ولایت بلخ

۱- برادر مجاهد محمود اشرف نماینده ولایتی بلخ و نماینده حجة الاسلام

والمسلمین عبدالعلی مزاری از سازمان نصر

۲- حجة الاسلام حاج محمد محقق مسئول ولایتی بلخ از سازمان نصر که در

روزهای آخر کنگره توانست در پنجاب حضور یابد

۳- برادر حاج مصعب یکی از قوماندانان برجسته بلخ

ز: ولایت بامیان:

۱- حجة الاسلام آقای محمد رضا سعیدی مسئول ولایتی بامیان سازمان نصر

۲- حجة الاسلام آقای علی محمدی مسئول حوزه یکه ولنگ سازمان نصر

۳- برادر مجاهد آقای سید انور علا یکی از مسئولین نظامی یکه ولنگ سازمان

نصر

۴- عده ای از معلمین، روشنفکران و موسفیدان یکه ولنگ سازمان نصر

۵- برادر مأمور احمدی نماینده پایگاه توحید از فولادی بامیان سازمان نصر

۶- قربان علی عرفانی از شورای مرکزی سازمان نصر

۷- روحانی متعهد آقای محمد انور صالحی از سازمان نصر

۸- حجة الاسلام تقدسی ورسی مسئول پایگاه شهید احمدی ورس سازمان نصر

۹- حجة الاسلام علیداد الهامی مسئول پایگاه محمد رسول... پنجاب سازمان

نصر

۱۰- حجة الاسلام محسن سجادی مسئول قضای حوزه پنجاب سازمان نصر

- ۱۱- حجة الاسلام حاج امینی عضو قضای حوزه پنجاب سازمان نصر
 ۱۲- برادر متعهد آقای سید عوض رضایی مسئول فرهنگی حوزه پنجاب سازمان

نصر

- ۱۳- حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد اکبری از اعضای مرکزی پاسداران

جهاد

- ۱۴- حجة الاسلام آقای باقر فصیحی سرخجوی از مسئولین پاسداران جهاد
 ۱۵- حجة الاسلام آقای عباس احسانی مسئول پایگاه علی ابن ابیطالب پنجاب

پاسداران جهاد

- ۱۶- حجة الاسلام آقای عبدالعظیم قاسمی مسئول شورای اسلامی پنجاب

پاسداران جهاد

۱۷- حجة الاسلام آقای عوض علی مدرسی عضو قضای پنجاب پاسداران جهاد
 و اما مسئولین محترم ولایت غزنی به دلیل عدم امنیت راه و درگیری افراد حزب اسلامی آقای گلبدین حکمتیار نتوانستند در کنگره حضور یابند و از این رو، طی مکتوبی ضمن استقبال از کنگره و تشویق و آرزوی موفقیت جهت رسیدن به اتحاد گروهها و احزاب اسلامی، آقای میر حسین صادقی پروانی و آقای محمد اکبری را از دو جریان وکیل گرفتند که هر چه صلاح بدانند از نظر سازمان نصر و پاسداران جهاد بخش ولایت غزنی مورد قبول است که گوشه‌ای از مکتوب آنها را نقل می‌نماییم:

... بخاطر عدم امنیت راه و نیز درگیری که افراد حزب اسلامی در جاغوری به وجود آورده نمی‌توانیم در کنگره پنجاب شرکت نمائیم. حضرات حجج اسلام صادقی پروانی و آقای اکبری از طرف ما وکیل می‌باشند که هر چه صلاح بدانند از نظر ما قابل قبول است.

امضای: حیات الله بلاغی از پاسداران جهاد. سید عباس حکیمی از سازمان

نصر.

برای بود و باش مهمانان کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی افغانستان سه

مکان در نظر گرفته شد:

۱- پایگاه محمد رسول...

۲- پایگاه علی ابن ابیطالب

۳- مکتب لیلیه که اکثر مهمانان عزیز در مکتب لیلیه به سر می بردند.

هزینه غذای کنگره در مدت ۳ روز به صورت رسمی (نیم) میلیون افغانی بر آورد گردید ولی بیش از یک میلیون مصرف شد آنهم با غذای بسیار ساده که اغلب اوقات آبگوشت بود آنهم گوشت گاو که ارزانتر تمام می شد.

هیئت رئیسه کنگره

ستاد برگزاری مراسم کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی افغانستان چهار

نفر را به عنوان هیئت رئیسه انتخاب نمودند:

۱- حجة الاسلام والمسلمین آقای میر حسین صادقی

۲- حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد اکبری

۳- حجة الاسلام والمسلمین آقای ضامن علی محقق

۴- حجة الاسلام والمسلمین آقای قربانعلی عرفانی



هیئت رئیسه کنگره پنجاب آقایان: اکبری، عرفانی، صادقی پروانی و محقق بهسودی

برای هیئت رئیسه و ستاد برگزاری مراسم جایگاه خاصی در نظر گرفته شد که در روز اول افتتاح و برگزاری کنگره، هر کدام در جای خود مستقر شدند. علاوه بر مهمانان حاضر در کنگره، جمعیت انبوهی از قشرهای مختلف روحانی، دانشجو، معلم، کارگر و دهقان و بزرگان و موسفیدان از چهار سوی پنجاب در مرکز سرازیر شدند که بیانگر استقبال بی سابقه آنها از این گروههایی باشکوه بود و در محوطه شفاخانه جمعیت موج می زد و همه با عشق و احساسات پاک به آینده کنگره می اندیشیدند.

کنگره کار خود را آغاز می کند

درست در ساعت ۹ قبل از ظهر ۶۷/۴/۲۱ کار کنگره با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز گردید و جناب حجة الاسلام حاج آقای سجادی به عنوان مسئول ستاد، برنامه ها کنگره را تشریح نمود و جلسه با سخنرانی حاج آقای میر حسین صادقی پروانی افتتاح گردید. آنگاه عده ای از برادران در محورهای مختلف سیاسی و اجتماعی سخنرانی نمودند. جلسه در ساعت دوازده (۱۲) پایان یافت و از طرف مسئول ستاد اعلان شد که بعد از ادای نماز ظهر و صرف غذا ساعت ۲ بعد از ظهر جلسه آغاز می گردد. بدین ترتیب جلسات سخنرانی پیش از ظهر و بعد از ظهر به مدت سه روز ادامه داشت.

سخنرانان جلسه

۱- حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد کاظم جعفری از ولایت سمنگان، دره

صوف

۲- حجة الاسلام والمسلمین آقای حسین صابری از ولایت غور، ولسوالی لعل

۳- حجة الاسلام والمسلمین آقای ضامن علی محقق از ولایت میدان، ولسوالی

دایمیرداد

۴- حجة الاسلام والمسلمین آقای میر حسین صادقی پروانی از ولایت پروان

ولسوالی ترکمن

۵- حجة الاسلام والمسلمین آقای سید عبدالحمید سجادی از ولایت غور،

ولسوالی لعل

- ۶- حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد اکبری از ولایت بامیان، ولسوالی ورس
- ۷- حجة الاسلام والمسلمین آقای حیدر محقق از ولایت بامیان، ولسوالی ورس
- ۸- حجة الاسلام والمسلمین آقای قربان علی عرفانی از ولایت بامیان، ولسوالی

یکه ولنگ

- ۹- حجة الاسلام والمسلمین آقای نوید از ولایت میدان، ولسوالی بهسود
- ۱۰- برادر مجاهد آقای عباس دلجو از ولایت کابل
- ۱۱- برادر مجاهد آقای انجنیر صدر از ولایت پروان ولسوالی ترکمن
- ۱۲- حجة الاسلام آقای هادی از ولایت پروان ولسوالی ترکمن
- ۱۳- حجة الاسلام احمدی از ولایت ناهور ولسوالی جرغی
- ۱۴- حجة الاسلام آقای مبارز از ولایت ناهور ولسوالی جرغی
- ۱۵- حجة الاسلام واعظ زاده از ولایت ارزگان ولسوالی دایکندي
- ۱۶- حجة الاسلام آقای موسوی از ولایت ارزگان ولسوالی دایکندي
- ۱۷- حجة الاسلام آقای سید بحر از ولایت غور ولسوالی لعل و سر جنگل
- ۱۸- حجة الاسلام آقای انور صالحی از ولایت بامیان، ولسوالی یکه ولنگ
- ۱۹- حجة الاسلام آقای باقر فصیحی از ولایت بامیان ولسوالی ورس، سرخجوی
- ۲۰- حجة الاسلام آقای حاج بصیر از ولایت بامیان ولسوالی ورس، سرخجوی
- ۲۱- حجة الاسلام آقای نهضت از ولایت بامیان ولسوالی پنجاب

مقاله خوانان جلسه

- ۱- برادر غفور خان محبی از بامیان ولسوالی یکه ولنگ
- ۲- برادر بینش از غور ولسوالی لعل
- ۳- برادر مولوی رفیع از غور ولسوالی پشته لور
- ۴- برادر سید روشن از بامیان از مدرسه امام صادق (ع) پنجاب
- ۵- برادر احسانی از بامیان از مدرسه امام صادق (ع) پنجاب
- ۶- برادر معلم رسولی از غور ولسوالی لعل و سر جنگل

۷- برادر رضایی از غور ولسوالی لعل و سرجنگل

۸- برادر احمدی از پروان

۹- برادر حسینی از بامیان و مدرسه امام صادق (ع) پنجاب

سرود

۱- طلاب مدرسه خاتم الانبیای بیتاب جوی ورس تحت عنوان:

خاک وطن را کرده گلستان! اشک یتیمان خاک شهیدان

و سرود:

منم سرباز قرآن پیرو کافر نمی گردم ز خط مکتب خود جانب دیگر نمی گردم.

۲- طلاب مدرسه امام صادق ولسوالی پنجاب تحت عنوان وحدت آرزوی ماست.

۳- سرود انقلابی توسط رزمندگان مجاهد از پنجاب

مجموعاً هفت سرود خوانده شد که هر یک از مدارس در دو نوبت اجرا نمودند.

قاریان قرآن

۱- برادر معلم حسینی از پروان

۲- برادر معلم احمدی از پروان

۳- برادر روحانی ناطقی اخضرات پنجاب

۴- برادر مولوی درویش از پشته لور- غور

«استقبال پر شور مردم از کنگره»

در کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی افغانستان علاوه بر حضور گسترده مسئولین محترم سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد اسلامی، چهره های برجسته علمی، سیاسی، تحصیل کرده های متعهد و انقلابی و انسان های ارزشمند اجتماعی، علمای اسلام، سران، بزرگان، موسفیدان مناطق مرکزی، طبقات مختلف اعم از کارگران، دهقانان و طلاب علوم دینی از مدرسه محمدیه زارین یکه ولنگ، مدرسه امام صادق (ع) پنجاب، مدرسه ثامن الانمه لعل و سرجنگل و مدرسه خاتم الانبیای ورس و... شرکت داشتند.

از ولسوالی یکه‌ولنگ علاوه بر مسئولین و قوماندانان عالی‌قدر، تعداد ۲۵ نفر از معلمین و روشنفکران در کنگره حضور داشتند که هر کدام دارای بینش سیاسی، اهل قلم و اندیشه بودند و عده‌ای از موسفیدان و بزرگان یکه‌ولنگ نیز در کنگره شرکت کردند.

«تقدیر از مردم ولسوالی پنجاب»

در مدت چهار روز جلسه پر شکوه، شاهد بودیم که ملت محترم پنجاب از طیفهای مختلف علما، کارگران، دهقانان، آموزگاران، موسفیدان، بزرگان و روشن فکران به طور مرتب و با علاقه فراوان در جلسه شرکت نمودند، آنچنان که افتخار میزبانی کنگره را داشتند، با حضور فعال و گسترده خود، درایت و کفایت سیاسی و درک اجتماعی خود را عملاً به اثبات رساندند بطوریکه تا آخرین روزهای جلسه هم از جیبشان خرج نمودند و ستاد برگزاری، برنامه غذایی برای آنها نداشتند، با این همه بطور مداوم و مرتب در جلسه‌ها حضور پیدا نموده و با عشق و امید به آینده خوب و درخشان کنگره می‌اندیشیدند و هیچگاه احساس خستگی نمی‌کردند و بعضی از آنها در نزدیکیهای غروب به سوی خانه‌هایشان راه می‌افتادند و مسافت طولانی را با پای پیاده طی می‌کردند و فردا صبح زود خود را در مرکز می‌رساندند.

عده‌ای از آن مردم خوب و متدین که راهشان دور بود و نمی‌توانستند شبها برگردند، در هتلها و سماوارهای بازار که نه غذای خوب دارند و نه امور صحی را رعایت می‌کنند، شب را به روز می‌آوردند تا در جلسه شرکت نمایند که واقعاً برای ما غیر منتظره بود و باور نمودیم که مردم چه اندازه طرفدار اصلاحات‌اند و چه اندازه از کارهای خوب اجتماعی استقبال می‌نمایند و حاضرند در این راه از جان و مالشان، مایه بگذارند. البته حضور مردم با آن کمیت بالا برای ادامه راهمان مشوق بزرگی بود و هم مسئولیت مان را سنگین‌تر می‌ساخت.

کنگره از نظم و دیسپلین خوبی برخوردار بود

کنگره سراسری مجاهدین مناطق مرکزی افغانستان بسیار قوی و پربار برگزار شد،

چه از نظر نظم و دیسیپلین و برنامه ریزی دقیق و چه از نظر مطالب و محتوی علمی و طرح مسائل سیاسی و راه حلها سخنرانان مطالب بسیار مفید و ارزشمندی را مطرح نمودند، هر چند موضوع سخنرانیها و آوردن کلیه مطالب گویندگان و نویسندگان و شاعران و سرود خوانان عزیز نیاز به کتاب جداگانه و مفصلی دارد که امیدوارم در آینده نه چندان دور مجموع سخنرانیها و مقالات و شعر و سرود به صورت کتاب مستقل در آمده در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد ولی لازم می‌بینم به گوشه‌ای از مطالب بعضی از گویندگان اشاره نمایم تا نمونه‌ای باشد از مجموع آنچه در کنگره مطرح شده است.

جناب حجة الاسلام واعظ زاده از ارزگان مطالب مهمی را تحت این عناوین بیان نمود:

- ۱- اعتقاد یافتن به انقلاب مداوم و پیگیری آن
- ۲- ایجاد جبهه واحد اسلامی و رهبری واحد
- ۳- ایجاد وحدت جهانی اسلام
- ۴- احیای شیوه‌های شخصیت‌های بزرگ چون سید جمال الدین و علامه بلخی و...
- ۵- تشکیل اردوی قوی و ایجاد کادرهای منظم نظامی
- برادر محترم احمدی پروانی مطالب خود را اینگونه مطرح نمود:
- ۱- عوامل رشد و ارتقای تکاملی انقلاب اسلامی و انحطاط آن
- ۳- مبارزه جدی با خرافات
- ۴- طرح ارزشهای مکتب اسلام
- ۵- تلاش جهت وحدت نیروهای اسلامی
- ۶- مبارزه با خودخواهی و فردگرایی
- ۷- تأمین اقتصاد عمومی مردم
- ۸- تلاش هر چه بیشتر برای جلوگیری از تشنج داخلی
- برادر غفور خان محبی یکی از منورین و تحصیل کرده‌های ولسوالی یکه‌ولنگ پیش نهاد

خود را اینگونه ارائه داد:

- ۱- جبر تاریخ که تز مارکسیستها است در افغانستان عملاً شکست خورد
 - ۲- دریافت راههای عملی برای رفع نفاق و یافتن راههای عملی برای اتحاد
 - ۳- هماهنگ نمودن مجاهدین و بسیج عمومی علیه روسها
 - ۴- فعال نمودن مکاتب و مدارس و توسعه آنها
 - ۵- شناخت عناصر متعهد به انقلاب و از بین بردن مسائل قومی، صنفی و نژادی
 - ۷- قطع هر چه سریعتر جنگهای داخلی
 - ۸- محکوم نمودن دخالتهای خارجی در افغانستان
 - ۹- رد قاطع طرح آشتی ملی و دولت ائتلافی نجیب
 - ۱۰- ایجاد هماهنگی با احزاب افغانستانی مقیم پشاور و سهم گیری همه جانبه
 - ۱۱- برگزاری کنگره هایی در سراسر مناطق آزاد شده جهت مفاهمه با عموم ملت
 - ۱۲- اعلام همبستگی با تمام جنبشهای جهان
- برادر محترم آقای سید عبدالحمید سجادی مطالب کنگره و اهداف نهفته در آن را جمع بندی نمود و پس از خواندن روضه امام زمان (عج) قطعنامه کنگره را قرائت نمود که تمام مواد آن با تکبیر ممتد حاضرین مورد استقبال قرار گرفت.

متن قطعنامه

بسمه تعالی

و قاتلو هم حتی لا تکون فتنه... قرآن کریم

از آنجائیکه نهضت جهانی اسلام به طور عام و انقلاب اسلامی افغانستان به طور خاص در حساس ترین برهه از تاریخ خود رسیده است و در شرایطی که استکبار جهانی در تفاهم کامل و موضع واحد دست اندرکار توطئه علیه جنبشهای اسلامی می باشند، این نزدیکی و تفاهم استکبار جهانی ناشی از ضربات کوبنده نهضت اسلامی که در ابعاد

نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی بر آنها وارد گردید می باشد چه اینکه ابر قدرت غرب توسط انقلاب اسلامی ایران و لبنان به زانو در آمده و استعمار خون آشام شرق از سوی مردم مسلمان و قهرمان افغانستان زخم عمیق برداشته است. واضحت می توان گفت چهره هر دو ابر جنایتکار از سیلی اسلامی کبود گردیده است و این ضربه واحد است که استکبار جهانی را در موضع مشترک قرار داده و در انسجام کامل برای سرنگونی نهضت اسلامی بر خاسته اند. اینک انقلاب اسلامی افغانستان در برابر توطئه زنو که همان عصاره اتحاد و تفاهم روس و آمریکا می باشد قرار گرفته و از سوی دیگر انقلاب اسلامی ما در آستانه پیروزی سرنوشت ساز رسیده است و بیشتر از هر وقت دیگر تشدید مبارزه و نبرد و تلاش هر چه بیشتر در انسجام و یکپارچگی نیروهای اسلامی را ایجاب می نمایند. بنابراین نیاز مبرم به چنین ضرورت، عده ای از مسئولین آگاه و خبیر پاسداران جهاد اسلامی افغانستان و سازمان نصر افغانستان تدویر گردهمائی همه نیروهای اسلامی را در مرکز پنجاب تدارک دیدند. در این گردهمائی عظیم و تاریخی که نمایندگان همه نیروها از تمام ولایات مرکزی و صفحات شمال کشور گرد هم آمدند، طی سه روز نشست و صحبت روی مسائل ضروری و با پیروی از «قاتلو هم حتی...» در برابر کفر و الحاد و با تمسک به دستور الهی «ولتکن منکم امة يدعون...» و به منظور ایجاد هماهنگی بین نیروهای مبارز افغانستان قطعنامه ذیل را طی شانزده ماده صادر نمودند:

۱- توافقنامه زنو را که به عنوان یک حیلۀ زیرکانه شرق و غرب به خاطر فرو نشاندن خشم توفنده ملت قهرمان و مسلمان افغانستان صورت گرفته، با قاطعیت تمام محکوم نموده، ملفی اعلام می داریم.

۲- ما طرح پیشنهادی کوردویز مبنی بر تشکیل دولت بی طرفها را نیرنگ دیگر استکبار جهانی دانسته، قویاً محکوم می نمائیم.

۳- دولت موقت انتقالی که از سوی اتحاد هفتگانه در پیشاور تشکیل شده، چون نمایندگان همه احزاب و سازمانهای اسلامی حضور نداشته از نظر ما غیر قابل قبول

است.

۴- ما حمایت و پشتیبانی خود را از مواضع سیاسی شورای ائتلاف هشتگانه افغانستان مستقر در جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده، امیدواریم که همواره در خط نه شرقی و نه غربی استوار و ثابت قدم باشند.

۵- به منظور بالا رفتن فاز عملیات جنگی و مبارزاتی اعلام بسیج عمومی نموده از کلیه مردم و نیروهای جهادگر می‌خواهیم تا بر مراکز استراتژیک دشمن یورش برده و آخرین ضربات را وارد آوریم.

۶- تا تشکیل حکومت اسلامی و تحکیم پایه های جمهوری اسلامی در وطن اسلامی خود افغانستان به رزم و نبرد بی امان خود ادامه خواهیم داد.

۷- ما خواستار حکومت اسلامی و وحدت و همبستگی ارگانیک و پولادین کلیه نیروهای اسلامی بر اساس معیارهای اسلامی می‌باشیم.

۸- ما تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر به خاطر برچیدن زمینه های نفاق و جنگ میان نیروهای اسلامی در محدوده مناطق مرکزی و کل کشور را خواسته و تأکید می‌داریم.

۹- بر پایه بینش ناب اسلامی هرگونه اختلاف و تفرقه، تجزیه و تجرید شیعه و سنی و حساسیتهای مذهبی، ملی و منطقه‌ای که مانع تشکیل امت واحد اسلامی می‌گردد را تقبیح و محکوم می‌نمائیم.

۱۰- با تبانی، توافق و توطئه آمریکا و شوروی بر مبنای اینکه ظاهرخان را دوباره به مقدرات ملت مظلوم حاکم بسازند، برخورد قاطع و انقلابی نموده و شدیداً محکوم می‌نمائیم.

۱۱- از افراد و عناصری که به دلایل مختلف فریب خورده و به دامن دشمن افتاده‌اند، دعوت به عمل می‌آید صرف نظر از اعمال و کردار قبلی شان مورد ترحم و عفو نیروهای انقلابی و اسلامی گردیده، مصئونیت حقوقی، مالی و جانی خواهند داشت.

۱۲- فاجعه کشتار حجاج بی‌گناه و ایجاد محدودیت برای حجاج و ممانعت از

اعلام برائت از مشرکین را یک عمل غیر اسلامی دانسته محکوم می داریم.

۱۳- تجاوز آمریکا را در خلیج فارس مغایر قوانین بین المللی دانسته و سقوط طیاره مسافری ایران را توسط ناوگان جنگی محکوم می داریم.

۱۴- پشتیبانی و همبستگی خود را از همه نهضت‌های رهایی بخش اسلامی جهان و بالاخص ملت مظلوم فلسطین، لبنان اعلام داشته و آزادی قدس عزیز را خواهانیم.

۱۵- هر گونه مداخله استکبار جهانی را در امور داخلی افغانستان محکوم می نمایم.

۱۶- از موضعگیری اصولی و مکتبی جمهوری اسلامی ایران در قبال حل مسئله افغانستان که تا کنون اتخاذ نموده، پشتیبانی می نمایم.

سازمان نصر افغانستان پاسداران جهاد اسلامی
افغانستان

۱۳۶۷/۴/۲۴

محل امضاء هیئت رئیسه.

حجج اسلام:

- ۱- میرحسین صادقی عضو شورای مرکزی سازمان نصر افغانستان.
- ۲- قربانعلی عرفانی عضو شورای مرکزی سازمان نصر افغانستان.
- ۳- محمد اکبری مسئول پاسداران جهاد در ولایت بامیان و غور.
- ۴- ضامن علی محقق مسئول پاسداران جهاد در ولایت میدان و پروان.

تجلیل از بیستمین سالگرد شهید بلخی

در ادامه جلسات کنگره پنجاب در تاریخ ۶۷/۴/۲۴ در محل برگزاری کنگره با حضور شخصیت‌ها و مسئولین و توده های مردم، از شخصیت علمی، سیاسی، اجتماعی، مبارزاتی و عرفانی، شهید بلخی تجلیل به عمل آمد و سخنرانان پیرامون شخصیت والا و ارزنده او صحبت نمودند و بدین ترتیب خاطره آن شهید عزیز را گرامی داشتند ما معتقدیم که روح بلند آن شهید بزرگوار ما را در ایجاد اتحاد سراسری مجاهدین یاری رسانید چه، اینکه او یکی از معدود چهره هایی بود که در راه وحدت اقوام و ملیتهای مردم افغانستان تلاشهای زیاد نمود و در راه تحقق این هدف مقدس

شکنجه و زندانی شد و سرانجام به شهادت رسید.

کمیسیون سیاسی برای پیگیری مواد قطعنامه کنگره

پس از صدور قطعنامه کنگره در ۶۷/۴/۲۴ کمیسیون سیاسی مرکب از مسئولین پاسداران جهاد اسلامی افغانستان و سازمان نصر افغانستان جلسه مهمی را در تاریخ ۶۷/۴/۲۵ در پایگاه محمد رسول... پنجاب تشکیل دادند تا آنچه را در کنگره گذشته، ارزیابی نمایند. ابتدا در باره تشنج ارزگان و بلخاب که بین جریانها وجود داشت تبادل نظر به عمل آمد، قرار شد هیئت هایی به سوی بلخاب و ارزگان اعزام شوند تا آتش نفاق و اختلاف را خاموش نمایند. هیئت بلخاب حجج اسلام حاج عید محمد ابراهیمی و هادی پروانی و آقای سید واعظ و سید دلیر از لولنج و آقای مبارز از قوم دهقان، هیئت ارزگان حجج اسلام آقای شیخ حامدی و آقای فاضل کرمانی از لعل و سرجنگل تعیین شدند. سرانجام پس از تعیین افراد هیئت، بحث و گفتگوی زیادی پیرامون اوضاع عمومی افغانستان و منطقه به عمل آمد و همه بدین نتیجه رسیدند که اعزام هیئت جهت خاموش نمودن شعله های نفاق همانند داروی مسکن و زودگذر است و نمی تواند دردی را دوا کند و باید یک کار اساسی و ریشه ای صورت گیرد و امروز ما برای فردای این نسل سرگردان مسئولیت داریم باید راه حل های اساسی را جستجو نمائیم و تجربه هایی که تا کنون در جهت فرو نشاندن آتش اختلاف صورت گرفته، زیاد مفید نبوده است. لذا برای انسجام و هماهنگی این مردم مظلوم تنها یک راه باقی مانده است و آن به هم زدن همه عنوانهای گروهی و حزبی است که تا کنون یدک کشیده ایم و تلاش برای ادغام همه گروهها و ایجاد وحدت عمومی و سراسری نیروهای جهادی و البته در قدم اول وحدت همه شیعیان افغانستان و در قدم دوم اقدام برای هماهنگی کلیه نیروهای جهادی در سطح افغانستان و همه بر این باور رسیدند که افغانستان به طور کلی در شرائط حساسی قرار گرفته که اگر کارها به صورت دقیق و حساب شده صورت نگیرد ممکن است آینده انقلاب اسلامی با خطر مواجه شود. طرح دولت موقت از سوی احزاب پیشاور، طرح دولت ائتلافی از سوی روسها همزمان با اخراج سربازان روسی از افغانستان و تحت

فشار قرار گرفتن مجاهدین از سوی دولت پاکستان تا آنجا که آقای جونجو صدر اعظم وقت پاکستان گفته بود: مجاهدین باید معقول باشند و دولت کابل را نمی شود نادیده گرفت که البته در این طرح پاکستان تنها مانده بود و شورای ائتلاف هشتگانه مقیم ایران صراحتاً رد نمودند و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور برادر و مسلمان و همسایه با این طرح موافق نبود، اما در مجموع، این طرح ها خطراتی بود که آینده انقلاب را تهدید می کرد.

همزمان با تحرکات سیاسی برای حل مسئله افغانستان دولت هندوستان پس از سالها حمایت از دولت وابسته کابل به تلاش افتادند تا جای پای در آینده افغانستان داشته باشد، راجیو گاندی نخست وزیر وقت هند خواستار ملاقات و گفتگو با رئیس جمهوری پاکستان ژنرال ضیاء الحق شد که البته از سوی پاکستان رد گردید.

سرانجام اعضای کمیسیون سیاسی پیگیری مواد قطعنامه کنگره بدین نتیجه رسیدند که جز اتحاد همه نیروهای مناطق مرکزی دیگر هیچ راه برای مهار نمودن اختلاف و نفاق، وجود ندارد و شورای ائتلاف که از گروههای شیعه در خارج کشور به وجود آمده بود، در مدت سه سال که از عمر آن می گذرد هیچ کار مثبتی در داخل کشور انجام داده نتوانست، نه کمک تسلیحاتی، نه اقتصادی و کمترین اقدامی برای رفع تشنج هم از سوی ائتلاف خارج صورت نگرفت و حتی یک هیئت برای رفع اختلاف نتوانسته به داخل کشور اعزام دارد (تنها از نظر سیاسی و تبلیغاتی برای موجودیت تشیع نقش مؤثری داشته که از این جهت قابل تقدیر است) سرانجام پس از بررسی همه جانبه، مصوبه ای برای وصول به اتحاد همه نیروهای جهادی به امضای رسید و قرار شد، ابتداءً برای اتحاد و ادغام کامل پاسداران جهاد و سازمان نصر اقدام جدی صورت گیرد و برای وصول به این آرمان مقدس، یک جلسه عمومی و فراگیر از دو جریان در ۱۰ سنبله ۶۷ در ولسوالی لعل و سرچنگل برگزار شود و از مسئولین دو نهاد که در کنگره نتوانسته اند حاضر شوند، دعوت مجدد به عمل آید تا در جلسه ۱۰ سنبله در لعل و سرچنگل شرکت جویند این بار نه تنها برای رفع اختلاف و نه برای ایجاد همکاری رفرمی و...

بلکه برای تحقق وحدت دو جریان و امضاء این پیمان مقدس و الهی. درست در همان جلسه نامه‌ها تدوین و به ولایات مورد نظر ارسال شد، دعوتنامه‌های سمنگان، بلخ و جوزجان توسط هیئت اعزامی جوزجان آقایان عیدمحمد ابراهیمی و سید واعظ فرستاده شد که هم تشنج را خاموش و هم مسئولین را دعوت نمایند. نامه‌ارزگان توسط هیئت اعزامی آن سامان آقایان حامدی و فاضل کرمانی ارسال شد.

همزمان قرار شد آقای اکبری همراه با حاج صمد حکمت ترکمنی برای آوردن آقای شیخ محمدحسین صادقی نیلی در ارزگان رفته، ایشان را در جلسه ۱۰ سنبله در ولسوالی لعل و سرجنگل حاضر نمایند. آقای صادقی نیلی نقشی مؤثر و تعیین کننده‌ای در پاسداران جهاد اسلامی افغانستان داشت و حضور ایشان در جلسه ۱۰ سنبله جهت وصول به اتحاد ضروری می‌نمود.

حجة السلام محمد حسین توکلی از ولسوالی پنجاب مأمور رساندن نامه‌های غزنی گردید.

به آقای نوید بهسودی و آقای هادی پروانی مأموریت داده شد تا مسئولین میدان و پروان را در موعد مقرر در جلسه حاضر نمایند. سرانجام کلیه نامه‌ها در ولایات مورد نظر ارسال گردید و بدین ترتیب کنگره پنجاب به پایان رسید و نتیجه بسیار پر بار و تاریخی داشت.

پس از پایان کنگره پنجاب و اخذ تصمیمات مهم و تاریخی و زمینه سازی برای اتحاد، دو مکتوب تنظیم شد. یکی برای مسئولین سازمان نصر و پاسداران جهاد در خارج کشور به منظور گزارش از آنچه در کنگره پنجاب صورت گرفته و دعوت از آنها برای پذیرش این اقدام تاریخی.

و نامه‌ای برای کلیه قوماندانها و افراد نظامی و هواداران پاسداران جهاد و سازمان نصر در داخل کشور به عنوان دستور العمل جدی و اکید صادر شد تا خود را برای اتحاد کامل آماده سازند.

متن نامه:

بسمه تعالی

بدینوسیله به استحضار کلیه مسئولین، افراد، اعضا و هواداران راستین پاسداران جهاد اسلامی و سازمان نصر رسانیده می‌شود: تصمیم قطعی و جدی گرفته شده تا اتحاد کامل بین پاسداران جهاد و سازمان نصر در قدم اول و اتحاد تمام نیروهای مؤمن و مبارز کشور در آینده بسیار نزدیک تحقق یابد: بناتاً از شما خواسته می‌شود خود را برای یک جریان شدن و اتحاد کامل قولاً و عملاً آماده کرده و از هر گونه اقدام و موضعگیری که رسیدن به این هدف مقدس را به تأخیر بیاندازد خودداری نمایید، هر گونه تخلف مسئولیت دارد.

محمد اکبری قربانعلی عرفانی ۶۷/۴/۲۴

در حاشیه کنگره پنجاب

گفتم کنگره پنجاب بسیار زیبا و پربار پایان رسید و آن را یکی از موفقیت‌های بزرگی برای ملت‌مان می‌توان به حساب آورد که ثمره‌اش حزب وحدت اسلامی افغانستان است ولی در لابلای این اقدام تاریخی و سرنوشت ساز یک حرکت خائنانه و ضد مردمی نیز صورت گرفت که بر خلاف میلی قلبی‌ام نتوانستم از آوردن این واقعه تأسف بار چشم‌پوشم اولاً: این اقدام غیر انسانی خود یادآور یک آزمایش تاریخی است و یک سرگذشت که باید در سینه تاریخ ثبت گردد تا نسل انقلابی و سرگردان این جامعه خود به قضاوت بشینند... ثانیاً حوادث تاریخی از هر نوع آن خود تجربه‌ای زیبا و بیاد ماندنی است و بیان این معنی که دشمنان هر حرکت اصلاحی و مفید، چگونه از افراد ضعیف النفس و نا آگاه و احیاناً خودخواه در راه تأمین مقصد خود سوء استفاده می‌کند. در روز دوم کنگره یعنی در ۲۲ سرطان ۶۷ حادثه ناگواری اتفاق افتاد که پرده از روی توطئه بسیار عمیق و پیش بینی شده برداشت. جلسات کنگره و تنظیم برنامه را برادران ستاد برگزاری مراسم کنگره سراسری مجاهدین به عهده داشتند که در رأس آن برادر سید عبدالحمید سجادی بود که در وقت سخنرانی اسامی گویندگان، مشخصات و

مسئولیت و سمت آنها و عضویشان را پشت بلندگو اعلام می نمود و سپس سخنرانان هر کدام در جایگاه قرار می گرفتند و اکثر سخنرانها و گویندگان کنگره را افراد و مسئولین سازمان نصر تشکیل می دادند و این بنظر برخی از عناصر مشکوک خوش آیند نبود از اینرو، عده ای از مغرضین برای برهم زدن این حرکت مردمی و مقدس، توطئه ای طرح ریزی می کنند، ساعت یک بعد از ظهر که هنوز مردم جمع نشده اند تمام پلاکارتهای را پاره می کنند بخصوص آن پارچه که آرم سازمان نصر و پاسداران جهاد در آن نقش بسته بود و دو دست از میان آنها با هم گره خورده بود تا وحدت دو جریان را نشان دهد که نمایش بسیار زیبایی از وحدت بود. با قیچی از هم جدا ساخته بود. مردم مشغول نماز و صرف طعام چاشت بودند. اولین بار آقای اکبری و من در جریان قرار گرفتیم. این حرکت کودکانه و مغرضانه برای همه مان ناگوار بود.

آقای اکبری و من فوراً طرف پایگاه رفتیم وقتی وارد پایگاه شدیم، دیدیم جمعی از مسئولین که از ولایات میدان، پروان و ارزگان و غور آمده بودند با کمال ناراحتی کنار هم نشسته و در سکوت غمباری فرو رفته اند. در برابر پرسش من که چه کسی این کار را انجام داده، همگی ساکت بودند، تنها جناب آقای شیخ حیدر محقق ورسی با کمال تأثر و ناراحتی گفت: دست دشمن در کار بوده آنهائیکه این عمل زشت را انجام داده اند می خواهند کنگره را به هم بزنند و بی اعتبار سازد در برابر نظر جناب آقای محقق هیچ یک عکس العملی نشان ندادند. پس از چند دقیقه سکوت و اضطراب و نگرانی تصمیم گرفته شد که هر چه زود دست به کار شده و پیش از جمع شدن مردم جایگاه را به حال عادی و اولی برگردانیم تا کسی متوجه نشود. وقتی وارد جایگاه شدیم دیدیم که همه چیز به هم ریخته، پلاکارتهای تکه و پاره شده و پرچمهایی که هر طرف نصب شده بود را پراکنده اند، میز و چوکی به هر طرح انداخته شده و حتی بعضی از فرشها از جایگاه چیده شده! و خلاصه یک وضع بسیار زشت و نگران کننده را به وجود آورده بودند.

برادران در جوی از بهت و حیرت دست به کار شدند تا قبل از آنکه مردم آگاهی یابند جایگاه را درست نموده به حال عادی برگردانند ولی متأسفانه این واقعه شرم آور

بسیار زود بین مردم کوچه و بازار پنجاب پخش شده بود و هر کسی در گوشه ای از اتفاق و حادثه خبر می دادند!

سرانجام جلسه بعد از ظهر ۶۷/۴/۲۲ با یک ساعت تأخیر برنامه خود را آغاز نمود ولی انعکاس این حادثه چهره کریه و زشت خود را نشان داد. دیگر همه چیز برای مردم روشن شده بود و حتی ریشه قضیه و عاملان اصلی برای مردم شناخته شده بودند. به خوبی متوجه بودیم. مردم وقتی که وارد محوطه کنگره می شدند فوراً چشمانشان به سوی جایگاه هیئت رئیسه دوخته می شود و می دیدند که آن پلاکارت مخصوص که آرم دو جریان با دستهای گره خورده نمایش داشت، دیگر وجود ندارد.

سرانجام نقشه مخالفین بسیار خطرناک بود. آنها می خواستند با این اقدام کنگره را به هم بزنند و آتش نفاق را بین سازمان نصر و پاسداران جهاد روشن نمایند ولی درایت و هوشیاری که مسئولین از خود نشان دادند، توانستند توطئه را خنثی نمایند. توطئه مهار شد و ما در برابر آنچه پیش آمده بود دندان روی جگر گذاشته ساکت بودیم ولی مردم به طور کلی قضاوت خود را داشتند و متأثر بودند، چرا که مردم خواستار امنیت و آرامش اند و هر عملی که امنیت عمومی را به هم بزند، متأثر می شوند.

فردای آن روز ۶۷/۴/۲۳ اعلامیه کوتاهی بدون آرم و مشخصات پخش گردید که دقیقاً از آنهایی بود که با به راه انداختن چنین صحنه ای، خود در پشت آن به تماشا نشسته بودند.

متن اعلامیه

«چون نصر و پاسدار پایگاه مردمی خود را از دست داده اند، کنگره فرمایشی و تحمیلی ترتیب دادند تا چند روز دیگر مردم را فریب داده به زندگی چند روزه خود ادامه دهند ولی مردم اینها را شناخته و دیگر حنایشان رنگ ندارد و در این رابطه چون نصریهای... نسبت به پاسداران...» آنچه پس از تحقیقات روشن شد کسانی که پلاکارتهای را پاره کردند همانهایی هستند که اعلامیه کذائی را نوشته اند ولی در آن روز شرایط اجازه نمی داد که اینگونه عناصر اخلاک‌گر دستگیر و مورد بازخواست قرار گیرند

بنا بر این جز سکوت چاره ای دیگر نبود.

به سوی ولسوالی لعل و حادثه کوتل خارقول:

در راستای نزدیک شدن زمان موعود (ده سنبله) مسئولین جهادی و قوماندانان عالیقدر سازمان نصر و پاسداران جهاد از ولایات مختلف کشور به سوی ولسوالی لعل سرازیر شدند. اینجانب همراه با عده ای از مسئولین سازمان نصر آقای شیخ کاظم جعفری مسئول ولایتی بغلان و سمنگان و آقای عید محمد ابراهیمی مسئول ولایتی سازمان در ولایت میدان و آقای حاج محمد محقق مسئول ولایتی بلخ و عده ای از مسئولین ورس و پنجاب در تاریخ ۶۷/۶/۹ از مرکز پنجاب راهی لعل شدیم، شب در دهن گهادر مهمان فرزندان حاج محمد رضا بودیم. فردای آن روز در ساعت ده صبح در دهن خارقول رسیدیم. در آنجا بازارچه ای است معروف و دارای سه یا چهار هتل (سماوار) پس از صرف غذا، عده ای از برادران مجاهد را جهت کنترل راه در کوتل خارقول فرستادیم زیرا احتمال کمین گیری از سوی عناصر مسلح که در آن شرایط میانه خوبی با سازمان نصر و پاسداران جهاد نداشتند، وجود داشت. مسئولین پس از توقف کوتاهی به راه افتادند، به احتمال اینکه اکنون برادران مجاهد امنیت گردنه را گرفته اند.

ماشین جیب به سرعت به راه افتاد و موقعی در پای گردنه رسیدیم که برادران نظامی به تازگی در پای کوتل رسیده و دارند پیاده می شوند تا منطقه را تحت کنترل خود در آورند، ناگهان صدای فیر گلوله دشمن همه را هاج و واج نمود، معلوم بود که دچار کمین شده ایم. دشمن قبل از همه ماشین جیب را هدف قرار داد. برادران با سرعت عجیبی از ماشین پیاده شدند خود را در دل تپه ای قرار دادند که از اصابت گلوله در امان بمانند، مرمی بود که در خط اصلی جاده اطراف جیب می بارید، راننده جیب برادر غفوری یکه ولنگی، با سرعت و مهارت زیادی ماشین را برگرداند و از تیررس دشمن دور شد.

مجاهدین اجازه پیشروی خواستند ولی برادران مسئول دستور عقب نشینی دادند،

همه‌مان برگشتیم، مجاهدین ما در حین عقب نشینی آتش دشمن را پاسخ می دادند. آتش عناصر مهاجم وقتی خاموش شد که مجاهدین در تپه ای مشرف بر آنها خود را رسانیدند و با سلاح گرونوف دشمن را زیر آتش قرار دادند همه‌مان سالم به بازار خارقول برگشتیم و تنها یکی از برادران زخم سطحی از ناحیه پا برداشته بود.

دلیل عقب نشینی

۱- هنوز دشمن برای ما شناخته نشده بود و انگیزه این اقدام را به درستی نمی دانستیم.
۲- در صورت مقابله و پیشروی قطعاً تلفات انسانی از دو طرف وجود داشت بخصوص برای نیروهای ما که باید به سوی قله پیشروی می نمودند، به سادگی هدف قرار می گرفتند زیرا هیچ پوشش و سنگری وجود نداشت در حالیکه دشمن خود را جابجا کرده بود.

۳- با انگیزه و هدفی که ما حرکت کرده بودیم اصولاً درگیری و مقابله به هیچ صورت مصلحت نبود، یعنی تا آنجا که انسان مجبور نشود نباید وارد معرکه شود البته عقب نشینی ما خود یک نوع دفاع مقدس بود زیرا ما در راهی گام گذارده بودیم که باید به تمام درگیریها و اختلافات خاتمه می دادیم و برای وحدت کلیه نیروهای جهادی تلاش جدی آغاز کرده بودیم و در رابطه با آنچه پیش آمد احتمال می دادیم ممکن است توطئه ای در کار باشد تا در وجهه وحدت طلبی ما ضربه وارد کنند و یا اصولاً هدف اصلیمان یعنی اتحاد را خنثی کنند لذا عقب نشینی آبرومندانه را بر مقاومت بی معنی ترجیح دادیم.
به بازار خارقول برگشتیم. عده ای از افراد نظامی پنجاب که در منطقه سنگریز مستقر بودند به محل درگیری اعزام نمودیم زیرا آنان از منطقه شناسائی کامل داشتند.

از طرف دیگر فردی بنام محمد اکبری که تلفن سیار همراه داشت و برای امنیت دشت پهناور منطقه کرمان در گشت و گزار بود به محض شنیدن صدای گلوله از کوتل خارقول فوراً به مرکز لعل خبر می دهد. آقای صابری که خود یک روحانی مجاهد و یک

نظامی برجسته است بلادرنگ با تعدادی نیروی نظامی به سوی منطقه درگیری حرکت می‌کنند و موقعی می‌رسند که مهاجمین از منطقه دور شده‌اند.

پس از بررسی که از سوی مجاهدین پنجاب و لعل صورت گرفت معلوم شد که اینها از افراد خوانین لعل و سرجنگل بوده که به تازگی از پاکستان برگشته‌اند و در مسیر خود چنین تشنجی بوجود آورده‌اند و اینها از بیم اینکه مبادا به دام بیفتند اقدام به تیراندازی نموده‌اند، سپس با قطع سیم تلفن خود را به بیراهه زده و از محل دور شده‌اند.

راه گیران تسلیم شدند

پس از گذشت چهار روز در مرکز لعل که مشغول تهیه و تدارک یک گردهمایی بزرگ بودیم و بیشتر از گذشته روشن شد آنهائیکه در گردنه خارقول برخورد مسلحانه نمودند فرزندان علی حسین بیگ و خادم بیگ از منطقه سرجنگل به نامهای «بشیر و بصیر» بودند که از پاکستان آمده بودند، آقایان توسط یکی از نزدیکان خود پیامی برای من و صابری و سجادی فرستادند که ما همان افرادی هستیم که حادثه «خارقول» را به وجود آوردیم و اکنون تصمیم گرفته‌ایم به شما تسلیم شویم، دیگر از این گشت و گذار خسته شده ایم و می‌خواهیم دیگر در منطقه و با مردم خود باشیم.

پس از دریافت این پیام فوراً با مسئولین پایگاه ثامن الائمه (ع) به مشورت نشستیم و توافق به عمل آمد که آقایان بشیر و بصیر با تمام افراد مسلح خود با احترام به پایگاه آورده شوند و موضوع با مسئولین پاسداران لعل نیز در میان گذاشته شد. پس از آن بدون فوت وقت برادر مجاهد روحانی عالیقدر آقای حامدی با تعدادی از افراد مسلح به پیشواز آنها فرستاده شد تا آنها را به پایگاه بیاورند. برادران بشیر و بصیر با پانزده نفر از افراد مسلح خود در میان استقبال مسئولین پایگاه و نیروهای مسلح، وارد پایگاه «ثامن الائمه» شدند.

بدین ترتیب واقعه کوتل خارقول پایان نیکو و ثمربخشی داشت و تعدادی از فرزندان وطن پس از سالها آوارگی به برادران خود پیوستند.

منشور وحدت امضا شد

مرکز لعل و سرچنگل در آن روزها در انتظار یک تحول بزرگ و شگرف بود و خود را برای یک گردهمایی بزرگ و تاریخی آماده می کرد. پرچمهای نیله گون و آسمانی در بالای ساختمانهای اداری با خط زیبا و درشت در همه جا به چشم می خورد و از ورود مهمانان خبر می داد و مقدم آنان را گرامی می داشت.

مردم لعل که سالهای سال در اثر نزاعها و کشمکشهای داخلی، توانشان به تحلیل رفته بود، در انتظار یک تحول جدید و امید بخشی بودند. مسئولین پاسداران جهاد و سازمان نصر در ولسوالی لعل که دوران سخت مبارزه و جهاد را در کنار هم بودند و با دشمنان مشترک می جنگیدند با امید و آرزو و حرص عجیبی خود را برای پذیرائی از مهمانانشان آماده می کردند. نیروهای مسلح دو جریان با هماهنگی کامل و دوش به دوش برای تأمین امنیت مرکز در گشت و گذار بوده و با هوشیاری همه چیز را زیر نظر داشتند.

مرکز لعل در آن روزها مرکز امید و آرزوهای میلیونها انسان دردمند و رنج دیده بود، هیئتهای سیاسی - نظامی از شخصیتهای روحانی و قوماندانهای جهادی از ولایات مختلف به سوی مرکز لعل سرازیر شدند.

از ولایت ارزگان: روحانی عالیقدر خادم حسین ناطقی با آقایان مصطفی اعتمادی، موسوی، واعظ زاده و آقای فیاض و محمد حسین دانش لذیر از سازمان نصر.

حجة الاسلام شهید محمد حسین صادقی نیلی، امینی اشترلی و صادقی و افکاری شهرستانی و سید اعتمادی بری و فاضل از پاسداران جهاد.

از ولایت جوزجان: حجج اسلام فاضل حجت، آقای امیری و سجادی از سازمان نصر و حجة الاسلام آقای حسن رضا عادل و برادر حاج عبدالحق شفق از پاسداران جهاد.

از ولایت سمنگان: حجة الاسلام والمسلمین آقای شیخ کاظم جعفری از سازمان نصر و حجة الاسلام غلام رسول دره صوفی از پاسداران جهاد.

از ولایت بلخ: حجة الاسلام حاج محمد محقق، انجنیر خالد و حاج مصعب.
از ولایت لوگر: برادر سید حسن.

از ولایت پروان: حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای صادقی پروانی، آقای هادی، معلم حسینی و انجنیر فتاح از سازمان نصر و حجة الاسلام آقای سید واعظ و جناب حاج حکمت و آقای سید دلیر از پاسداران جهاد.

از ولایت بامیان: اینجانب از ولسوالی یکه ولنگ و آقایان تقدسی و حکیمی از ورس و آقای حاج امیرداد حیدری از ولسوالی پنجاب از سازمان نصر و جناب حجة الاسلام محمد اکبری، آقای حیدر محقق و آقای عباس احسانی از پاسداران جهاد.

از ولایت میدان: حجة الاسلام عید محمد ابراهیمی و برادر مجاهد شهید حاج عبدالحسین محمدی و عده ای از برادران معارف از سازمان نصر و جناب حجة الاسلام آقای ضامن علی محقق و جناب آقای محمدی و برادر علوی از پاسداران جهاد.

از ولایت غور: حجج اسلام حسین صابری و حاج عبدالحمید سجادی و آقای اعتمادی، آقای حسینی و آقای حامدی از سازمان نصر و حجة الاسلام آقای مبلغ، آقای سید بحر، امان الله اخلاقی و آقای صفر احسانی از پاسداران جهاد. حجج اسلام آقای محمد رضا آقابرگ، آقای فاضل کرمانی، آقای محمد حسن فاضلی از علمای محترم لعل و اعضای قضای شورای اسلامی لعل و سرچنگل.

لازم به یاد آوری است که مسئولین محترم ولایت غزنی در تاریخ ۱۸ سرطان در ولایت میدان به دعوت جناب آقای صادقی ترکمنی و آقای سید هادی آمده بودند ولی به دلیل فاصله زمانی و تشنجی که در غزنی وجود داشت نتوانستند در جلسه شرکت نمایند.

اجلاس سران و قوماندانها در لعل

نخستین جلسه از مسئولین و قوماندانهای محترم سازمان نصر و پاسداران در تاریخ

۶۷/۶/۱۶ در مسجد مرکز لعل دایر شد.

پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم حجة الاسلام آقای صادقی پروانی جلسه را افتتاح نمود و تمام مسئولین و سران جهادی دو جریان، از وحدت گروهها و احزاب اسلامی به گرمی استقبال نمودند، در این میان تنها جناب حجة الاسلام آقای صادقی نیلی در جلسه حاضر نشد و در جواب آقای اکبری و آقای افکاری که خدمت ایشان رفته بودند تا به جلسه بیاورند چنین گفته بود: «من که گروهی نیستم و این جلسه از احزاب و گروهها تشکیل شده هر وقت شما به اتحاد رسیدید، من وحدت شما را تأیید می کنم...» البته شواهد و قرائن غیر از این را نشان می داد اولاً در اساسنامه پاسداران جناب آقای صادقی نیلی همراه با آقایان اکبری، زاهدی و... به عنوان شخصیت‌های تصمیم گیرنده در پاسداران و اینکه اینها می توانند اعضای شورای مرکزی پاسداران را تعیین نمایند، تصریح شده بود. ثانیاً عملاً ایشان فرد تصمیم گیرنده در پاسداران بود بخصوص در رابطه با پاسداران ولایت ارزگان که تمام کارها با مصلحت و طبق نظر ایشان انجام می شد. از این رو، ایشان باید در جلسه حاضر می شد چرا که تصمیم گیری برادران پاسدار بدون ایشان مشکل به نظر می رسید، پس از بحث و گفتگو، برادران پیشنهاد دادند که جناب آقای صادقی ترکمنی و من خدمت ایشان رفته به هر نحو ممکن ایشان را در جلسه حاضر نمایم. در برابر اصرار برادران، خدمت آقای صادقی نیلی رفتیم. پس از گفتگوی زیاد و اینکه حضرت عالی یکی از بنیانگذاران انقلاب اسلامی افغانستان می باشید، حضور شما در جلسه به هر عنوانی که باشد، ضروری است و ما در شرائط حساسی قرار داریم و شما مسئولیت خود را در نظر بگیرید و... آقای صادقی که در حقیقت یک انسان خوش قلب و مهربان بود، نتوانست درخواست ما را نادیده انگارد، آمادگی نشان داد و در جلسه حاضر شد و همه اعضای شرکت کننده در فضایی مملو از اخلاص، صفا و صداقت پذیرا شدند که جز وحدت و همبستگی واقعی دیگر هیچ راهی برای سعادت مردمان وجود ندارد و در این نشست منشور وحدت در طی دوازده ماده به امضاء رسید که متن آن عیناً نقل می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (قرآن کریم)

منشور اتحاد سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان

یکی از عوامل مهم پیروزی مسلمین در کنار برنامه های هدایتگر و انسان ساز اسلام وحدت بین صفوف مسلمین است و نظر به تجارب تاریخی هر زمانیکه این عامل به ضعف گرائیده مسلمانان در برابر دشمنان خود با شکست مواجه شده اند. با توجه به رویدادها و تحولات جاری کشور و معامله ابرقدرتها روی مسئله افغانستان، امروز بیش از هر زمان دیگر مسلمانان راستین افغانستان به وحدت نیاز دارند، زیرا در شرایط کنونی دشمنان از هر سو در کمین شده تا منافع استعماری و استکباری شان را در این کشور تأمین نمایند. آنها از هر وسیله ممکن در جهت منافعشان استفاده نموده و حتی برای ایجاد نفاق در بین صفوف مسلمین که نفعشان در آن مضمر است، سرمایه گذاریهای وسیع و گسترده ای را در افغانستان نموده و تا حدی هم متأسفانه به اهداف ضد انسانی شان نائل آمده اند. لذا موقف فعلی ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند از خودگذری و ایثارگری است این امر متضمن حفظ منافع ملت مسلمان کشور می باشد.

بنابراین جهت حفظ مصالح و آرمان مسلمین و دفاع از اسلام و تداوم مبارزه اساسی و پیگیر بر علیه استکبار جهانی و ایادی آن در وطن، سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان طی جلسه تاریخی ۱۳۶۷/۶/۱۶ در لعل آمادگی خویش را در اتحاد کامل اعلام نموده و در ظل رهبری حضرت امام خمینی مد ظله العالی در جهت وحدت و انسجام سایر نیروهای اسلامی می کوشند که برای برداشتن اولین قدم در این راستا منشور اتحاد سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان قرار ذیل تدوین گردیده است:

۱- اتحاد کامل سازمان نصر افغانستان و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان، تلاش

پیگیر برای اتحاد سایر نیروهای شیعی مؤتلفه و جذب نیروهای سالم شیعی.

۲- اقدام برای تشکیل شورای مرکزی نیروهای شامل در چهارچوب اتحاد بعد از

ختم جلسه بیستم سمبله در میدان.

۳- بعد از تشکیل شورای مرکزی اتحاد، انحلال تشکیلات سابقه هر دو نهاد و الغای عناوین و آرمها.

۴- سپردن امور تشکیلات بعدی بر اساس لیاقت، شایستگی، سابقه مبارزاتی و تعهد اسلامی.

۵- تصفیة دقیق و حساب شده افراد نا مطلوب از چوکات اتحاد.

۶- اتخاذ مواضع فکری، سیاسی و عملی و... در چوکات اصل ولایت فقیه.

۷- تلاش برای اتحاد کامل نیروهای مبارز مسلمان افغانستان اعم از شیعی و سنی.

۸- مبارزه با عوامل منافی تداوم وحدت.

۹- تشدید عملیات علیه اشغالگران روسی، دولت الحادی کابل و عوامل داخلی آن.

۱۰- ادامه مبارزه تا تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان.

۱۱- مبارزه با اندیشه های انحرافی و التقاطی و هر گونه وابستگی به شرق و غرب.

۱۲- همبستگی با نهضت های اسلامی و حمایت از جنبش های ضد استکباری جهان.
«الهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه. تعزبها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا فیها من الدعاء الی طاعتک و القادة الی سبیلک و ترزقنا بها کرامة الدنیا و الاخرة»

امضای مسئولین پاسداران جهاد اسلامی افغانستان:

۱- محمد اکبری

۲- شفق سر پلی

۳- محمد حسین صادقی نیلی

۴- افکاری شهرستانی

۶- صادقی شهرستانی

۸- حسن رضا عادلی

۲- میر حسین صادقی

۴- سید عبدالحمید سجادی

۶- محمد کاظم جعفری

۸- حسین صابری

۵- حیدر محقق

۷- سید علوی بهسودی

امضای مسئولین سازمان نصر:

۱- قربان علی عرفانی

۳- سید حجت فاضلی

۵- حاج محمد محقق

۷- عید محمد ابراهیمی

پس از امضای «منشور وحدت» مسئولین، علما و موسفیدان و جوانان مجاهد با کمال اخلاص و صداقت و خضوع دست به دست هم گره نموده، دعای وحدت سر دادند. جلسه را هاله ای از نور و معنویت فرا گرفته بود، حال عجیبی به برادران دست داده بود، صدای گریه بود که از هر گوشه و کنار مسجد به گوش می رسید که از ژرفای قلبشان نشأت گرفته بود و در راه تحقق وحدت کامل از خداوند یاری می طلبیدند.



دعای وحدت در اجلاس لعل

جلسه مهم سخنرانی برای ابلاغ مردم لعل

در تاریخ ۶۷/۶/۱۸ جلسه سخنرانی با شکوهی در مرکز لعل برگزار شد و از تمام مردم مرکز اطراف دعوت به عمل آمد تا پیام اتحاد (منشور وحدت) به آنها ابلاغ شود و مردم در جریان آنچه که واقع شده بود، قرار گیرند.

آقای حسین صابری اداره جلسه را عهده دار بود و سخنان مبسوطی پیرامون وحدت بیان نمود آنگاه برنامه جلسه را اعلام و سخنرانان را معرفی نمود.

پس از آن جناب حجة الاسلام شهید صادقی نیلی ضمن ستایش و تقدیر از اقدام وحدت طلبانه سازمان نصر و پاسداران جهاد گفت: «... من مربوط به هیچ حزب و گروهی نیستم و از اول برای وحدت عمومی قیام نموده و کوشش زیاد نمودم و اکنون که این دو جریان وحدت نموده، من با اینها هستم...»

آنگاه جناب آقای محمد اکبری سخنرانی نموده ضمن تأکید بر وحدت عموم احزاب و سازمانها، از آنها که به دلایلی از جمع ما دور بوده (منظور عده ای از خوانین منطقه) دعوت نمود که با کمال اطمینان به خانه هایشان برگردند و در اتحاد عمومی سهم بگیرند.

سخنران بعدی حجة الاسلام آقای میر حسین صادقی پروانی که پیرامون وحدت و نقش آن صحبت نموده، گفت: جمعی از برادران دلسوز مدت سه سال است جهت وحدت تلاش نمودند و اکنون این جدیت و کوشش به ثمر نشست و وحدت شکل گرفت و البته این اقدام کافی نیست کوشش شود تا اتحاد سراسری صورت بگیرد.

در پایان «منشور وحدت» توسط برادر عزیز مرحوم شهید حاج سجادی قرائت شد که تمام مواد آن با تکرار سه تکبیر مورد تأیید قرار گرفت و مردم با شعارهای کوبنده الله اکبر و شعار اتحاد اتحاد... جلسه را ترک نمودند.



شهید سجادی هنگام قرائت «منشور وحدت» در لعل



جمعی از مسئولین مواد منشور وحدت را با تکبیر تأیید می‌کنند

پس از امضاء منشور وحدت مکتوبی عنوانی آقای سید نادر مجاهد لعلی و ارباب صفدر بیگ بندر نوشته شد که دست از اختلاف و تشنج برداشته، به زادگاه خود برگردند و در کنار هم برای پیشبرد انقلاب اسلامی فعالیت نمایند و در سایه وحدت، حیثیت و آبرویتان محفوظ است.

فصل دوم

تجزیه ایستادگی و زلالت سندان

گردهمائی ۲۰ سنبله ۱۳۶۷ در ولایت میدان

پس از امضای منشور وحدت در مرکز ولسوالی لعل و سرچنگل اعضای شرکت کنند تصمیم گرفتند گردهمایی عظیمی در ولایت میدان حصه اول بهسود صورت گیرد زیرا این گام مقدس و مهم که برداشته شده باید همه گروهها و احزاب شیعه را در برگیرد گردهمایی بهسود می توانست قسمتی از این آرمان مقدس را تأمین نماید و قرار شد این جلسه در ۲۰ سنبله برگزار شود.

برادران بهسود و ترکمن که مهماندار جلسه (۲۰ سنبله) به شمار می آمدند چون حاج آقای صادقی، حاج صمد حکمت و آقای عید محمد ابراهیمی ترکمنی قبل از همه لعل را ترک گفته، رهسپار بهسود شدند تا مقدمات نشست بعدی (۲۰ سنبله) را فراهم نمایند.

بقیه اعضای شرکت کننده در اجلاس لعل از تاریخ ۶۷/۶/۱۹ به صورت پراکنده لعل را ترک گفته، در تاریخ ۶۷/۶/۲۱ در انجمن اسلامی هلمند یکی از پایگاههای سازمان نصر مورد استقبال قرار گرفتند. آقای حاج ابراهیمی مسئول پایگاه (انجمن اسلامی هلمند) به خاطر امنیت مهمانان، «قریه قلعه سفید» را که از سرک عمومی فاصله داشت تدارک گرفته بود و شب را در «تکیه خانه عمومی» که از زیبایی و مهارت معماری خوبی برخوردار بود به سر بردیم. آقای ابراهیمی و مردم منطقه از مهمانان پذیرائی گرمی به عمل آوردند.

در تاریخ ۶۷/۶/۲۲ جلسه سخنرانی در سفید دیوار تشکیل شد. جناب آقای شیخ امیری از بلخاب، آقای حاج محمد محقق از بلخ (شولگره) و آقای خادم حسین ناطقی دایکندی پیرامون اهمیت وحدت سخنرانی نموده، جلسه پنجاب و نشست لعل را

تشریح نمودند.

در تاریخ ۶۷/۶/۲۲ ساعت یک بعد از ظهر، مسئولین محترم از سفید دیوار حرکت نموده در ساعت ۳ در پایگاه شهید قاسمی واقع در دهن تنور از حصه اول بهسود رسیدیم.

استقبال زیبا و فراموش نشدنی در پایگاه شهید قاسمی بهسود

استقبال برادران در حصه اول بهسود، بسیار جالب و با شکوه بود، علما، بزرگان، موسفیدان قوم، فرماندهان نظامی و نیروهای جهادی در مسیر راه صف کشیده بودند و برای مهمانان ابراز احساسات می کردند. دسته ای از عکاسان با حرص و عشق از مهمانان عکس برداری می نمودند. منظره بسیار جالب و دیدنی بود، در مسیر راه که به جایگاه منتهی می شد خط سفیدی از چونه کشیده بود که مسیر مهمانان را به طرف کمپ مشخص می نمود، جایگاه مهمانان در میان انبوهی از درختان و جنگلها و در کنار نهر آب قرار داشت و صورت طبیعی آن، به زیبایی جایگاه افزوده بود. بدین ترتیب مهمانان عالیقدر و هیئتهای محترم که از ولایات مختلف کشور آمده بودند، در میان ابراز احساسات پرشور مردم، وارد جایگاه شدند.

کمپ یا جایگاه

جایگاهی که برای مهمانان تدارک دیده بودند، بسیار زیبا و با شکوه بود که با پارچههای رنگارنگ بخصوص پارچه های سبز پوشانده شده بود. جایگاه دارای دو اتاق استراحت و یک سالن بزرگ برای سخنرانی بود. در گوشه ای از سالن میز بزرگی قرار داده بودند و بلند گویی هم در کنار آن دیده می شد، در گوشه دیگر غرفه ای بود که نیروهای انتظامی در آن جا گرفته بودند.

خلاصه در هر گوشه جایگاه، کنار جاده و روی تنه درختان، پلاکارتهایی به چشم می خورد که با شعار زنده و انقلابی به مردم خیر مقدم گفته بودند و کلمات زیبایی که از وحدت عمومی و سراسری مجاهدین خبر میداد، به چشم می خورد.

مهمانان در جایگاه قرار گرفتند

پس از صرف چای و استقرار مردم در جایگاه عمومی، ابتدا آیاتی از قرآن مجید تلاوت شد. آنگاه جناب حجة الاسلام آقای نوید به مهمانان خیر مقدم گفته اضافه نمود که ملت ما برای اتحاد کامل و فراگیر آمادگی دارند. آقای پهلوان میر علم ترکمنی با سرود انقلابی خود روح تازه ای را در جلسه به وجود آورد. پس از آن جناب آقای کاظم جعفری دره صوفی پیرامون ضرورت وحدت سخنرانی نمود و در خاتمه اینجانب نیز پیرامون وحدت عمومی و سراسری مجاهدین صحبت نمودم و جلسه با شعار کوبنده الله اکبر و شعار وحدت پایان یافت.

اجلاس احزاب در بهسود

در تاریخ ۶۷/۶/۲۲ در حصه اول بهسود در پایگاه شهید قاسمی جلسه رسمی گروهها با شرکت رهبران و نمایندگان پاسداران جهاد، حرکت اسلامی افغانستان، سازمان نصر افغانستان، سازمان نیروی اسلامی افغانستان و نیروی صلح برگزار گردید. پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، ابتدا جناب حجة الاسلام آقای سید موحدی سنگلاخی از حرکت اسلامی افغانستان اعضای حرکت اسلامی را به جلسه معرفی نمود:

۱- حجة الاسلام آقای محمد فیاض از ارزگان خاص عضو شورای مرکزی و مسئول پایگاه ایثار.

۲- آقای رضوانی بامیانی معاون شورای عالی جهاد در ولایات میدان و پروان

۳- آقای حسینی معاون مسئول شورای ولایتی بامیان

۴- آقای انوری فرمانده عمومی در کابل و داکتر صادق مدیر مسئول سیاسی کابل

۵- آقای هاشمی مسئول پایگاه ۱۴

۶- آقای سید زکی مسئول بامیان

۷- آقای عظیمی مسئول روابط عمومی پایگاه ۷ ترکمن

۸- آقای فداکار مسئول نظامی لوگر

۹- آقای اسدی مسئول لولنج

پس از آن آقای سید عبد الحمید سجادی اعضا و رهبران سازمان نصر را معرفی

نمود:

حجج اسلام:

- ۱- آقای میر حسین صادقی پروانی عضو شورای مرکزی سازمان نصر
 - ۲- آقای خادم حسین ناطقی ارزگانی عضو شورای مرکزی سازمان نصر
 - ۳- آقای قربان علی عرفانی بامیانی عضو شورای مرکزی سازمان نصر
 - ۴- آقایان هادی، پهلوان حر و فروتن از ترکمن
 - ۵- آقایان ابراهیمی، نوید، زکی، فهیمی، بصیر، شفیق و شفق از میدان
 - ۶- آقایان مصطفی اعتمادی، واعظ زاده و فیاض از ارزگان
 - ۷- آقایان حاج محمد محقق، مصعب و اشرف از بلخ
 - ۸- آقایان حجت فاضل، امیری از جوزجان
 - ۹- برادران عباس دلجو، معین و انتظار از کابل
 - ۱۰- سید عبد الحمید سجادی از ولایت غور
 - ۱۱- حاج امیر داد حیدری از پنجاب
 - ۱۲- آقای حکیمی از ورس
- جناب آقای ضامن علی محقق اعضا و مسئولین پاسداران جهاد را معرفی نمود:

حجج اسلام:

- ۱- آقای محمد اکبری از بامیان
- ۲- حسن رضا عادل از جوزجان
- ۳- آقای فصیحی از شهرستان
- ۴- آقای احمدی از جرغی
- ۵- برادر عباسی از بامیان
- ۶- آقای نهضت از پنجاب

- ۷- آقایان جوادی و مبارز از برجگی
 - ۸- آقای حلیمی از سنگ شانه
 - ۹- آقای باقری از پایگاه ابوذر بهسود
 - ۱۰- آقای علوی مسئول پایگاه امام مهدی (عج)
 - ۱۱- آقای سید مصطفی کاظمی از پروان
 - ۱۲- آقای محمدی از حصه اول بهسود
 - ۱۳- آقای افکاری از شهرستان
 - ۱۴- آقای صادقی از شهرستان
- آنگاه افراد و مسئولین نیروی اسلامی معرفی شدند:
- ۱- آقای فاضلی مسئول نظامی ولایت میدان
 - ۲- آقای اسلم عاشوری مسئول پایگاه
 - ۳- آقای قائمی مسئول فرهنگی ولایت میدان
- پس از مذاکره کوتاه هیأت رئیسه جلسه بهسود تعیین شد که قرار ذیل است:
- حجج اسلام:

محمد اکبری و ضامن علی محقق از پاسداران جهاد
محمد فیاض و رضوانی از حرکت اسلامی
میر حسین صادقی و قربان علی عرفانی از سازمان نصر
برادران آقای قائمی و آقای عاشوری از نیروی اسلامی

جلسه با تلاوت آیاتی از قرآن مجید کار خود را آغاز نمود جناب حاج آقای صادقی پروانی طی سخنانی پیرامون وحدت، جلسه را افتتاح نمود، پس از آن، من نتایج کنگره پنجاب و جلسه تاریخی لعل را خدمت برادران حاضر در جلسه تشریح نمودم به خصوص موضوع «منشور وحدت» که در جلسه لعل به امضای سازمان نصر و پاسداران جهاد رسیده و از تمام گروهها و احزاب دعوت به اتحاد شده بود که روند تشکیل اتحاد مورد استقبال تمام مسئولین حاضر در پایگاه شهید قاسمی قرار گرفت، پس از آن

برادران وارد بحث و تبادل نظر شده هر یک پیرامون وحدت و ضرورت آن مطالبی ایراد نمودند.

سرانجام مسئولین حرکت اسلامی، نیروی اسلامی و سازمان نهضت اسلامی آقایان سید باقری و افضلی که به تازگی از غزنی رسیده بودند ضمن قدردانی و تبریک از وحدت که بین دو جریان پاسداران و سازمان نصر به وجود آمده، درخواست نمودند که در جلسه بعدی موضع خود را در باره اتحاد روشن نمایند.

مصاحبه

پس از پایان نشست ۶۷/۶/۲۲ خبر نگاران از مرکز تعلیمی شهید بلخی و حرکت اسلامی وارد جلسه شده با اعضای هیأت رئیسه جلسه مصاحبه نمودند که قسمتی از مصاحبه و گفتگوی مسئولین را ذیلاً می آورم: خبر نگار مرکز تعلیمی شهید بلخی ابتدا از جناب آقای فیاض عضو شورای مرکزی حرکت اسلامی پرسید:

س: جناب آقای فیاض لطفاً بفرمایید شما به چه منظور در جلسه شرکت نموده اید؟
ج: برای تفاهم و به وجود آوردن صلح و اتحاد، در جلسه شرکت کردم و امیدوارم برادران نهایت خلوص را داشته باشند.

س: تلقی و برداشت خود را از این جلسه روشن سازید؟
ج: با توجه به تحولاتی که در طی انقلاب به وجود آمد و با توجه به توطئه های دولت کابل فکر می کنم با تحلیلی که برادران از اوضاع و شرایط کنونی دارند به تفاهم برسیم.

خبر نگار سؤالهای خود را با آقای میر حسین صادقی چنین مطرح نمود:
س: جناب آقای صادقی بفرمایید انتظار مردم از این جلسات چیست؟
ج: در طی شش سال که من در کنار مجاهدین و مردم بودم و شناخت که از روحیه آنها دارم، مردم خواستار اتحاد همه گروهها و احزاب مسلمان اند.

آنگاه خبر نگار مرکز تعلیمی از اینجانب سؤال را در رابطه با وحدت مطرح نمود:
س: جناب آقای عرفانی طوری که برداشت دارم حرکت که در پنجاب و لعل

صورت گرفت انعکاس خوبی داشته، لطفاً حرکت بعدی خود را توضیح دهید:

ج: هدف برادران و مسئولین محترم همواره تلاش در جهت تحقق وحدت کامل همه نیروهای جهادی بوده و برای تحقق این هدف از دیر زمانی کار شده که نمونه اش وحدت سازمان نصر و پاسداران جهاد است، و اکنون که در مرکز بهسود آمده ایم در نظر است یک وحدت کامل و فراگیر به وجود آید و فکر می کنم به وجود آمدن اتحاد از هر زمانی مساعد است امیدوارم که با صداقت و تلاش همه مسئولین وحدت عمومی تحقق پیدا کند.
خبرنگار از آقای اکبری پرسید:

س: جناب آقای اکبری بفرمایید این فعالیت اتحاد فقط برای تشیع است و یا برادران اهل تسنن را نیز شامل می شود؟

ج: آرزوی نهایی ما اتحاد کامل تشیع و تسنن است اما قدمهای اول برای وحدت تشیع است.

خبرنگار حرکت اسلامی سئوالات خود را چنین مطرح نمود:

س: جناب آقای صادقی (ترکمنی) لطفاً بفرمایید درکنگره پنجاب و لعل به چه نتیجه رسیدند؟

ج: ما از جلسات قبلی نتایج خوب و مثبت گرفتیم، منشور وحدت بین سازمان نصر و پاسداران جهاد به امضاء رسید و از دیگر برادران نیز انتظار داریم که با ما همراه شوند.

آقای محمد اکبری در جواب خبرنگار حرکت اسلامی چنین پاسخ داد:

...وضعیت جهادی و کیفیت مبارزه همه جانبه با رژیم کابل در سال جاری بهتر از سالهای گذشته است نیروهای جهادی بامیان را آزاد نمودند و همینطور نیروهای سازمان نصر و پاسداران جهاد توانستند «غندکوهی» دولت را در لعل نابود سازند.

خبرنگار حرکت اسلامی از آقای فیاض عضو حرکت اسلامی سؤال نمود که در باره تشکیل دولت موقت و یا شورای انقلاب چه نظر دارید؟

ج: تشکیل شورای انقلاب و حکومت موقت بخشی از سیاست خارجی گروههای ما خواهد بود و این شکل زمانی مفید خواهد بود که ما بتوانیم در مسایل داخلی به تفاهم برسیم در آن صورت است که در این جهت موفق خواهیم بود.

آقای قائمی عضو شورای مرکزی سازمان نیروی اسلامی افغانستان در پاسخ به پرسش خبرنگاران اظهار داشت:

وابستگان روس از اول بدون دخالت روسها نتوانست قدرت را در دست گیرند، با برون رفتن روسها حکومت دست نشانده سرنگون خواهد شد.

جلسه سیاست یا آب نقره

در تاریخ ۶۷/۶/۲۳ مذاکرات مهم تاریخی بین مسئولین جهادی در پایگاه حرکت اسلامی در منطقه سیاست (آب نقره) دایر شد. برادر عقیل آیاتی از قرآن کریم را تلاوت نمود. آنگاه جناب آقای فیاض جلسه را افتتاح نمود و پیشنهاد نمود که دو نفر از برادران نهضت اسلامی به عضویت ریاست جلسه انتخاب شود که مورد توافق قرار گرفت و برادران آقای باقری و آقای افضل از نهضت اسلامی به هیئت رئیسه انتخاب شدند. پس از آن آقای فیاض چنین ادامه داد: سازمان نصر و پاسداران جهاد اسلامی، نتیجه جلسه لعل را که دو گروه متحد شده اند را برای برادران نهضت اسلامی تشریح نمایند تا برادران در جریان قرار بگیرند، لذا اینجانب کنگره پنجاب و لعل را خدمت برادران حاضر در جلسه باز گو نمودم.

آقای باقری از نهضت اسلامی: منشور وحدت بین سازمان نصر و پاسداران جهاد که شامل دوازده ماده است، از این منشور قدردانی میشود و ادامه داد: بنا بود که در این جلسه تمام احزاب و گروهها شرکت نمایند متأسفانه از ولایت غزنی مسئولینی که باید می آمدند، نیامدند. ولی باز هم درباره اصل اتحاد باید دقت شود زیرا مشکلات ما در رسیدن به اتحاد زیاد است زیرا طی نه سال گروهها بین شان معضله و مشکلات وجود داشته که به نظرم به آسانی قابل حل نیست.

پس از آن آقای قائمی یکی از مسئولین برجسته سازمان نیروی اسلامی همکاری و

پیوند خود را با اتحاد، چنین اعلام نمود:

«... ما با اضافات بسیار کم و جزئی مواد دوازده گانه منشور وحدت را

می پذیریم...»

و دسته مسلح دیگر بنام «نیروی صلح» که یک نیروی محلی و عده‌ای از روحانیت برجسته آنها را رهبری می نمودند، اتحاد سازمان نصر و پاسداران جهاد را تأیید نموده همبستگی خود را اعلام نمودند.

بدین ترتیب نیروی اسلامی و نیروی صلح به جمع اتحاد پیوستند و جلسه با شعارهای الله اکبر از این موضع گیری استقبال نمودند.

پس از آن چشمها به سوی مسئولین حرکت اسلامی دوخته بود تا نظرات خود را ابراز دارند. آقای فیاض که خود یکی از مسئولین برجسته حرکت اسلامی بود گفت: حرکت اسلامی از اول تاکنون خواهان وحدت بوده طوریکه اوضاع در داخل و خارج نشان می دهد تشیع باید وحدت نمایند اگر وحدت نشود ما نمی توانیم از انقلابمان ثمر و نتیجه بگیریم و در اصل اتحاد جامعه تشیع هیچگونه تردیدی نداریم و سعی لازم را به خرج می دهیم. اما اتحاد پایدار و مطمئن و ثابت می خواهیم نه اتحاد روی کاغذ و نه اتحادی که ضامن اجرایی نداشته باشد و نیز گفته ام که اتحاد دو نهاد گامی مثبت است و حال یک قسمت از مشکلات موضع حرکت است و ما احتیاج به یک تفاهم داریم. من ترجیح می دهم در حال حاضر درباره تحکیم شورای ائتلاف صحبت نمایم و ما هنوز تعدادی از مسئولین خارج و داخل را ندیده ایم....

آقای صادقی نیلی: یک سؤال از آقای فیاض دارم. ایشان دو چیز گفتند، اول گفتند اتحاد دو نهاد، گام مثبت است و بعد می گوید شورای ائتلاف را تحکیم کنیم... من خیال می کنم این جواب معقول نیست، اگر صلاحیت دارند باید اتحاد را قاطعانه رد کنند و یا قبول.

من رابطه ای با هیچ یک از گروهها ندارم ولی از روزی که سازمان نصر و پاسداران جهاد منشور اتحاد را در لعل امضی نمودند دیگر طرفدار اینها هستم و از این

به بعد خون من بالای خون اینهاست... شما اگر در اتحاد می آید که خوب و اگر نمی آید هم مسئله ای نیست.
آقای فیاض:

اتحاد دو نهاد عمل مثبت است ولی ما خواهان اتحاد ثابت و پایدار هستیم باید یک مقدار کار شود در حالیکه گفته شد اتحاد دو نهاد مدت زیادی وقت دربرگرفته است. اگر ما زمان کافی نداشته باشیم اتحاد تضمین ندارد. برای ما وقت داده شود تا با برادران در داخل و خارج مشورت نمائیم. مسئولین نهضت اسلامی حاضر در جلسه نیز نظر آقای فیاض را تأیید نمودند. بعد از آن من در پاسخ آقای فیاض که گفت روی ائتلاف کار کنیم، مطالبی را خدمت برادران عرض نمودم: ما با کمال عشق و اخلاص خدمت برادران رسیدیم آرزوی ما وحدت عمومی همه برادران است ما حاضریم برای تحکیم ائتلاف گام برداریم ولی باور کنید که ائتلاف چاره ساز نیست و نمی تواند تشنجهای داخلی را دفع نماید. ما اگر متحد نشویم دیگر هویت سیاسی نداریم. من معتقدم شرایط برای اتحاد آماده است و کسی جز خود ما نیست که برای آرمان تشیع کار کند و باید خودمان تصمیم بگیریم.
آقای اکبری:

«و لکن منکم امة یدعون الی الخیر...» ما باید تابع دینمان باشیم و دعوت خدا را لیبیک بگوییم. ما سر دوراهی هستیم یا متحد شویم با همه مشکلاتی که دارد یا اینکه بدست خودمان نابود شویم. ائتلاف خارج ارزشی ندارد و روز به روز ارزش آن کم شده بقیه مربوط به شما است که چگونه آماده می شوید...
آقای صادقی پروانی:

به عقیده من نظر آقای فیاض منطقی است تا ایشان مسئولین حرکت اسلامی را در داخل و خارج کشور نبینند، اتحاد مفید نیست.
اعضای جلسه اصل مهلت را پذیرفتند و در کیفیت آن وارد شور شدند. سرانجام قرار بر این شد که جلسه بعدی در ۱۵ عقرب ۶۷ در ولسوالی شهرستان صورت گیرد و

برادران حرکت اسلامی در مدت پنجاه روز می توانند تصمیم خود را بگیرند.



جمعی دیگر از مسئولین در حال قرائت قطعنامه وحدت

پایگاه امام مهدی ۷۰/۶/۲۴

به دعوت برادر محترم آقای علوی یکی از مسئولین پاسداران جهاد، عصر همان روز سیاسنگ را ترک گفته راهی پایگاه امام مهدی واقع در منطقه قول غلامحسین، شدیم. شب را سپری نموده فردای آن روز پیرامون اوضاع عمومی مناطق آزاده شده صحبت گردید و برای جلوگیری از بی نظمی و راه گیری موترداران که احیاناً توسط افراد به وجود می آمد. آقای سید ابراهیم شاه و آقای پهلوان حر به عنوان هیئت تعیین شدند تا با متخلفین به شدت برخورد نموده امنیت راهها را تأمین نمایند.

هواپیماهای دشمن به پرواز در آمدند

پایگاه امام مهدی در نزدیکی بازار سیاه خاک قرار دارد که در دوران انقلاب مرکز بزرگی برای رفت و آمد مردم شده است و تمام مایحتاج زندگی را از بازار سیاه خاک تهیه می کنند و منطقه بسیار حساس است و چندین بار از سوی دولت کابل بمباران شده تلفات انسانی و مالی فراوانی به بار آورده است، با حضور جمعی از مسئولین و فرماندهان جهادی در این منطقه دیگر خطر پیش از گذشته چنگ و دندان نشان می داد. زیرا این حرکت عمومی و هماهنگی برای دشمن غیر قابل عمل بود لذا درست در ساعت سه بعداز ظهر غرش سهمگین هواپیماهای روسی همه را متوجه ساخت که بر فراز پایگاه و اطراف به پرواز در آمده بود و گهگاه صدای انفجار هم از گوشه و کنار به گوش می رسید و تنها سلاح دست داشته مجاهدین بنام گرنوف بود که به طرف هوا شلیک می شد تا از بمباران پایگاه و بازار سیاه خاک جلوگیری به عمل آورند.

تمام مسئولین به سوی پناهگاه که در درون پایگاه امام مهدی وجود داشت راهنمایی شدند. پناهگاه بسیار محکم و مطمئن بود. زحمت و مهارتی که برادران مجاهد در کندن آن صخره های محکم به خرج داده بودند اعجاب آور بود آنهم با نبود وسایل لازم مهمانان در میان پناهگاه آرامش خود را باز یافتند. تنها جناب آقای صادقی ترکمنی را می دیدم که هنوز هم نگرانی تمام وجود وی را فرا گرفته که من از دیدن وضع ایشان احساس خطر نمودم. عصر همان روز اعضای محترم هیئت به صورت پراکنده منطقه را ترک گفته شب را در پایگاه شهید قاسمی سپری نمودند.

تعیینات شورای مرکزی

در تاریخ ۶۷/۶/۲۵ جلسه مهم و تاریخی در حصه اول بهسود در پایگاه امام حسن عسکری (ع) مربوط به پاسداران جهاد برگزار شد. اعضای جلسه عبارت بودند از: مسئولین سازمان نصر، پاسداران جهاد، سازمان نیرو و نیروی صلح. جلسه پیرامون تعیین اعضای شورای مرکزی اتحاد به تبادل نظر پرداختند و طرحی

شد که از جمع حاضر هیئتی به عنوان داور انتخاب شوند تا درباره اعضای شورای مرکزی اتحاد به داوری بنشینند. اعضای جلسه هشت نفر را به عنوان هیئت داوران انتخاب نمودند.

۱- آقای صادقی پروانی

۲- آقای صادقی نیلی

۳- آقای محمد اکبری

۴- آقای خادم حسین ناطقی دایکندی

۵- آقای عارفی دره صوفی

۶- آقای عرفانی یکه ولنگی

۷- آقای قائمی از نیروی اسلامی

۸- آقای محمد محقق از بلخ

آقای صادقی نیلی در جمع هیئت داوران حاضر نشد با این استدلال که من گروهی نیستم، اعضا هیئت داوران کار خود را آغاز نمودند. پس از بحث و گفتگوی کوتاهی قرار شد برای تعیین اعضای شورای مرکزی اتحاد، از اعضای جلسه کمک گرفته شود بدین معنی که تمام افراد موجود در جلسه از شخصیت‌های سیاسی، علمی و روشنفکران و معلمین که تقریباً به یکصد نفر می‌رسیدند خواسته شود تا نظرات خود را در رابطه با افراد واجد شرایط بدهند و هر کسی که از نظر آنها واجد شرایط اند به صورت کتبی به هیئت داوران ارائه دهند. این طرح به دو دلیل انجام شد:

۱- احترام به افکار و آرا عمومی هر چند در محدوده کوچک و انتخاب آزاد و دموکراتیک.

۲- گرفتن نظرات بقیه برادران یکنوع کمک و همیاری به شمار می‌آمد جهت تسهیل کار هیئت داوران.

موضوع اعلان شد و مورد استقبال اعضای جلسه قرار گرفت و هیئت داوران کار خود را پیش از ظهر تعطیل نمودند تا نظرات دیگران تکمیل گردد. سرانجام بعد از ظهر

هیئت داوران با جمع آوری نظرات اعضا جلسه، کار خود را شروع نمودند تمام نظرها و اسامی افراد را ردیف نموده و هر کس که رأی بیشتری آورده بودند، برادران تعیین نمودند. این اقدام برای تسهیل کار هیئت داوران بسیار مفید واقع شد و کار تعیین اعضای شورای مرکزی به سرعت انجام گردید. اعضای شورای مرکزی اتحاد به صورت زیر تعیین شدند که به آمار کلی آن اشاره می گردد (اسامی افراد در صفحات بعدی آورده می شود)

- ۱- از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان نه نفر
- ۲- از سازمان نصر افغانستان نه نفر
- ۳- از سازمان نیروی اسلامی افغانستان دو نفر
- ۴- از نیروی صلح در بخشهای اداری گرفته شود

طرح مذاکره با آقای سید علی بهشتی ۶۷/۶/۲۵

پس از پایان کار هیئت داوران و تعیین اعضای شورای مرکزی سید علی بهشتی رئیس شورای اتفاق انقلاب اسلامی دعوت به عمل آمد تا به اتحاد بپیوندد و این طرح در راستای مصوباتی بود که قبلاً صورت گرفته بود یعنی دعوت از همه گروهها و احزاب اسلامی و تلاش برای اتحاد همه گروهها برای تماس و مذاکره با آقای بهشتی، آقای صادقی ترکمنی در نظر گرفته شد که به حیث نماینده اتحاد، با بهشتی وارد مذاکره شود. آقای صادقی همانگونه که خود یک انسان وارسته، خوش قلب و دوست داشتنی است، سابقه خوب و دیرینه ای با آقای بهشتی دارد. ایشان در نجف اشرف در دوران تحصیل با آقای بهشتی در یک اطاق مدرسه زندگی می کردند، هم درس و هم بحث بودند و بیشتر از دیگران شایستگی این مسئولیت را داشتند.

موضوع طی مکتوبی با امضای آقای اکبری و من، به آقای صادقی ترکمنی ابلاغ شد و ایشان هم بلافاصله مکتوبی عنوانی آقای بهشتی در منطقه ناهور نوشت و دعوت

پیوستن در جمع اتحاد نمود و نامه هم توسط برادر مجاهد آقای سید بصیر ارسال شد. در نخستین پاسخی که از آقای بهشتی دریافت شد، از وحدت گروهها استقبال نموده خواستار مذاکره مستقیم با آقای صادقی دریکی از نواحی ناهور شده بود.

پس از اتمام جلسه بهسود، برادران مجاهد حسین صابری و حیدر محقق ورسی برای رساندن پیام اتحاد به مسئولین جهادی خارج کشور، راهی ایران و پاکستان شدند که متن مأموریت ایشان قرار ذیل است:

بسمه تعالی

سازمان نصر افغانستان

شورای مرکزی داخل کشور

مسئولین نهادهای انقلاب اسلامی افغانستان و مسئولین رسانه‌های خبری به سلامت باشند. اما بعد جناب حجة الاسلام صابری یکی از سنگرداران جهاد اسلامی افغانستان از جانب شورای مرکزی سازمان نصر داخل کشور، مأموریت دارد تا مواضع سازمان را در قبال حوادث جاری منطقه و جهان تشریح نمایند و نیز اوضاع فعلی داخل کشور و پیام اتحاد سازمان نصر و پاسداران جهاد و سایر نیروهای ذربط را بگوش علاقه مندان به انقلاب اسلامی افغانستان برسانند.

امضاء: قربانعلی عرفانی خادم علی ناطقی میر حسین صادقی

۶۷/۶/۲۹

برادران طبق ابلاغ پیام اتحاد به مهاجرین افغانستان مقیم پاکستان و ایران مصاحبه‌ای با رادیو دری مشهد در رابطه با اتحاد داخل انجام دادند...

جلسه با شکوه در حصه دو بهسود (شفاخانه) ۶۷/۶/۲۶

نشستهای تاریخی و مستمر در پایگاههای سازمان نصر، حرکت اسلامی و پاسداران جهاد برای ایجاد اتحاد عمومی و سراسری مجاهدین یک نوع امید برای مردم رنج‌دیده و زحمتکش ما در منطقه به وجود آورده و بی صبرانه در انتظار شنیدن گزارش

بودند. بدین منظور جلسه با شکوهی در منطقه «تگاو» شفاخانه برگزار شد. آقای اکبری و بنده طی سخنانی نتیجه نشستهای چهار روزه را به اطلاع مردم رساندیم و از این که جلسات مثبت بوده و گامهای مهم و سرنوشت ساز برداشته شده است، مورد استقبال مردم قرار گرفت و سخنرانی و دعا در میان تکبیر حاضران پایان یافت.

به سوی پنجاب ۶۷/۶/۲۷

پس از پایان جلسات بهسود، عده‌ای از مسئولین به سوی ولایت پروان رهسپار شده و آقای صادقی نیلی، آقای اکبری و من به سوی ولسوالی پنجاب حرکت نمودیم. علاوه بر کارهای روزمره منطقه، پیام اتحاد برای مردم رسانیده شود. بدین منظور جلسه با شکوهی در تاریخ ۶۷/۶/۲۹ در مرکز ولسوالی پنجاب برگزار شد. ابتدا جناب آقای صادقی سخنرانی نموده و چنین اظهار داشت.

«... جلسات بهسود بسیار مفید و مثبت بود. البته اصل اتحاد از نظر من بسیار مقدس است و استقبال می‌کنم ولی در تعیین اعضای شورای مرکزی اشکال دارم چرا که بعضی افراد ناشایسته در این تشکیلات آمده که نباید می‌آمد...»

البته منظور آقای صادقی از آن افراد، روشن بود ولی من از آوردن آن خودداری می‌کنم بعد از آقای صادقی، اینجانب گزارش مفصلی از نحوه کار در منطقه بهسود خدمت مردم ارائه دادم.

در تاریخ ۶۷/۶/۳۰ جلسه‌ای در مرکز پنجاب دایر شد تا پیرامون اساسنامه اتحاد تبادل نظر شود، پس از گفتگو و تبادل نظر قرار بر این شد که تدوین اساسنامه به تعویق بیفتد تا مسئله بقیه احزاب شیعه و از جمله حرکت اسلامی روشن گردد.

بسی و ولایت پروان

همانگونه که گفته شد عده‌ای از مسئولین از ولایات بلخ، سمنگان، غور و ارزگان به دعوت جناب آقای صادقی پروانی به سوی پروان رهسپار شدند تا از طریق پروان از مرکز بامیان که به تازگی آزاد شده بود، دیدن نموده در مرکز پنجاب حاضر شوند.

دروالایت پروان، مورد استقبال عمومی مردم و پایگاههای مجاهدین چون سازمان نصر، حرکت اسلامی و پاسداران جهاد قرار گرفتند. دراین میان، بخش فرهنگی پایگاه «شهید مرتضی» مربوط به سازمان نصر، میزگردی تشکیل داده و مسئولین محترم پیرامون کنگره پنجاب، لعل و بهسود توضیحاتی را ارائه دادند که گوشه‌ای از مصاحبه را می‌آورم.

س: جناب استاد ناطقی ارزگان، شما به حیث یکی از اعضا شورای مرکزی سازمان نصر که برای اتحاد تلاش نموده اید، بفرمائید که هدف از تشکیل کنگره پنجاب و سمینارهای لعل و میدان چه بوده است؟

ج: گرچه حقیر در کنگره پنجاب نبودم، در مجموع آنچه را انجام دادند مسئله‌ای بود که طی سالیان دراز یعنی از سال ۵۸ به اینطرف مسئولین سازمان نصر تلاش داشتند که یک وحدت سراسری در میان نیروهای اسلامی بخصوص مناطق مرکزی بوجود بیاورند. آن تلاشها امتداد داشت تا امسال. و در این سال (۱۳۶۷) استادان بزرگوار چون استاد صادقی و عرفانی با همکاری آقای سجادی و آقای صابری، کنگره پنجاب را به وجود آوردند.

اصل کنگره پنجاب برای هماهنگی و تحکیم ائتلافی بود که در خارج به وجود آمده بود. بعد هم در اثر عشق آتشین این مسئولان محترم به اتحاد، پیشنهاد اتحاد در آنجا (کنگره) داده و پذیرفته شد. بنا براین دادن مرحله تکاملی به کنگره پنجاب، پیشنهاد جلسه لعل را نمودند و در سمینار لعل مسئولان سازمان نصر، پاسداران جهاد اسلامی از ولایات ارزگان، شمال، میدان، پروان و بامیان گرد آمدند و برادران غزنی که در لعل نرسیده بودند به حضرت استاد صادقی صلاحیت کتبی دادند که در مرکز لعل منشور وحدت را امضا نمودند. بنابراین مسئولان سازمان نصر با اطمینان خاطر به اینکه دوستانشان در هیچ جایی مسئله را رد نخواهند کرد، با برادران پاسداران جهاد منشور وحدت را در لعل امضا نمودند.

س: آقای ناطقی! سازمان نصر، پاسداران جهاد و سازمان نیرو روی کدام اصول

و مبنا با هم وحدت نمودند؟

ج: اصولیکه این جریانهای اسلامی با هم وحدت نموده‌اند در منشور وحدت طی ۱۲ ماده آمده که خدمتتان رسید و می‌توانید آنرا مطالعه نمایند، آنچه برای این جریانها ارزش داشت موضوع خط فقاقت و ولایت بود که دوستان روی خط فقاقت تکیه نموده و آن را اصل شمردند.

آقای محمد کاظم جعفری مسئول ولایتی سمنگان و بغلان:

س: جناب آقای جعفری علل و انگیزه‌ای که زمینه وحدت جریانهای موجود را فراهم نمود چه بوده لطفاً توضیح فرمائید؟

ج: پیش از اینکه به سؤال شما جواب بدهم از مسئولین سازمان نصر در ولایت پروان خاصه مسئولین پایگاه شهید مرتضی و کارکنان نشریه (فلق) تشکر نمایم. علل و انگیزه وحدت در عمق عقیده و وجدان هر انسان است. وحدت یکی از اصول مسلم اسلام و قرآن است لذا علت عمده کوشش برای اتحاد را در مفکوره‌های اسلامی و عقیدتی جریانهای اسلامی می‌دانیم. عامل دیگر تشنج و پراکندگی بود که متأسفانه در میان گروههای اسلامی وجود داشت لذا مسئولین امر را بر این داشت که برای تخفیف تشنجات راه معقول و مناسب‌تری در پیش گیرند که مسلماً آن راه وحدت و هماهنگی گروهها است و همچنین برای اتخاذ موقف سیاسی واحد، در برابر توطئه ابر قدرتها بر سر مسئله افغانستان، لازم بود یک وحدت کامل بین نیروها بوجود آید.

آقای محمد محقق مسئول ولایتی بلخ:

س: جناب آقای محقق کدام علل و انگیزه‌ها بود که در گذشته نیروهای موجود را از اتحاد باز می‌داشت. نظر خود را در این رابطه روشن کنید؟

ج: در رابطه با عدم وحدت در گذشته و یا عواملی بازدارنده وحدت عرض کنم جریانهای اسلامی هر کدام در مرحله تفکر و عقیده خواستار وحدت بودند، فکر نمی‌کنم کسی وحدت را قبول نداشته باشد. اما در داخل و خارج یک سری عواملی وجود داشت که وحدت را نفی می‌کرد و مانع از پیوستن همدیگر می‌شدند. از جمله احزاب و

عناصر مشکوک ک.ج.ب و خاد و... فعالیت تخریبی می کردند و خود خواهیها و خود محوری ها نیز مانع از اتحاد می شدند.

مسئله و هایت که توسط بعضی از احزاب در کشور رخنه نموده است. این است که بعضاً مربوط به خارج است و بعضی هم مربوط به داخل.

س: آقای محمد محقق نقش دانشجویان مسلمان را در انقلاب اسلامی چگونه می بینید؟

ج: دانشجویان مسلمان را به عنوان قشر انقلابی و پیشتاز می شناسم چنانکه قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ تفکر اسلامی بعنوان نه شرقی و نه غربی در حوزه های علمیه و بین طلاب جوان پدید آمده بود، برای قشر تحصیلکرده معارف و دانشجویان نیز این اندیشه احیا شده بود و این دو قشر قبل از کودتا با هم پیوند خورده بودند و پس از کودتای ۷ ثور کشتار و دستگیری روحانیون و دانشجویان به موازی هم شروع شد و تاکنون هم چرخ انقلاب رادوش به دوش هم پیش می رانند.

آقای عبدالحمید سجادی یکی از مسئولین سازمان نصر در لعل:

س: آقای سجادی لطفاً نظر خود را در مورد حدود و وسعت وحدت جریانه های اسلامی افغانستان ابراز دارید؟

ج: همانطوری که استاد ناطقی خدمت شما توضیح داد، مسئله کنگره پنجاب و سمینارهای لعل و میدان به دنبال آن طرحی بوده که مسئولین بزرگوار سازمان نصر از سال ۱۳۵۸ به اینطرف احساس مسئولیت می کردند تا یک وحدت اصولی در بین نیروهای مسلمان به وجود آید.

در شرایط حاضر و حساسیت اوضاع و با توجه به تحرکات روسها و آمریکائیها و اذتاب آنها در منطقه برای به انحراف کشیدن انقلاب اسلامی افغانستان، تشکیل دولت ائتلافی از سوی دولت کابل و تشکیل دولت موقت در پشاور و نادیده گرفتن حق تشیع و امثال اینها مسئولین را واداشت که از راه تشکیل کنگره و سمینارها مسئله وحدت را

دنبال نمایند.

با توجه به آنچه عرض کردم، همانطور که در قطعنامه کنگره پنجاب و منشور وحدت در لعل آمده در قدم اول نیروهای جهادی در محدوده ائتلاف مطرح است و در کنار اینها نیروهای سالم و مؤمن به انقلاب اسلامی در این وحدت سهم خواهند داشت. نظر مسئولین بزرگوار هم همین است که در این موقعیت حساس همه آنها که معتقد به اسلام اند، در کنار هم جمع شوند که پس از اتحاد احزاب و نیروهای شیعه بتوانیم با برادران خود در اتحاد هفتگانه صحبت نمائیم و همین طور با وحدت و هماهنگی، ضربه کاری بر دولت کابل وارد سازیم.

آقای حجت فاضل مسئول ولایتی سازمان نصر در جوزجان

س: جناب آقای فاضل مسئولین خارج کشور آیا در جریان حرکت وحدت طلبانه مسئولین داخل کشور قرار دارند یا نه؟

ج: به طور کلی برادران ما در خارج کشور در این فکر بودند. تلاشهای آنها در جهت ایجاد ائتلاف هشتگانه بیانگر همین موضوع است. منتهی «منشور وحدت» که در داخل تا کنون امضا شده شورای مرکزی اتحاد تشکیل شده اطلاع ندارند و این وحدت از داخل کشور و از دل سنگرها به وجود آمده و انشا... در آینده نزدیک به اطلاع مسئولین خارج کشور رسانیده می شود.

آقای هادی مسئول ولایتی سازمان نصر در پروان

س: جناب آقای هادی قرار معلوم حضرت عالی پس از ختم کنگره پنجاب برای رفع تشنج و آتش بس مسافرتی به شمال کشور داشته اید، لطفاً ما را در جریان قرار دهید؟

ج: بعد از کنگره ثمر بخش پنجاب دو هیئت اعزام شد. یکی به سوی ارزگان و یکی هم به سوی شمال کشور. هیئت شمل آقای دلیر و آقای حاج پیروزی از پاسداران جهاد و حاج ابراهیمی و بنده از سازمان نصر بودم مسافرت ما به سمت شمال به خاطر هماهنگی بین دو جریان در بلخاب و دره صوف بود از راه یکه‌ولنگ به سوی بلخاب

حرکت نمودیم. در منطقه ترخوج مرکز علاقه داری بلخاب رسیدیم در آنجا عده ای از علمای دلسوز به انقلاب را ملاقات نمودیم. از جمله با برادر مجاهد آقای رضایی، که زمینه تفاهم و همکاری را آماده کرده بود در مدت هفده روز تلاش و کوشش، توانستیم نیروهای مسلح دو طرف را در «ترخوج» حاضر و هماهنگی به وجود آوریم، و قرار شد هر دو جریان در جلسه ده سنبله در مرکز لعل حاضر شوند تا انشا... وحدت کامل به وجود آید و الحمدا... این آرزو تحقق یافت و مسئولین هر دو گروه در لعل حاضر شدند. و اتحاد را امضا نمودند.

لازم به یادآوری است که در مرکز بلخاب، خبر شهادت عارف حسین حسینی رهبر شیعیان پاکستان را شنیدیم که توسط عوامل سر سپرده استکبار جهانی به شهادت رسیده است. برای همدردی با مسلمانان پاکستان، که امر اخوت اسلامی است، جلسه با شکوهی جهت تجلیل آن شهید برگزار شد که در آن جلسه بنده و آقای روح... از جبهه متحد سخنرانی نمودیم.

چرا نشست ۱۵ عقرب صورت نگرفت؟

طبق پیشنهاد حرکت اسلامی در جلسه میدان قرار شد جلسه بعدی در ۱۵ عقرب ۱۳۶۷ در شهرستان دایر شود تا فرصتی باشد برای مسئولین حرکت اسلامی. ولی روزها به سرعت سپری شد و روز موعود سر رسید. متأسفانه از اعضای شرکت کننده در اجلاس شهرستان مخصوصاً از مسئولین حرکت اسلامی اثر و خبری نبود. تنها آقای صادقی ترکمنی و بنده و آقای رضایی و آقای قیام از جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان در مرکز پنجاب انتظار می کشیدیم تا دیگران برسند. و به سوی شهرستان حرکت نماییم. مرکز پنجاب در آن شرایط تنها مرکزی بود که باید مسئولین از آنجا به سوی شهرستان عزیمت می نمودند.

از سوی دیگر مسئولین «شهرستان» برای اجلاس ۱۵ عقرب آمادگی کامل جهت پذیرایی از مهمانان را گرفته بودند و در انتظار ورود مهمانان دقیقه شماری می کردند.

در این میان اولین نامه از حرکت اسلامی افغانستان به امضای آقای رضوانی بامیانی، در مرکز پنجاب رسید که گوشه‌ای از آن آورده می‌شود: «... به دلیل عدم امنیت راه شهرستان لازم است جلسه ۱۵ عقرب در مرکز بامیان تشکیل شود که از نظر سیاسی نیز اهمیت دارد...»

محل امضای آقای رضوانی ۶۷/۸/۱۲

مسئولین موجود در مرکز پنجاب پس از خواندن نامه و پس از مشورت کوتاهی بصورت فوری پاسخ نامه را بدین شرح فرستادند:

«... البته اهمیت سیاسی مرکز بامیان قابل انکار و تردید نیست ولی در جلسه قبلی در پایگاه حرکت اسلامی در بهسود به اتفاق نظر همه برادران «شهرستان» به تصویب رسید، بنابر لازم است برادران هر چه سریعتر تشریف بیاورند تا به شهرستان برویم. علاوه بر آن در شرایط فعلی تشکیل جلسه در بامیان امکان پذیر نیست. چون فرصت کافی هم از دست رفته و مسئولین شهرستان ترتیبات لازم را اتخاذ نموده و مصارف هنگفتی را در نظر گرفته‌اند و ما منتظر پاسخ مثبت شما هستیم...»

میرحسین صادقی قربانعلی عرفانی ۶۷/۸/۱۶

به تاریخ ۲۰ عقرب بود که دومین نامه حرکت اسلامی افغانستان را در رابطه با نشست شهرستان دریافت نمودیم که بدین مضمون نوشته بود:

«... به دلیل نیامدن مسئولین حرکت اسلامی افغانستان از شمال کشور و ولایت غزنی نمی‌توانیم در شهرستان حاضر شویم...»

بدین ترتیب با حاضر نشدن مسئولین حرکت اسلامی و گذشت زمان و شرایط حساسی که در منطقه وجود داشت دیگر برگزاری اجلاس مورد نظر در شهرستان به کلی منتفی شده بود! بعضی از مسئولین گروه‌ها و از جمله جناب آقای رضایی و آقای قیام از جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان که از ولایات جوزجان به منظور شرکت در جلسه شهرستان آمده بودند با کمال ناراحتی پنجاب را ترک نموده و به ولایتشان برگشتند و به آقای صادقی و اینجانب اجازه دادند که در راه وصول به آرمان والای

مردم که همانا اتحاد همه گروهها و سازمانهای اسلامی است هر طور صلاح می دانید به اقدام خود ادامه دهید.

برج عقب کم کم سپری می شد و ما همچنان نگران و مضطرب در مرکز پنجاب به سر می بردیم. نگرانی از آن جهت که روند اتحاد احزاب و سازمانهای اسلامی به تأخیر می افتاد و زمینه ای که در اثر فعالیت دلسوزان به انقلاب و مردم به وجود آمده بود ممکن بود در اثر یک توطئه حساب شده از سوی دشمنان اتحاد از بین برود و همه چیز قابل پیش بینی بود.

برای ادامه جدی و سریع اتحاد عمومی، آقای صادقی و من و عده ای از برادران متعهد و انقلابی فوراً تشکیل جلسه دادیم و حوادث و موانع طبیعی و تحولات سریع بین المللی را بررسی نمودیم. اولاً با نزدیک شدن فصل زمستان آن هم در محیط سرد سیر هزاره جات و قله های بلند این سرزمین برف و باد که در اثر ریزش برف سنگین که در بسیاری از مناطق به بیش از یک متر می رسد، ادامه فعالیت طبعاً مشکل بود و به کندی می گرائید. ثانیاً: تحولات سریع در کشور و در صحنه بین المللی، چون تشکیل دولت موقت مجاهدین در پشاور و به ریاست آقای صبغة... مجددی، تلاش روسها برای مذاکره مستقیم و رودر رو با مجاهدین که نمونه اش آمدن و رنستوف معاون اول وزارت امور خارجه شوروی بود در عربستان سعودی و ملاقات آقای برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان و سخنگوی دولت موقت پشاور با ورنستوف در طائف یکی از شهرهای عربستان سعودی و مسائل دیگر که در پیرامون انقلاب وجود داشت.

با توجه به آنچه گفته شد، دیگر درنگ نمودن و توقف جایز نبود، در آخرین بررسی تصمیم گرفته شد که قبل از ریزش برف سنگین در هزاره جات، برای پیگیری روند کلی اتحاد یک سفر کوتاه عاجل در ولایت غزنی صورت گیرد، زیرا در این ولایت اکثریت احزاب و سازمانهای مردم تشیع حضور دارند و زمینه مذاکره برای اتحاد وجود دارد.

فصل سوم

«بیکیری اتحاد در ولایت عربی»

گردهمائی مهم و تاریخی در جاغوری

به تاریخ ۶۷/۹/۴ ولسوالی پنجاب را به قصد بهسود ترک گفته و به تاریخ ۶۷/۹/۵ با مشورت مختصری که با مسئولین بهسود صورت گرفت من همراه با استاد صادقی و آقای اکبری و آقای قاسمی و سید جوادی از مسئولین محترم نیروی اسلامی از طریق ناهور راهی ولایت غزنی شدیم. راه خطرناک و طولانی منطقه ناهور را به سرعت می پیمودیم. سرمای برج قوس که در همه جا وجود دارد، در کویر وسیع و پهناور ناهور، با برف و سرمای شدید همراه بود. علاوه بر آن خطر دزدان مسلح که احياناً راه را بر مسافرن می بستند نیز ما را دچار نگرانی کرده بود بخصوص پس از برخورد با راننده ای که از ولایت غزنی به سوی بهسود می آمد که گزارش داد: تعدادی از عناصر مسلح در مسیر راه وجود دارد و شما مواظب باشید. برادران مجاهد که تعداد شان به بیست نفر می رسید تمام کوهها و تپه هائی را که احتمال دزدان مسلح در آنجا بود، در محاصره خود گرفته بودند و ما با کمال احتیاط و آمادگی عبور نمودیم.

در دوراهی که منطقه «سراب» و جاغوری را از هم جدا می نمود، نامه ای به عنوان آقایان سید عباس حکیمی و عرفانی از مسئولین سازمان نصر و آقایان بلاغی و فکرت از مسئولین پاسداران جهاد نوشته شد که هرچه زود تر خود را در مرکز جاغوری (سنگ ماشه) برسانند، تا با مسئولین احزاب در جاغوری پیرامون اتحاد، مذاکراتی بعمل آید. برادران هم در اسرع وقت ممکن به منطقه جاغوری آمدند و کارمان را شروع نمودیم.

نشست های تاریخی در جاغوری

در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۸ وارد مرکز جاغوری (سنگ ماشه) شدیم. و استقبال با شکوهی از سوی مسئولین، علماً موسفیدان، طلاب و بازاریان «سنگ ماشه» به عمل آمد

و طی سخنانی از هیئت تقدیرنموده و خیر مقدم گفتند. سپس یکی از برادران ضمن تقدیر از استقبالی که از برادران بعمل آوردند، انگیزه آمدن را تشریح نمود. آنگاه برای ابراز حسن نیت و اخلاص، بدیدن پایگاه هریکی از احزاب و سازمانها رفتیم. احزاب و سازمانهایی که در «سنگ ماشه» حضور داشتند به شرح زیر میباشند:

۱- سازمان نهضت اسلامی افغانستان.

۲- جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان.

۳- حرکت اسلامی افغانستان.

۴- سازمان نصر افغانستان

۵- پاسداران جهاد اسلامی افغانستان.

پس از استقرار در پایگاه سازمان نصر، طی نامه هایی از علما و موسفیدان، روشنفکران و مسئولین احزاب چون آقای ابراهیم «معروف به باب» از دعوت اتحاد اسلامی افغانستان و آقای فیاض از ارزگان خاص و آقای داکتر شاه جهان و... دعوت نمودیم که در مرکز جاغوری حضور بهم رسانند.

در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۹ جلسه مهم و با شکوهی مرکب از علما، موسفیدان، روشنفکران و مسئولین احزاب در پایگاه نهضت اسلامی دایر شد. آقای میر حسین صادقی پروانی به نمایندگی از هیئت، گزارش مفصلی از کیفیت و چگونگی و نشستهای جمعی که در ولایت بامیان، غور، میدان صورت گرفته و منجر به وحدت سازمان نصر، پاسداران جهاد و سازمان نیرو و نیروی صلح گردید... ارائه داد. و اینکه هدف ما وحدت کلیه نیروهای جهادی است و با این آرمان مقدس خدمت شما برادران در جاغوری آمده ایم و آرزو داریم که این وحدت عمومی تحقق پیدا نماید.

سپس از جناب آقای واثق یکی از قوماندانان برجسته نهضت اسلامی، پس از ابراز احساسات و آرزوی موفقیت برای هیئت گفت: مسئله وحدت مسئله مهم حیاتی است. و لازم است که جامع الاطراف باشد. یعنی همه گروههای اسلامی در آن شرکت نمایند. آقای واثق با ابراز نگرانی سؤال را اینگونه مطرح نمود که «... نظر شما در باره شورای

انقلابی اتفاق اسلامی چیست و چرا دعوت نکرده اید و از آقای سید حسن جگرن نام برد که نظر شما درباره وی چیست؟ و امثال اینگونه حرفها و...؟! فکر می کنم منظور آقای واثق را دو چیز تشکیل میداد. یکی شناخت و درک صحیح از ماهیت اتحاد که مطرح شده که اصولاً بر هر انسانی لازم است در راه شناخت واقعی قضیه حالت کنجکاوی داشته باشد تا آگاهانه وارد صحنه شود. دوم: یک نوع حالت نگرانی برایش وجود داشت. زیرا بعضی از گروههایی که مورد نظر آقای واثق بود چون حرکت اسلامی به طور کامل در جرگه اتحاد نیویسته بودند.

آقای اکبری یکی از اعضای محترم هیئت در برابر این پرسش که چرا از شورای اتفاق دعوت به عمل نیامده چنین پاسخ داد: «... فعلاً صحبت ما با شماست و از شما دعوت نموده ایم اما درباره شورای اتفاق در حال مذاکره و تفاهم هستیم. امیدواریم راه حل معقولی پیدا شود.»

آقای واثق برای اینکه افراد همراه و هماهنگ با خود را پیدا نماید آقای عبدالاحمد فیاض لومان را که از مسئولین پاسداران جهاد در بخش غزنی می باشد، مورد خطاب قرار داد که شما درباره اتحاد چه نظر دارید؟ آقای فیاض که خود آدم برجسته و مؤثر از خاندان بزرگ (خان) منطقه است، و در دوران حاکمیت شورای اتفاق انقلاب اسلامی به حیث والی جاغوری در سنگ ماشه انجام وظیفه کرده است، در جواب آقای واثق که گویا قبلاً هماهنگی شده بود، با شک و تردید و ژست مخصوص به خود گفت: «... اتحاد... اتحاد کار بسیار خوبی است ولی پاسداران بخش غزنی با هم بنشینند و پس از مشورت و تفاهم جواب بدهند.» سخنان آقای فیاض برای هیئت خوش آیند نبود چرا که پاسداران جهاد اسلامی افغانستان در جرگه اتحاد وارد شده و منشور وحدت را امضا کرده بود. و این برخورد برای آقای اکبری بسیار سنگین تمام شد. زیرا اینطور وانمود می شد که منشور وحدت که بین پاسداران و سازمان نصر در لعل و بهسود امضا شده، هیچگونه ربطی به پاسداران بخش غزنی ندارد و آقای اکبری هم تنها در بخش بامیان و غور مسئولیت دارد. چنانچه آقای اکبری هم ناراحتی خود را پنهان نکرد

و در یک مناسبتی چنین ابراز داشت: «موضعگیری آقای فیاض را فراموش نمی کنم...»

منطقه بو سعید جاغوری

در تاریخ ۶۷/۹/۱۰ جلسه اتحاد در منطقه بو سعید که به دعوت جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان صورت گرفت، برگزار شد. در مراسم استقبال جمعیت زیادی از مردم بوسعید و دانشجویان منطقه گرد آمده بودند و نسبت به مهمانان مراتب تشکر و قدر دانی خود را ابراز نمودند.

حجة الاسلام آقای محمد اسحق محبی از اعضای شورای مرکزی جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان ضمن تقدیر از هیئت محترم بر اتحاد تمامی احزاب اسلامی افغانستان تأکید نمود و آنگاه جمعی از نونهالان انقلاب اسلامی سرود زیبایی مبنی بر اتحاد ایراد نمودند که حاضران را تحت تأثیر قرار دادند. پس از آن جناب آقای اکبری طی سخنانی به احساسات مردم پاسخ دادند و از مهمان نوازی شان تشکر نمودند. جلسه مهم و تاریخی با شرکت علما، موسفیدان، روشنفکران و قوماندانان عالیرتبه و مسئولین احزاب در منبر بو سعید برگزار شد.

پس از بررسی اوضاع و شرایط کنونی انقلاب اسلامی افغانستان همه اعضای شرکت کننده از وحدت عمومی و فراگیر استقبال به عمل آوردند. حتی آن عده از برادران که در جلسه قبلی به نحوی تعلل می ورزیدند، اتحاد را پذیرا شده از تردید و دو دلی خود که دیروز نشان می دادند عذر خواهی نمودند. انگیزه پذیرفتن اتحاد عمومی از سوی تمامی احزاب و سازمانهای اسلامی در جاغوری علاوه بر انگیزه درونی که در همه سران گروهها وجود داشت، فشار افکار عمومی و آرمان وحدت خواهی توده های مردم، عامل نیرومندی بود که همه را به اتحاد وادار نمودند. حضور جمعی از علمای بزرگوار، موسفیدان قوم، روشنفکران مستقل در ایجاد اتحاد نقش به سزایی داشت. علاوه بر مسئولین احزاب و قوماندانها عده زیادی از حاضرین نیز پیمان اتحاد را امضا نمودند که از نظر خوانندگان می گذرد.

متن پیمان اتحاد در جاغوری

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا «قرآن کریم»

اکنون که به حول و قوه خداوند و در اثر استقامت و پایداری ملت مسلمان و غیور افغانستان آخرین بقایای روسهای متجاوز سر افکنده و شکست خورده از افغانستان در حال خارج شدن است و ملت مسلمان در آستانه پیروزی قرار دارند، مسئولین احزاب و سازمانهای اسلامی و علمای اعلام در ادامه جلسات قبلی که برای تعیین سرنوشت ملت مسلمان در افغانستان به عمل آوردند، سر انجام در جلسه تاریخی ۱۳۶۷/۹/۱۰ که در جاغوری به عمل آمد، مسئولین پاسداران جهاد اسلامی، سازمان نصر افغانستان، نهضت اسلامی افغانستان، جبهه متحد، نیروی اسلامی، نیروی صلح و علمای اعلام در اصل اتحاد، اعلان آمادگی نمودند و اتحاد را به عنوان یک اصل ضروری در شرایط فعلی پذیرا شدند و از سایر نهادهای مؤمن و مسلمان که در جلسات فوق حضور نداشتند، صمیمانه دعوت به عمل می آید که در این اتحاد شرکت نموده به دستور قرآن کریم چون بنیان مرصوص در مقابل دشمنان اسلام قرار گیرند.

و من الله توفیق ۶۷/۹/۱۰

- | | |
|--------------------------|-------------------------|
| ۱- میر حسین صادقی ترکمنی | ۲- سید جوادی |
| ۳- نوری | ۴- قربانعلی عرفانی |
| ۵- قائمی | ۶- بیانی یکه ولنگی |
| ۷- محمد اکبری | ۸- شفق غزنوی جاغوری |
| ۹- اخلاصی | ۱۰- بلاغی غزنوی |
| ۱۱- عبدالاحمد فیاض | ۱۲- عباس حکیمی |
| ۱۳- سعیدی | ۱۴- تقدسی |
| ۱۵- اسحاق محبی | ۱۶- برهانی |
| ۱۷- صادقی جاغوری | ۱۸- افضلی ۱۹- سید باقری |

تعیین کمیت اعضای شورای مرکزی اتحاد در غجور

پس از امضای پیمان اتحاد در حضور جمعی از اعضا، و مسئولین احزاب و سازمانها و شخصیت‌های مستقل قرار شد برای تعیین اعضای شورای مرکزی اتحاد، جلسه محدود گردد تا زود تر به تفاهم برسند. پس از بحث و بررسی، از هر گروه و سازمان سه نفر تعیین شد.

۱- آقای حکیمی و آقای صادقی و من از سازمان نصر

۲- آقای بلاغی و آقای اکبری و آقای فیاض لومان از پاسداران جهاد

۳- آقای سعیدی و آقای باقری و آقای افضل از نهضت اسلامی

۴- آقای اسحق محبی و آقای حسین علی صادقی از جبهه متحد انقلاب اسلامی

۵- آقای قائمی و آقای سید جواد از نیروی اسلامی افغانستان

در تاریخ ۶۷/۹/۱۱ اعضای منتخبه کار خود را آغاز نمودند. گفتگو به درازا کشید، جو جلسه بسیار سنگین بود، همه سعی می کردند که با احتیاط برخورد شود، مبادا به وحدتی که نضج گرفته، ضربه وارد شود، زیرا اگر کسی می خواست اتحاد را به هم بزند، تنها راه خراب نمودن جلسه اتحاد از همین نقطه آغاز می شد. چه، نظر به جو عمومی و شرایط اجتماعی موجود، هیچ یک از گروهها، علی الاصول نمی توانستند از اتحاد سرپیچی نمایند و در برابر خشم عمومی مردم قرار می گرفتند. البته بعضیها دنبال بهانه بودند که آخرین ضربه را به اتحاد بزنند. پس از بگو مگوهای زیاد، برادران نهضت اسلامی و جبهه متحد و نیروی اسلامی (۱) گفتند در شورای مرکزی اتحاد، باید از هر گروه و سازمان یک نفر گرفته شود. به دلیل آنکه در شورای ائتلاف بین هیچ یک از گروهها و سازمانهای کوچک و بزرگ تفاوت وجود ندارد و از هر گروه یک نفر در شورای تصمیم گیری حضور دارد این پیشنهاد به دلایلی رد شد از جمله اینکه در هر گروه و سازمانی عده ای به عنوان اعضای شورای مرکزی حضور دارند. آوردن یکی از آنها در شورای مرکزی اتحاد، و حذف دیگران، مسلماً مشکلاتی در درون همان گروه به وجود می آورد.

(۱) از نیروی اسلامی افغانستان در جلسه بهسود دو نفر در شورای مرکزی پذیرفته شد و قناعت داشتند ولی اکنون تعهد قبلی را زیر پا

گذاشته در جمع برادران نهضت اسلامی و جبهه متحد پیوسته که از دو نفر بیشتر سهم بگیرند.

پس از این استدلال، دیگر همه ساکت بودند. سرانجام آقای سید عباس حکیمی گفت: شما برادران نهضت و جبهه متحد در اعضای شورای مرکزی اتحاد بین گروهها و سازمانها، قائل به تفاوت هستید یا نه؟

آقای افضل از نهضت اسلامی گفت: فکر می کنم برادران نهضت اسلامی، نیروی اسلامی و جبهه متحد انقلاب اسلامی با هم بنشینند و پس از مشورت جواب بدهند. سپس مسئولین سه جریان به مشورت نشستند. آقای باقری نتیجه مشورت را چنین بیان نمود: «... ما اصل تفاوت را در بین گروهها پذیرفتیم ولی این بستگی به شما دارد که چگونه تفاوت قائل شوید.»

سخنان برادر باقری که از ژرفای قلبش سرچشمه می گرفت. از نظر عاطفی تأثیر عمیقی در روحیه برادران گذاشت و برادران به این نتیجه رسیدند که درباره تعداد افراد این سه جریان با اغماض برخورد شود. از اینرو، برای آقای حکیمی و آقای بلاغی از سوی برادران نصر و پاسدار. اختیار داده شد که تعداد افراد شورای مرکزی اتحاد را با مشورت و هماهنگی تعیین نمایند. برادران حکیمی و بلاغی با عشق به اتحاد عمومی و با همان حالت عاطفی و هیجان که در نهادشان به وجود آمده بود، هفت نفر برای نهضت اسلامی افغانستان، شش نفر برای جبهه متحدانقلاب اسلامی، پنج نفر برای نیروی اسلامی افغانستان در نظر گرفته و در جلسه ابلاغ نمودند که از سوی برادران پذیرفته شد.

در تاریخ ۶۷/۹/۱۲ جلسه با شکوهی از اعضای شورای مرکزی اتحاد و قوماندانان عالی رتبه دایر گردید درباره کمیت و کیفیت شورای مرکزی «اینکه چگونه افرادی می توانند در شورای مرکزی پذیرفته شود مذاکراتی صورت گرفت و به اتفاق آراء مواد ذیل را به تصویب رساندند.»

متن مصوبه

بسمه تعالی

بعد از امضای موافقتنامه اتحاد، جلسات متعددی درباره کمیت و کیفیت

شورای مرکزی اتحاد، بحث و مذاکرات جدی صورت گرفت. سرانجام به تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۲ به اتفاق آرا، به تصاویب ذیل رسیدند:

۱- اعضای شورای مرکزی بین سازمانهای امضا کننده این کتیبه ۳۶ نفر معین گردید.

۲- اعضای شورای مرکزی به ترکیب زیرین تشکیل می گردد:

الف- از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان (۹) نه نفر

ب- از سازمان نصر افغانستان (۹) نه نفر

ج- از نهضت اسلامی افغانستان (۷) هفت نفر

د- از جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان (۶) شش نفر

ه- از نیروی اسلامی افغانستان (۵) پنج نفر

۳- اعضای شورای مرکزی باید دارای اوصاف ذیل باشند:

الف- مؤمن به اسلام و معتقد به ولایت فقیه باشند.

ب- تعهد در قبال انجام وظیفه های محوله داشته باشند.

ج- باید نقش مثبت و فعال در انقلاب اسلامی افغانستان داشته باشند.

د- از آگاهی لازم اسلامی برخوردار باشند، اگر روحانی باشند حداقل رسایل و

مکاسب را خوانده باشند و اگر غیر روحانی باشند، حداقل باید فارغ از صنف دوازده باشند.

ه- دارای آگاهی سیاسی بوده و قدرت تحلیل سیاسی را داشته باشند.

و- سابقه سوء نداشته باشند.

ز- تدبیر و مدیریت داشته باشند.

۴- مقر شورای مرکزی، شهر مهم و تاریخی بامیان انتخاب گردید.

و من الله توفیق
۱۳۶۷/۹/۱۲

امضا:

۱- میر حسین صادقی

- ۲- بلاغی غزنوی
- ۳- قربانعلی عرفانی بکه‌لنگی
- ۴- فیاض جاغوری
- ۵- محمد اکبری
- ۶- صادقی جاغوری
- ۷- قائمی
- ۸- جوادی
- ۹- افضل‌لی جاغوری
- ۱۰- اسحق محبی جاغوری
- ۱۱- عباس حکیمی
- ۱۲- سعیدی
- ۱۳- سید باقری

در تاریخ ۶۷/۹/۱۳ اعضای علی‌البدل شورای مرکزی نیز به تصویب رسید و قرار شد که برای تحقق مرکزیت و فعال شدن اتحاد، عده‌ای از اعضا شورای مرکزی تا اواخر برج قوس ۶۷ در مرکز بامیان مستقر شوند و کار را هر چند به صورت ناقص، شروع نمایند. و همین‌طور به تصویب رسید که هیئتی به سوی خارج کشور اعزام گردد تا آنچه در داخل کشور در رابطه با اتحاد احزاب و سازمانها صورت گرفته، به اعضای شورای مرکزی در خارج و مسئولین دفاتر ابلاغ شود تا انشا‌الله اتحاد همه احزاب در داخل و خارج با هماهنگی تحقق یابد.

متن مصوبه

بسم الله الرحمن الرحيم

در تداوم جلسات هیئت اتحاد در جاغوری برای پیگیری و تثبیت پایه‌های اتحاد بین سازمانهای اسلامی در مناطق شیعه‌نشین افغانستان، در جلسات مورخ ۱۳ و ۱۴/۹/۶۷ مواد ذیل به اتفاق آرا تصویب گردید:

ماده اول: اعضای شورای مرکزی به شرح ذیل معرفی و تعیین گردید.

الف - از سازمان نصر

- ۱- آقای عبدالعلی مزاری
- ۲- آقای سید عباس حکیمی غزنی
- ۳- آقای قربانعلی عرفانی یکه ولنگی
- ۴- آقای خادم حسین ناطقی کیان
- ۵- آقای محمد یوسف واعظی شهرستان
- ۶- آقای عزیزالله شفق بهسود
- ۷- آقای محمد کریم خلیلی بهسود
- ۸- آقای محمد ناطقی پنجاب
- ۹- آقای میر حسین صادقی ترکمن

ب - از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان:

- ۱- آقای محمد حسین صادقی نیلی
- ۲- آقای حسین داد امینی اشترلی
- ۳- آقای حاج غلام حسین شفق شمال
- ۴- آقای حسین نوری شولگره
- ۵- آقای قربانعلی محقق ترکمن
- ۶- آقای ضامن علی محقق میدان
- ۷- آقای علی زاهدی ناهور
- ۸- آقای محمد اکبری ورس
- ۹- ...

ج - از نهضت اسلامی افغانستان:

- ۱- آقای علی افتخاری جاغوری
- ۲- آقای یوسف زکی جاغوری

۳- آقای محمد اسحق اخلاقی هرات

۴- آقای سید سجادی کجران

۵- آقای حلیمی ناهور

۶- ...

۷- ...

تبصره: جبهه متحد انقلاب اسلامی، نیروی اسلامی و حزب دعوت اتحاد اسلامی افغانستان، بعداً نمایندگان خود را معرفی خواهند کرد و ضمناً دو نفر باقیمانده از نهضت اسلامی نیز بعداً معرفی خواهند شد.

ماده دوم: اصل داشتن عضو علی البدل برای اعضای شورای مرکزی تصویب، منتهی در سه ماده اول باید اعضای اصلی در شورای مرکزی حضور داشته باشند و داشتن شرایط اعضای اصلی برای اعضای علی البدل ضروری است.

ماده سوم: برای حزب دعوت اتحاد اسلامی در شورای مرکزی «۳» نفر تصویب شد.

ماده چهارم: برای رسمیت یافتن جلسات شورای مرکزی حداقل افرادی که از سازمانها باید شرکت نمایند، به شرح ذیل تصویب گردید:

الف - از سازمان نصر و پاسداران جهاد اسلامی هر یک حداقل ۳ نفر.

ب - از نهضت اسلامی و جبهه متحد انقلاب اسلامی هر یک حداقل ۲ نفر.

ج - از نیروی اسلامی و حزب دعوت اتحاد اسلامی هر یک حداقل یک نفر.

ماده پنجم: شروع کار شورای مرکزی در مقر تعیین شده (بامیان) پانزدهم برج جدی سال جاری (۱۳۶۷) تعیین و در صورت نرسیدن برخی از اعضای شورا، جلسه باید شروع به کار نماید.

به امید پیروزی حق بر باطل

امضاء:

۲- افضل‌لی جاغوری

۱- جوادی

- | | |
|------------------|----------------------|
| ۳- صادقی جاغوری | ۴- صادقی |
| ۵- حلیمی | ۶- بلاغی غزنوی |
| ۷- اکبری | ۸- نقوی |
| ۹- فیاض جاغوری | ۱۰- قائمی |
| ۱۱- باقری جاغوری | ۱۲- عرفانی یکه‌ولنگی |
| ۱۳- محبی جاغوری | |

در سنگ ماشه

پس از امضای اتحاد و تعیین اعضای شورای مرکزی آن، در تاریخ ۶۷/۹/۱۶ گردهمایی عظیمی در سنگ ماشه جاغوری برای ابلاغ اتحاد عمومی احزاب و سازمانهای اسلامی برگزار گردید که در آن اقشار مختلف مردم اعم از روحانی، بازاری، کارگر، موسفیدان، روشنفکران و از مناطق ناهور، قره باغ، جاغوری، مالستان و غیره حضور داشتند.

پس از تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید، سرود زیبای وحدت، توسط نونهالان اجراء شد. پس از آن سخنرانان هریک، حجج اسلام آقای اسحاق علی محبتی، آقای عبدالله افضل‌لی از ولسوالی جاغوری پیرامون اتحاد صحبت نمودند. آقای قائمی از ولایت میدان، آقای اکبری از ولایت بامیان و آقای صادقی از ولایت پروان وحدت عمومی را برای مردم ابلاغ نمودند که با استقبال مردم روبرو شد. و در پایان مردم با سردادن شعارهای الله اکبر جلسه را ترک گفتند.

لازم بیادآوری است که برادران حرکت اسلامی در جاغوری آمادگی خود را برای اتحاد اعلام نمودند و متأسفانه بعضی از مسئولین مؤثر مانند آقای فیاض ارزگانی و آقای دکتر شاه جهان به خاطر عذری که داشتند نرسیدند. جناب آقای فیاض طی مکتوبی آمادگی خود را اعلان نموده بود.

متن نامه

بسمه تعالی

محضر حجج اسلام جناب آقای صادقی و جناب آقای عرفانی و جناب آقای اکبری،
هیئت محترم اتحاد سلام علیکم. با آرزوی موفقیت شما به استحضار میرسانم که در ارتباط
با اتحاد احزاب تلاشهای شما انشا الله مثمرتر است. این جانب نظر به مشکلات منطقه
چند روز بعد خدمت میرسم - انشا الله

محمد فیاض ۱۳۶۷/۹/۱۴

اعزام نماینده اتحاد در خارج کشور

بدنبال اتحاد شش گروه یعنی:

پاسداران جهاد اسلامی افغانستان.

سازمان نصر افغانستان.

نهضت اسلامی افغانستان.

جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان.

دعوت اتحاد اسلامی افغانستان.

سازمان نیروی اسلامی افغانستان.

در جمع برادران مسئول موجود در سنگ ماشه تصمیم گرفته شد نماینده ای به خارج کشور
اعزام شود. تا پیام اتحاد را به مسئولین خارج، علما و طلاب افغانستان و مهاجرین مظلوم
مان برسانند و در راستای این اتحاد مقدس مسئولین محترمی در خارج کشور ائتلاف را به
اتحاد تبدیل نموده و به خواست جامعه انقلابی پاسخ مثبت دهند. و پس از مشورت کوتاهی،
بنده را به حیث نماینده در خارج کشور، ما موریت دادند. مکتوبی هم عنوانی من و آقای
زاهدی نوشتند.

متن نامه ماء موریت

بسم الله الرحمن الرحيم

مرکزیت اتحاد سازمان نصر و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان

حجة الاسلام والمسلمین استاد عرفانی وحجة الاسلام والمسلمین استاد زاهدی دامت برکاتهما. السلام علیکم ورحمة... باتشکر از مساعی جمیلہ و متعهدانه حضرات عالی در راه حاکمیت اسلام چه قبل از انقلاب و چه در جریان حوادث ده ساله انقلاب اسلامی افغانستان تقاضا نمودیم همراه با بقیه اعضای شورای مرکزی این اتحاد در خارج از کشور در راستای گسترش اتحاد کامل نیروهای مؤمن و مبارز و جذب اشخاص شایسته و مستعد که بتوانند مصدر خدمت برای جامعه مظلوم ما واقع گردد، بی وقفه و مجدانه سعی نمایند. در این باره صلاحیت عام و تام دارید. موفقیت و کامیابی شمارا از بارگاه الهی آرزو داریم.

امضا: صادقی - اکبری - ۶۷/۹/۱۴

مسئولین محترم موجود در نشستهای اتحاد در ولسوالی جاغوری نامه ای دسته جمعی به عنوان مسئولین خارج از کشور نوشتند. ضمن ابلاغ آنچه که در داخل کشور اتفاق افتاده از آنها دعوت شده بود که در داخل بیایند.

متن نامه

بسمه تعالی

۱۳۶۷/۹/۱۵

حجج اسلام و دانشمندان محترم، مسئولین احزاب و سازمانهای اسلامی و نهضت اسلامی، جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان، سازمان نصر افغانستان، پاسداران جهاد اسلامی، نیروی اسلامی افغانستان و حزب دعوت اسلامی افغانستان، در جمهوری اسلامی ایران، سلام علیکم.

سیر سریع تحولات در رابطه با انقلاب اسلامی افغانستان در زمینه سیاسی و نظامی و مظلومیت گذشته و مشکلات آینده مردم رنج کشیده ما هر انسان علاقه مند به سرنوشت نیک این جامعه محروم را وادار می ساخت تا نسبت به آینده آنان بی اعتنایی نکند و بیش از گذشته به تقاضای برحق ملت ارج نهاده و برای نجات آنها از خطر تفرقه و تباهی با ایشار و فداکاری در پی جمع نمودن پراکندگیها و تحقق اتحاد کامل جریانهای مبارز شیعی در قدم اول و اتحاد کامل تمام احزاب

مسلمان افغانستان اعم از شیعه و سنی در قدم دوم به اقدام جدی دست یازند. بناً در سال جاری جلسات وحدت طلبانه ای در پنجاب، لعل، بهسود و اخیراً در جاغوری تشکیل گردید که نتایج بسیار بزرگ و مثبت داشت و آن اینکه طی نشستهای از ۱۳۶۷/۹/۱۰ تا ۱۳۶۷/۹/۱۳ مسئولین احزاب و جریانهای اسلامی که در بالا ذکر شده با روح اخوت اسلامی و با خودگذری و فداکاری اتحاد کامل و ادغام به همدیگر را اعلام نمودند و تصمیم گرفتند تا حزب و جریان واحدی را تشکیل دهند. ما ضمن تبریک این رخداد مثبت و تاریخی به شما و همه مؤمنان مبارز، امیدواریم شما برادران نیز در تحقق عملی اتحاد و گسترش آن اיתارگرانه تلاش نمایند و همینطور منتظر تشریف آوری شما در داخل کشور لحظه شماری می نمائیم.

امضاء : ۶۷/۹/۱۵

- ۱- باقری نهضت اسلامی افغانستان
- ۲- صادقی ترکمنی سازمان نصر افغانستان
- ۳- صادقی جاغوری جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان.
- ۴- محبی جاغوری جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان
- ۵- حکیمی سازمان نصر افغانستان
- ۶- عرفانی سازمان نصر افغانستان
- ۷- بابه ابراهیم نماینده حزب دعوت اتحاد اسلامی افغانستان
- ۸- امیری بامیانی
- ۹- شیخ علی جوادی
- ۱۰- قائمی نیروی اسلامی افغانستان
- ۱۱- بلاغی غزنوی پاسداران جهاد اسلامی افغانستان
- ۱۲- عبدالاحمد فیاض جاغوری پاسداران جهاد اسلامی افغانستان
- ۱۳- محمد اکبری پاسداران جهاد اسلامی افغانستان
- ۱۴- سعیدی نهضت اسلامی افغانستان

لازم به یادآوری است همانگونه که در بعضی نامه ها در خارج کشور بصورت دسته جمعی نوشته شده، بعضی از نامه ها هم طبق مصلحتی که در نظر گرفته شده بود بعضی از مسئولین امضاً نموده که آوردن نامه ها به نظرم ضروری و لازم است. آنچنانکه کمال اخلاص و جدیت برادران را نشان می دهد از اهمیت تاریخی نیز برخوردار است. اینک متن کامل نامه هائی که عنوانی شورای ائتلاف و افراد و اشخاص ذیصلاح نوشته شده است عیناً می آوریم:

نامه به شورای ائتلاف

بسمه تعالی

«شورای محترم ائتلاف انقلاب اسلامی افغانستان خارج کشور- ایران، تهران! سلام علیکم»

باتوجه به شرایط حساس کنونی افغانستان و مظلومیت تشیع لازم است گامهای سریع و مفید تری در جهت انسجام و تشکل واحد نهادهای مؤتلفه برداشته شود که در این راستا برادران شما در داخل کشور (با پذیرفتن اصل ائتلاف) گامهایی در جهت ایجاد وحدت همگانی برداشته که امضاً منشور وحدت در ده سنبله ۱۳۶۷ در لعل و سرچنگل و پیوستن جریانهایی چون سازمان نیروی اسلامی و نیروی صلح به وحدت سازمان نصر و پاسداران جهاد در ۲۰ سنبله سال جاری در منطقه بهسود از آن عملهای مثبتی است که تا کنون صورت گرفته وهم اکنون نیز در تلاش هستیم که به آرمان مردم ما که همان وحدت کلیه نیروهای مؤتلفه هشتگانه است در داخل کشور جامه عمل بپوشانیم و لذا از شما برادران خارج کشور خواهشمندیم که در راه تحقق اتحاد نیروهای ائتلاف تلاش نموده با برادران تان در داخل کشور هماهنگ شوید چه ما معتقدیم با توجه به فعل و انفعالات سیاسی و تحولات سریعی که پیش می آید تنها ائتلاف کار ساز نیست و نمی تواند درد ملت مظلوم ما را دوا کند. خواست جامعه بلاکشیده ما اتحاد همگانی است و تنهها در سایه وحدت کلیه نیروهای مؤتلفه است که به خواست ملت مان و اهداف والای

اسلامی جامه عمل پوشانده می شود و با اتحاد می توانیم در ساحه داخلی و بین المللی قوی و نیرومند برخورد نماییم و ما منتظر جواب صریح و اقدام فوری و عملی شما هستیم.

۱- محمد اکبری ۲- میرحسین صادقی پروانی ۳- قربان علی عرفانی

نامه به آیه الله محسنی قندهاری

بسم الله الرحمن الرحيم

حجة الاسلام والمسلمين آية الله محسنی دامت برکاته و همکاران شان السلام عليكم و

رحمة الله و برکاته

سلامتی و موفقیت شما را در راه خدمت به اسلام و مسلمین آرزو مندیم.

اما بعد: وضع فعلی کشور و جهان و مظلومیت گذشته و مشکلات آینده جامعه محروم ما اتحاد کامل و پایدار نیروهای مؤمن و مبارز را در رأس اولویت های حیاتی قرار می دهد و تحقق این آرمان مقدس و دیرین ملت وحدت طلب، تنها با تلاش صادقانه و پیگیر توأم با ایثارگری و فداکاری مسئولین امور و جریانهای اسلامی و انقلابی کشور ممکن است. ما در داخل کشور و سنگر علیرغم عوامل منفی قدمهای اولی را برداشته ایم که با عنایات الهی موفقیت آمیز بوده و هم اکنون با تمام توان و صمیمانه در پی گسترش اتحاد کامل اصولی و مکتبی هستیم.

از حضرت عالی و همکاران شان انتظار بذل مساعی و ایثارگری در راه جمع کردن پراکندگی ها و فعال ساختن قلب افغانستان مجروح را داریم:

ومن الله التوفيق ۱۳۶۷/۹/۱۲

۱- قربانعلی عرفانی ۲- میرحسین صادقی پروانی ۳- محمد اکبری

نگاه گذرا به وضعیت جاغوری

مناطق مرکزی افغانستان (هزاره جات) در اثر عملکرد حکام جهل و جور بطور کلی ویران و عقب مانده نگه داشته شده است که از مظاهر رفاه، تمدن و زندگی چیزی در آن دیده نمی شود. ولسوالی جاغوری که یکی از ولسوالیهای مهم هزاره جات به شمار می آید از آن قاعده کلی مستثنی نیست ولی در دوران انقلاب اسلامی کشور، در اثر ایجاد زمینه مناسب سیاسی، اجتماعی از نظر زندگی اجتماعی و رفاه اقتصادی از وضعیت نسبتاً بهتری برخوردار شده اند که بطور گذرا به آن اشاره می گردد:

جاغوری در یکی از مسیرهای عمده خارج کشور قرار گرفته است. سیل مهاجرت مردم در دوران انقلاب از مناطق مختلف چون ترکستان شمال کشور، ارزگان، بامیان، میدان و غور و نیز کاروانهای مجاهدین و ... به سوی پاکستان، ایران و ... زمینه خوبی را از راه مسافری، حمل و نقل اجناس و کالا و ... برای آنها فراهم نموده است و نیز مسافرتها طولانی و دراز مدت این مردم در پاکستان، ایران، کشورهای خلیج و اروپا که بازحمت زیاد و تحمل دوری زن و فرزند انجام می گیرد، رونق اقتصادی بهتری بخشیده است. عامل دیگری را که در جهت رشد اقتصاد این مردم مؤثر دیدم انبوه اشجار و درخت غیرمثمر است که دره های عمیق و کوهپایه ها را زیبایی خاصی بخشیده است لذا در هر گوشه و دره ای از سرزمین زیبای جاغوری که می رفتی می دیدی خروارها از چوب استاندارد شده، انباشته شده است و موترهای باربری به انتظار بار ردیف شده تا بار سنگین چوب راهی شهر کابل و بازارهای اطراف شوند که به نظرم یکی از عواید مهم اقتصادی به شمار می آید.

بازارهای عمده جاغوری سنگ ماشه، انگوری، غجور، داود و ... می باشند که از نظر نوع کار غنی به نظر می رسند مانند نجاری، زرگری، مس گری، خیاطی، میکانیک، عکاسی، نانوائی و کلینیک و داروخانه و مغازه های متعدد و هتل های بسیاری در آن به چشم می خورد.

در جاغوری وسایط نقلیه بسیار زیادی به چشم می خورد. بخصوص موترهای

جیب مدل قدیم و جدید که شاید اکثر خانواده ها دارای موتور جیب باشند.

مردم جاغوری به مسائل فرهنگی اهمیت فوق العاده ای قائل اند. در دوران سخت انقلاب که در اکثر مناطق مدارس کلاسیک و مدارس دینی بسته بود در جاغوری فعالیت فرهنگی به صورت گسترده ای وجود داشته و دارد و اکنون مدارس دینی و کلاسیک به صورت وسیع در جاغوری فعال می باشند.

وضعیت صحنی در ولسوالی جاغوری نسبتاً بهتر از هرجای دیگر هزاره جات می باشد. کمک های موسسات خیریه جهانی و بین المللی تا آنجا که از نظر انحصارگران به دور مانده در جاغوری نیز رسیده است و این به دلیل نیروی انسانی فعال و برجسته ای است که نقش خود را در جذب کمک های خیریه جهانی خوب ایفا نموده است.

در خلال دوازده روز اقامت مان در جاغوری مردم از هیئت اتحاد پذیرائی گرمی به عمل آوردند. میهمانیهای با شکوه به افتخار هیئت اتحاد برگزار نمودند که در بعضی از میهمانیها بیش از دوصد نفر شرکت می نمودند و در حدود ۲۵ الی ۳۰ موتور جیب میهمانان را در مناطق مختلف بدرقه می نمودند. در هر منطقه ای که وارد می شدیم مردم با کمال مهربانی و محبت از میهمانان استقبال نموده با خواندن شعرها و سرودهای انقلابی که بیانگر وحدت بود و نیز بیانگر مظلومیت این قوم در گذشته های نه چندان دور، مراتب احترام و قدردانی خود را ابراز می داشتند. برخی از مقاله ها و سرودها آنقدر زیبا و حزن آور بود که حاضران را به یاد دوران سخت و غمزای گذشته انداخته، اشک می ریختند.

برای اینکه عمق احساسات پاک این مردم در رابطه با آرمان وحدت خواهی آنان روشن شود، برای نمونه یکی از آن دهها مقاله و سروده ها را می آورم و شمارا به قضاوت می گیرم که چگونه مردم ما بیدار و هوشیارند و چگونه از گذشته های تلخ مان تجربه آموختند و چگونه به وحدت همگانی عشق می ورزند و فداکاری می نمایند. اینک متن مقاله ای که در پایگاه شهید رضائی در «نی قلع» تهیه و تنظیم شده است از بصیر و در منطقه «داله امیلاق» توسط آقای اخلاصی قرائت شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

« سرود استقلال »

درود و سلام بر شهیدان طول تاریخ اخصاً شهیدان مظلوم و گمنام وطن ما که
باریختن خونهای گرمشان، بر روی تخته سنگها و دره ها و کوههای در خون فرو رفته،
نقش پیروزی خون بر شمشیر را ترسیم کردند.

و درود و سلام خالصانه من بر بازوان توانمند مجاهدان مغرور و انقلابی ما که
گلبانگ تکبیر و صفیر گلوله هایشان در سحرگاه خونین مبارزه قلب کینه توز دشمن را
می شکافتند.

و با تقدیم بهترین سلامهایم بر استادان گرانقدر و مجاهدم، این بلبلان خنیاگر
آزادی و استقلال که از کناره بابای نشسته در خون و از پهنه هلمند سرخگون، در
سرزمین خونین و غمبار و غم اندود ما، تشریف آورده اند تا پیام شهیدان بی مزار و
مجاهدان مغرور و جان به کف خطه بابا و هلمند را برای ما بازگو نمایند. لذا مقدمشان
را گرامی داشته و خاک پایشان را توتیای چشم مان می کنیم. استادان گرانقدر! در
حالی در اینجا به استقبالتان نشسته ایم که انقلاب ما، حساس زمانی را، می پیماید.
کشتی خونریز انقلاب، شتابان به سوی ساحل پیروزی در حرکت است و قریب است که
در ساحل نجات، لنگر اندازد. ده سال تمام از مبارزه قهرآمیز مجاهدان ظلم برانداز ما
می گذرد. از آن زمانی که غازیان کفر کش ما طبل جنگ کوبیدند و پا به میدان شهادت
نهادند و با پاشیدن خون خویش در معابر و میدانها در بلند صخره ها و سنگستانها و در
دامن دشت و دمن های وطن، خط استقلال و آزادی میهن را در دفتر آزادی، سرخگون
و خونین نگار، رقم زدند تا جاودان در پیشگاه آزادی و شرف سرافراز باشند و تا ابد از
ذره ذره خاک مرقد ناپیدایشان عطر خون بترآود و عطر خون.

از آن زمانی که آتش خشم توده های مستضعف، از لوله سلاح مجاهدان زیبانه
کشید و غرش مسلسل غازیان از دل سنگرها، در فضای غمگون وطن، طنین انداخت، ده
سال تمام میگذرد.

به دنبال این مقاومت سترگ پرخروش و طاقت فرسا و غریو فدائی خلق مظلوم ما، بر بلند بام دنیا، انفجار فجر عظیمی رخ داد که از هیبتش، روبه گان و دشمنان ظلمت دوست، که دامن پاک بابا و هندوکش را مأمن وجود نا پاک شان، ساخته بودند، وحشت زده و فراری شدند.

خفاشان شب زاد با شنیدن این انفجار به سوی نهانگاه خویش دویدند و یا اکنون در حال دویدن و پناه گزیدن اند.

شهبازان شکاری در اوج اوج ستیغ بابا، به پرواز درآمدند و با فریاد های الله اکبر شان قلب نیم مرده آنها را از نوبه تپش درآوردند. خبیر این دژ پر حشمت و بلند آوازه آزادی ما، اینک باز هم سنگر غازیان شورشگر شده است تا حماسه های نو بیافرینند. هندوکش سر غرور و افتخار بر آسمان می ساید که در پیش هر سنگ و صخره خویش قلب پرتیش یک مجاهد وطن دارد. عقابان تیز پرواز ما، بر اوج این قله ها بر آمده و نظاره گر فرار کرکسان و دیوان زبون می باشند و گاهی هم با دل آرام فیرهای راکت شان را به سوی آنان شلیک می نمایند.

هلمند اینک، موج زنان و خروشان، سرود پیروزی مان را زمزمه می کند. جریان زیبای هریرود در پهنه وسیع هرات، گل های سرخ شهادت را به آبیاری گرفته تا شکوفه های خون رنگ آن را هرچه شاداب تر، خونین تر و موج تر سازد و همگام با اینان، صرصر ستوه صبحگاهان بر چکاد بستانهای مغرور افغان زمین، سرود پیروزی، روشنی و آفتاب را به آواز بلند و هیجانباز و روح بخش به سرایش گرفته است و چهره خون رنگ و شورزا و حماسه آفرین فلق، نوید آن میدهد که خورشید استقلال، از میان دریای موج خون واز پس تپه های اجساد شهیدان، در حال دمیدن است. و در یک کلام: کشتی سرخ فام انقلاب، عنقریب به ساحل نجات رسیده است، دریای مواجی که کشتی انقلاب در آن به سوی شط پیروزی در حرکت است، خون شهیدان تمام اقشار ملت افغان زمین در آن فرو ریخته است تا از قطره های خون، دریای مواجی به وجود آمده است که هرگونه مانعی را در هم شکسته، به پیش می تازد. به عبارت دیگر، تمام اقشار ملت ما،

اقلیتها و اکثریتها، در پیشبرد انقلاب سترگ ما، خون خویش را اهدا نموده اند. شیعه مظلوم هم که از تبار پاک هابیل شهید و میراث خونهای به ناحق ریخته هابیل زادگان است، و جز خون سرخ شهید و شهادت رزمندگان شان جاری نگشته و از محروم ترین، مستضعف ترین و بی نام و نشان ترین مردمان جهان است، به این جنبش عظیم، فعالانه پیوند خورده است و دریای موج خون شهیدان، راه آزادی انسان را با نثار خون جوانان و قهرمانان خویش، تند رنگتر و خروش ناکتر ساخته است و مجدانه خون مجاهدان شان را اهدا انقلاب نموده که تا کنون خون ایشان بر ستیخ قله های برف گرفته بابا، درخشیدن دارد و بیانگر مقاومت سرخ شیعه مظلوم در برابر استعمار سرخ می باشد لازمه این مبارزه همگانی این است که تمام اقشار ملت ما، اقلیت ها و اکثریت ها باید در فردای پیروزی انقلاب، در تعیین سرنوشت آینده شان، برادر وار و همگون سهم فعال داشته باشند و در فضای خون رنگ کشور، دموکراسی مکتبی حکم فرما باشد.

اما استادان! با کمال تأسف می نگریم که عده ای با جنون بر تری جوئی و حس فزون طلبی، کشور ما را صحنه ترک تازی خویش قرارداداده و برای گسترش سلطه استبدادی خویش و در بند کشیدن توده های شیعی مظلوم، با سلاحهای در دست داشته آمریکائی شان، سرزمین و کلبه های محقر ما را به آتش و خون می کشند، تا از دجله خون شهیدان شیعه مظلوم ماهی مراد بگیرند و بر تل اجساد سوخته و بی جان آزادگان ما، فرش پیروزی گسترده و رقص و پایکوبی نمایند و بر ویرانه های شهرها و روی مجسمه های شکسته شهیدان ما پایه های کاخ استبدادی شان را پی ریزند و همانند سابق، حکومت استبدادی منحصر به فرد خویش را بر ما تحمیل کنند. فضای سرد و غم اندود حاکم بر سرزمین در خون نشسته غزنی، بیانگر آن است. هرکوی وبرزنش، در سینه پرخونش، صدها خانواده آواره مظلوم شیعی را خفته دارد و هریکی از این درختان قامت راست، در حالیکه باد شدید خزان، جامه اش را ربوده است، با پنجه های لطیف و برهنه شان یک خانوار آواره مظلوم را به نوازش نشسته است و اشک ترحم می بارد. استادان! اگر سخنم را باور ندارید، از این زورق زرین پیرسید که چرا دل غمگین

است و از زورق سیمین یعنی مهتاب تابان پیرسید که چرا غمرنگ میدمد و غروب می کند. از این هاله ای که با حالت اندوه بار، همچون اشک غم در چشم آسمان حلقه می زند. از این دشت های خاموش که بسا روزها، انسانهای آواره ورنج دیده از آن عبور کرده اند. از این روستاها و دهکده های شب گرفته خاموش، از این زاغ ها و پرستوها که در غروب های غم گرفته، دسته دسته از روی دهکده های دل غمین، آوارگان میگذرند و گاهی در هوا درنگی کرده و خانه های نیم سوخته به غم نشسته را می نگرند. از این خزان که خشم آهنگ با شلاقهای کوبنده اش، برگ و گل ها را بی دریغ می ریزد، پیرسید که چگونه بر اطفال معصوم آواره جاگرفته در زیر درختان شلاقهایش را می نوازد. اگر از همه اینها پیرسید، مؤید صادق دردهای گفته شده ما خواهند بود.

استادان گرام! در چنین وضعیت رقت باری است که نیاز مبرم به خورشید جهان تاب وحدت، احساس می شود و در این زمان است که باید آهنگ خاوران کنیم و به سوی چشمه خورشید وحدت، بشتابیم. از سر امواج موج این سپیده دمان گذر کنیم و راه خورشید وحدت را در دل شب نفاق پیمائیم و جان را با لمعات آن خورشید تابان، روشن بداریم و گرم نمائیم. از مغاره های تاریک و سرد تفرقه ها هراسیده و از وادی های ظلمت اختلاف بگریزیم و دل به طلب نور وحدت بسپاریم و طرح وحدت در اندازیم و خاک پای خورشید طلبان خورشید شناس را، توتیای چشم مان کنیم. در این هنگام است که در سایه مبارزه و در پرتو وحدت و با در دست داشتن دانش و ملحمه سترگ و پرچم خورشیدی وحدت، می توانیم به شرف و عزت از دست رفته مان و به حقوق مسلم مان که عبارت از حاکمیت مکتب خون بار تشیع بر جامعه شیعی است، دست یابیم که «وَلَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ حَتَّى يَأْخُذَ الضَّعِيفُ فِيهَا حَقَّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ...» هیچ امتی نمی تواند پیروز و مقدس باشد و نمی تواند به قداست و شرافت دست یابد، مگر اینکه تمام افراد آن، حقوق غصب شده شان را با جدیت تمام از غاصبین طلب نمایند و آنچنان قوی و نترس باشند که در هنگام مطالبه حقوق، نباید حتی لکنتی در زبان شان پدیدار گردد.

دوستان حاضر در این کنگره عظیم! در این اثناء بود که ناگهان، نوری وحدت

همسنگران را همانند نور افسونگر که کارهای افسون شده را از نهانگاه بیرون کشد، به سوی خود خواند. گوش های ما را که جز سرود غم و اندوه، چیزی نشنیده بود، نوازید. وحدت بین مجاهدان مظلوم و همیشه در سنگر شیعی، چشمان خون گرفته ما را متوجه خود ساخت که مبتکر آن همین استادان حاضر در کنگره ما بود.

استادان گرام که به پاس احترام به عظمت شان و عظمت کار مشترک شان، شایسته آن بودند که بهتر و با شکوه تر از این، با استقبال ما مواجه می شدند، اما استادان عظام! ما را ببخشید چون افکار ما متشنج و دل ما خونین است. افسوس که این مزرعه را آب گرفته، دهقان مصیبت زده را خواب گرفته، خون دل مان رنگ می ناب گرفته، وز سوزش تب پیکر مان تاب گرفته، رخسار هنر گونه مهتاب گرفته، چشمان خرد پرده ز خوناب گرفته.

تنها آنچه که میتوانیم نثار مقدم تان نمائیم، جملات نارسا و کلمات نپخته ای است که خالصانه، فریاد زنی که «آی استادان عزیز، درود تان باد و تاج مرصع نصیب تان باد که شعار شور آور وحدت و همبستگی مجاهدان از درون قلب تان بر خواست و در جام بلند خورشید ریخت تا برای همیشه تابان باشد و فروغش جامعه افسون شده و یخ بسته ما را گرم نماید.

و اکنون گوش دل به سخنان گهر بار استادان گرانقدر می سپاریم، تا مسکن درد های ما باشد.

آی تک تازان میدان های ایمان و عمل، آی صادق ترین و وفادار ترین یاران انقلاب ما، آی فروغ وحدت و روشنگر جامعه ما، آی خورشید درخشان جان ها و امید رهائی امت، آی پناه همگان و نجات جان ها و آی کشتی رهائی و شفا بخش دردها، بیا درد های ما را بهبودی بخش، بیا و شیفتگان بیتاب را آرامش بخش. ما کوله باری دل خونین، بر دوش نهاده، در این هامون بیکران راه می سپاریم. بیا قصیده گوی و سرود وحدت خوان، تا قلب های مجروح مان شفا یابد.

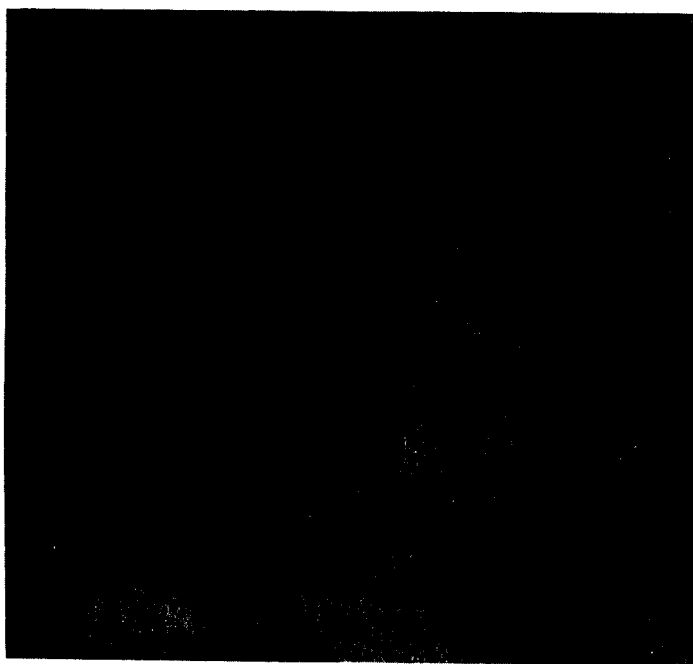
آی عزت بخش دوستان و خوار ساز معاندان، آی اختر تابان و درفش نمایان انقلاب

ما و آی استاد، بیا از اقیانوس بیکران وحدت که در اختیار شما است مارا قطره ای بنوشان.

بیا از غربت و تنهایی و هجران نجاتم ده
بنوشان جرعه آب حیات از لعل نوشینت
من آخر هست و بودم را فدای مقدمت کردم
کنون جز آه نبود بر بساط یار غمگینست

والسلام - تکبیر

تهیه و ترتیب: از پایگاه شهید رضائی «نی قلعه» - شعبه فرهنگی.



استاد عرفانی در مراسم تحلیف و امضای میثاق وحدت در بامیان

به سوی مأموریت در خارج کشور

آخرین روزهای فعالیت مان در جاغوری، در منطقه «علیاتو» مهمان جناب حاج آقای سعیدی بودیم که در مدرسه امام علی طلاب جوان با سرود انقلابی و سخنرانیهای پر شور از مهمانان استقبال نمودند و من به عنوان نماینده هیئت طی سخنانی از پذیرائی آقای سعیدی و طلاب مدرسه و مردم «علیاتو» مراتب سپاس و احترام خود را تقدیم و تشکر نمودیم.

پس از صرف ناهار، با مسئولین و علمای محترم خداحافظی نموده، هیئت اتحاد به سوی ناهور میدان رهسپار شدند و من به عنوان نماینده اتحاد به سوی مأموریت، راهی کشورهای خارج شدم.

بازار داود

درست در تاریخ ۶۷/۹/۱۷ در بازار داود رسیدم. در منطقه داود بازارچه‌ای است که در مسیر جاغوری و مقر قرار دارد. مسافرین مظلوم از آنجا در موترهای کهنه و قراضه جابجا شده به سوی مقصدی که انتهایش چندان روشن نیست، راه می افتند و تن به تقدیر الهی می دهند. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که در این راه طولانی و خطرناک و حضور دزدان مسلح در کویرها و کمین گاهها، بر مهاجرین بی دفاع چه می گذرد. آیا فقط جیبهایشان را خالی می کنند و یا نقدجان را به یغما برده، گلهای تازه شکفته را پرپر می کنند؟! هر دو اتفاق افتاده است!

وای چه بسیار جوانانیکه در این راههای طولانی و کویرهای سوزان قربانی تعصبات کور و هوسهای پولی گناهکاران شده اند و چه بسیار خانواده هائی که حسرت دیدار مسافر خود را به گور برده اند!

نمایندگی بازار داود

افراد این نمایندگی را اکثراً هزاره های جاغوری تشکیل می داد. بعضی از برادران، از پشتونهای «مُقر» نیز در این نمایندگی فعالیت داشتند. یک شب در بازار داود به صورت ناشناس سپری نمودم و برای ادامه مسافرت خود که همچنان گنگ و

مبهم می نمود، می اندیشیدم.

در آن روزها بین حزب اسلامی آقای گلبدین حکمتیار، شاخه جاغوری و مردم منطقه درگیری وجود داشت و به همین علت بود که مسافری در بازارچه داود منتظر و سرگردان مانده بودند.

نمایندگی داود با همه اخلاق خوب و خراب، مردم را ثبت نام می کرد و در موترها سوار می نمود. تعداد ده موتر به راه افتاد و از منطقه داود تا مقر برایم بد نگذشت. در مقر شب در یکی از پایگاههای جمعیت اسلامی افغانستان به سر بردیم. فردای آن روز، دیگر بدبختیهای مهاجرین مظلوم شروع شد. باور کنید که موتر وانهای از خدایی خبر با کمال بی رحمی و قساوت، سر نشینان ده موتر را در چهار موتر جابجا نمودند و در هر موتری یک مامور مسلح گذاشتند ظاهراً برای حمایت و محافظت مسافری و در واقع وسیله زور گوئی و قلدری موترداران بود.

در لاری کهنه و قراضه ای که من جا گرفته بودم نزدیک به هشتاد نفر را جابجا کرده بودند و تخته پشت موتر را نیز باز کرده بودند که ظرفیت بیشتری داشته باشد. انسانها روی هم انباشته شده بودند و مظلومانه در اطراف آنها و لارن ها چسبیده بودند که هر لحظه خطر سقوط افراد وجود داشت.

بد بخت مردم محروم و زحمت کش ما که از سنگ هم سخت تر است و در برابر هر مشکلی سر سختی و مقاومت از خود نشان می دهند شاید هم مجبورند. برخوردهای غیر انسانی موتر داران بیشتر از همه چیز برای مان سنگین بود و رنج می داد. اگر کمترین سخنی و اعتراضی صورت می گرفت، با تهدید و نا سزا پاسخ داده می شد و آخر سر عسکر مسلح با قنداق تفنگ از مهاجرین مهجور پذیرائی می کرد.

گرد و غباری که از کویر سوزان و بدون آب و گیاه بر می خواست دیگر نه چشمی گذاشته بود و نه بینی و حلقی. اگر نفس می کشیدی این گرد و خاک در صندوق سینه ات جا می گرفت و از راه بینی به جمجمه می رسید.

درد آورتر از همه، ملت نگون بخت ما که در همان شرایط ناگوار، با مشت و لگد به

جان هم می افتادند و نا سزا نثار هم نموده و عقدۀ انباشته شده را بدین ترتیب خالی میکردند.

یادم نمی رود در گرم نزاع دو نفر از مسافرین، عسکر مسلح که به اصطلاح محافظ موترها بود، با قنداق تفنگ آنقدر به سر و کله و پشت گردن آن دونفر زد که از سر و بینی آنها خون سرازیر گردید. منظرۀ رقت باری بود و بسیاری از چیزها را برایم ترسیم می نمود.

در بازار بادنی چه گذشت؟

بادنی بازارچه ای است که در مرز دو کشور افغانستان و پاکستان قرار دارد. تقریباً چهرۀ شهر افغانستانی و پاکستانی دارد. اجناس هر دو کشور آنجا دیده می شود و افراد هر دو کشور در آنجا مشغول کسب و کارند و پول هر دو کشور رایج است. خلاصه بازار عجیب و غریبی است. و فروش همه چیز آزاد است.

وقتی که در بازار پیاده شدیم با کمال خوشحالی به سوی موترهای کوچک و بزرگ که پیرامون مان گرد آمده بود، دویدیم تا خود را به شهر کویته برسانیم که بازی تازه ای شروع شد و اسارت دیگر! صاحب هتل که مبلغ نسبتاً زیادی از جیب مسافرین خسته و تازه از راه رسیده را در کیسۀ خود به شمار آورده بود، با تبانی عسکر همراه به جان مسافرین افتادند که شما حق ندارید پراکنده شوید، هنوز حساب ما تمام نشده است. همۀ تان در هتل جمع شوید. دیگر چاره نبود مرد هتلی غذای کهنه و دیر مانده خود را به خورد مسافرین مظلوم داد و دو برابر هم پول گرفت.

در کویته پاکستان

در مدت کوتاه اقامتم با بسیاری از شخصیتهای علمی و سیاسی افغانستان و طلاب علوم اسلامی و دانشجویان دیدار نموده آنها را در جریان اتحاد احزاب شیعه قرار دادم که به گرمی از این حرکت مردمی و الهی، استقبال نمودند و همین طور دیدار با برخی از مسئولین دفاتر احزاب افغانستانی مقیم کویته داشتم که ضمن ابلاغ پیام وحدت خواستار همکاری و هماهنگی شدم که برادران از وحدت به گرمی استقبال نموده، خواستار

هماهنگی در سطح مرکزیت احزاب شدند.

در کویت بلوچستان با یکی از مسئولین بلند پایه جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان، حجة الاسلام آقای اسحق نقوی پیرامون اتحاد احزاب مذاکراتی صورت گرفت. ایشان ضمن تبریک از این اقدام مهم و تاریخی با کمال محبت فرمود آنچه در رابطه با اتحاد عمومی در داخل کشور صورت گرفته از جانب من پذیرفته است و من همکاری خود را اعلام می دارم. متن جمله ای که ایشان نوشته است:

بسمه تعالی

«اینجانب اسحق نقوی با آنچه در جلسه جاغوری تصویب شده است، موافق

می باشم.»

امضاء نقوی ۶۷/۹/۲۰

در آستانه ورود من در جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیام آور وحدت حجة الاسلام آقای حیدر محقق ورسی که در برخی از جلسات اتحاد، در داخل کشور حضور داشت مصاحبه ای با رادیو تهران انجام داد و اتحاد داخل را به عنوان تنها راه سعادت مردم ما یادآور شده بود که به بخشهایی از آن اشاره می شود:

«... آقای حیدر محقق ورسی در این مصاحبه اعلان کرده بود که تمام نهادها و احزاب اسلامی وابسته به ائتلاف هشتگانه مجاهدین افغانستان طی نشست در داخل کشور در مناطق مرکزی هزاره جات به یک راه حل اساسی به منظور رسیدن به اتحاد کامل و انحلال گروهها دست یافتند.

آقای محقق درباره کیفیت و چگونگی اتحاد گروههای مسلمانان افغانستانی اظهار داشت مسئولین احزاب هشتگانه در این جلسه تصمیم گرفتند، کلیه عناوین و آرמها لغو و عنوان واحد اتخاذ کنند و نیز تمام پایگاههای نظامی در داخل کشور و دفاتر سیاسی در خارج کشور و وابسته به ائتلاف هشتگانه با هم ادغام شوند.

وی همچنین از تمام مسئولین ائتلاف هشتگانه افغانی، مجاهدین و مهاجرین افغانستان خواست از این اتحاد که تنها راه نجات ملت افغانستان است پشتیبانی همه جانبه کرده با هر گونه اخلاص، سنگ اندازی در برابر این اتحاد به شدت مقابله کنند.»

« از کویت به سوی تفتان »

هر چند تصمیم داشتم از شهر کویت به سوی اسلام آباد و پشاور بروم و با آقای شیخ آصف محسنی رهبر حرکت اسلامی افغانستان و دیگر سران و بزرگان مردم ما که در آنجا سکونت داشتند، پیرامون اتحاد صحبت نمایم، ولی تلفنهای مکرر برادران افغانستانی از قم و تهران، وادار نمود که هر چه زودتر خود را خدمت مسئولین برسانم و پیام اتحاد داخل را برای عاشقان و منتظران وحدت برسانم.

در تاریخ ۶۷/۹/۲۵ کویت را ترک گفته راهی جمهوری اسلامی ایران شدم، و باز هم بلای دیگری از سوی موترداران گریبانگیر مسافرین اسیر و درمانده شد که همه سختیها را با صبر و سکوت تلخ، تحمل می کردند. زورگویی شروع شد اینبار نه در مسیر افغانستان و پاکستان که در مسیر کویت و تفتان این بار نه از عناصر مسلح پشتونها که از موترداران هزاره های کویت آنها که همواره داد از مسئله قومیت هزاره میزنند ولی نخستین قربانی مطامع و آزمندی آنها همین هزاره های مهاجری اند که از افغانستان با هزاران مشکل خود را به کویت می رسانند.

موترهای پاکستانی که از حیث ریخت و شکل مانند قفسه ای بسیار تنگ و اختناق آور هستند ولی همین آدمهای از خدا بی خبر، مسافرین مظلوم را به زور جابجا کرده و حتی اسباب و اثاث مسافرین را در راهرو داخل ماشین می گذاشتند، که نفس کشیدن بسیار مشکل می شد. بیچاره زنهای مظلوم و اطفال معصوم از شدت تنگی جا و خستگی ناشی از مسافرت داد و فریادشان بلند بود. اما چه کسی باید حرف آنها را می شنید. هیچ کس!

نه عاطفه بود و نه محبت، تمام حواس و چشم و گوششان را پول کور و کر کرده بود، هیچ فریادی را نمی شنیدند.

فصل چهارم

در تفسیر این کتاب

«در جمهوری اسلامی ایران... با شورای ائتلاف اسلامی افغانستان»

در تاریخ ۶۷/۹/۲۸ به شهرک سرمرزی (تفتان) رسیدم پس از صرف چای آنهم در هتلهای غیر بهداشتی بازار تفتان، به دور از چشم قاچاق بره‌های حرفه‌ای و آدم فروشان نوار مرزی خود را به اداره گذرنامه‌ای جمهوری اسلامی ایران رسانیدم و پس از تفتیش ااث، راهی زاهدان شدم.

پرواز به سوی تهران

در تاریخ ۶۷/۱۰/۵ از زاهدان به سوی تهران پرواز نمودم در ساعت یازده صبح در فرودگاه بین‌المللی تهران (مهرآباد) به زمین نشستم. جمعیتی از علما، و طلاب محترم افغانستانی مقیم حوزه علمیه قم و تهران، مسئولین سازمان نصر چون آقایان واعظی، شفق، خلیلی و بعضی از اعضای مرکزی شورای ائتلاف چون آقای زاهدی و مهاجرین محترم کشورمان و مقامات وزارت امور خارجه ایران (ستاد امور افغانستانیها) گرد آمده و از من به گرمی استقبال نمودند و با شعارهایی که بیانگر رمز وحدت بود مراتب تقدیر و احترام خود را ابراز می‌داشتند تعدادی از نوجوانان افغانستان که پسر محمد نیز بین آنها دیده می‌شد با تقدیم دسته‌های گل مورد محبت قرار دادند.

پس از آن جناب آقای عزیزا... فیاض از روحانیون ولسوالی پنجاب طی سخنانی خیر مقدم گفته، آمادگی و پشتیبانی مردم مهاجر و علمای بزرگوار را نسبت به اتحادی که در داخل کشور به وجود آمده، اعلام داشت سپس سخنان کوتاهی پیرامون اتحاد که در داخل کشور به وجود آمده، ایراد نمودم و انگیزه آمدنم در خارج کشور را تشریح نمودم که ظهر همان روز از رادیو تهران به طور مشروح پخش شد پس از آن با بعضی

از مسئولین ستاد امور افغانیها مربوط به وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران و برادران سازمان نصر و دیگر مسئولین شورای ائتلاف به دفتر سازمان نصر رفته برای عده ای از طلاب عزیز و دانشجویان محترم افغانی و مهاجرین که در دفتر گرد آمده بودند، پیرامون مأموریتهم صحبت نمودم.

لازم به یادآوری است روزهای اول که وارد جمهوری اسلامی ایران شدم، موضوع شورای ائتلاف در رابطه با مسائل سیاسی و جهانی افغانستان آنقدرها داغ نبود. هنوز رهبران مجاهدین با فرستاده ویژه شوروی سابق آقای «ورنتسوف» در طائف و تهران دیدار نکرده بودند، هنوز پرتکل بین آقای صبغه... مجددی رئیس اتحاد هفتگانه و آقای خلیلی سخنگوی ائتلاف در تهران امضا نشده و شورای مشورتی با آن هیاهویی که برپا کرده بود، مطرح نبود و هنوز بسیاری از برادران به مقام و منصب دلخواه خود در شورای ائتلاف نرسیده بودند. این بود که همه وحدت را می خواستند و بی صبرانه در انتظار رسیدن من به تهران بودند.

ولی به مجردی که بعضی از برادران در شورای ائتلاف به مقام و موقعیتی رسیدند، دیگر وحدت عمومی و اتحاد شکل گرفته در داخل کشور، برایشان دلچسبی نداشت و روی خوش نشان نمی دادند، بلکه علیه اتحاد و پیام آور آن موضع خصمانه گرفتند و حتی در نزد مقامات سمپاشی می کردند.

یادم نمی رود شبی در تهران در منزل یکی از برادران مسئول در شورای ائتلاف بودم، ایشان با کمال جسارت و ناراحتی گفت: «... شما با آوردن اتحاد مسخره کردید...» البته این حرکت برخلاف انتظارم بود. باور نمی کردم کسی که در برابر اتحاد برخاسته از داخل، موضع منفی بگیرد، تنها با نگاه عمیق و سکوت معنی دار پاسخ دادم.

در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۶ گفتگوئی با خبرنگار ژاپنی داشتم و در همان روز مصاحبه ای با روزنامه رسالت انجام گرفت که قسمتهایی از آن از نظر خوانندگان می گذرد.

مصاحبه اختصاصی با رسالت

رسالت: نظر شما به عنوان نماینده اتحاد جدید گروههای شیعه در داخل افغانستان پیرامون آخرین تحولات انجام شده در این زمینه و مشکلات موجود در این راه چیست؟

عرفانی: برای روشن شدن بیشتر مسئله اتحاد لازم است به گذشته و به اوایل انقلاب اسلامی افغانستان برگردیم، زیرا اتحاد امر جدیدی نیست و از همان ابتدای انقلاب و پیدایش احزاب و گروههای مختلف شیعه و سنی در کشور ما مطرح بوده است در سال ۱۳۵۹ اولین جلسات برای ایجاد اتحاد تشکیل شد منتهی متأسفانه پس از یک هفته شکست خورد. پس از آن جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی مرکب از ده گروه به وجود آمد که آن هم به عللی از بین رفت در سال ۱۳۶۳ مدت ۹ ماه برای اتحاد بین گروههای شیعه مانند سازمان نصر، پاسداران جهاد اسلامی، جبهه متحد و نهضت اسلامی تلاش شد باز هم موفق نشد. در اوائل سال ۱۳۶۵ پس از تصمیم سازمان نصر مبنی بر عزیمت به داخل افغانستان به اتفاق برادران به داخل کشور رفتیم و از همان زمان کوشش برای ایجاد اتحاد بین گروههای هم سو شروع شد. این طبیعی است که با وجود گروهها و احزاب مختلف اختلافات هم وجود داشته باشد و همین اختلافات تشنجهایی را هم سبب شده بود و در این ارتباط مشکلات فراوانی هم برای ما ایجاد شده بود. از همان زمان معتقد بودیم که اگر بخواهیم در مورد مسائل سیاسی افغانستان چه در مسائل داخلی و چه در امور خارجی کار بکنیم باید یک موضع قوی و نیرومندی داشته باشیم و برای این کار لازم است که گروههای مبارز و مجاهد افغانی متحد شوند. وقتی که ما در داخل بودیم شورای ائتلاف هشتگانه گروههای شیعه در ایران تشکیل شد، امیدوار بودیم که ائتلاف بتواند در رفع مشکلات موجود پیرامون جهاد مسلمانان افغانی موفق بشود و تشنجهای موجود را از بین ببرد، هر چند که شورای ائتلاف در حد توان خودش مؤثر بود و در حال حاضر نیز به موفقیتهای قابل توجهی دست پیدا کرده اما

توانسته اند انتظارات را برآورده نماید.

برادران و مسئولین پس از بررسیها لازم به این نتیجه رسیدند که ائتلاف نمی تواند مشکلات و اختلافات موجود را برطرف کند، چرا که هنوز مسئله گروه و حزب و تعدد احزاب مطرح بود و طبیعتاً موضعگیریهای متفاوتی هم وجود داشت و وقت آن رسیده است که «ائتلاف» به «اتحاد» تبدیل شود. در حقیقت اتحاد جدیدی که در افغانستان به وجود آمده است در عرض ائتلاف نیست بلکه در طول آن است و ائتلاف زمینه ای است برای اتحاد، به همین جهت در داخل با توجه به شرایط خاصی که در آنجا وجود دارد و شرایط حساس موجود و تحولات سریعی که اخیراً در مورد افغانستان به وجود آمده ضرورت اتحاد بیش از پیش مطرح شده و تصمیم گرفته شد که ابتدا در چارچوب ائتلاف هشتگانه تحقق پیدا کند.

ما معتقدیم که اتحاد بین گروههای هشتگانه قدم اول است برای ایجاد اتحاد در بین تمامی گروههای مجاهدین مسلمان افغانستان.

در حال حاضر گروههای هشتگانه در داخل افغانستان با هم اتحاد کرده اند به این ترتیب که شش گروه به طور کامل به هم به وحدت و اتحاد رسیده اند و دو گروه دیگر اگر چه بعضی از افراد و عناصر آنها در جلسات حضور داشتند و خواستار اتحاد بودند اما چون مسئولین بلند پایه آنها در خارج از افغانستان بودند تصمیم نهائی نگرفتند و در این مورد امیدواریم که بتوانیم با همکاری برادران و مسئولین دو گروه دیگر موفق بشویم. من به عنوان نماینده اتحاد از داخل افغانستان به اینجا آمده ام تا با کمک برادران اتحاد را کامل کنیم.

□ فکر می کنید برای ایجاد اتحاد کامل مشکلاتی داشته باشید یا نه؟

■ ما در این مورد مشکلی نمی بینیم، زیرا قبل از سفر به ایران مسئله اتحاد در بین گروههای شورای ائتلاف مطرح شده بود و همه نسبت به اتحاد و ایجاد وحدت نظر موافق دارند، لذا مشکلی از این بابت احساس نمی کنیم.

□ نحوه حضور گروهها در اتحاد چگونه است؟ آیا در این اتحاد همانند اتحاد

هفتگانه در پیشاور گروهها با حفظ نام و عنوان گروهی در اتحاد حضور دارند یا آنکه اتحاد به معنی وحدت کامل و ادغام گروهها در یکدیگر خواهد بود؟

■ منظور ما از اتحاد به صورت ادغام گروهها در همدیگر می باشد. الان که گروههای شیعه در چارچوب ائتلاف با هم همکاری می کنند سازمان و عنوان گروهها محفوظ است، اما معنی اتحاد آن است که یک قدم جلو برویم و همه گروهها با ادغام در هم یک اتحاد با یک عنوان و با یک آرم و سازمان تشکیل بدهند، به عبارت دیگر، خواستار یک تشکیلات قوی و وسیعتر هستیم که در برگیرنده همه گروههای شورای ائتلاف باشد.

□ نحوه ترکیب اعضای شورای مرکزی و انتخاب آنان در اتحاد چگونه خواهد بود؟

■ فکر میکنم در حال حاضر مصلحت نیست این مسئله را اعلام کنیم ولی ما در صدد هستیم که دو گروه دیگر شورای ائتلاف به هر شکلی که ممکن است به اتحاد بپیوندند و شورای مرکزی اتحاد در برگیرنده تمامی گروهها خواهد بود.

□ هم اکنون شاهد تحولات و تحرکات وسیع بین المللی پیرامون مسئله افغانستان از سوی شوروی، آمریکا، ایران و مجاهدین هستیم. ارزیابی شما از این تحولات چیست؟

■ همان طوری که ده سال مبارزه و جهاد مسلحانه مجاهدین افغانی علیه اشغالگران شوروی در بعد نظامی آنها با شکست مواجه شدند در صدد هستند که با توسل به راههای سیاسی و قرارداد ژنو به شکلی از افغانستان خارج شوند. مرحله اول خروج نیروهای روسی از افغانستان تکمیل شده و زمان مرحله دوم آن آغاز شده است. از نظر تحرکات سیاسی ملت افغانستان هویت اسلامی و استقلال خود را با قدرت حفظ کرده اند و حاضر شدن روسها به انجام مذاکرات مستقیم با مجاهدین نشانه آن است که حتی از لحاظ سیاسی هم شوروی شکست خورده است و این پیروزی برای ملت و مجاهدین مسلمان افغانستان می باشد در مجموع تحولات موجود پیرامون افغانستان را به نفع مردم افغانستان می دانیم.

□ هم زمان با ورود شما به ایران یک هیئت از اتحاد هفتگانه مجاهدین در پیشاور

وارد ایران شد و مذاکراتی هم با شورای ائتلاف انجام داده است، بفرمائید این مذاکرات پیرامون چه مسائلی است و نکات و اهداف مشترک دو طرف برای آینده افغانستان کدامها هستند؟

■ شورای ائتلاف هشتگانه مقیم ایران بارها خواستار هماهنگی و تصمیم گیری واحد در مورد افغانستان بوده و همیشه اعلام کرده‌اند تصمیم گیری یک طرفه و یک جانبه از طرف هر قشر و هر گروه و هر طیفی در افغانستان از نظر ملت افغانستان مردود است ما معتقدیم که مردم افغانستان تماماً در مبارزه شرکت داشته و جهاد کرده‌اند و پیروزی را به دست آورده‌اند بنا بر این باید در تصمیم گیری برای آینده کشور و تعیین سرنوشت افغانستان کلیه اقشار مختلف مردم مشارکت داشته باشند و هیچ فرد و گروه به تنهایی نمی تواند تصمیم بگیرد در همین راستا برادران ما در اتحاد هفتگانه مقیم پیشاور و ائتلاف هشتگانه مجاهدین مقیم ایران واقعیتهای موجود در افغانستان برای ایجاد یک هماهنگی و تفاهم و تصمیم گیری در مورد تحولات افغانستان به ویژه در مورد مذاکرات مستقیم که از سوی شوروی مطرح شده است می باشد.

□ آیا انتخاب تهران به عنوان محل مذاکرات بین مجاهدین دلیل خاصی دارد؟

■ ما معتقدیم از آنجا که ایران نقش مهمی در تحولات سیاسی جهان و افغانستان داشته و دارد باید در رابطه با مسائل و تحولات جاری نقش داشته باشد نقش خود را ایفا کند همچنین در مورد مذاکره با شوروی هم معتقدیم که این مذاکرات باید در تهران صورت بگیرد زیرا مرکزیت شورای ائتلاف در شرائط حاضر در تهران می باشد.

□ همزمان با ورود هیئت اتحاد هفتگانه مجاهدین به ایران و درخواست شوروی برای مذاکرات مستقیم، ورنستف سفیر شوروی در کابل و ایتالیا با ظاهر شاه ملاقات و مذاکره کرد و از وی برای حضور در دولت آینده افغانستان دعوت به عمل آورد. بفرمائید نظر شما و همچنین مجاهدین داخل افغانستان در این مورد چیست؟

■ آنچه شما به آن اشاره کردید نشان دهنده نهایت در یوزگی و شکست روسها در افغانستان است و مذاکره شوروی با ظاهر شاه تصمیمی است که مربوط به خود آنها است.

آنها که مربوط به مجاهدین و مخصوصاً شورای ائتلاف می باشد، بارها و بارها حضور ظاهر شاه را در انقلاب افغانستان نفی کرده اند و به شدت با آن مخالفند، ظاهر شاه کسی است که عامل بدبختیها و خرابیهای افغانستان می باشد.

□ شوروی بر موضع سیاسی خود مبنی بر تشکیل یک دولت ائتلافی متشکل از مجاهدین، مقامات فعلی دولت کابل و ظاهر شاه برای آینده افغانستان بسیار مصر می باشد، نظر شما در مورد این پیشنهاد چیست؟ و در صورتی که حضور در این دولت ائتلافی به عنوان یک گام به جلو تلقی شود آیا شورای ائتلاف در آن شرکت خواهد کرد؟

با این پیشنهاد به هیچ وجه موافقت نمی شود، مجاهدین و مردم افغانستان به شدت با این پیشنهاد مخالف هستند، حتی حضور ظاهر شاه نیز از طرف ما مردود است. در افغانستان تنها حاکمیتی مورد قبول است و مشروعیت دارد که متشکل از مجاهدین و مردم مسلمان این کشور باشد و دولتی باید در کابل باشد که خود مردم افغانستان آن را تعیین کنند.

□ با توجه به اختلاف نظرهای زیادی که بین مجاهدین و شورای ائتلاف با شوروی وجود دارد بنابراین مذاکره با شوروی پیرامون چه مسائلی خواهد بود؟

■ این چیزی است که بعد از مذاکرات اتحاد هفتگانه و شورای ائتلاف مشخص می شود و فعلاً در این مورد چیزی نمی شود گفت.

□ به دنبال خروج نیروهای شوروی از افغانستان اتحاد هفتگانه مجاهدین در پاکستان بدون حضور و هماهنگی با گروههای شیعه اقدام به تشکیل دولت موقت کردند، بازتاب تشکیل دولت موقت در داخل چگونه بود و آیا امکان حضور گروههای شیعه در این دولت، در آینده وجود دارد؟

■ تشکیل دولت موقت از سوی اتحاد هفتگانه در پشاور بازتاب بسیار منفی و بدی در داخل افغانستان داشت و اعتراضات زیادی را در این مورد برانگیخت، این اعتراضات حتی در بین فرماندهان همان گروههای هفتگانه هم بوده است. شورای ائتلاف در این ارتباط قبلاً موضع خود را اعلام کرده است و همان طور که قبلاً گفته شد هر اقدام یک طرفه و تشکیل دولت یک جانبه از نظر ما مردود است و سرانجامی جز شکست

نخواهد داشت.

شورای ائتلاف در این مورد طرح شورای انقلاب را ارائه داده است که این طرح در سال ۱۳۶۵ مطرح شد و در حال حاضر طرح جامع و کاملی به نظر می‌رسد. در این طرح مشخص شده است پس از خروج روسها یک شورای انقلاب مرکب از رهبران و افراد «جسته مجاهدین و مردم تشکیل می‌شود و این شورا با گرد هم آوردن شخصیت‌های اسلام شناس و حقوقدان قانون اساسی را تدوین کند و در معرض افکار عمومی قرار دهد و پس از آن مجلس نمایندگان را با رأی مردم تشکیل دهد مجلسی که باید رئیس جمهور را انتخاب کند. این طرح حاوی حقوق تمامی ملت افغانستان می‌باشد.

□ آنچه که شوروی از آن بیم دارد آن است که افغانستان به سوی یک ابرقدرت متمایل نشود آیا در این مورد شما می‌توانید تضمین‌هایی به شوروی مبنی بر حفظ بی‌طرفی و غیر متعهد بودن افغانستان در آینده بدهید؟

■ مردم افغانستان بر اساس همان اصول و اهدافی که به خاطر آن مبارزه کرده‌اند ارتباط خود را با کشورهای مختلف جهان بر اساس همان اصول که عبارتند از استقلال و حاکمیت مردم بر قرار خواهند کرد، این بستگی به خود شوروی دارد که چگونه ارتباط خود را با ما تنظیم کند. توهم شوروی در مورد وابستگی افغانستان به یک ابرقدرت یک توهم کاملاً بیجا می‌باشد.

□ با توجه به تعیین آتش بس به عنوان یک شرط برای انجام مذاکرات مستقیم با مجاهدین از سوی شوروی آیا این از سوی مجاهدین پذیرفته شده یا نه و آیا فکر نمی‌کنید مذاکرات مستقیم طرح قریبی باشد برای تقویت نیروهای شوروی و دولت کابل؟

■ اینکه ممکن است طرح روسها برای مذاکرات مستقیم یک حيله و فریب باشد نفی نمی‌کنیم. اما روسها در شرائطی نیستند که بتوانند از این طریق اهداف خود را به مردم افغانستان تحمیل کنند. در مورد آتش بس، مردم افغانستان هیچگاه آتش بس را نخواهند پذیرفت و تا زمانی که یک سرباز روسی در کشور وجود داشته باشد آتش بس معنی ندارد.

دیدار با نماینده ولی فقیه

در تاریخ ۶۷/۱۰/۸ همراه با جناب آقای واعظی شهرستانی با نماینده مقام رهبری در امور افغانستان آقای حسین ابراهیمی دیدار نموده، گزارش مشروحی پیرامون اتحاد ارائه دادم، ایشان ضمن تقدیر از مجاهدات پیگیر و مقاومت دلیرانه مردم افغانستان، در رابطه با اتحاد محتاطانه برخورد نموده با جمله کوتاهی نظر خود را چنین ابراز داشتند: «... خدا کند اتحاد واقعی صورت گیرد...» و همینطور هم دیدار با آقای امیر خلیلی مشاور وزیر امور خارجه ایران و جناب آقای بشارتی قائم مقام وزارت خارجه داشتم.

به سوی شهرستان قم

در تاریخ ۶۷/۱۰/۸ وارد شهرستان قم شدم و در دفتر سازمان نصر در جمع علما، طلاب و مهاجرین که در دفتر گرد آمده بودند، پیرامون اوضاع کلی افغانستان و خصوصاً اتحاد گروههای اسلامی در داخل کشور سخنرانی نموده به سؤالات برادران پاسخ دادم.

علما، بزرگوار و طلاب جوان مقیم حوزه های علمیه قم و مشهد به عنوانهای مختلف از اتحاد داخل ابراز پشتیبانی نموده، توسط اعلامیه ها، سخنرانیها و... این حرکت خود جوش الهی را تأیید نمودند که برای نمونه به یکی، دوتا از اطلاعیه هایی که از سوی علما، افغانستان مقیم قم و اعضا، سازمان پخش شده است، بسنده می کنیم.

اعلامیه جمعی از طلاب و فضلاء پاسداران جهاد اسلامی افغانستان

و سازمان نصر افغانستان و جمعی از طلاب غیر گروهی

« بسمه تعالی »

موقعیت شناسی در انقلاب از اصول بسیار لازم و ضروری برای انقلابیون مسلمان است کسی که نمیداند در چه موقعیت و زمانی و در چه شرایط سیاسی - اجتماعی قرار گرفته و نمی داند در کدام مرحله حساس تاریخی به سر می برد، نمی تواند سنگ مبارزه و رهبری یک جنبش را به سینه بزند. بنابراین همه رهبران و گروهها و مبارزان ما بدانند

که امروز در موقعیتی به سر می‌برند که برای حل مشکلات، شکستن بن‌بستها و تسریع در پیروزی هیچ راهی جز اتحاد و ادغام کامل نیروها، اندیشه‌ها و امکانات ندارند، همه ما و شما به ضرورت این اقدام باور و ایمان داریم هیچگونه توضیح و تحلیلی لازم ندارد، بر این اساس و با توجه به اینکه اکثریت و بل همه طرحهای قبلی تاکنون در ارتباط با ایجاد هماهنگی و اتحاد فاقد عملی بوده است، از اقدام بسیار مثبت بجا و انقلابی اسلامی که در داخل کشور صورت گرفته و آینده درخشان اتحاد کامل همه نیروها و گروههای شیعه را نوید می‌دهد حمایت و پشتیبانی کامل خویش را اعلام میداریم:

۱- ما از همه گروههای عضو شورای ائتلاف عاجزانه می‌خواهیم که به این ندای خیر خواهانه و حق طلبانه لبیک گفته، بدون بهانه تراشیها و تحلیلهای پوچ و واهی به فریاد مظلومانه ملت مسلمان پاسخ مثبت دهند و با الغای کلیه نشانها و مشخصات گروهی، تشکیلات جدید، نیرومند و انقلابی واحدی بوجود بیاورند.

۲- ما از همه مردم مسلمان افغانستان، علما، فضلا، و طلاب جوان و دردمند حوزات علمیه و کارگران و مهاجرین عزیز می‌خواهیم که با اقدام فوری از این طرح اعلام حمایت کرده و با فشار وارد کردن بر دفاتر و نمایندگیهای گروههای آنان را وادار به قبول این طرح نمایند و هوشیارانه از جوسازها و شایعه پراکنیها که قطعاً توسط عده ای منافق، مزدور و خائن صورت می‌گیرد، جلوگیری کنند.

۳- ما به بدخواهان، خودخواهان و قدرت طلبان که همواره حفظ موقعیت و مقام خود را در وجود اختلافات و انشعابات می‌دانند، هشدار می‌دهیم که بیش از این جوسازی و تبلیغات سو، نکنند، دست از سر ملت مظلوم بردارند و به خاطر خدا و خون شهدا، شرارت و شایعه پراکنی نکنند و بگذارند این طرح به موفقیت برسد.

۴- ما سکوت و سستی گروهها مخصوصاً گروههایی را که طبق گزارش رسیده این طرح را قبول و امضا کرده اند، جایز نمی‌شماریم و باید اقدامی را در این رابطه مبذول دارند و ضمناً تأکید می‌کنیم که این طرح برای اتحاد کلیه نیروها و گروههای شیعی در نظر گرفته شده و کسانی که آن را منحصر به یک یا چند جریان بخصوص تبلیغ می‌کنند

قطعاً مغرض خواهند بود.

والسلام علی من اتبع الهدی
 جمعی از طلاب و فضلاء پاسداران جهاد اسلامی افغانستان
 جمعی از طلاب و فضلاء سازمان نصر افغانستان
 جمعی از طلاب و مهاجرین بی طرف و غیر گروهی
 ۶۷/۸/۱۱

اعلامیه علما و طلاب مستقل افغانستان مقیم حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

یا ایها الذین امنوا دخلو فی السلم كافة «قرآن کریم»

ده سال از انقلاب خونبار اسلامی افغانستان می گذرد، در این مدت ملت مسلمان چنان از خود رشادت و شجاعت و ایثار تبارز داد که جهانیان را به اعجاب و حیرت واداشت و در برابر اثرات و دستاوردها و پیروزیهای این مردم لب به تحسین گشودند، که به زانو در آمدن بزرگترین قدرت نظامی جهان در قبال این نهضت شکوهمند از زمره آن اثرات است.

آری! این مردم خداجو و انقلابی در ازای این همه موفقیت بهای سنگینی پرداختند و شهدای گرانقدری از روحانی و دانشجو، بازاری و دهقان تقدیم اسلام و قرآن نموده که رنگ افتخار ابدیت بر تاریخ جنبش و میهن ما و ننگ ابدیت را بر چهره کریمه سوسیالیزم تبهکار و سردمداران خون آشام آن حک کرده و ثمرات این خونهای پر ارزش، تمام مظاهر غیر خدایی را از کشور شیران (افغانستان) بلکه از پهنه سرزمینهای اسلامی می زداید و بر ایده پیروزی خون بر شمشیر جامه عمل می پوشاند، و لکن در خم و پیچ های انقلاب توطئه های رنگارنگ از طرف دشمنان گوناگون طراحی و اجرا شد که به حول و قوه الهی یکی پس از دیگری خنثی و بی اثر ماند و مجاهد مردان کشور ما با قامتی استوار و اندیشه عالی پرده از چهره رسوای توطئه هابر می داشت که از خطرناکترین دسایس دشمنان ایجاد تفرقه و پراکندگی در صفوف مرصوص مدافعان راه آزادی

و اسلام بود و متأسفانه تا حدی این حربه کارگر افتاد. ولی به حمدا... در این اواخر آوای وحدت از گوشه و کنار از داخل و خارج به گوش می رسد که از همه مهمتر ندای وحدتی است که از سنگرهای عزت و شرف و از جبهه های آتش و خون گوشها را نوازش می دهد، این خود مائۀ امید واری و پشتوانۀ بزرگی است برای مجاهدان سنگر اتحاد.

از علما و طلاب مستقل افغانستان مقیم حوزه علمیه قم و مشهد این نغمۀ جانبخش وحدت را به فال نیک گرفته، اعلام می دارند که از اتحاد سراسری تمام جریانهای اسلامی حمایت کرده تا تحقق کامل آن از پای نخواهند نشست. احیاناً اگر فردی یا گروهی در این راه مانع تراشی و دسیسه چینی کند تذکر داده می شود که بیش از این با آبروی ملت بازی نکرده و تلاشهای خیر خواهانه را به باد مسخره نگرفته، چشم و گوش باز کنند. خدا، قیامت، وجدان انسانی را در نظر بگیرند و گرنه با قهر خدا و خشم ملت روبرو خواهند شد و ضمناً چون روز سه شنبه مصادف است با ۶/۱۰/۶۷ سالروز اشغال نظامی کشور اسلامی افغانستان توسط ارتش تجاوزگر روسیۀ جهانخوار بار دیگر این جنایت وحشتناک را محکوم کرده و از تمامی مهاجرین رنج کشیده می خواهیم در راهپیمایی که به منظور ابراز انزجار از عمل وحشیانۀ روس برگزار می شود شرکت نموده و با فریاد انقلابی مرگ بر روسیه خشم مقدس خود را بر فرق ابر قدرت متجاوز فرو ریزند.

به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی

علما و طلاب مستقل افغانستان مقیم حوزه علمیه قم

۶۷/۱۰/۲

« کمیون پیگیری اتحاد »

در تاریخ ۶۷/۱۰/۹ از تمام مسئولین گروهها و اعضا شورای ائتلاف دعوت به عمل آمد تا پیرامون اتحاد به گفتگو و تبادل نظر پرداخته و پیام داخل را مورد ارزیابی قرار دهند که برادران به گرمی استقبال نموده در دفتر فرهنگی ائتلاف در شهرستان قم

گرد آمدند و من هم گزارش مفصلی از روند کار اتحاد خدمت مسئولین ارائه دادم. سپس برادران هر کدام به نحوی اتحاد عمومی را مثبت ارزیابی نموده و اینکه تنها راه سعادت یک ملت اتحاد و هماهنگی است و ما اگر از مشکلات موجود رهائی یابیم و آینده روشنی برای ملت خود ترسیم نمائیم، تنها در سایه اتحاد ممکن خواهد بود.

سرانجام همگی ابراز عقیده نمودند که اتحاد در خارج کشور نیز پیگیری شود و مسئولین احزاب و سازمانها با آنچه در داخل کشور صورت گرفته، هماهنگی نمایند و همچنین تصویب شد از گروههاییکه در داخل، اتحاد را پذیرفته نماینده‌ای تعیین گردد تا با تفاهم و مشورت کار اتحاد را در خارج دنبال نمایند و بدین جهت «کمیسیون پیگیری اتحاد» تشکیل شد (۱) و متن مصوبه قرار ذیل است:

بسمه تعالی

در جلسه مورخه ۱۳۶۷/۱۰/۹ در جمعی از مسئولین شش گروه متحده چنین فیصله به عمل آمد که برای ایجاد اتحاد عمومی و فراگیر همه نیروهای مبارز تشیع، از هر گروه یک نفر از اعضا، شورای مرکزی اتحاد به صورت کمیسیون در رابطه کار نمایند که اسامی آنها به قرار ذیل است:

- ۱- جناب حاج آقای عالمی از جبهه متحد اسلامی افغانستان
- ۲- جناب آیه ا... محقق از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان
- ۳- حاج آقای افشار از دعوت اتحاد اسلامی افغانستان
- ۴- حاج آقای شفق از سازمان نصر افغانستان
- ۵- حاج آقای هاشمی از نیروی اسلامی افغانستان
- ۶- حاج آقای زکی از نهضت اسلامی افغانستان
- ۷- آقای قربانعلی عرفانی نماینده داخل کشور

(۱) لازم به یاد آوری است که در این نشست، اکثریت اعضای شورای مرکزی گروهها حضور داشتند.

محل امضای آقایان

سید حسین عالمی	قربانعلی عرفانی
محقق افشار	محمد کریم خلیلی
هاشمی سنگچارکی	محمد حسین شیخزاده غزنوی
یوسف واعظی	محمد ناطقی
یوسف علی زکی	علیجان زاهدی

اعضای کمیسیون پیگیری اتحاد در نشست جداگانه ای در شیوه کار به بحث و گفتگو نشستند. قرار شد در قدم اول از حرکت اسلامی افغانستان و حزب ... افغانستان دعوت به عمل آید تا به اتحاد پیوندند آقای حسین عالمی و آقای یوسف علی زکی و من از سوی کمیسیون پیگیری انتخاب شدیم تا با مسئولین حرکت اسلامی مذاکره نمائیم.

« حرکت اسلامی به اتحاد پیوست »

در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۱ جلسه مهمی از سوی حرکت اسلامی برگزار شد که اعضای شورای مرکزی، شورای اجرائی و اعضای شورای عالی جهاد در آن حضور داشتند. در آغاز من به عنوان نماینده اتحاد، از اوضاع کشور، روند اتحاد و مذاکراتی که با برادران حرکت اسلامی در داخل کشور صورت گرفته بود، گزارش مفصلی ارائه دادم.

برادران حرکت اسلامی افغانستان از اتحاد داخل استقبال نموده، آمادگی خود را برای پیوستن به اتحاد اعلام نمودند. آقای سید محمد علی جاوید یکی از اعضای برجسته حرکت اسلامی افغانستان، با تقدیر از اتحاد داخل کشور گفت: حرکت اسلامی، همواره خواستار وحدت بوده و اکنون ما آماده ایم و هیچ شرط و شروطی هم نداریم حتی در باره تعداد اعضای شورای مرکزی در اتحاد از حرکت اسلامی چند نفر باشد، پافشاری نمی کنیم. هر طور که برادران صلاح دیدند از طرف ما مسئله ای نیست. خلاصه اینکه جو جلسه بسیار دوستانه و صمیمی بود و قرار شد یک نفر از اعضای شورای مرکزی حرکت اسلامی افغانستان در «کمیسیون پیگیری اتحاد» معرفی گردد.

در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۴ حجة الاسلام والمسلمین آقای مصطفوی عضو شورای

مرکزی حرکت اسلامی با معرفی نامه ای وارد کمیسیون پیگیری شد

متن نامه:

بسمه تعالی

۶۷/۱۰/۱۴

کمیسیون محترم گروههای اسلامی!

بعد از تقدیم سلام به اطلاع می رساند:

دفتر مرکزی حرکت اسلامی افغانستان جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای مصطفوی را به عنوان نماینده تام الاختیار حرکت اسلامی افغانستان به آن کمیسیون معرفی می دارد، باشد در رابطه با اتحاد واقعی و اسلامی هرچه بیشتر گامهای مؤثر و سریع برداشته شود.

به امید پیروزی اسلام و وحدت مسلمین جهان معاونت شورای اجرایی الحاج احمدی

«اعضای شورای مرکزی حرکت اسلامی در اتحاد تعیین شد»

پس از پیوستن حرکت اسلامی در جرگه اتحاد، اعضای کمیسیون پیگیری اتحاد، تعداد

نه (۹) نفر از حرکت اسلامی را در شورای مرکزی اتحاد پذیرفتند.

قرار شد این اقدام مهم و تاریخی از رسانه های گروهی پخش شود ولی چون هنوز

اتحاد تکمیل نشده بود، قرار شد پس از مذاکره با حزب ا... افغانستان اقدام شود. در این

رابطه مصوبه ای صورت گرفت که آورده می شود.

بسمه تعالی

در جلسه مورخه ۶۷/۱۰/۱۴ با حضور اکثریت اعضای کمیسیون اتحاد چنین فیصله

به عمل آمد:

۱- در شورای مرکزی اتحاد ۹ نفر واجد شرایط از حرکت اسلامی افغانستان قبول و

منصوب گردید.

۲- بعد از آمدن حزب ا... در چوکات اتحاد، اعلامیه ای جهت ابلاغ و آگاهی مردم در

داخل و خارج کشور داده شود.

۶۷/۱۰/۱۴

سید حسین عالمی یوسف علی زکی قربانعلی عرفانی

محمد کاظم مصطفوی آیه... قربانعلی محقق

«کمیسیون پیگیری اتحاد و تدوین اساسنامه»

لازم به یاد آوری است مسئولین داخل کشور در آخرین اجلاس جاغوری که منجر به اتحاد شش گروه گردید پیشنهاد نمودند که اساسنامه اتحاد توسط کارشناسان و دانشمندان ما در خارج تدوین و پس از اخذ موافقت مسئولین خارج جهت موافقت نهائی مسئولین به داخل آورده شود. بر همین اساس بود که پس از آمدن حرکت اسلامی به اتحاد موضوع تدوین اساسنامه مطرح شد.

کمیسیون پیگیری اتحاد پس از بحث و بررسی فیصله نمودند که هریک از احزاب و سازمان های مربوط به اتحاد یک پیش نویس اساسنامه، تدوین و به کمیسیون اتحاد ارائه دهند.

کمیسیون پیگیری پس از جمع آوری پیش نویس ها از هر گروه، دونفر از افراد واجد شرایط را دعوت می کند تا اساسنامه، را با هم تدوین و به شورای مرکزی ارائه دهند.

متن مصوبه

بسمه تعالی

در جلسه تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۱۸ که با شرکت اکثر اعضا کمیسیون اتحاد تشکیل شد
امور زیر تصویب گردید:

تصویب شد راجع به اساسنامه اتحاد هر گروه کار نماید و بعداً از هر گروه دونفر واجد شرایط با اساسنامه گروه خودش جلسه مشترک تشکیل و مواد مهم از هر اساسنامه اخذ و تدوین گردد و در مرحله دوم جلسه مشترک از نمایندگان سازمان ها و شورای مرکزی اتحاد جهت تصویب نهائی تشکیل گردد.

محمد کاظم مصطفوی

محمد حسین شیخزاده

سید حسین عالمی

یوسف زکی

قربان علی عرفانی

عزیزا... شفق

« سفر به سوی مشهد مقدس »

در مشهد مقدس :

به منظور زیارت حضرت امام رضا (ع) و عرض ارادت به پیشگاه آن پیشوای بزرگ مسلمین و بنا به دعوت مکرر جمعی از علما و طلاب حوزه علمیة مشهد و مهاجرین مظلوم افغانستانی راهی آن بقعه مبارکه شدم تا با استفاده از شرائط موجود پیام اتحاد را به مردم مهاجر ابلاغ نمایم.

در فرودگاه مشهد جمع زیادی از مهاجرین و روحانیون و برخی از مسئولین دفاتر، از من استقبال گرم و صمیمی به عمل آوردند. آقای محمد معصومی یکی از روحانیون والامقام با ایراد سخنرانی، ضمن خیرمقدم اظهارداشت: «... علماً و طلاب افغانستانی مقیم حوزه علمیة مشهد و مهاجرین مقیم آستان قدس رضوی، پشتیبانی و همکاری خود را از اتحاد که در داخل کشور وازدل سنگرها بوجود آمده اعلام می دارد...» من هم طی جملات کوتاه و مختصری با اظهار قدردانی و تشکر از برادران که در فرودگاه آمده اند، در باره اتحاد سخنانی ایراد نموده، گفتم: «...هرکس با این اتحاد مقدس که در داخل شکل گرفته مخالفت کند به آرمان مردم ما و مجاهدین کشور خیانت کرده است...» و مشروح سخنان من از رادیو دری مشهد پخش گردید. سپس با انبوهی از استقبال کنندگان وارد منطقه مهاجرنشین گل شهر شدم. در گلشهر از طرف دوستان گاو و گوسفند قربانی شد. ابراز احساسات مردم به خاطر اتحاد بود که من پیام آور آن بودم.

مردم در کتابخانه قائم جمع شده بودند و من سخنان کوتاهی پیرامون اتحاد ایراد نمودم.

در خلال اقامتم در مشهد مقدس نشست های مفصلی با علماً و مهاجرین و طلاب افغانستانی مقیم مشهد در دفتر سازمان نصر داشتم. اکثر پرسش ها پیرامون اتحاد و اوضاع داخل کشور بود.

در مسجد ابوالفضلی

جلسه با شکوهی در مسجد ابوالفضلی گلشهر از سوی علما و مهاجرین و طلاب جوان و دانشجویان برگزار شد. پس از تلاوت آیاتی چند از کلام ... مجید، سرود زیبایی از سوی نوجوانان مهاجر مبنی بر وحدت همه گروه ها خوانده شد. بعد از آن خاوه‌ری مقاله ای را تحت عنوان اتحاد قرائت کرد و پس از آن پیرامون اتحاد داخل صحبت مفصلی نمود و جلسه با شعار وحدت خواهی پایان یافت.

دعوت از حزب الله افغانستان

پس از پیوستن حرکت اسلامی افغانستان به اتحاد، کمیسیون پیگیری اتحاد تلاش و کوشش خود را جهت آوردن حزب ... افغانستان آغاز نمود.

حزب ... افغانستان یکی از جریان های انقلابی است که از نظر نظامی فعالیت نسبتاً خوبی در مرکز هرات و نواحی آن دارد که در حد خودش قابل تقدیر است و در دوران انقلاب در برابر نیروهای اشغالگر و مزدوران آن فعال بوده و مناطق وسیعی را در این محدوده ها در اختیار دارد. ولی در مرکز افغانستان یعنی هزاره جات افغانستان حضور ندارد. لذا امکان ارتباط از مناطق مرکزی با برادران حزب ... در هرات وجود نداشت. کمیسیون پیگیری اتحاد، تصمیم گرفت که با دفتر حزب ... که در مشهد و تهران وجود داشت تماس برقرار نموده، دعوت به عمل آید تا پیرامون اتحاد مذاکراتی صورت گیرد.

حزب ... افغانستان از دعوت کمیسیون پیگیری اتحاد، به گرمی استقبال نموده، دو نفر از برادران به نام های آقایان ناصری و اسلامی را به شهر قم فرستادند، پس از گفتگو پیرامون اتحاد، نمایندگان حزب ... موافقت خود را به طور کلی اعلام نمودند.

متن موافقت نامه:

بسمه تعالی

در جلسه مورخه ۱۳۶۷/۱۰/۲۱ در جمعی از مسئولین اعضا کمیسیون اتحاد برادران آقای ناصری و آقای اسلامی نمایندگان تام الاختیار حزب ... افغانستان موافقت خود را با اتحاد اعلام نموده و نظرات و پیشنهادات خود را در جلسه بعدی باز گو خواهند

نمود.

و من ... التوفیق ۱۳۶۷/۱۰/۲۱

قیام
مصطفوی
مصباح مزاری

عرفانی
آیه الله محقق
زکی
ناطقی.

مذاکره با حزب ا... در تهران

در تاریخ ۶۷/۱۰/۲۴ کمیسیون پیگیری اتحاد با نمایندگان حزب ا... برادران: زمانی، ناصری و اسلامی در ادامه نشست قبلی مذاکراتی به عمل آوردند ولی حزب ا... در خلال مذاکره بلند پروازیهای زیادی کرد.

اولاً: خود را در ردیف احزاب بزرگ تشیع قرار می دادند تا سهم بیشتری در شورای مرکزی اتحاد بدست آورند و در این رابطه روی دو موضوع تکیه داشتند:

۱- حزب ا... ادعا داشت که در طول انقلاب علیه ارتش اشغالگر شوروی مبارزه نموده لذا حق سیاسی بیشتری در اتحاد داشته باشد. در پاسخ باید گفت: مبارزه علیه اشغالگران کشور در اصل حرکتی است مثبت و کسی نمی تواند منکر جهاد حزب ا... بشود ولی اینگونه تلقی و شعار دادن و کارهای خود را به رخ دیگران کشیدن بر خلاف اصول اخلاقی خواهد بود و کسانی که در راه خدا و خدمت به مردم کار می کنند نباید چنین پنداری داشته باشند.

ثانیاً: این تنها حزب ا... نیست که علیه اشغالگران جهاد نموده، بلکه تمامی احزاب و سازمانهای اسلامی جهاد مسلحانه ای علیه روسها داشته اند. بخصوص سازمانهایی که در بسیاری از نقاط کشور حضور فعال نظامی داشته و نقش بیشتری در این جهاد مقدس ایفا نموده اند.

۲- موضوع دیگری که حزب ا... به رخ دیگران می کشید این بود که ما مثلاً با هیچ یک از احزاب و سازمانها اختلاف نداشته ایم. در پاسخ باید گفت: بسیار خوب، شما با کسی

درگیری نداشته اید که این انگیزه در اصل خود بسیار مقدس است ولی باید پرسید که شما در کجای افغانستان حضور داشته اید که دچار مشکل گروهی نشده اید؟ مثل معروف است که هر کس بامش بیش، برفش بیشتر.

علاوه بر آن حزب ا... افغانستان که تنها در هرات حضور داشته به همان اندازه با احزاب و گروههای دیگر چون نهضت اسلامی و جندا... و... رقابت و مشکل داشته است، سرانجام اینکه برادران حزب ا... برای آمدن به اتحاد طرح بلند بالائی ارائه دادند که عیناً آورده می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۶۷/۱۰/۲۴

حزب ا... افغانستان

شماره: ۴۸۴ - ۱۱۷۵

شعبه: ستاد مرکزی

پیوست: ۲ برگ

موضوع: پیشنهاد

واعتصموا بحبل... جميعاً ولا تفرقوا سورة ۳ آیه ۱۰۳

از بدو تأسیس حکومت رژیم الحادی و ضد بشری در کشور اسلامی افغانستان شاهد قیام حق طلبانه ملت مسلمان و مؤمن این کشور بودیم و به خوبی دریافتیم که مردم متدین این مرز و بوم چون اسلاف سلحشور و با ایمانشان خواهان سعادت ابدی اند و چگونه به پا خواستند با اینکه هیولای موحش به اصطلاح ابر قدرت شرق (روسیه متجاوز) در کشورها بلکه در دلها آنچنان ایجاد ترس و وحشت نموده بودند که در مقابل خود سری هایی این ابرجانی از خدایی خبر هیچکس را یارای فریاد کشیدن نبود و کابوس وحشت همگان را فرا گرفته بطوریکه نفسها در سینه ها حبس و صداها خاموش گردید. این سفاک و جلاد تاریخ از این نوع سکوتها استفاده نا مشروع دیگری نموده بار دیگر حیثیت و شرافت را زیر پا نهاده، در تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ کشورمان را علناً اشغال نظامی کرد. در این زمان بود که مردم مسلمان ما نتوانست بیش از این شاهد خود سربهای تزار سرخ و عمال پلیدشان باشد، لهذا به حکم وظیفه اسلامی شان قیام نمودند و برای شکستن طلسم ماهرانه ساکنان کرمین دست به دست یکدیگر داده علیه الحاد و منکرین خدا پیا خواستند.

در این راستا حزب ... افغانستان با اتکاً به خدا (ج) و با حمایت و پشتیبانی مردم با ایمان منطقه اعلام موجودیت نموده و ده سال در موضع کاملاً ضد روسی و رو در رو با سربازان ارتش سرخ جهت بیرون راندن شان از خاک پاک کشور و نابودی رژیم دست نشانده اش و برقراری حکومت اسلامی مردانه ایستادند. با دادن صدها شهید، اعم از فرماندهان با تجربه و با کفایت و سربازان دلیر و سلحشور اسلام و صدها مجروح و معلول و متحمل شدن خسارات زیاد مالی و خرابی قریه جات و قصبات متعدده و چشیدن طعم تلخ آوارگی ها و ... الحمدلله فعلاً در مناطق هرات، فراه، نیمروز، بادغیس، فاریاب، مرغاب، چشت شریف، غور، ارزگان و مالستان کاملاً مستقر بوده و همواره با تمام سازمانهای اسلامی افغانستان میانه نیک و برادرانه داشته و دارد، و هیچ گاه از پیکار با دشمن متجاوز روسی خسته نشده و نخواهند شد و از جمله اهداف مقدس حزب ... افغانستان ایجاد جو سالم و سازنده بین تمام احزاب اسلامی و گسترش علم و معرفت در میان ملت مسلمان افغانستان، بخصوص همیشه خواهان وحدت سازمان های اسلامی این کشور بوده که بر همگان روشن است.

حزب الله افغانستان مبنای پیوستن خود به ائتلاف این مسئله را قرار داد که ائتلاف وسیله مناسبی برای انسجام و هماهنگی نسبی گروه ها است که این انسجام و هماهنگی راه رسیدن به اتحاد همه جانبه گروه ها و نیروهای تشیع می باشد.

البته ما به ائتلاف بر این اساس متعهد بوده و با در نظر داشت وضعیت موجود گروه ها و روابط سیاسی و نظامی شان، معتقد بر این هستیم که از طریق ائتلاف که اولین شکل گروه های شیعی در جهت ایجاد انسجام و زمینه های اولیه هماهنگی میسر خواهد بود. مشروط بر اینکه روند کار ائتلاف مبتنی بر اهداف آن باشد، در این رابطه مساعی گروه های عضو در چوکات ائتلاف قابل توجه است.

حزب ... افغانستان به این دید گاه به عنوان عضو فعال در ائتلاف در طول مدت در موضعی قرار داشته که علیرغم تعهد به ائتلاف بدان قانع نبوده بلکه سعی داشته تا با مساعی و تلاش بیشتر گروه های عضو روند کار ائتلاف جهت رسیدن به اهداف اصلی که همانا

اتحاد است تسريع گردد، زیرا معتقد بر این هستیم که لازمه اتحاد بوجود آمدن زمینه مناسب آن است و رسیدن به مرحله اتحاد مستلزم سپری نمودن مراحل اولیه است که این مراحل را باید ائتلاف که تشکل همه گروه های مورد نظر است، بپیماید.

فلهذا حزب ... افغانستان اعلام می دارد که بر مواضع اصولی خود مبنی بر تقویت ائتلاف جهت نیل به اهداف آن تأکید دارد و علیرغم آن به لحاظ اینکه لازمه پیروزی سریع و مطلوب انقلاب وحدت همه جانبه کلیه نیروها و حفظ موقعیت تشیع مستلزم اتحاد تمام احزاب شیعی هست، از اتحاد گروه های مؤتلفه حمایت نموده و بر آن پایدار خواهد بود.

براساس پیشنهاد نمایندگان محترم برخی از احزاب اسلامی (تشیع) افغانستان در رابطه با اتحاد و هماهنگی هشت سازمان مؤتلفه به حزب ... افغانستان، نظر حزب ... افغانستان به اتحاد مثبت بوده و هیچگونه مخالفتی نداشته و ندارد، ولی برای استحکام اتحاد و تلاشی نشدن آن مانند (جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان) در اوایل انقلاب پیشنهادات ذیل را اعلام می دارد:

الف - در اصل اتحاد صد در صد موافق و هیچگونه تردیدی راه ندارد.

ب - در کیفیت و نحوه کمیت آن مسائل زیر ضروری به نظر می رسد.

۱- اتحاد باید تحت زعامت شخص ولی فقیه و یا نماینده ایشان صورت بگیرد، و گرنه دوام آن نه تنها بعید به نظر می رسد بلکه ممکن است بخاطر بعضی مسایل جزئی شخصی بهم بخورد.

۲- اتحاد باید با تأیید و تصویب جلسه رسمی شورای مرکزی ائتلاف اسلامی افغانستان صورت بگیرد.

۳- در شورای مرکزی اتحاد از هر گروه یکنفر (شخصیت اول و یا معاون با صلاحیت آن) عضویت داشته باشد.

۴- ترکیب شورای اجرائی از همه احزاب متحده جهت اجرای دستور العمل مصوبات شورای مرکزی به طور عادلانه و با در نظر داشت موقعیت ده ساله گروه ها در جنگ با روس باشد.

- ۵ - در رابطه با از بین بردن آرم های کنونی سازمانهای مربوطه و بوجود آوردن آرم واحد و بقیه مسایل ذیربط تصمیمات به عهده شورای مرکزی ماده «۳» می باشد.
- ۶ - تا تصویب نهائی اتحاد و مشخص شدن مواضع سیاسی آن، هیچگونه اعلان قبلی صورت نگیرد.

ستاد مرکزی حزب الله افغانستان

۱۳۶۷/۱۰/۲۴

اعضای شورای مرکزی حزب ا... تعیین شد

حزب ا... افغانستان در نشست های کمیسیون اتحاد، نظرات گوناگونی ابراز می داشتند گاهی می گفتند از کلیه احزاب و سازمانها در شورای مرکزی اتحاد یک نفر باشد. مانند شورای ائتلاف که از هر گروه یک نفر بیش نیست و اگر تعداد اعضا بیش از یک نفر باشد، برای حزب ا... افغانستان هم باید نه نفر در نظر گرفته شود. کمیسیون پیگیری اتحاد پس از بررسی پیرامون اوضاع و جوانب قضیه در رابطه با اتحاد و حرکتهایی که از هر گوشه و کنار ضد وحدت صورت می گرفت و با توجه به صلاحیتی که از سوی احزاب برای کمیسیون داده بودند. پس از تبادل نظر با نمایندگان حزب ا... افغانستان بر اساس حضور سیاسی و نظامی حزب ا...، چهار نفر به شورای مرکزی اتحاد تصویب و برای نمایندگان «حزب ا... افغانستان» ابلاغ شد.

بسمه تعالی

متن مصوبه

در جلسه مورخه ۶۷/۱۰/۲۸ در جمعی از اعضا کمیسیون اتحاد تصویب شد که:

اعضای واجد شرائط از حزب ا... افغانستان به شورای مرکزی اتحاد چهار نفر آورده شود.

یوسف زکی

قربانعلی عرفانی

قربانعلی محقق ترکمنی

محمد ناطقی

۶۷/۱۰/۲۸

محمد کاظم مصطفوی

کمیسیون پیگیری اتحاد نظر نهایی خود را ابراز میدارد

همانگونه که گفته بودیم مسئولین احزاب و سازمانها اصل اتحاد داخل را تأیید و امضا نمودند ولی مسئولین بعضی از گروهها در خارج چون سازمان نیرو، دعوت اتحاد اسلامی افغانستان و جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان در کمیت و تعداد اعضای شورای مرکزی اصرار داشتند که تعداد بیشتری در شورای مرکزی گرفته شود. کمیسیون اتحاد در برابر درخواست برادران مقاومت می نمود، بدین استدلال که مصوبات داخل کشور در رابطه با اتحاد برای ما یک اصل پذیرفته شده است. کمیت اعضای شورای مرکزی اتحاد از هر گروه و سازمان بر اساس حضور سیاسی و نظامی خود معین شده و علاوه بر آن مسئولین همین احزاب در داخل مصوبات را امضا و تأیید نموده اند اگر مصوبات داخل در یک مورد هم شکسته شود، ممکن است به مشکلات زیادی دچار شویم.

سرانجام پس از گذشت زمان و بحثهای طولانی «کمیسیون پیگیری اتحاد» بر اساس صلاحیت خود و اعتبار نظر و رأی اکثریت، نظر نهایی خود را پیرامون کمیت اعضای شورای مرکزی احزاب و گروههای مزبور ابراز داشته و مصوبه را به شرح زیر امضا نمودند:

بسمه تعالی

در جلسه مورخه ۶۷/۱۰/۲۹ در جمعی از مسئولین کمیسیون پیگیری اتحاد چنین فیصله به عمل آمد.

۱- سعی برای تکمیل اتحاد همه گروههای هشتگانه مربوط ائتلاف که هیچ کدام خارج از اتحاد نمانند و اگر احیاناً برخی از گروهها به دلایلی هماهنگی نکنند، ما چهار گروه که امضا در ذیل می نمایم نهایت سعی کوشش به خرج دهیم. در قدم اول هماهنگی منسجم بین خودمان و تلاش برای آوردن دیگران به خصوص در وهله اول آوردن جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان.

۲- از جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان شش نفر به شورای مرکزی آورده شود.

۳- از دعوت اتحاد اسلامی افغانستان چهار نفر گرفته شود.

۴- از نیروی اسلامی همان چهار نفر کافی است و هیچگونه زمینه ای برای بالا بردن

ندارد.

۵- از حزب ا... همان چهار نفر مصوبه شده است و تغییر و تبدیل ندارد.

ناگفته نماند که گروههایی چون پاسداران جهاد، سازمان نصر، حرکت اسلامی و نهضت اسلامی باید در تمام موضع گیریها انسجام و هماهنگی خود را در بالا بردن و تکمیل نمودن اتحاد و در کلیه موارد حفظ نمایند.

یوسف زکی

قربانعلی عرفانی

قربانعلی محقق

محمد کاظم مصطفوی

۶۷/۱۰/۲۹

محمد ناطقی

همکاری علمای حوزه قم با کمیسیون پیگیری اتحاد

تصویب مواد تدوین شده در داخل، که خود یک سند قانونی و اصولی بود علی الاصول باید پذیرفته می شد ولی متأسفانه پافشاری و اصرار گروههای کوچک همچنان ادامه داشت و حاضر به پذیرفتن مصوبه داخل و اصلاحات کمیسیون پیگیری اتحاد در خارج نبودند. با آنهمه، تلاش برای حل معضله موجود ادامه داشت. همکاری مردم مهاجر در تحقق این آرمان مقدس و پشتیبانی بی دریغ علمای بزرگوار و طلاب افغانستانی در حوزه های علمیه قم و مشهد و... برای ما امید و نیروی بیشتری می بخشید که با جدیت و امید به راهمان ادامه دهیم.

از جمله می توان از همکاری صادقانه و دلسوزانه جمعی از علمای بزرگوار خارج کشور چون حجج اسلام و آیات عظام هریک محمد حسین ناصری، ناهوری، هاشم صالحی، غلامحسین فصیحی، ابوالحسن فاضل، رضایی دره صوفی، محمد باقر موحدی، حسینی دره صوفی، کاشفی کابلی، فصیحی کوه برون، فاضل، فیاض و مدرسی یادآوری نمود.

علمای بزرگوار با انحنای گوناگون از اتحاد عمومی و برخاسته از دل سنگرهای

خونین وطن حمایت نمودند و از راه پخش اعلامیه های متعدد، سخنرانیها و انعقاد جلسه های متعدد، دین خود را نسبت به انقلاب اسلامی ادا نمودند.

منهم چند بار به دعوت برادران در جلسه شان شرکت نمودم و پیرامون اتحاد تبادل نظر صورت می گرفت و راهنماییهای لازم ارائه می شد.

در این رابطه لازم می بینم گوشه ای از خدمات برجسته و صادقانه حجة الاسلام والمسلمین مرحوم آقای محمد حسین ناصری را یاد آوری نمایم.

مرحوم ناصری مرد مؤمن، انقلابی و متعهد به انقلاب اسلامی افغانستان بود. او در دوران سخت انقلاب در داخل کشور، برای ایجاد وحدت همگانی و جلوگیری از تشنجهای اختلافات، گامهای مثبت و برجسته ای برداشت و برای مهار نمودن تنشها و اختلافات چه بسا جان خود را به خطر می انداخت و بی پروا وارد صحنه می شد که بطور نمونه در یک مورد اشاره می نمایم:

در سال ۱۳۶۰ در حصه اول بهسود در دهن «آبدره» برای کنترل بازار «آبدره» دو گروه به جان هم افتادند و کارشان به سنگگیری کشید. آقای محمد حسین ناصری که در پایگاه شهید قاسمی «دهن تنور» حضور داشت و منهم خدمت ایشان بودم. فوراً خود را به بازار رسانیده در حالیکه صدای گلوله بلند بود و سرانجام آتش جنگ را خاموش نمود او مرد صلح و صفا و مقاومت بود.

موقعیکه مرحوم ناصری به ایران آمد در جهت وحدت گروهها و احزاب اسلامی از تلاش و کوشش دست برداشت، بویژه برای همکاری با کمیسیون پیگیری اتحاد فعالیت جدی را شروع نمود. متأسفانه در سال ۱۳۶۹ در اثر حادثه مشکوک توسط یک راننده موتور سیکلت به لقاء الله پیوست.

در ادامه فعالیت مستمر علمای بزرگوار، در راه ایجاد وحدت و تلاش برای انسجام گروههای اسلامی، «کمیسیون پیگیری اتحاد» برای تحقق بخشیدن به روند کار کمیسیون و پربار شدن آن از علمای مستقل دعوت به عمل آوردند تا با کمیسیون اتحاد رسماً همکاری نمایند.

جلسه مهمی با شرکت علما، در جو خلوص و صفا پیرامون نحوه کار، برخورد با گروهها و احزاب که به نحوی اعتراض دارند، دایر شد و قرار شد علمای بزرگوار در مورد ادعای بعضی از گروهها نسبت به کمیت افراد خود نقش خود را به عنوان داور ایفا نمایند. از مجموع علما، سه نفر به عنوان (داور) انتخاب شدند که با مسئولین محترم نیروی اسلامی، دعوت و اتحاد اسلامی، جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان و حزب ا... افغانستان پیرامون کمیت اعضای شورای مرکزی مذاکره نمایند.

متن مصوبه

بسمه تعالی

در جلسه مورخه ۶۷/۱۱/۲۴ با حضور عده ای از نمایندگان سازمانها، اشخاص زیر:

۱- حجة الاسلام والمسلمین آقای فاضل

۲- حجة الاسلام والمسلمین محمد حسین ناصری

۳- حجة الاسلام والمسلمین هاشم صالحی

بحیث داور انتخاب شدند که با کمیسیون اتحاد در مورد ادعای سازمانهای: جبهه متحد، دعوت اتحاد اسلامی و حزب ا... و نیروی اسلامی نسبت به تعداد اعضای شورای مرکزی ابراز نظر نهایی نمایند و به موضوع خاتمه دهند.

امضا:

قربانعلی عرفانی

هاشم صالحی

محقق و رسی

یوسف زکی

محمد فیاض بندر

مصباح مزاری

عزیزا... شفق

سجادی

قربانعلی محقق ترکمنی

تقدسی

محمد اسحاق اخلاقی

کاظم مصطفوی

یوسف واعظی

هاشمی سنگچارکی

مدرسی و...

هیئت محترم داوران فعالیت خود را آغاز نمودند و نشستهای متعددی با مسئولین احزاب و گروههای مورد نظر داشتند که متأسفانه موفق نشدند.

پس از مدت طولانی که در این گیرودار گذشت، هیئت داوران گزارش کار خود را به کمیسیون پیگیری اتحاد ارائه دادند و اظهار داشتند که نتوانسته اند به توافق برسند. بعد از آن هیئت داوران نظر خود را چنین ابراز داشتند: «... نظر به شناخت کمی و کیفی که از این گروهها داریم، بیشتر از آنچه که اعضای کمیسیون پیگیری اتحاد در نظر گرفته اند، صلاح نمیدانیم.»

رهبر حرکت اسلامی اتحاد را امضا نمود

در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۹ جلسه با شکوهی از سوی حضرات علمای اعلام در شهرستان قم (نیروگاه) تشکیل گردید که در آن جلسه از چهار گروه دعوت شده بود تا درباره تحقق اتحاد کامل و اساسی به مشورت بنشینند.

دعوت شدگان: آیه... قربانعلی محقق ترکمنی از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان آیه... آصف محسنی قندهاری رهبر حرکت اسلامی افغانستان و آیه... علی افتخاری مسئول نهضت اسلامی افغانستان و قربانعلی عرفانی از سازمان نصر افغانستان و آقای عصمت... عرفانی از جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان.

ساعت یک بعد از ظهر را نشان می داد. پس از صرف نهار، یکی از علمای بزرگوار به نمایندگی از دیگران ضمن خیر مقدم برای مسئولین احزاب و پس از تعارفات معمولی سخنانش را بدین مضمون آغاز نمود: «... غرض از برگزاری جلسه این بود که شما بزرگان و علمای مسئول آنچنانکه پیدا است طرفدار اتحاد هستید و اتحاد را تنها راه سعادت و نجات مردم افغانستان می دانید. تنها بعضی از احزاب و گروههای کوچک شیعه مانند: سازمان نیرو، جبهه متحد، حزب دعوت اسلامی و حزب... افغانستان، مسائل شان در رابطه با اتحاد هنوز حل نشده و نسبت به تعداد حضور افراد خود در شورای مرکزی اتحاد اعتراض دارند.

سؤال عمده به شما (۴) گروه و سازمان (که حضور بیشتر در ضحنه های جهادی کشور دارید) بر می گردد که اگر بقیه گروهها احیاناً نیامدند، شما واقعاً با هم اتحاد نمائید؟ و

اگر واقعاً شما اتحاد نمائید دیگر مردم مشکلی ندارد و این سؤال را صریحاً پاسخ دهید؟
در برابر این پرسشی که از عمق وجود علما و شخصیت‌های محترم کشورمان برخاسته بود، مسئولین موجود در جلسه به سوی هم نگاه معنی داری نموده و پس از تعارف به یکدیگر، جناب آقای محسنی فرمودند: «... سعی اینست که گروه‌های شیعه همه‌شان در اتحاد آورده شود و مصلحت هم در این است که همه جمع شوند و باید تلاش و کوشش نمود و اگر آنها نیامدند ما چهار گروه با هم اتحاد میکنیم...»
یکی از علمای بزرگوار فرمودند: «... شما حاضرید این مضمون را بنویسید و ما می‌خواهیم از شما سند کتبی بگیریم.

جناب آقای محسنی فرمودند: «... مانعی ندارد...»

سپس حضرات علما، سؤال را کتباً مطرح نمودند.

بسم الله الرحمن الرحيم

به احزاب و سازمانهای اسلامی افغانستان:

اگر اتحاد سراسری و عمومی بوجود نیامد، آیا شما برای اتحاد چند گروه که حاضر به اتحاد هستند، اتحاد میکنید؟

آقای محسنی در پاسخ به علمای مستقل به قلم خود چنین انشا نمود:

بسم الله الرحمن الرحيم

امید است اتحاد سراسری بوجود بیاید و در فرض عدم امکان آن اعضای حاضر در جلسه یعنی نهضت اسلامی، پاسداران جهاد اسلامی و سازمان نصر و حرکت اسلامی حاضر به اتحاد هستیم و به آن تعهد داریم.

۶۷/۱۲/۲۹

آصف محسنی

قربانعلی محقق

قربانعلی عرفانی

علی افتخاری

بسمه تعالی

در صورتیکه حداقل هفت نفر از جبهه متحد به عضویت شورای مرکزی اتحاد،

پذیرفته شود، اتحاد با تمام سازمانهای فوق شیعی مورد قبول است.

عصمت ا... عرفانی

دیدار با وزیر خارجه ایران

در تاریخ ۶۸/۱/۲۶ ساعت چهار بعد از ظهر با آقای دکتر ولایتی پیرامون مسائل افغانستان دیدار و گفتگو داشتیم.

در این دیدار جناب آقای محمد علی جاوید بعنوان نماینده آقای محسنی از حرکت اسلامی و آقای محسنی ارزگانی بعنوان نماینده آقای قربانعلی محقق ترکمنی از پاسداران نیز حضور داشتند. آقای دکتر ولایتی پس از مقدمه کوتاهی پیرامون انقلاب اسلامی افغانستان و فداکاری مؤثر مردم قهرمان این سرزمین به مطلب مورد نظر خود اشاره نمود که: شورای ائتلاف اسلامی افغانستان نقش بزرگ و مؤثری در جهت شناسایی جهاد مقدس مردم شما داشته و از نظر سیاسی کفه شورای ائتلاف نسبت به احزاب و گروههای دیگر سنگینی دارد.

امروز شورای ائتلاف به عنوان نیروی مؤثر جهادی افغانستان در تمام مجامع بین المللی مطرح است.

بنا برای این برادران کاری نکنند که ائتلاف ضربه بخورد و تضعیف شود...»

منظور جناب آقای ولایتی مذاکراتی بود که در قم بین آقای محسنی، محقق ترکمنی و افتخاری و من صورت گرفته بود که در آن موضوع اتحاد گروهها مطرح و امضا شده بود.

آقای محمد علی جاوید ضمن تقدیر از همکاریهای سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با افغانستان گفت: «... منظور از جلسه ای که در قم بین آیه الله محسنی و بقیه علما و برادران تشکیل شده فقط بخاطر وحدت تشیع افغانستان بود و دیگر هیچ مسئله ای وجود ندارد. حرکت اسلامی افغانستان قبل از همه طرفدار اتحاد بوده، اکنون

هم ما اتحاد را می خواهیم، منتهی یک سری مسائل وجود دارد که انشا الله حل خواهد شد. بعد از آن من هم پیرامون اتحاد که در داخل کشور شکل گرفته بود، با آقای دکتر ولایتی یادآور شده، گفتم: من دو سه بار در فرصتهائی که پیش آمده، موضوع اتحاد احزاب و گروهها را با شما صحبت نمودم، نیز یادآور شدم که اتحاد در عرض ائتلاف نیست بلکه در طول و ادامه ائتلاف است. اکنون هم با صداقت و جدیت می گویم که تنها اتحاد احزاب و گروهها است که می تواند تأمین کننده منافع مردم ما باشد. ما کسانی نیستیم که به آرمان والای مردم خود ضربه وارد نمائیم بلکه بارها گفته ایم و میگوئیم که ائتلاف نمی تواند درد مردم ما را دوا کند. مصلحت جامعه ما ایجاب می کند که گامی فراتر از ائتلاف برداشته، سرانجام متحد شویم.

پس از ملاقات با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، دیدار کوتاهی با آقای بشارتی قائم مقام وزارت خارجه داشتیم. گفتگو در محور اتحاد احزاب و گروه های افغانستانی بود ولی کمتر نتیجه داشت و در آن روزها بیشتر روی ائتلاف تکیه می شد.

طرح اتحاد طرح انحرافی است؟!

سنگ اندازیهائی که در راه تحقق وحدت در خارج کشور صورت گرفت، مشکلات و موانعی که به وجود آوردند، فراتر از آن است که به رشته تحریر درآید و من هم در شرایطی نیستم که همه آن کار شکنی ها را در معرض دید خوانندگان قرار دهم ولی از آنجائیکه گذشته گواه صادقی بر آینده است به گوشه ای از آن موانع بسنده می نمایم.

اقدام مهم و تاریخی که در داخل برای وحدت عمومی آغاز شد و همه را امیدوار نمود، باور نمی کردم کسی با آن ایده مقدس مخالفت کند و با این باور، پیام وحدت را با عشق و ایمان راسخ به مسئولین خارج ابلاغ نمودم که در قدم اول مورد استقبال تمام مسئولین از اعضا برجسته شورای ائتلاف و غیره قرار گرفت. اکثریت اعضا شورای ائتلاف عناصری بودند دلسوز و انقلابی که در همه شرایط از اتحاد پشتیبانی نمودند و مصلحت عمومی را

بر مصلحت شخصی خود ترجیح دادند.

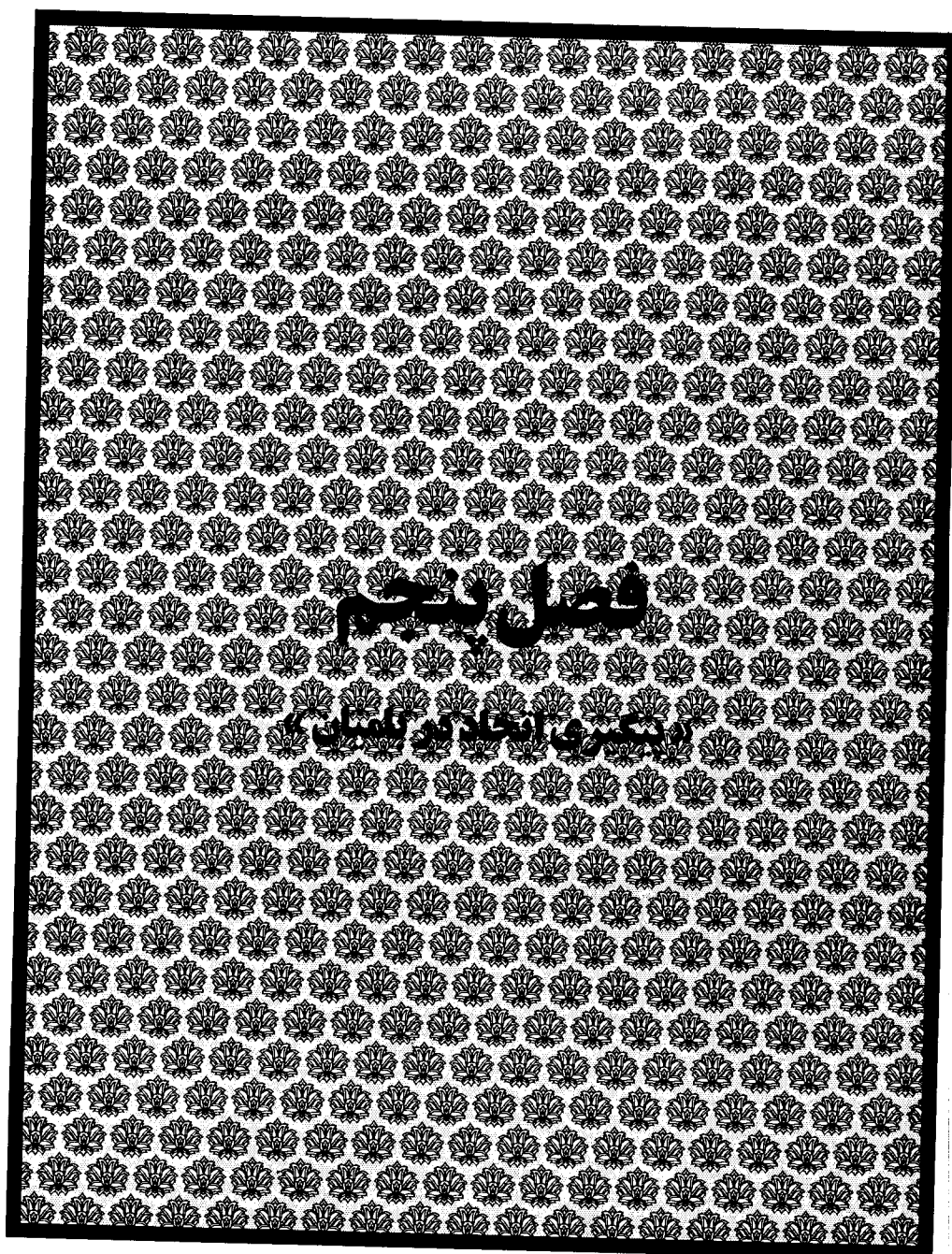
متأسفانه و برخلاف تصور و باوری که داشتم، دیدم بعضی از عناصر شورای ائتلاف بخاطر مصلحت شخصی، مصلحت جامعه خود را زیر پانهاده، عیناً در برابر اراده مردم خود یعنی اتحاد عمومی موضع گرفتند. بخصوص پس از ملاقات شورای ائتلاف با معاون وزیر خارجه شوروی، آقای ورنسوف و طرح شورای مشورتی و... که زمینه کار بیشتر و پرصدتر در مجامع عمومی برای شورای ائتلاف پیدا شد. دیدم بعضیها با کمال گستاخی و جسارت از وحدت داخل انتقاد می کردند و با تحلیل به اصطلاح روشنفکرانه که وحدت عمومی را یک وحدت به اصطلاح زود رس می خواندند و به خورد دیگران داده، خدشه دار می ساختند. این بود که فریاد دلسوزانه وحدت از دید عناصر خود خواه و کوتاه بین یک فریاد ضد ائتلاف شمرده می شد!!

یادم نمی رود، جلسه ای که در دفتر شورای ائتلاف با حضور همه مسئولین احزاب و گروه ها تشکیل شد تا پیرامون اتحاد بحث شود. یکی از برادران با کمال جسارت و گستاخی تمام گفت: «طرح اتحاد یک طرح انحرافی است، طرح اتحاد یک طرح استعماری است!! استعمار عادت دارد اگر از جایی ضربه میخورد، فوراً جبهه عوض می کند، طرح و پلان دیگری می ریزد تا افکار عمومی را از هدف اصلی منحرف کند، اکنون که شورای ائتلاف اسم و رسمی پیدا کرده و دنیا رویش حساب می کند که بر مصلحت استعمار نیست، می بینیم، روش را عوض کرده و طرح اتحاد را ریخته است...»

خوب توجه نمائید افرادی که هنوز ارزیابی درستی از مردم و کشورشان و شرایط آنجا را ندارد اینگونه قضاوت میکنند. در برابر این طرز تفکر چه باید کرد؟ جز سکوت، خونسردی، جز دندان روی جگر گذاشتن دیگر چاره ای وجود دارد؟ بخصوص که انسان در یک راه هدف داری گام بر میدارد، در راه تحقق آن هدف باید همه چیز را تحمل نمود... من ساکت شدم، افراد حاضر همه ساکت شدند، با نگاه های معنی داری به هم مینگریستند. البته هریکی از برادران به نحوی وی را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند تا آنجا که خود آن برادر هم به مناسبتی از آنچه اظهار داشته بود عذر خواهی نمود.

دیگرازمسایلی که حرکت عمومی وحدت را کند ساخته بود، سردرگمی بعضی از مسئولین و دلسوزان به انقلاب اسلامی افغانستان بود. آنها که بعنوان اخوت اسلامی با ما دلسوزی دارند ولی شرائط موجود کشور مان را نمی توانند درک نمایند، لذا در بر داشت شان دچار مشکل میشوند.

این بود که فریاد وحدت کم کم خفه میشد و شعاع وحدت طلبی کمرنگ میگردد حتی از نظر تبلیغاتی اتحاد نضج گرفته در داخل بایکوت میشد.



« میثاق وحدت در مرکز بامیان امضاً شد »

سال ۱۳۶۷ سپری شد و من در ادامهٔ مأموریتم هنوز در ایران به سر می بردم و با موانع و مشکلاتی که فرصت طلبان در راه وحدت بوجود آورده بودند دست و پنجه نرم میکردم کم کم هیولای یأس و ناامیدی در پیش چشمم رژه می رفت و ما را به انزوا و سکوت فرا میخواند و تمام انتظاراتم از برادران داخل کشور بود آنها که مشکلات را از نزدیک لمس نموده، آنها که برای اتحاد ارج میگذارند و شب و روز برای تحقق وحدت همه جانبه تلاش دارند.

گزارش دادند که اتحاد مقدس و مردمی ما در داخل کشور با قدرت و اخلاص مسئولین و فرماندهان عالیقدر (آنها که از نزدیک دستی در آتش دارند) هم چنان سریع و توفنده به پیش میرود و همه در انتظار سپری شدن سرمای سخت زمستانی است که (تمام راه های ارتباطی را قطع نموده) که در مرکز با میان جمع شوند.

برادران مسئول از همهٔ گروه ها و احزاب پس از گذراندن زمستان سرد و پریرف هزاره جات، آغاز تماسها و ارتباطها برای پیگیری جریان اتحاد، عده ای از مسئولین محترم در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۲ در ۱۳ ولایت کشور، نامه نوشتند که برای ادامه اتحاد گروه ها و تکمیل آن حداکثر تا تاریخ ۱۳۶۸/۳/۲۳ در مرکز بامیان خود را برسانند ولی ضایعهٔ ارتحال جانگداز پیشوای فقید اسلام حضرت امام خمینی «ره» که در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۴ اتفاق افتاد، جهان اسلام را به سوگ نشانید.

مردم افغانستان مخصوصاً در هزاره جات چهل روز را عزای عمومی گرفتند از اینرو نشست ۲۳ جوزا در موعد مقرر صورت نگرفت.

سرانجام برای تحقق اتحاد کامل، اولین گردهمایی عمومی و باشکوه خود را در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ در مرکز بامیان دایر نمودند. این گرد همایی به مدت ۷ روز به درازا کشید. اعضا شرکت کننده پس از شانزده دور جلسه جدی و پشت سرهم تصمیم نهایی را مبنی بر

اتحاد همه گروه ها اتخاذ نمودند و قطعنامه ای بعنوان میثاق وحدت در ۲۰ ماده تدوین و در طی مراسم با شکوهی در مرقد میر سید علی یخ سوز، همگی میثاق را امضا و سوگند وفاداری یاد کردند.

متن قطعنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمة الله عليكم...

میثاق وحدت

بدیهی است که ملت رشید افغانستان در طول تاریخ، حماسه ها آفریده اند. برای دفاع از اسلام و استقلال کشور درفش خون رنگ جهاد را بردوش کشیده و با خون سرخ شان پاسداری نموده اند. و با در نظر داشت اینکه ملت افغانستان به ویژه سلحشورانیکه در قلب افغانستان بسر می برند و با دست خالی و قلب های مملو از ایمان، بدون هیچگونه کمک خارجی، تمام مناطق مرکزی را از لوٹ وجود مزدوران روس پاک نموده و همچنان تا به اکنون آزاد نگهداشته اند که در راستای نبرد بی امان و پیگیر شان شاهد اخراج روسهای تجاوزگر می باشد و توانسته اند فراز نوینی را برای اولین بار در تاریخ مبارزات رهائی بخش جهان بکشایند و از طرفی کفر جهانی در مقابله با انقلاب اسلامی افغانستان تبانی نموده و در امتداد سیاستهای استعماری شان، نبرد سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و ... را علیه مجاهدین و به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی از نو آغاز کرده اند.

با توجه به مسائل فوق و ملاکهای اعتقادی (واعتصموا بحبل الله ... و بنی الاسلام علی دعائین: کلمة التوحید و توحید الکلمه) انسجام هر چه بیشتر نیروهای جهادی و مبارزه آگاهانه در یک صف فشرده، از هر زمان دیگر، ضروری تر می نماید. لذا برای حراست از ارزشهای انقلاب و پاسداری از آرمانهای شهدای انقلاب اسلامی افغانستان تا پیروزی نهائی و تحقق احکام الهی، بر اساس اصول و مبانی ذیل، احزاب و جریانهای اسلامی طی اجلاس تاریخی در مرکز باستانی و تاریخی بامیان از تاریخ ۶۸/۴/۲۵ تا ۶۸/۴/۲۷ میثاق وحدت را تدوین و امضا نمودند. مواد آن به قرار ذیل است:

۱- تداوم و تشدید مبارزه برای ایجاد حکومت اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و اصل

ولایت فقیه

۲- جذب نیروهای سالم و متعهد شیعی بیرون از اتحاد.

۳- تلاش در جهت وحدت با تمام گروههای اسلامی برادران اهل سنت.

۴- اقدام فوری در جهت رفع تشنجات موجود و جلوگیری از تشنجات احتمالی و

تأمین آزادی و امنیت مردم در چهارچوب قوانین و مقررات اسلام و مصالح عامه.

۵- جلوگیری جدی از هرگونه اقدام و عمل منافی وحدت و تکیه بر علایق و روابط

گروهی گذشته.

۶- مبارزه جدی با افکار الحادی و غیر اسلامی و التقاتلی.

۷- نفی هرگونه مذاکره و سازش و معامله پیدا و پنهان با رژیم مزدور کابل و تشدید

جهاد مسلحانه تا سرنگونی آن.

۸- بسیج کلیه نیروهای نظامی در خطوط مقدم جبهات به منظور تسریع سقوط رژیم

مزدور کابل.

۹- تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی مبتنی بر حکومت اسلامی با رسمیت

داشتن مذاهب جعفری و حنفی که تمامی اقشار، طوایف و ملیتها در پرتو آن از همه حقوق

سیاسی، مذهبی و مدنی و... بدون تبعیض برخوردار گردند.

۱۰- کوشش در جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی و همبستگی ملی افغانستان و

مبارزه با فرقه گرایی و تجزیه طلبی به هر شکل آن.

۱۱- تعیین سرنوشت مردم افغانستان توسط ملت مسلمان و مجاهدین کشور و رد

هرگونه مداخله خارجی.

۱۲- برقراری روابط برادرانه و دوستانه با کشورهای اسلامی و ضد استعماری

جهان.

۱۳- همبستگی با نهضتهای اسلامی و آزادی بخش در سطح جهان.

۱۴- اتخاذ مواضع سیاسی در برابر بلوکها و اقطاب استکباری بر اساس اصل نه

شرقی نه غربی و نفی سلطه گری و سلطه پذیری.

۱۵- تشکیل شورای مرکزی اتحاد و تعیین مقر فعلی آن در شهر باستانی و آزاد شده بامیان.

۱۶- القای عناوین تشکیلاتی پس از تشکیل جریان سیاسی واحد با عنوان و آرم واحد و تدوین مرامنامه و اساسنامه.

۱۷- اقدامات لازم در جهت بازسازی و عمران کشور و استفاده مطلوب از منابع، ذخائر و ثروتهای طبیعی و ملی در جهت بهبود وضع اقتصادی و رفاهی مردم.

۱۸- سعی در جهت ایجاد زمینه و امکانات رشد علمی و فکری آحاد ملت افغانستان.

۱۹- سپردن امور به نیروها و عناصر صالح و مؤثر و کاردان.

۲۰- کلیه مسئولین و امضا کنندگان میثاق وحدت تعهد سپردند که به پاس حرمت خون شهدای انقلاب اسلامی افغانستان با تمام وجود برای تحقق وحدت و تحصیل مواد فوق، تلاش نموده و دیگر دنبال عناوین و علایق حزبی گذشته شان نمی روند.
امضا کنندگان:

۱- از سازمان نصر: استاد صادقی، مزاری، حکیمی، نوید، سجادی، هادی و واحدی

از حرکت اسلامی: هادی، فیاض، انوری، عصمت اللهی، رضوانی و مدرس.

از پاسداران جهاد اسلامی: اکبری، رضوانی، فکرت، غفوری و واعظی.

از جبهه متحد انقلاب اسلامی: رضائی و احمدی.

از سازمان نهضت اسلامی: سعیدی، باقری، افضل و جعفری.

از سازمان نیروی اسلامی: قائمی، حسینی، و جوادی.

تذکر: از حزب الله نماینده ای وجود نداشت و از طرف دعوت اسلامی هم آقای

سعیدی نهضت، وکالت داشتند.

« کارنامه بعدی حزب وحدت »

پس از قطعنامه میثاق وحدت، مسئولین حزب وحدت کار و فعالیت خود را در

دومحور آغاز نمودند:

محوراول:

بحث و بررسی پیرامون تشکیلات جدید، انتخاب آرم، تهیه اساسنامه، فرم تشکیلات که بطور کلی به شرح زیر خلاصه میشود:

۱- شورای نظارت: بعنوان بالاترین ارگان رسمی و قانونی حزب وحدت اسلامی افغانستان، مرکب از علما و فقها، شخصیت های سیاسی، حقوقی که وظایف شان در آئین نامه مربوط مشخص شده است.

۲- شورای مرکزی: که دارای هیئت رئیسه و کمیته های ۹ گانه اجرایی می باشد.

۳- شورای ولایتی: دارای کمیسیون نه گانه اجرایی است که در تمام کارهای مهم با مشورت هم تصمیم میگیرند.

۴- حوزه ها: که در کلیه ولسوالیها و علاقه داریها بوجود می آید و دارای بخشهای نه گانه اجرایی است.

محور دوم:

۱- اعزام هیئت در اطراف مناطق مختلف کشور جهت ایجاد هماهنگی میان نیروها، قوماندانها و ابلاغ تصمیمات حزب وحدت و رفع اختلافات و تشنجات داخلی.

۲- اعزام هیئت های نمایندگی در مراکز و جبهات برادران اهل سنت جهت ایجاد هماهنگی سیاسی و نظامی.

۳- اعزام هیئت در خارج از کشور جهت ابلاغ پیام وحدت به مسئولین احزاب و سازمانها و دعوت برای ادغام دفاتر در خارج از کشور.

« اعزام هیئت به خارج از کشور »

به دنبال امضا میثاق و وحدت در مرکز بامیان و ایجاد تشکیلات جدید شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان هیئت بلند پایه ای به خارج از کشور اعزام نمود تا ضمن ابلاغ پیام حزب وحدت برای مسئولین خارج از کشور، خاطر نشان نماید که شورای ائتلاف باید به اتحاد تبدیل شود، کلیه دفاتر احزاب به هم ادغام و نمایندگی واحدی به وجود آید.

اینک متن نامه برادران داخل که حاوی نکات مهم و برجسته ای است که توسط هیئت اعزامی به شورای ائتلاف و مسئولین خارج تسلیم گردید:

بسمه تعالی

سخنگوی شورای ائتلاف اسلامی افغانستان، اعضا و مسئولین محترم ایدکم الله. ضمن عرض تسلیت مجدد رحلت امام خمینی، بت شکن و هدیه صلوات به روح مقدس آن امام عزیز، بدینوسیله به اطلاع می رساند که بر اساس دستورات دین مقدس اسلام و ضرورت های جهادی مبتنی به خواست ملت خدا جوی افغانستان، مسئولین و فرماندهان جهادی طی اجلاسی از تاریخ ۶۸/۴/۲۵ الی ۶۸/۴/۳۱ میثاق وحدت در ۲۰ ماده مبنی بر وحدت هفت گروه عضو ائتلاف هشت گانه را بنام تشکیلات واحد (حزب وحدت اسلامی افغانستان) امضا کردند که ضمن بشارت و تبریک این اقدام اسلامی و جهادی، توجه حضرات را به نکات زیر جلب می نمائیم:

۱- اعضای شورای مرکزی این وحدت، خواهان تأیید و پشتیبانی علما و دانشمندان و مسئولین دفاتر خارج از کشور می باشند.

۲- تعدادی از مسئولین و شخصیت های جهادی خارج از کشور نیز عضو شورای مرکزی این وحدت می باشند که حضور حضرات در اجلاس اول سنبله سال جاری حتمی و ضروری است.

۳- امیدواریم در رابطه با تبلیغ و ترویج این وحدت کوتاهی نکرده، بلکه انتظار می رود موانع را در این مسیر همگام با برادران داخل بردارید.

۴- آقایان: نوید، عصمت اللهی، مدرسی، قائمی، دلیر، سرور شفق، و مبلغ با همکاری حضرات حجج اسلام عرفانی، شفق، زاهدی، روح الله، حسین کربلائی و اخلاقی به عنوان هیئت از طرف حزب وحدت اسلامی افغانستان برای تحکیم وحدت و توحید دفاتر که به مثابه نمایندگی های وحدت در خارج می باشند، خدمت می رسند. که در راستای مفاد میثاق وحدت، تحقق بخش آرمان شهدای انقلاب اسلامی افغانستان و مردم رنج دیده ما باشید.

قابل تذکر اینکه در بیان مواضع کلی و استراتژیک حزب وحدت اسلامی افغانستان در حال حاضر فقط به ۲۰ ماده میثاق وحدت بسنده می شود و مزید بر آن شورای مرکزی حزب وحدت در داخل کشور می تواند اعلام مواضع کرده و تصمیم نهائی را اتخاذ نماید.

۵- در رابطه با پیوستن حزب الله افغانستان نیز تصمیماتی اتخاذ شده که در این باره هیئت موظف طبق مصوبات شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی اقدام می نماید.

محل امضا آقایان: صادقی پروانی، سید هادی، حکیمی، مدرسی، فیاض ارزگانی، سید حسین انوری، فکرت، باقری، افضل، عبدالعلی مزاری، رضوانی بامیانی، سجادی، حسینی، سعیدی، قائمی، اکبری، رضائی و...

تاریخ ۱۳۶۸/۵/۱

دیدار با آقای ابراهیمی

هیئت محترم حزب وحدت اسلامی با نماینده محترم ولی فقیه جناب آقای حسین ابراهیمی در تهران در دفتر کار شان، دیدار و گفتگو داشتند و نامه حزب وحدت را به وی تسلیم نمودند.

در پیام مذکور روی دو نکته تکیه شده است:

- ۱- اعضای شورای ائتلاف فقط به عنوان نمایندگان حزب وحدت اسلامی می توانند تصمیمات لازم را هماهنگ با مواضع اصولی حزب وحدت اسلامی افغانستان اتخاذ نمایند.
- ۲- همه کمکها و همکاریها تنها از طریق حزب وحدت اسلامی افغانستان قابل قبول و قانونی می باشد.

جناب آقای ابراهیمی ضمن قدر دانی از هیئت اعزامی و تقدیر از جهاد بر حق مردم افغانستان فرمودند: «به وجود آمدن وحدت یک آرزوی دیرین و اساسی در بین برادران مسلمان افغانستانی ما بوده و خواهد بود. انشاءالله روزی که وحدت کاملی صورت گیرد ما برای تقدیر از این امر رسماً جشن می گیریم...»

هیئت اعزامی دوبار با آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار و ملاقات نمودند و پیرامون اتحاد همگانی احزاب افغانستانی مقیم تهران و مسائل

انقلاب اسلامی افغانستان به گفتگو و تبادل نظر پرداختند. آقای دکتر ولایتی اصل وحدت را یک امر ضروری دانست ولی تحقق آن را در شرائط کنونی یک کمی زود رس توصیف نمود.

هیئت اعزامی در ادامه مأموریت خود نشستهای متعددی در تاریخهای ۱۸ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۸/۶/۶۸ با مسئولین احزاب و سازمانها و اعضای شورای ائتلاف انجام دادند و اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان موافقت خود را با اصل وحدت اعلام داشتند. ولی در مورد جزئیات به توافق نرسیدند و از آن جمله آیه ا... محسنی رهبر حرکت اسلامی افغانستان در جمعی از مسئولین احزاب در تهران تشکیل شورای علمای امامیه و شورای قضائی را به عنوان دو شرط اساسی در قبول وحدت مطرح نمودند. از آنجائیکه هیئت طبق شرح وظایف خود اجازه رد یا قبول چنین شرایطی را نداشتند مسئله لاینحل باقی ماند.

سرانجام طرح وحدت برای بار دوم در خارج کشور با عدم موفقیت رو برو شد. تنها نتیجه ای که از بحثها و نشستهای متعدد با افراد و چهره های سیاسی و اجتماعی بدست آمده این بود که یک هیئت عالی رتبه تام الاختیار از طرف شورای ائتلاف، مرکب از نمایندگان ذیصلاح به مرکز بامیان رفته با مسئولین داخل وارد مذاکره شده، تصمیم نهائی را اتخاذ نمایند.

به سوی زادگاهم افغانستان

از ابتدای ورود به جمهوری اسلامی ایران که در برج جدی تاریخ ۵/۱۰/۶۷ صورت گرفته بود، جلسات و نشستهای متعددی با مسئولین احزاب و سازمانها و اعضای شورای ائتلاف و بعضی از مقامات جمهوری اسلامی ایران داشتم و برای تحقق اتحاد کامل تلاشهای زیادی انجام دادم.

علیرغم همه موانع، کارشکنیها و جو سازیها فکر می کنم ۸۰٪ در مأموریتم موفق بودم. طرح وحدت در میان مهاجرین، علما و طلاب افغانستانی در حوزه ها با استقبال وسیعی مواجه شد و اعلامیه های زیادی از سوی اقشار مختلف مردم ما منتشر گردید.

مطرح نمودن اتحاد احزاب و گروهها در رسانه های خبری جمهوری اسلامی ایران اعم از رادیو و روزنامه ها، مذاکره و گفتگو با مقامات بلند پایه ایران در رابطه با انقلاب افغانستان و روند اتحاد، تشکیل «کمیسیون پیگیری اتحاد» آوردن حرکت اسلامی افغانستان در جرگه اتحاد و تعهد و امضای آقای آصف محسنی در رابطه با وحدت گروهها و... موفقیتهای بزرگی بود که در خلال اقامتم در ایران بدست آوردم ولی با آمدن هیئت حزب وحدت برای بار دوم و دگرگونیهایی که در شیوه های کار به وجود آمد، تصمیم گرفتم که به کشورم افغانستان برگشته، با ارائه گزارش مأموریتم، همراه بامسئولین داخل در راه تحکیم پایه های حزب وحدت اسلامی فعالیت نمایم.

هرچند در دوران انقلاب کارهای سیاسی و فعالیت اجتماعی در خارج کشور و در دفاتر خارج زیاد و هم کارهای بدون درد سر و بدون خطر بود ولی من همواره ترجیح می دادم که بیشتر در میان برادران مجاهد و مردم رنج دیده مان در وطنم و زادگاهم بمانم و برایم بسیار شیرین و جالب بود که در سنگرها و پایگاه های جهاد در میان نیروهای مسلح و قوماندانهای داخل باشم و اصولاً به آنها عشق می ورزیدم. این بود که اکثریت دوران انقلاب در داخل بودم. این بار نیز تصمیم گرفتم که هر چه زودتر برگردم و برخلاف مسافرت های قبلی که همواره از مرز تفتان به سوی کویت به صورت غیر رسمی می رفتم و مشکلات طاقت فرسایی تحمل می نمودم، این بار دارای گذرنامه معتبری بودم و تصمیم گرفتم با گذرنامه وارد پاکستان شوم. متأسفانه سفارت پاکستان برایم رویداد ورود نداد. دلیلش هنوز برایم روشن نیست در حالیکه بسیاری از دوستانم با داشتن چنین پاسپورتی بدون درد سر و... برای شان ویزا داده می شد و از مسافرت هوایی برخوردار بودند. اما من بازهم از راه شنزار و تفتیده (تفتان) به راه افتادم که برایم بسیار درد ناک و ناراحت کننده بود. در آخرین روزها که از ایران بیرون می رفتم در تاریخ ۶۸/۷/۱۷ با آقای ابراهیمی در تهران دیدار و خداحافظی نمودم، ایشان مطلبی پیرامون اوضاع افغانستان بیان نموده گفت: بنا است هیئتی از جمهوری اسلامی ایران به بامیان بیاید.

در تاریخ ۶۸/۷/۲۱ وارد شهر کویته شدم و از آنجا با هواپیما خود را به شهر پیشاور

رساندم تا به برادران همراه و همسفرم آقای حسین صابری و آقای معصومی و... ملحق شوم.

در شهر پیشاور برای دوسه روز که فرصت داشتم با مقامات بلند پایه احزاب و گروه های افغانستانی پیرامون هماهنگی سیاسی و نظامی در کشور صحبت نمودم. دیدارهای مفید و سازنده ای با بعضی از بزرگان و موسفیدان قوم هزاره داشتم آنها که در دوران انقلاب به عللی در پیشاور اقامت گزیده بودند. گفتگوها بسیار دلسوزانه و برادرانه بود. یاد آور شدم اکنون که تعدد گروهی از بین رفته و تبدیل به حزب وحدت شده است برای همه ما لازم است که به وطن برگردیم و هر کدام به نحوی به انقلاب مان خدمت نماییم. مذاکرات مان موفقیت آمیز بود و با استقبال آنها روبرو شد و اعلام آمادگی نمودند که به کشور شان برگردند و حتی بعضی از آنها با من همراه شدند و به وطن برگشتند.

بامیان

در تاریخ ۶۸/۸/۵ با برادران: حسین صابری لعلی، انصاری ورس و محسنی از بلخ وارد مرکز باستانی و تاریخی بامیان شدم، این بار دوم بود که در دوران انقلاب وارد مرکز بامیان می شدم. باراول در تابستان سال ۱۳۶۷ بود که در آن روزها تازه بامیان توسط مجاهد مردان ما آزاد شده بود و می دیدم که برادران مجاهد ما تمام مرکز بامیان را تحت کنترل درآورده و می توانستم پس از سالها دوری و محرومیت به مرکز بامیان وارد شوم و بر دست و بازوی توانمند این مجاهدان فی سبیل الله آفرین بگویم.

از آن روزها چهره مرکز بامیان بکلی دگرگون شده بود، در همه جا چه در میدان هوائی و چه در اطراف مرکز ولایت و چه در بازار همه جا آثار انقلاب به چشم می خورد. در هر گوشه و کنار لاشه های تانک و هلیکوپترهای تکه پاره و سوخته به چشم می خورد و ابری از دود و آتش در فضای شهر سایه افکنده بود. این منظره ها برایم بسیار جالب و دیدنی بود و آثار یک انقلاب بزرگ و الهی، به وضوح آشکار بود. انقلابی که دیگر مارکسیست ها و از خدایی خبرها را در بامیان، شکست داده و متواری کرده بود.

اما این بار یعنی سال ۶۸ که وارد مرکز بامیان می شدم، علاوه بر آن پیروزیهای

گذشته که خداوند نصیب ملت مان نموده بود، پیروزی دیگری بر آن اضافه شده بود. این بار می دیدم که بامیان نظم گرفته و امنیت خود را باز یافته، دیگر از هرج و مرج خبری نیست. دیگر نظم است و آرامش و مهمتر از همه می بینم و خوش حالم که مرکزیت حزب وحدت اسلامی افغانستان با قدرت و توان هرچه بیشتر در مرکز بامیان وجود دارد و مرکز بامیان، مرکز قانونی حزب وحدت شده و از مرکز بامیان تمام دستورات حزب وحدت به دیگر ولایات و ولسوالی های مربوط صادر میشود.

خلاصه پس از دیدار و ملاقات با مسئولین حزب وحدت از اعضای شورای مرکزی و دیگر اعضای برجسته حزب وحدت و مسئولین احزاب از برادران جمعیت اسلامی افغانستان، حزب اسلامی افغانستان و حرکت انقلاب اسلامی افغانستان که در بامیان حضور داشتند و دیدار از مناطق مرکزی، ولسوالیها و دیدن خویشان و نزدیکان و... در تاریخ ۶۷/۷/۱۷ جلسه ای از اعضا شورای مرکزی حزب وحدت در مرکز تشکیل شد که در آن برادران هر یک حجج اسلام: میر حسین صادقی، عبدالعلی مزاری، سید عباس حکیمی، محمد اکبری، بلاغی عزنوی و برادر غلامحسین شفق سرپلی، حسینی و آقای معلم بابه نیز از دعوت اتحاد اسلامی، حسین علی صادقی، اسحق محبی جاغوری شرکت داشتند، اعضا محترم جلسه پس از بررسی اوضاع حزب وحدت و آنچه که در اطراف و جوانب کشور می گذرد، بدین نتیجه رسیدند که قبل از همه، باید پایه های حزب وحدت تحکیم گردد. لذا مواردی را فیصله و تصویب نمودند:

- ۱- کمیته های حزب وحدت در مرکز بامیان هر چه زودتر فعال گردد.
 - ۲- هیئتهای با صلاحیت جهت معرفی و تبلیغ حزب وحدت اسلامی در مناطق مربوطه اعزام شود.
 - ۳- بعضی از مسئولین حزب وحدت که در مرکز حضور ندارند باید به مرکز آورده شوند تا مصوبات و تصمیمات حزب از توانائی و اعتبار بیشتر برخوردار شود.
 - ۴- یک هیئت با صلاحیت و مقتدر در خارج کشور اعزام شود.
- در تاریخ ۶۸/۱/۲۱ جلسه شورای مرکزی حزب در مسجد (فتح) برگزار شد. قبل

از همه، در باره آوردن آقایان صادقی نیلی و خادم حسین ناطقی از ارزگان که از افراد برجسته حزب وحدت بود، مذاکراتی به عمل آمد و قرار شد که در جهت آوردن آنان اقدام شود زیرا عدم حضور آنان در مرکز، باعث یک نوع سوء تفاهم و تحلیل‌های خلاف واقع می شد بخصوص برای آنهاییکه میانه خوبی با حزب وحدت نداشتند، خوراک تبلیغاتی خوبی بود، شورای مرکزی پس از بررسی همه جانبه، صلاح دیدند که من و آقای اکبری و آقای سید هادی بلخ به ارزگان رفته، آقایان را به مرکز بامیان بیاوریم.

علت انتخاب ما این بود که ما شناخت خوبی از روحیه آقای صادقی نیلی داشتیم و همواره در مذاکرات به تفاهم می رسیدیم و در دوران انقلاب، سه یا چهار دوره خدمت ایشان رسیده و ایشان را در جلسات حاضر نمودیم. من علیرغم همه مشکلاتی که در این سفر پیش بینی می کردم چون عدم امنیت منطقه ارزگان، سرمای زمستان و پیاده روی‌ها در حالیکه خستگی سفر قبلی هنوز از تنم خارج نشده بود، با کمال میل آمادگی نشان دادم.



جمعی از بنیانگذاران حزب وحدت اسلامی افغانستان

هیئت جمهوری اسلامی ایران در بامیان

قبل از آنکه راهی مأموریت به سوی ارزگان شوم، خبر دار شدیم که هیئت ایرانی وارد مرکز بامیان می شود. پس از مشورت با برادران قرار شد تا آمدن هیئت بلند پایه ایرانی در مرکز بمانیم.

سرانجام هیئت محترم ایرانی به سرپرستی حجة الاسلام والمسلمین آقای ابراهیمی نماینده ولی فقیه، در اواخر برج عقرب ۱۳۶۸ وارد مرکز بامیان شدند. تعداد پنج نفر از ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی ایران، از جمله از وزارت امور خارجه ایشان را همراهی می نمودند.

هیئت محترم پس از گشت و گذار پیرامون مرکز بامیان و سخنرانی در اجتماعات بزرگ از جمله در مدرسه مهدیه منطقه فولادی که بخاطر تجلیل از هیئت برگزار شده بود، از آثار باستانی، تاریخی بامیان و مجسمه بزرگ بودا نیز دیدن کردند.



حجة الاسلام والمسلمین آقای ابراهیمی نماینده مقام معظم رهبری
در حال سخنرانی در بامیان

در خلال اقامت هیئت محترم ایرانی که بسیار کوتاه بود، مذاکراتی بسیار مفید و سودمند بین اعضای شورای مرکزی حزب وحدت و هیئت ایرانی صورت گرفت و آقای مزاری بحیث سخنگوی حزب وحدت در جلسه انتخاب گردید.

محورهای بحث را مسئله انقلاب اسلامی افغانستان، مناسبات جهانی آن، مسئله مهاجرین در ایران، تشکیل حزب وحدت اسلامی و نقش آن در آینده افغانستان و روابط بین المللی و اینکه شورای ائتلاف نمی تواند دیگر رسمیت داشته باشد و باید فوراً جای خود را به اتحاد بدهد، تشکیل می داد.

مذاکرات فی مابین که تقریباً سه روز به درازا کشید، بسیار جدی، صریح و در عین حال دوستانه بود. هیئت جمهوری اسلامی ایران از حزب وحدت اسلامی افغانستان رسماً دعوت نمود که از ایران دیدن نمایند.

هیئت جمهوری اسلامی ایران در میان بدرقه گرم و دوستانه مسئولین حزب وحدت و ملت مؤمن و مبارز افغانستان بامیان را ترک گفتند



حجة الاسلام والمسلمین ابراهیمی در میان بدرقه گرم مسئولین
حزب وحدت

به سوی ارزگان

در تاریخ ۶۸/۹/۱۰ مرکز بامیان را به قصد ارزگان ترک گفتیم. یکشب در مرکز یکهولنگ به سر بردیم و با مسئولین محترم حوزه یکهولنگ پیرامون اوضاع و منطقه و پیشبرد کارها روز مره به گفتگو نشستیم و در رابطه با برخی از مسائل و مشکلات منطقه تبادل نظر حاصل شد.

شب دوم - ۶۸/۹/۱۲ - در منطقه سیا دره یکهولنگ منزل آقای شیخ غلامعلی رضایی به انتظار آقای اکبری به سر بردیم اول صبح بود که آقای اکبری به ما ملحق شد. پس از صرف چای و صبحانه در منزل رضایی با هم به سوی ارزگان حرکت کردیم یک شب در پایگاه اشتراکی از توابع ارزگان مهمان آقای امینی بودیم. پس از صرف غذا تا پاسی از شب پیرامون اوضاع کلی مناطق، بخصوص منطقه آشوب زده ارزگان به گفتگو نشستیم. آقای امینی تشویق می کرد که از راه شهرستان به طرف نیلی برویم. زیرا مسیر راه «خدیر» خطرناک است ولی ما باید اول به خدیر می رفتیم و خدمت آقای خادم حسین ناطقی و مسئولین پایگاه خدیر می رسیدیم. بر خلاف نظر و باور آقای امینی، برادران مستقر در پایگاه «چهار قول» به گرمی از ما پذیرایی کردند. پس از دیدار با مسئولین در چهار قول به سوی خدیر حرکت نمودیم.

راههای باریک و کوتلهای پریچ و خم و خطرناک را یکی پس از دیگری پشت سر می گذاشتیم.

از «کوتل گردش» که دارای پیچهای متعدد و از همه صعب العبورتر و خطرناک تر بود، با ترس و دلهرگی می گذشتیم. راننده ما برادر غفور که خود جوان دوست داشتنی و راننده ماهری بود، می دیدم که آثار ترس و وحشت از چهره اش هویدا شده است. کوتل گردش در همه اوقات خطرناک و صعب العبور است ولی در شرائطی که ما از آنجا می گذشتیم در اثر سرمای شدید برج قوس کاملاً یخبندان شده بود و بیشتر از هر زمان دیگر خطرناک می نمود. بخصوص دیدم که یک کامیون بزرگ باربری در یکی از پیچهای گردنه بصورت وحشتناکی واژگون شده است و بر نگرانی ما افزود. با دعا و صلوات و

احتیاط از گردنه گذشتیم.

سرانجام در ساعت هفت شب ۶۸/۹/۱۴ به مرکز خدیر در پایگاه برادران سازمان نصر رسیدیم. پس از مذاکره و گفتگو با مسئولین پایگاه هر یک حجج اسلام خادم حسین ناطقی، امان... موحدی، مصطفی اعتمادی، غفاری و سایر برادران روحانی و دانشجو که سه روز به درازا کشید توافق شد که:

- ۱- آقای ناطقی هر چه زودتر به سوی مرکز حزب وحدت بامیان حرکت کند.
- ۲- آرم حزب وحدت بجای آرم سازمان نصر بالای در پایگاه نصب شد که این کار با تشریفات خاصی انجام شد.

به سوی منطقه نیلی

در تاریخ ۶۸/۹/۱۶ در میان بدرقه گرم و صمیمانه برادران مرکز خدیر را به مقصد نیلی ترک گفتیم. بار دیگر پیاده روی شروع شده بود. آنهم به سوی کوتلها و گردنه ها صعب العبور و قله های رفیع دایکندی. اولین برف سنگین زمستانی بود که چهره سفید و سرمازای خود را به ما نشان می داد.

ما به سوی فراز کوتل «خوجه» گام بر میداشتیم. هوا از کثرت ابرهای تیره، تاریک شده بود به طوری که در فاصله نسبتاً کمی نمی توانستیم همدیگر را ببینیم.

کوتل «خوجه» بسیار بلند و طولانی بود. هر چه به قله نزدیکتر می شدیم، وزش باد تند و تندتر می شد و برفها را به هر سو پرتاب می نمود و گهگاه بصورت ما می کوبید که کمتر می توانستیم چشمان خود را باز نماییم. تنها عینک تیره و دودی بود که برای یافتن راه یاریمان می داد. مسئله دیگری که ما را در آن شرایط سخت جوی آزار می داد، صدای فیر گلوله بود که بصورت مداوم در کوهها و دره ها می پیچید.

نمی دانستم این فیر از کجاست و چه انگیزه ای وجود دارد. البته اوضاع موجود عادی بود. ولی در دوران انقلاب، احتمال وقوع هر حادثه ای قابل پیش بینی است، برادران همه ساکت، به راه خود ادامه میدادند. و من با خود می اندیشیدم که اگر در این موقع، کدام حمله ای از سویی علیه ما صورت گیرد، قادر به دفاع نخواهیم بود. زیرا خستگی مفرط از

یک سو و عدم آشنایی به منطقه از سوی دیگر، توان دفاعی را کاهش می داد.
با این همه با توکل بخدا، به راهنمایان ادامه دادیم. پس از مدت کوتاهی ناگهان به جمعی
برخوردیم که با هیاهو و سر و صدا از قله سرازیر شده و عده‌ای از افراد مسلح بین شان دیده
می شد.

معلوم شد فیر از همین دسته بوده است. ولی در میان این جمع، زن مستی را دیدم که
همراه با دیگران با پای پیاده در حرکت است. از دیدن او، در اندیشه‌ای عمیق فرو رفتم. اینها
از کجا آمده و به کجا می روند؟

آیا باز هم نزاعهای داخلی اینها را مجبور به فرار نموده که در شرایط سخت زمستان و
سرمای سوزان، خانه و زندگی خود را ترک گفته اند؟

بعد از احوال پرسی و سلام علیکم، معلوم شد اینها از سادات محترم (خوجه) اند که
برای آوردن عروس در درهٔ چقور و عمیق خدیر سرازیر می شوند. این زن هم به عنوان
(قدغو) و یا شاید مادر داماد برای آوردن عروس خود، این چنین مغرور و عاشقانه! به راه
افتاده که از شدت علاقه و محبت سر از پا نمی شناسد.

او بر خلاف تصور ما، خوشحال و سرحال به نظر می رسید. بدان سان که سرمای
زمستان و برف سنگین را به مسخره گرفته بود.

سرسختی و مقاومت این زن در آن سرمای مخوف و کشنده و برف و باد شدید که
نمونه‌ای از هزاران زن مسلمان و زحمتکش مردم محروم ما است، را می شود چنین تحلیل
کرد:

۱- طبیعت خشن و سخت کوهستان، محیط سرد و برفگیر، او را چنین سخت کوش و
پولادین بار آورده که در برابر خشونت طبیعت مقاوم و صبور باشد.

۲- آوردن عروس برای فرزندش، او را در یک عشق مفرط و هیجانی فرو برده است
که سرمای سخت و برف زمستانی را نمی شناسد. و این عشق سوزان بود که از ژرفای
وجودش نشأت می گرفت و هر چیز را برایش آسان می نمود.

ساعت دو بعد از ظهر را نشان می داد که در پای گردنه در دهی کوچک پیاده شدیم.

پس از انجام نماز ظهر و عصر و صرف چای دوباره به راه افتادیم.

به طرف منطقه شیش

در تاریکی سنگین ناشی از ابرهای تیره و بارش شدید برف به سوی منطقه شیش حرکت نمودیم. در اثر خستگی مفرط و زیاد شدن برف پاهایم هر لحظه سنگین تر می شد. پس از راهپیمایی زیاد، سرانجام در پای گردنه نزدیک شدیم. دهی محقر و کوچک به نظر می آمد. آفتاب نزدیک غروب بود. بگو مگو و شور و مشورت میان مسافرین خسته و کوفته شروع شد که شب را همینجا بگذرانیم و یا از گردنه عبور کنیم. تصمیم گرفته شد که به هر شکلی شده از گردنه عبور نمائیم زیرا فردا قطعاً برف زیادتیر و عبور مشکل تر خواهد شد.

در همین حال خواهی از خانه اش بیرون آمد که حدوداً چهل ساله می نمود و شاید سن کمتری از آن، ولی شرایط سخت زندگی، فقر جانکاه، محیط کوهستانی او را بزرگتر از آنچه بود، نشان می داد. با نگاه کوتاهی به مسافرین خسته گفت: شما می توانید شب را در خانه ما بگذرانید، هر چند جای مناسبی نداریم... صداقت، پاکی، غرور و روحیه مهمان نوازی یک روستائی ساده و صادق و پر عاطفه از لحن وی پیدا بود ولی برادران مصمم بودند که از گردنه بگذرند. سپس آن خواهر، عصایی برای من آورد که در ایام زمستان، در تپه ها و میان برفها تکیه گاه خوبی برای راهپیمایان است و با تشکر از وی خدا حافظی نمودیم.

کوتل شیش

درست بین منطقه کورگه، منطقه شیش واقع شده هر چند خود گردنه از نظر بلندی و ارتفاع چندان مهم نبود. ولی عوارض جوی، برف سنگین و باد تندی که برف را گاهی چنان به هر طرف پرتاب می کرد که عبور از آن را مشکل کرده بود. دو نفر از قریه «زیرتاله» راهنمای ما بودند. برادران با توکل به خدا به راه افتادند. دو ساعت به غروب مانده بود. راهی که انتخاب شده بود اصلاً راه عمومی و همیشگی مردم منطقه نبود. فقط از تیغه کوه بالا می رفتیم بطوریکه هر وقت به سوی قله نگاهمان دوخته می شد، توقف می کردم. زیرا در آن شرایط فشار خونم از اندازه معمول بالا بود. نمی توانستم با سرعت حرکت کنم و برخود

فشار زیادی آوردم. در اثر سرمای شدید و برف سنگین، همراهان یکی پس از دیگری از من سبقت گرفتند و حتی آقای اکبری به ادعای اینکه آن طرف گردنه، جایگاه برای شب آماده نمایم از کنار من گذشت و رفت که تا فردای آن شب ایشان را ندیدم. بالاخره با همه فشار و رنجی که کشیدم، خود را به قله رسانیدم. هوا بکلی تاریک شده بود. دیگر رو به پایین می رفتیم و نمی دانستیم به کجا می رسیم. لباسهای ما به کلی خیش شده و یخ بسته بود. سرانجام به ده محقر و کوچکی که بیشتر از دوسه خانه نبود، رسیدیم.

در اولین برخورد با صاحبخانه معلوم شد آدم شریف و محترمی است. مرد تقریباً ۵۵ ساله به نظرمی رسید از ما به گرمی استقبال نمود و محمد عیسی نام داشت. خانه گرم خود را برای مهمانان تخلیه نمود. خود همراه خانواده اش در خانه سرد و محقری رفت و بدین ترتیب شب به خوبی سپری شد. فردای آن روز با ابراز قدردانی و تشکر از میزبان خوبمان خداحافظی نمودیم. پس از هشت ساعت پیاده روی، ساعت ۶ شب در مرکز نیلی، پایگاه آقای صادقی نیلی رسیدیم.

دیدار با آقای صادقی نیلی

مسئولین پایگاه (نیلی) از ما بخوبی استقبال نمودند. آقای شیخ محمد حسین دانش اخلاقی شیش، نیز در جمعشان دیده می شد. شب بخوبی و راحتی، در میان جمعی از برادران صمیمی و مهربان پایگاه سپری شد. فردای آن شب ۶/۹/۱۸ مذاکره و گفتگو با آقای صادقی نیلی شروع شد. نامه ای که از شورای مرکزی حزب وحدت از مرکز بامیان آورده بودیم. تسلیم نمودیم. که مضمون آن، دعوت از آقای صادقی به بامیان بود.

پس از آن من سخنانی پیرامون انگیزه تشکیل حزب وحدت و مأموریت مان به ارزگان بدین مضمون شرح دادم:

«... ما از سوی مرکزیت حزب وحدت اسلامی افغانستان خدمت شما آمده ایم تا در بامیان در جمع یاران حضور بهم رسانید. امروز تمامی مسئولین احزاب شیعی در مرکز بامیان حضور دارند تا با وحدت و هماهنگی کامل با هم کار نمایند. تنها، جای شما در آنجا خالی است. امروز ارزگان بزرگ بعنوان یک ولایت مهم و پهناور هزاره جات، آنچنانکه

انتظار میرفت در جمع مسئولین حضور ندارد. ارزگان نقش بسیار مهم و اساسی در صحنه جهاد و انقلاب افغانستان داشته و حضرتعالی یکی از پیشتازان انقلاب اسلامی می باشید. وحدت تشیع بدون حضور شما و دیگر مسئولین ارزگان نا تمام و ناقص است...» سپس آقای صادقی نیلی سخنانش را چنین آغاز نمود:

«... ما از اول خواهان وحدت تمام مردم بودیم و در این راه تلاش زیاد کردیم و این گروهها بودند که وحدت را خراب کردند. و اکنون هم از حزب وحدت پشتیبانی می کنیم. و امضای هم کرده‌ام و نماینده خود را (منظور نصرا... فرزند ایشان است) هم به مرکز بامیان فرستاده‌ام. ولی خودم در شرایط حاضر نمی خواهم بامیان بروم چرا که در مرکز حزب وحدت بعضی افرادی وجود دارد که اصلاً نقش در انقلاب نداشته و بعضی هم هستند در اثر کارهای خلافی که کرده، لیاقت آنرا ندارند که در شورای مرکزی باشند. و من نمی توانم در کنار آنها بنشینم علاوه بر آن راه دور است و هوا زمستانی و برف هم سنگین است برای من مشکل است که تا بامیان پیاده بروم...»

بعد از آن آقای اکبری، پیرامون ثمرات حزب وحدت مطالبی ایراد نموده، بر حضور آقای صادقی در مرکز بامیان تأکید کرد.

سرانجام آقای صادقی موافقت کرد که نماینده خود را به مرکز اعزام دارد و در فرصت مناسب خود هم حضور یابد. و آقای محمد حسین دانش به عنوان نماینده ایشان تعیین و با هم عازم بامیان شدیم.

در اینجا نکته ظریفی وجود دارد که یادآوری آن به نظر لازم و ضروری است و از برجستگیهای این سفر به شمار می رود. آقای صادقی نیلی در وقت خداحافظی مبلغ یک صد هزار افغانی از پول شخصی خود برای ما داد. که به عنوان تحفه و هدیه به مرکز حزب وحدت ببریم. البته این مبلغ در شرائط آنروز خیلی ارزش مالی نداشت ولی آنچه در این حرکت دیده می شود و بدان برجستگی بخشیده، خلوص، صفا و صداقت است که در لابلای این اقدام نهفته است. آنچنانکه خود ابراز می داشت: «... این مبلغ ناچیز از بیت المال نیست، از در آمد شخصی خودم می باشد که با آبله دست از مزرعه‌ام بدست آورده‌ام و به حزب

وحدت تقدیم می نمایم... و میخواهم بگویم که ما از حزب وحدت پشتیبانی می کنیم...»

« اقدام برای حل مسئله تمران »

در شرائطی که امنیت عمومی در سراسر مناطق مرکزی تحت اداره حزب وحدت اسلامی افغانستان به وجود آمده بود، منطقه «تمران» که بخش کوچکی از ولایت کجران است در آتش نفاق می سوخت. نزاع و درگیری از حالت گروهی خارج شده، حالت قومی و نژادی به خود گرفته بود، سه طایفه بنامهای «زرگر و تاجیگ و میر» در بین خود افتاده بودند که این خود یک فاجعه به شمار می آمد، وجود چنین غائله ای برای ما که هیئت حزب وحدت بودیم غیر قابل تحمل بود. به آقای صادقی نیلی پیشنهاد نمودیم که برای حل اختلافات در تمران اقدام شود و ایشان هم توافق نموده در تاریخ ۶۸/۹/۲۰ منطقه نیلی را ترک گفته، همراه با صادقی به منطقه «پشتروق» رفتیم.

آقای ناطقی و امان... موحدی را ملاقات نموده، پیرامون وضعیت متشنج منطقه تمران که هنوز در آتش خشم گروه گرائی ها و قوم گرائیها می سوخت، به گفتگو نشستیم تا راه حلی مسالمت آمیز بیابیم.

سرانجام پس از یک هفته کار و تلاش و صدور قطعنامه ای برای پایان دادن تشنج، منطقه را ترک گفته راهی مرکز بامیان شدیم.

در تاریخ ۶۸/۱۰/۵ صادقی نیلی را در منطقه یکه ولنگ استقبال نمودیم. جلسه سخنرانی برای ایشان ترتیب داده شد و او انگیزه آمدن خود را به مرکزیت حزب وحدت چنین بیان نمود: «... چون من به اتحاد عمومی و مردم علاقمند هستم که اینهمه راه طولانی را در سرمای زمستان و برف سنگین با پای پیاده طی نمودم.» پس از دو روز توقف در یکه ولنگ به اتفاق صادقی و اکبری و محمد حسین دانش راهی بامیان شدیم. دشتهای وسیع و پهناور خم نیل، مناطق قرغنه تو و شیرتو را که در بین یکه ولنگ و بامیان قرار دارد. با سختی طی می کردیم. سرانجام پس از چهار روز راهپیمائی در تاریخ ۶۸/۱۰/۱۱ به مرکز بامیان رسیدیم و بدین ترتیب آمدن صادقی و ناطقی دایکندی در شورای مرکزی حزب وحدت موفقیت بزرگی به حساب می آمد.

هیئت شورای ائتلاف در بامیان

پس از بازگشت از سفر ارزگان، شورای مرکزی حزب وحدت گذارش مفصلی از آمدن هیئت شورای ائتلاف ارائه دادند که پس از جلسات طولانی و متعدد با نمایندگان شورای ائتلاف از جمله آقای محمد علی جاوید نماینده حرکت اسلامی و شخص آقای محسنی، آقایان آمادگی خود را اعلان و میثاق وحدت را امضا کردند.

به سوی ولایت پروان

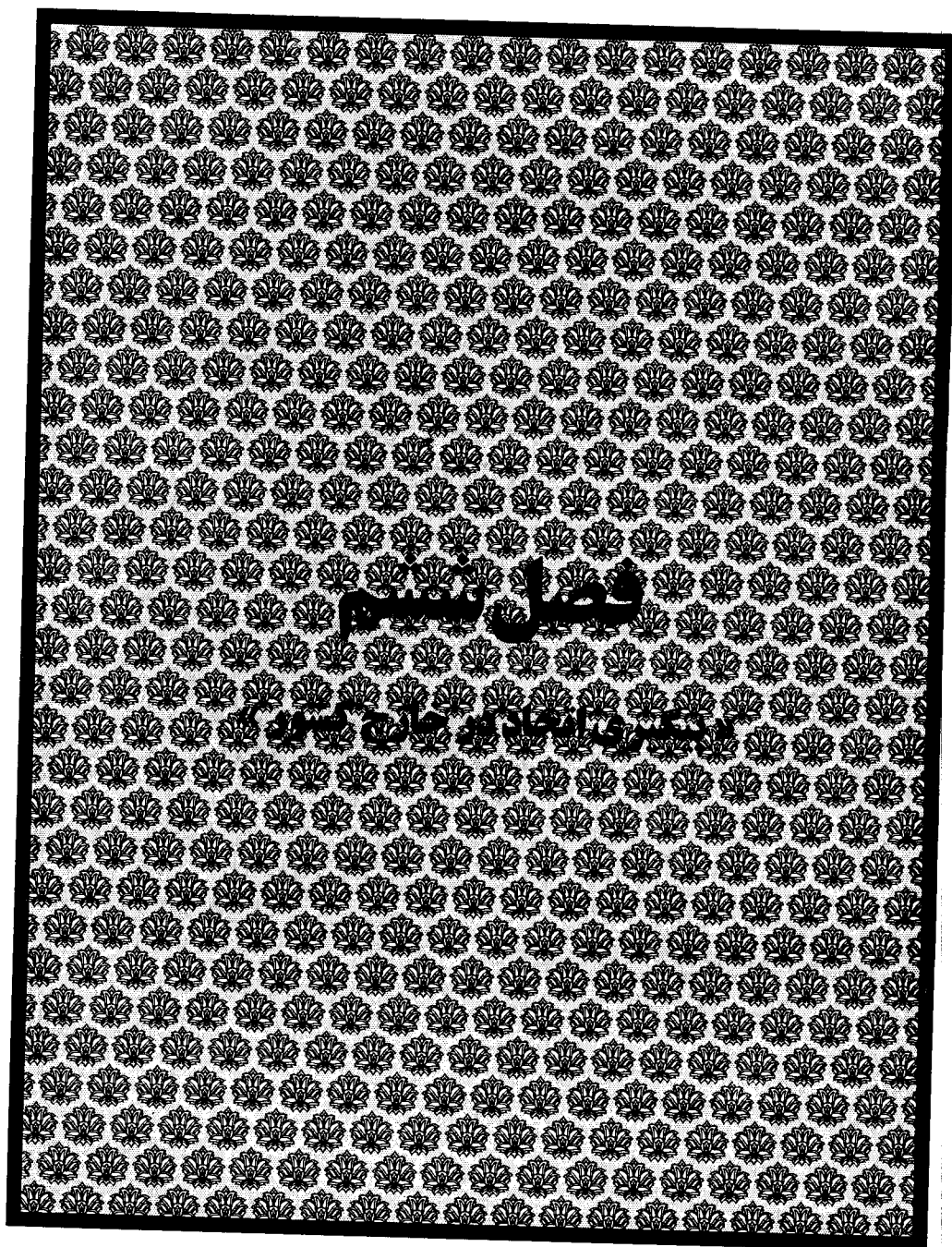
هنوز به مرکز بامیان نرسیده بودیم و با برفهای سنگین و سرمای سوزان کوهپایه های دایکندی پنجاب و یکه و لنگ گلاویز بودیم و خسته و کوفته به راه خود ادامه می دادیم که در بین راه خبر شهادت سید ابراهیم شاه برایمان داده شد. یا پریشانی و ناراحتی به سوی مرکز گام بر می داشتیم ابراهیم شاه حسینی یکی از قوماندانان برجسته حرکت اسلامی افغانستان بود که به حزب وحدت اسلامی پیوسته بود. پس از مدت کوتاهی توسط مجموعه ای از حرکت اسلامی در دره ترکمن به شهادت رسید. در این رابطه عده ای از جوانان دره ترکمن دستگیر و در مرکز بامیان زندانی شدند. در پی قتل ابراهیم شاه وضع دره ترکمن و شیخ علی متشنج شده، هرج و مرج و ناامنی به وجود آمده بود.

برای ایجاد آرامش عده ای از اعضای شورای مرکزی از جمله آقای صادقی، اکبری و من و یوسف واعظی به دره ترکمن رفتیم تا ضمن عرض تسلیت به خانواده ابراهیم شاه تشنج موجود را مهار نمائیم زیرا بعضی ها از شرائط متشنج منطقه استفاده نموده به تصفیه حسابهای شخصی پرداخته و از رقبای خود به نحوی انتقام می گرفتند. حضور عده ای از شخصیت های حزب وحدت در دره ترکمن سبب شد که امنیت در منطقه به وجود آید.

تعیینات موقت در مرکز بامیان

در اواخر برج جدی سال ۱۳۶۸ بود که آئین نامه ها و اساسنامه حزب وحدت اسلامی افغانستان پس از مشورت و نظر خواهی به تصویب شورای مرکزی رسید و امضا شد و تعیینات موقت کمیته های حزب وحدت صورت گرفت. محمد اکبری، صادقی ترکمنی، هادی بهسودی، حسینی از سازمان نیرو، به عنوان هیئت رئیسه تعیین شدند.

عبدالعلی مزاری مسئول کمیته سیاسی
محمد فیاض مسئول کمیته اطلاعات
عباس حکیمی مسئول کمیته فرهنگی
یوسف واعظی مسئول کمیته قضا
سید ناطقی مسئول کمیته خدمات اجتماعی
دکتر... از مرکز بامیان «فولادی» مسئول کمیسیون صحتی
قریانعلی عرفانی مسئول کمیته روابط عمومی
قائمی مسئول کمیته مالی



هیئت اعزامی به سوی خارج کشور

حزب وحدت اسلامی افغانستان انسجام و هماهنگی خود را در داخل کشور به طور نسبی باز یافته بود. دستورات شورای مرکزی حزب وحدت در تمام ولایات، ولسوالیهای مربوطه به حزب وحدت عملی می شد و بعنوان یک قدرت منسجم و هماهنگ حضور خود را در تمام ساحه ها تثبیت کرده و از طرف مردم و مجاهدین با شور و هیجان زاید الوصفی مورد استقبال قرار گرفت ولی در خارج کشور بخصوص در جمهوری اسلامی ایران و پاکستان که اکثر دفاتر احزاب متحده، وجود داشت، هنوز حزب وحدت اسلامی افغانستان حالت رسمی را نداشت و به عنوان دفاتر حزب وحدت کار نمی کردند.

طبق مذاکرات که شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در بامیان با هیئت شورای ائتلاف داشتند و طبق دعوت هیئت جمهوری اسلامی ایران، قرار شد، هیئتی به عنوان هیئت حزب وحدت در خارج کشور اعزام شود تا دفاتر احزاب را ادغام و حزب وحدت را بطور رسمی اعلام کند.

پس از مشورت و نشستهای متعدد در مرکز حزب وحدت برای اعزام هیئت و کیفیت اعزام، تشریح مواضع سیاسی حزب وحدت در خارج و ادغام دفاتر گروههای قبلی و مذاکرات سیاسی به عنوان حزب وحدت با طرفهای ذیربط و... هیئتی بلند پایه و تام الاختیار از طرف مرکز حزب و محدث اسلامی افغانستان مرکب از آقایان:

مزاری، صادقی نیلی، هادی بهسودی، هادی بلخی، شفق سربلی، احمدی، سید شریفی، شفیق، بحر لوگری، شریفی ورسی، باقری، سعیدی و مبارز تعیین و در اواخر زمستان سال ۱۳۶۸ از مرکز بامیان به خارج اعزام شدند. هیئت محرم در میان برف سنگین هزاره جات و سرمای سخت زمستانی و کوههای سر به فلک کشیده مناطق مرکزی با پای پیاده به راه افتادند و سرانجام به پاکستان رسیدند.

هیئت اعزامی به پاکستان

هیئت در تاریخ ۶۸/۱۲/۱۸ وارد کشور پاکستان شد و از سوی مسئولین دفاتر احزاب اسلامی مورد استقبال قرار گرفت.

هیئت اعزامی در شهر پشاور که محل تجمع مجاهدین افغانی است اقامت گزیدند. در محل اقامتشان «هتل گرند» دیدارهای مهمی با رهبران احزاب اسلامی افغانستان داشتند و همینطور با بعضی از مقامات لشکری و کشوری پاکستان دیدار و گفتگو نمودند. گفتگوها بیشتر در محور مسئله افغانستان دور میزد.

مقامات سفارت جمهوری اسلامی ایران و بعضی از شخصیت‌های سیاسی ایران نیز با هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان دیدار نمودند و از سوی مقامات محترم جمهوری اسلامی ایران اصرار شد که هیئت هر چه زودتر به طرف ایران حرکت نماید و در مجمع شیعیان که تاکنون بخاطر هیئت تأخیر افتاده، شرکت کنند.

هیئت محترم حزب وحدت با بعضی از سران و بزرگان افغانستانی که به عنوان مهاجر در پاکستان به سر می بردند، دیدار و گفتگو نمودند و مهاجرین از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان استقبال نموده و آمادگی خود را برای برگشت به وطن و همکاری با حزب وحدت را اعلام نمودند.

هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان در تهران!

به تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۰ ساعت ۱/۳۰ دقیقه بامداد هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان وارد فرودگاه مهر آباد شد و از طرف حجة الاسلام والمسلمین آقای ابراهیمی نماینده ولی امر مسلمین آقای بروجردی معاون وزارت امور خارجه و مشاور وزیر آقای نجفی، حجة الاسلام آقای اخلاقی و عده‌ای از برادران و شخصیت‌های جهادی افغانستان مقیم ایران مورد استقبال قرار گرفتند. که بعد از مراسم تشریفات به هتل استقلال راهنمایی شده و ساعت ۳/۳۰ دقیقه بامداد در آنجا اقامت گزیدند. هیئت ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۳۶۸/۱۲/۲۰ جهت ادای احترام به روح مطهر امام خمینی (ره) و دیدار با علما، روحانیون و مهاجرین به مرقد امام (ره) حضور یافتند که جمعیتی انبوهی از

مشتاقان وحدت جهت استقبال از ساعت ۹ صبح به بهشت زهرا آمده بودند مستقبلین شور و شوق شانرا با شعارهای فریاد ملت ما اتحاد. اتحاد. فریاد امت ما اتحاد، به نمایش گذاشته ابراز احساسات نمودند. بعد از آرامش نسبی که به وجود آمد یکتن از آقایان به تلاوت کلام الله مجید پرداخته سپس حجة الاسلام سرور دانش به نمایندگی از استقبال کنندگان ورود هیئت را خیر مقدم گفته آمادگی شانرا در دفاع از حزب وحدت اسلامی افغانستان اعلام داشتند. سپس حجة الاسلام آقای اخلاقی سخنانی درهمین رابطه ایراد نموده و از ورود هیئت قدردانی کردند.

پس از آن حجة الاسلام استاد صادقی نیلی رشته سخن را به دست گرفته پس از عرض تسلیت به مناسبت رحلت جانگداز امام خمینی (ره) فرازهایی از مبارزات تشیع افغانستان را بر شمرد.

حجة الاسلام صادقی نیلی گفتند: ما ۳۵ روز با پای پیاده بالای برف زیاد و مشکلات سرما بطرف جمهوری اسلامی ایران روان شدیم. ۳۵ روز در بین برف و سرما و بدبختی‌ها بسر می بردیم. وضع آنجا را که می بینیم وقتی می آئیم به پاکستان ناراحتی ما یک برچند می شود. بخاطر چه؟ بخاطریکه اینجا مسئله قیاس می آید. ما می بینیم مردمش مشغول کار است. امنیت دارد. اقتصاد دارد. ما می بینیم. که مردم خانه و خانمان دارد و در کنار ملت زندگی می کند و ما قیاس می کنیم به افغانستان - افغانستان که وقتی نگاه می کنیم از صد خانه یک خانه آباد نمانده در یک قره بزرگ از سه چهار خانه زیاد آباد نمانده همه ویران شده و این مسئله را وقتی ما قیاس می کنیم خدا شاهد است ناراحتی ما یک بر چند می شود. وقتی می بینیم که مردم برای کشورش کار می کند. اما نجیب کشور ما را ویران کرد مردم ما را مهاجر کرد، شهید کرد و بدبخت کرد و... اینهاست کینه نجیب، جنایت نجیب خیانت خلقی ها و این هیچ وقت از یاد ملت ما از پیر و جوان چه زن و چه مرد نخواهد رفت. اما بعضی ها قضاوت ناعادلانه و نامنصفانه می کنند. ممکنست بعضی ها حرفهای ناروا بزنند. اما با وصف اینکه مسئله کودتا پیش آمد ملت ما هیچگاه سر سازش با نانجیبان ندارد و هیچ گاهی این مصیبت را فراموش نمی کنند، دولت کابل هم که مانده است نه از

قدرت اوست، بلکه از ضعف مجاهدین است و ضعف مجاهدین در عدم اتحادشان است. سپس حجة الاسلام والمسلمین استاد مزاری سخن آغاز نموده، با تشکر و سپاس از احساسات مستقبلین رحلت امام عزیز را به همه مستضعفین روی زمین تسلیت گفتند. ایشان گفتند: در آنروزیکه در افغانستان این مسئله را شنیدیم چه در نقاط تحت سلطه حکومت و چه در نقاط آزاد شده چهل روز غوغا برپا بود. اگر برای شما یک مسئله را روشن کنم بد نیست و آن اینکه وحدت به برکت روح بزرگ این امام عزیز در منطقه هزاره جات تحقق پیدا کرد. در آنروزیکه برای تجلیل از امام عزیز جمع شدند هنوز قوماندانان و مسئولین در بین شان آشتی نکرده بودند، هنوز حاضر نبودند که در یک جلسه بنشینند، مسائل و مشکلات منطقه و جامعه شانرا بیان کنند. یگانه چیزیکه این مسئله را به وجود آورد از روح بزرگ این امام بود. بعد از چند تجلیل عمومی دیگر کدورت، جنگ و دق و وجود نداشت. این مسئله بسیار مفصلی است که وقت ندارم خدمت شما عرض کنم.

حجة الاسلام آقای مزاری در رابطه با شورای ائتلاف و حزب وحدت گفتند: این ائتلاف هم از نگاه قانونی و هم از نگاه شرعی و اسلامی باید امروز از حزب وحدت اسلامی افغانستان حمایت کند. و ائتلاف دوره اش ختم شده، چرا؟ برای اینکه اول این ائتلاف از گروهها تشکیل شده، تمام گروهها در بامیان آمدند قرآن خدا را پیش روی شان گذاشتند. رو به قبله تعهد کردند، ملت را هم قاضی گرفتند. دوم، وقتی که ائتلاف به وجود آمده در اساسنامه اش نوشته شده که مقدمه وحدت است. امروز همان وحدت به وجود آمده. همان چیزیکه سنگ اول را ائتلاف گذاشته. مسئله سوم مسئله ای است که این برادرها از طرف ائتلاف نماینده گرفتند و بداخل فرستادند و بعد از توقف در آنجا ۱۲ جلسه کردند. با شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان با شرایطی که آقای محسنی مطرح کرده بود توافق شد و نماینده تام الاختیارشان جناب آقای جاوید بود. همه قطعنامه را امضا کردند و این مسئله از نظر حقوقی - از نظر شرعی و از نظر سیاسی تمام شده است.

سپس آقای مزاری از تأیید شورای اتفاق و نماینده حزب الله نیز به مستقبلین اطمینان داد. و در اخیر گفتند: هر کس نیت خدمت برای این مردم مظلوم را دارند تصمیم بگیرند و

آغوش ملت برای شان باز است زمینه خدمت موجود است و حزب وحدت در خدمت برادرهاست.

هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان که در اولین مجمع شیعیان افغانستان نیز دعوت شده بود. بتاريخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۲ در اولین مجمع اشتراک نموده حجج اسلام آقایان بحر و استاد مزاری به ترتیب سخنرانی هایی ایراد کردند که مورد تأیید و دلچسبی حاضرین قرار گرفت. حجة الاسلام و المسلمین آقای مزاری در آن مجمع گفتند: اگر برای این سمینار عنوان و برنامه ای مشخص وضع می شد بهتر و مناسبتر بود. و بعد روی مسئله وحدت تماس گرفت و زمینه های تاریخی آن را از اول الی آخر مفصلاً توضیح داده گفتند: تاریخ ائتلاف از نظر قانونی تمام شده و ختم شده است. لذا به برادران پیشنهاد می کنیم که سنگ وحدتی را که مادر داخل گذاشته ایم از اول خراب نکنند، بلکه سایر سنگهای این بنا را خودشان بچینند تا بنا را تکمیل نمائیم ایشان اضافه نمودند که: فعلاً در داخل افغانستان هماهنگی به وجود آمده و جنگهای داخلی خاموش شده است. آقای مزاری، از شهادت فرمانده معروف الحاج سید ابراهیم شاه حسینی سخن به میان آورده، از آن به عنوان قضیه تکان دهنده در افغانستان که عامل تحکیم حزب وحدت نیز شده است یاد آوری نمودند. در اخیر گفتند: ما آمده ایم خدمت شما برادرها. تا با شما صحبت و تفاهم نمائیم و با تفاهم به نتیجه برسیم، بعد از ختم سمینار که از اشتراک کنندگان دعوت شد تا در کمیسیون های سمینار سهم بگیرند که حجج اسلام آقایان (استاد مزاری) (استاد صادقی) و (شفق) به ترتیب در کمیسیون های وحدت و (نظامی) سهم گرفته و با سایر اعضای کمیسیونها همکاری نمودند.

در این مدت که خبر نگاران رسانه های خبری مختلف در سمینار اشتراک ورزیده و با هیئت حزب وحدت ملاقاتهایی داشتند مصاحبه های مفصلی با هیئت حزب وحدت انجام داده اند که از طریق روزنامه ها و رادیوها انتشار یافته است. همچنان هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان ملاقاتهای با آقای پروجودی معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و نماینده ولی امر مسلمین جناب آقای ابراهیمی به عمل آوردند که نتایج

ملاقاتها امید بخش و مشوق امر وحدت مسلمین بود.

همچنان آقایان محمد یونس فرمان واحمدی به نمایندگی از دانشگاهیان افغانستان مقیم مشهد مقدس و آقایان حصاری و انجنیر کریم به نمایندگی از دانشگاهیان افغانستان در تهران به دیدار هیئت در هتل استقلال آمده آمادگی و پشتیبانی شان را از حزب وحدت اسلامی افغانستان اعلام داشتند.

در مجمع شیعیان افغانستان که عده ای از مهاجران و محصلین افغانستان مقیم اروپا- استرالیا- آمریکا و کانادادعوت شده بودند، فرصت را مغتنم شمرده طور دسته جمعی و انفرادی با علاقه سر شار با هیئت ملاقات نموده و هر یک به نمایندگی از انجمن های که در آن کشورها فعالیت دارند همبستگی و هماهنگی شان را با حزب وحدت اسلامی افغانستان اعلام داشته از به وجود آمدن چنین پدیده ای در این راستا اظهار خرسندی نمودند. عده ای از آن برادران با هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان ملاقات نموده اند. وعده همکاری و تلاش در به ثمر رسانیدن وحدت را داده اند. ذیلاً نام برده می شود. آقای میر محمد حسین هدی مقیم اتریش، آقایان محمد محسن طاهری و حاجی عبدالقیوم آلمان - فرانگفورت - آقای علام حسین ظفر مقیم آلمان باخم آقای سهراب علی سفری مقیم آلمان هامبورگ آقای میر ابوالقاسم سوما آلمان - برلین - آقایان داکتر پاکزاد و سجاد حسین ظفر مقیم فرانسه، آقای احمد جواد مقیم استرالیا... که هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان از روحیه اسلامی و میهن دوستانه این برادران عمیقاً احساس خشنودی نموده، توفیق مزیدشانرا در امر خدمت به جهاد مقدس استقرار حکومت عدل اسلامی در افغانستان آزاد، مستقل و متکی بخود از خداوند بزرگ خواستار است.

جلسه هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان با برادران شورای عالی نظارت، اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی مقیم خارج و شورای ائتلاف اسلامی افغانستان.

روز دو شنبه مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۸ هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان جلسه و دیداری با اعضای شورای عالی نظارت اعضای شورای مرکزی حزب وحدت مقیم خارج و شورای ائتلاف اسلامی داشتند که اکثریت اعضای شورای ائتلاف حضور داشتند جلسه با

تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز سپس آقای مزاری ضمن ارائه نامه هایی که از داخل عنوانی برادران داشت به تشریح مأموریت هیئت و تاریخچه حزب وحدت اسلامی پرداخت.

نامه های داخل یکی عنوانی اعضای شورای عالی نظارت مقیم خارج بود که عبارتند از حضرات آیات و حجج اسلام شیخ قربانعلی محقق، شیخ محمد آصف محسنی، سید محمد ظاهر محقق و شیخ علی افتخاری که در نامه از ایشان خواسته شده بود که جهت هماهنگی امورات شورای عالی نظارت بداخل تشریف ببرند، نامه توسط آقای محقق ترکمن قرائت شد. نامه دوم هم از شورای عالی نظارت و از شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی دعوت به عمل آورده بود که جهت هماهنگی بداخل تشریف ببرند پس از خواندن نامه ها حجة الاسلام مزاری گفت: وحدت چیزی نیست که به صورت دفعی در بامیان به وجود آمده باشد از اول انقلاب تا حالا مراحل مختلف را طی نموده که پس از کنگره های لعل و پنجاب و بهسود و جاغوری در مرحله حساس خود رسید و در اثر سعی و تلاش پیگیر برادران و برکت روح ملکوتی امام خمینی قدس سره در بامیان شکل گرفت و آرمان ملت که وحدت بود تحقق پیدا کرد. سپس از حاضرین نظر خواهی شد، که اعضای شورای عالی نظارت حاضر در جلسه متفقاً حزب وحدت اسلامی را تأیید و یکی از ضرورت های مهم و خواسته ملت خواندند که اینک مردم به آن دست یافته اند و گفتند تردیدی در این جهت نیست.

هیئت حزب وحدت اسلامی روز چهارشنبه ۶۹/۱/۸ با آقای محسن رفیق دوست سرپرست بنیاد مستضعفان و جان بازان ملاقات نمود، در این ملاقات حجة الاسلام آقای مزاری روند کار قبلی گروهها را تشریح و در مورد تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان توضیحات ارائه نمود، آنگاه آقای رفیق دوست ضمن اظهار خرسندی از اتحاد گروهها و اعلام پشتیبانی از حزب وحدت اسلامی در رابطه با جانبازان انقلاب اسلامی افغانستان وعده همکاری داد.

روز پنجشنبه ۶۹/۱/۸ هیئت حزب وحدت اسلامی با آقای غرضی وزیر پست و

تلگراف در مقر این وزارتخانه دیدار نمود در این دیدار حجة الاسلام والمسلمین مزاری گفت... آنچه در گذشته در افغانستان به عنوان یک مشکل مطرح بود عدم انسجام نیروهای جهادی بود که که بحمد... امروز آن مشکل حل شده و وحدت سراسری به وجود آمده و این خود گامی است برای وحدت کل نیروهای جهادی در افغانستان. آقای مزاری نحوه تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان را تشریح نمود.

آنگاه آقای غرضی از شهادت و فداکاری ملت مسلمان افغانستان تقدیر نموده گفت: تحولات که در اروپای شرقی به وجود آمده یقیناً از ثمرات خون های پاک همان افغانهای مظلوم است وی افزود با توجه به عدم سلطه پذیری مردم افغانستان دندان طمع شان را در رابطه با افغانستان کنده اند مردم افغانستان این فرصت را نباید از دست بدهند.

همچنین روز پنجشنبه ۶۹/۱/۹ هیئت حزب وحدت اسلامی با آقای عسکر اولادی سرپرست کمیته امداد امام خمینی قدس سره الشریف ملاقات نمودند. آقای مزاری پس از تشریح اوضاع سیاسی افغانستان و روند تشکیل حزب وحدت یاد آور شد که تمام مردم افغانستان دچار فقر و پریشانی و مشکلات اقتصادی می باشند مخصوصاً مناطق مرکزی افغانستان که در اثر عوارض و آفات زراعتی خطر قحطی آنها را تهدید می کند و در این زمینه خواستار کمک و همکاری شدند.

آنگاه آقای عسکر اولادی به هیئت حزب وحدت خوش آمد گفته، از شهادت و فداکاری مجاهدین افغانستان قدردانی نموده گفت: کمیته امداد امام در خدمت همه محرومین است امیدوارم که در آینده بتوانیم با محرومین افغانستان کمک و همکاری نموده وظیفه خویش را در قبال افغانستان انجام دهیم.

سه شنبه ۶۹/۱/۱۴ ضیافت شامی به افتخار هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان از طرف حجة الاسلام والمسلمین آقای ابراهیمی نماینده محترم ولی فقیه ترتیب یافته بود که اعضای شورای ائتلاف اسلامی نیز در دعوت حضور داشتند پس از افطار، پیرامون مسئله حزب وحدت به تبادل نظر پرداختند، جلسه مدت یک شبانه روز ادامه داشت و سؤالهائی در رابطه با وحدت مطرح گردید که از سوی حجة الاسلام مزاری پاسخ لازم ارائه شد. جناب

حجة الاسلام ابراهیمی ضمن برشمردن فوائد ثمرات وحدت گفتند: امید است این نشستها مقدمه ای باشد برای حرکت بزرگ و مخلصانه. پس از آن حجة الاسلام اخلاقی ضمن تشریح آثار وحدت از هیئت محترم تقدیر نموده گفت: این برادران ابتدا به ساکن وحدت را مطرح نکردند. مسئله وحدت ملاقاتی داشته ما هیئتی قبلاً از جانب برادران به عنوان اعلام وحدت ملاقات نمودیم و جلساتی داشتیم و بعد هم هیئتی را از سوی شورای ائتلاف در بامیان فرستادیم و بعد اظهار امیدواری کرد که وحدت مرحله تکاملی خود را پیماید.

هیئت حزب وحدت در مشهد

هوایمای حامل هیئت حزب وحدت در ساعت ۶ بعد از ظهر ۷۱/۱/۱۶ از فرودگاه مهرآباد پرواز و در ساعت ۷ و سه دقیقه در فرودگاه مشهد مقدس به زمین نشست. در فرودگاه از سوی مسئولین ذریبط جمهوری اسلامی ایران در استان خراسان و ستاد مراسم استقبال مهاجرین علما و طلاب افغانستانی علیرغم هوای سرد و بارانی مورد استقبال قرار گرفت و پس از دقایقی فرودگاه را به قصد محل اقامتشان ترک گفتند و در مدت اقامتشان در مشهد مقدس با بسیاری از شخصیت‌های علمی حوزه مشهد و چهره های سیاسی مسئولین خراسان و علما و طلاب و مهاجرین افغانستان دیدار نمودند. هیئت محترم از اردوگاه مهاجرین مظلوم دیدن کرده و آنان را مورد تفقد قرار داده و به مناسبت‌های مختلف سخنرانی نموده و مهاجرین را در جریان نحوه تشکیل حزب وحدت قرار دادند.

دیدار هیئت حزب وحدت با مقام معظم رهبری آیه خامنه ای

ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه ۶۹/۱/۲۲ هیئت اعزامی حزب وحدت اسلامی افغانستان با مقام معظم رهبری آیه... خامنه ای دیدار و ملاقات داشتند. در این دیدار ابتدا حجة الاسلام ابراهیمی گفت از این که در ماه مبارک رمضان ملاقات نداشتید از اینکه به برادران مجاهد افغانی وقت ملاقات دادید، سپاسگزاریم. برادرانی که از داخل کشورشان آمده اند در رابطه با اتحاد به تفاهم رسیده اند و در رابطه با انحلال شورای ائتلاف و اعلان حزب وحدت و نقش ولایت خدمت شما آمده اند که از رهنمودهای حضرتعالی سود ببرند. پس از آن حجة الاسلام اسحق اخلاقی گفت: بسیار خوشوقتم که خدمت رهبر گرامی

با جمعی از شخصیت‌های جهاد انقلاب اسلامی افغانستان به عنوان ایجاد و تکمیل وحدت جامع و فراگیر خدمت شما برسیم. البته دربارهٔ وحدت و اهمیت آن در میان احزاب جهادی، تلاش‌های زیادی صورت گرفته، مقدمات و مراحل داشته که آن مقدمات طی شده، میثاق وحدت از طرف همهٔ سنگرداران مورد تأیید قرار گرفته و میثاق نامه برای ما فرستاده شد و برادران آن را امضا نموده اند. برای اینکه شورای ائتلاف حل شود و تبدیل به اتحاد گردد هیئت بلند پایه ای تشریف آورده که فعلاً در حضور شما و در خدمت اینها هستیم.

آقای اخلاقی افزود:

برادران سفری به مشهد مقدس داشتند که از طرف علمای افغانی و مهاجرین، به قدری مورد استقبال قرار گرفتند که قابل وصف نیست. این همه مردم وحدت می خواهند وحدت را امید آیندهٔ خود می دانند و اینک در خدمت شما هستیم.

آنگاه حجة الاسلام آقای مزاری طی سخنانی چنین اظهار داشت: من اصالتاً از طرف خودم و وکالتاً از طرف هیئت محترم، رحلت جانگداز رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی «ره» را خدمت حضرت تعالی تسلیت عرض می کنم... دربارهٔ وحدت دو سال است که تلاش شده و هیئتهائی در خارج و داخل تبادل شده و آنچه منجر شد به امضای میثاق وحدت از برکت روح حضرت امام است. و پس از چهل روز عزای عمومی مناطق مرکزی، بیش از یکصد نفر از فرماندهان از داخل و خارج جمع شدند و میثاق وحدت را در بامیان در کنار قبر میرهاشم آقا و رو به قبله امضا کردند.

آن وقتها نگرانی از این بود که چطور میشود مشکلات داخل را حل کرد ولی هیچ نگرانی از خارج نبود. هیئتهای متعددی فرستاده شد که جنگها را خاموش کنند و با عده ای از برادران اهل سنت هماهنگی صورت گرفت و چند عملیات مشترک نظامی صورت گرفت که متأسفانه حزب وحدت زبان تبلیغ نداشت و الا بسیار مؤثر بود و هیئتی به ایران فرستاده شد که آمدن این هیئت منجر به آمدن دو هیئت در داخل شد یک هیئت که جناب آقای ابراهیمی در رأس آن قرار داشت و یک هیئت از شورای ائتلاف که توافق حاصل شد.

برادران حزب وحدت، شورای عالی نظارت را تشکیل دادند که از میان علمای بزرگ و جا افتاده انتخاب شدند. این شش نفر از میان سی و شش نفر رأی آوردند و وظیفه ما بود که این شش نفر را که عبارتند از: آقایان محسنی قندهاری، محقق ترکمنی، محقق کابلی، صادقی ترکمنی، افتخاری و آیه... بهشتی، خدمت حضرتعالی معرفی نماییم. امید است که مورد تأیید قرار گیرند.

در پایان مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای آغاز به سخن نموده فرمودند: اولاً خداوند را سپاسگزارم که توفیق عنایت کرد یکبار دیگر شما برادران عزیز را با هم در یک مجلس و بحمد... با نظریات واحد و متقارن در امر وحدت زیارت کنم، بخصوص که در جمع ما عده ای از برادران هستند که بخشی از عمرشان را در جبهه جهاد نظامی گذرانده اند و حامل حقایق داخل میهن اسلامی افغانستان است به همه شما خوش آمد عرض می نمایم و دعا می کنم که خداوند شما و ما را در راه خود ثابت قدم نگه دارد. به نظر من یکی از حوادث مهم عالم قضیه افغانستان است. دو امر عجیب اتفاق افتاد که هیچکدام پیش بینی نمی شد و نشان داد که تقدیر الهی به دور از اذهان ما به وقوع می پیوندد.

یکی از این دو حادثه عبارت بود از پیروزی شما بر سیاست اشغالگر مقتدر عالم، یعنی شما بودید که اشغالگر را مجبور کردید که برود بیرون و این واقعاً یک حادثه عجیب بود، یک قدرت به آن عظمت نیامده بود که برود آنها را جهاد وادار کرد که برود. کسی که غیر از این تحلیل کند. اشتباه کرده است. این یک حادثه بود که پیش بینی نمی شد مگر به ایمان و اعتقاد، به آن باور داشتیم اما با عقل سیاسی، خروج روسها قابل پیش بینی نبود، حادثه دوم هم از لحاظ عجیب بودن کمتر از اولی نیست بعد از رفتن روسها همه تحلیل شان بر این بود که با یک حمله مجاهدین پیروز خواهند شد. اما دولت سقوط نکرد. این هم قابل پیش بینی نبود جز با اطلاع از سنن الهی ممکن نبود کسی پیش بینی کند.

مقام معظم رهبری در ادامه سخنانشان فرمودند: باید با همان نواخت اول حرکت ادامه پیدا می کرد که مجاهدین با دید سیاسی و مصلحت جویانه وارد عمل شدند و کار خراب

شد. حالا هم راه همان چیزی است که در پانزده، شانزده سال مبارزه شما آغاز شده با نیت خالص و برای رضای خداوند حرکت کنید. این راه پیشرفت است. مسئله وحدت شما برادران شیعه یک امر ضروری است همانطور که وحدت همه مسلمین افغانستان ضروری است، منتهی این یک قدم اول باشد. نباید این وحدت را آنقدر شرط و شروط قائل شویم که تحقق پیدا نکند. اگر هر کسی شرط و شروط مطرح نمود دیگر وحدت نیست. ما تلاش کردیم ائتلاف صورت بگیرد. به همین نیت بود حالا که آقایان متفق هستید بر اینکه ائتلاف را تبدیل کنید به یک وحدت سازمانی، بنده موافق هستم مشروط به اینکه راه ببرید. دیگر گروه گرائیها صورت نگیرد و یک جمع را بگذارید به عنوان داور بیطرف که به قضایا نگاه کند و من این را تأیید می کنم. شش نفر که شما معرفی کردید اینها باید قمه تشکیلات باشند در کارها به آنها مراجعه شود و این جمع بالا به نظر من مثبت است و کار خوبی است. بنده همیشه تأکید کردم و می کنم که اگر می خواهید جهاد کنید باید وحدت نمائید و خداوند هم شما را کمک می کند و دعا می کنم خداوند شما را تأیید کند. دشمن بدون جهاد از صحنه خارج نخواهد شد و جهاد هم بدون وحدت نخواهد شد و جهاد هم عبارت است از جهاد سیاسی، نظامی و فرهنگی کسانی که در جهاد نظامی هستند هیچگاه جهاد سیاسی را هم نباید نادیده بگیرند و جهاد سیاسی هم بدون جهاد نظامی فایده ندارد و هر دوی اینها بدون جهاد فرهنگی بی ثمر خواهد بود.

جمع بندی از عملکرد هیئت در خارج کشور

- ۱- به تاریخ ۶۹/۲/۹ هیئت با اعضای شورای مرکزی خارج جلسه ای دایر کرد برای اینکه هر گروه اعضای شورای مرکزی خود را معرفی کنند.
- ۲- به تاریخ ۶۹/۳/۲۷ دفتر حزب وحدت در تهران افتتاح شد.
- ۳- به تاریخ ۶۹/۵/۸ تعیینات شورای نمایندگی انجام گردید.
- ۴- به تاریخ ۶۹/۵/۹ هیئت اعزامی با شورای نمایندگی در بازنگری طرح انتخابات گفتگو نمودند.
- ۵- به تاریخ ۶۹/۵/۱۶ اعضای شورای نمایندگی تهران، قم، اصفهان، مشهد، کرمان،

شیراز، زاهدان، یزد، بندرعباس و اهواز تصویب شد.

۶- به تاریخ ۶۹/۵/۱۶ ادغام دفاتر قبلی به عهده شورای نمایندگی گذارده شد که تا تاریخ ۶۹/۶/۱ آن را تمام نموده ادغام کنند و نیز تصویب شد که اموال دفاتر قبلی متعلق به حزب وحدت است.

۷- به تاریخ ۶۹/۵/۲۰ کمیسیون فرهنگی موظف گردید که انجمن دانش آموزان اعم از خواهران و برادران را تشکیل داده و آئین نامه اش را تدوین کند.

۸- به تاریخ ۶۹/۵/۲۵ تعیینات پرسنل نه گانه دفتر تهران صورت گرفت

۹- به تاریخ ۶۹/۷/۲۱ مسئولین و قوماندانان ولایات هلمند، قندهار، نیمروز و فراه تعیین شدند.

۱۰- به تاریخ ۶۹/۸/۲۰ تعیینات شورای ولایتی هرات صورت گرفت.

۱۱- به تاریخ ۶۹/۱۰/۱۰ هیئت طبق دستور شورای مرکزی تعداد شورای عالی نظارت را بالا برد.

۱۲- به تاریخ ۶۹/۱۰/۱۳ هیئت اعزامی بعد از تعیینات پنج ولایت مرزی، مسئولیت آن را به عهده شورای نمایندگی تهران واگذار نمود.

«مردم می پرسند»

انگیزه اتحاد عمومی را قبل از همه یک چیز تشکیل می داد که تمام مردم شیعه افغانستان باید دارای یک حزب سیاسی نیرومند باشد و این تعدد گروهی و گروه گرایی نمی تواند درد مردم ما را دوا کند. و تلاش در همین راستا صورت گرفت و از همه احزاب سیاسی هم دعوت شد و همه پذیرفتند دست از گروهها و سازمانهای شان برداشته، به فضل خداوند تحت نام و عنوان حزب وحدت متشکل شدند. ولی این سؤال در اذهان مردم ما باقی است و همواره پرسان میکنند که چرا حرکت اسلامی با وجودی که بعضی از افراد مؤثر در حزب وحدت کار و فعالیت دارند هنوز همان آرم و فرم تشکیلات خود را به عنوان حرکت اسلامی یدک می کشد. آیا مصالح ملی و اسلامی ایجاب نمی کند که مردم ما دارای

تشکیلات واحد باشند و از موضع واحد و هماهنگ با قضایا برخورد نمایند. البته پاسخ این پرسش همواره در ذهن بود که در مناسبتی قضیه تا اندازه ای روشن شود تا مردم در جریان دقیق قضایا قرار گیرند. اکنون مناسب دانستم که این پاسخ را در فصل هشتم این کتاب بیاورم زیرا فعالیت‌هایی که در جهت آوردن برادران حرکت اسلام صورت گرفته و مراحل طی شده در لابلای این کتاب آورده شده است، برای روشن تر شدن این پرسش عمومی لازم می‌دانم فهرستی از تلاش مسئولین حزب وحدت که برای آوردن حرکت اسلامی صورت گرفته ارائه دهیم.

۱- در تاریخ ۶۷/۶/۲۳ در منطقه بهسود پایگاه حرکت اسلامی در آب نقره در یک اجتماع بزرگ از حرکت اسلامی دعوت شد تا وارد اتحاد شوند. مسئولین حرکت اسلامی از جمله آقای فیاض و رضوانی بامیانی ضمن تقدیر از اتحاد برخی گروه‌ها چون سازمان نصر، پاسداران جهاد و سازمان نیرو...، آمادگی خود را نشان دادند و خواستار ۴۵ روز مهلت شدند تا با رهبری حرکت مشورت نمایند ولی در جلسه که در شارستان قرار گذاشته شده بود، حاضر نشدند.

۲- در تاریخ ۶۷/۹/۱۴ در جاغوری مسئولین حرکت اسلامی در ولسوالی جاغوری آمادگی خود را برای اتحاد اعلام کردند و آقای فیاض که خود یکی از اعضای مرکزی حزب حرکت اسلامی بود، بخاطر بعضی مشکلاتی که در مالستان و دایه وجود داشت نتوانست در جلسه حاضر شود ولی طی نامه ای از اتحاد استقبال نمود و آمادگی خود را اعلام داشت. اصل نامه در صفحه ۹۵ آورده شده است.

۳- از آنجائیکه رهبری حرکت اسلامی اکثراً در خارج کشور بود، اینجانب به عنوان نماینده اتحاد در خارج کشور آمدم و در جمهوری اسلامی ایران، شهر قم، جلسه با شکوهی از شورای جهادی و شورائی اجرایی حرکت اسلامی دائر شد که در آن آقای جاوید و سید هادی بهسودی نیز حضور داشت و من پیام اتحاد را ابلاغ نمودم. آنان از اتحاد داخل استقبال نمودند و جناب فاضل محترم آقای محمد کاظم مصطفوی را به عنوان نماینده حرکت اسلامی در «کمیسیون پیگیری اتحاد» معرفی نمودند. متن نامه در صفحه ۱۳۰

آورده شده است.

۴- در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۹ در طی جلسه ای که از سوی علمای افغانی در قم دایر شد که در آن جلسه آیه الله محقق آقای افتخاری از نهضت و من از نصر و آقای محسنی از حرکت اسلامی دعوت بودیم. آقای محسنی در برابر پرسش علمای محترم، آقای محسنی با قلم خود مضمونی را نوشت و اتحاد داخل را امضا نمود که به عنوان یک سند مهم و تاریخی در ص ۱۴۴ آورده شده است.

۵- در تاریخ ۶۸/۵/۱ هیئت بلند پایه ای از مرکز بامیان آمد تا پیام اتحاد را در خارج به آنها که هنوز به اتحاد نپیوسته اند ابلاغ کنند. این هیئت بعد از امضای میثاق وحدت و انجام مراسم تحلیف به خارج اعزام شدند و عصمت الهی و سید مدرسی نیز از حرکت اسلامی جزو هیئت حزب وحدت در خارج بود که اسامی شان در مکتوب شورای مرکزی در ص ۱۵۵ درج می باشد.

۶- در برج قوس ۱۳۶۸ هیئت شورای ائتلاف از خارج کشور در مرکز بامیان آمدند و با شورای مرکزی حزب وحدت مذاکره نمودند. اعضای هیئت آقایان سید بحر، محقق افشار و... و از جمله آقای سید محمد علی جاوید که عضو برجسته حرکت اسلامی است بعنوان نماینده حرکت و نماینده تام الاختیار شخص آقای محسنی، پس از مذكرات طولانی، سرانجام از حزب وحدت استقبال نموده، پس از تشکیل شورای عالی نظارت که بخواست هیئت ائتلاف صورت گرفت میثاق وحدت را امضا نموده و به خارج برگشتند تا شورای ائتلاف را تبدیل به اتحاد نمایند.

۷- در تاریخ ۶۸/۱۲/۲۰ هیئت بلند پایه حزب وحدت به سرپرستی جناب آقای مزاری وارد ایران شد تا پیام حزب وحدت را به علمای افغانی و مهاجرین ابلاغ و دفاتر احزاب را به عنوان حزب وحدت با هم ادغام نمایند. در این سفر شخصیت برجسته شهید صادقی نیلی و آقای سید هادی بهسودی نیز بعنوان اعضای هیئت حزب وحدت ایشان را همراهی می کرد با توجه به آنچه گفته آمدم در جهت آوردن حرکت اسلامی به حزب وحدت تلاشهای زیادی در داخل و خارج کشور صورت گرفت و حتی در بسیاری از

موارد امتیازاتی نیز برای آوردن این حزب قائل شدند. به عنوان نمونه می توان از طرح جناب آقای محسنی یاد کرد که ایشان شورای علمای امامیه را به عنوان پیش شرط ارائه داده بود که بعنوان یک جریان ناظر بر عملکرد تشکیلات باشد و با آمدن هیئت شورای ائتلاف و آقای جاوید در بامیان، موضوع تشکیل شورای عالی نظارت بر حزب وحدت در میان آمد و شورای مرکزی با شورای ائتلاف و نماینده تام‌الاختیار محسنی توافق کردند که بجای شورای علمای امامیه شورای عالی نظارت به وجود آید که خواست و نظر آقای محسنی نیز تأمین شده بود و هیچ بهانه ای نمانده بود و ایشان با توافق به خارج برگشتند.

شورای عالی نظارت هم فقط بخاطر شرط آقای محسنی به تشکیلات حزب وحدت اضافه شد و گرنه از نظر اصول اعتقادی و تشکیلاتی هیچ ضرورتی و نیازی وجود نداشت. زیرا اکثریت شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی از فقهای بزرگ و علمای اعلام اند که هم قدرت اجرایی حزب به شمار می آیند و هم کنترل کننده و هم می توانند تشخیص فقهی داشته باشند و همین طور حقوق دانان که در شورای مرکزی وجود دارند. علاوه بر آنچه گفته شد شخص جناب آقای محسنی با قلم خود متنی را تدوین و امضا نمودند که اگر تمام گروهها متحد نشوند ما چهار گروه متحد می شویم و این بزرگترین سندی است که ایشان داده ولی متأسفانه به هیچیک از تعهدات توجه نشد و به حزب وحدت نپیوست و به تمام قول و قرارها پشت پا زد!!

در مورد آقای سید مدرسی و عصمت الهی و... که بعد از انجام مراسم تحلیف و تعهد به حزب وحدت اسلامی، از داخل کشور به عنوان هیئت حزب وحدت به خارج آمدند که پیام حزب وحدت به آنهایی که هنوز نپیوسته بودند، ابلاغ و سرانجام دفاتر را به عنوان دفتر حزب وحدت با هم ادغام نمایند و پس از انجام مصاحبه ای با رادیو دری مشهد به نفع حزب وحدت و حضور در جلسات چندی در تهران به عنوان هیئت حزب وحدت، دیده شد که برادران بسیار زود و به سادگی تعهد به میثاق وحدت، مراسم تحلیف که در بامیان انجام دادند را پشت پا زدند و به سراغ تشکیلات قدیمی شان رفتند. جناب آقای سید هادی می توانست دارای نقش عمده ای در حزب وحدت باشد و به عنوان معاون جناب آقای مزاری

در هیئت بلند پایه حزب وحدت در جمهوری اسلامی ایران آمد و بدین عنوان مورد احترام مهاجر قرار گرفت. اصولاً مردم ما خواستار وحدت است و آرزو دارند که تمامی شخصیت‌های جهادی و سیاسی با انسجام و هماهنگی حرکت کنند و هر کس طرفدار اتحاد باشد، مردم او را دوست دارند که ما این مسئله را با تمام وجودمان لمس کردیم. ولی متأسفانه ایشان با همه اینها در عملکردها و سخنرانیهای خود در همان زمان بسیار محتاطانه گام بر می داشت و بعد از مدتی به طرف پاکستان رفت و با گرفتن امکانات از جناب آقای محسنی وارد افغانستان شد. ولی باز هم مسئولین حزب وحدت خم به ابرو نیاوردند و ایشان در جایگاه خاص خود قرار داشت و سرانجام در یک سفر دیگر در پاکستان که گفته بود آقای محسنی را به اتحاد می آورد، دیگر همه آن امیدها محو شد و خوش بینی ها و خوش باوریها نقش بر آب گردید و حضرت آقا رفت که رفت و دیگر به طرف یاران هم سوگند و هم تعهد خود در حزب وحدت نگاه هم نکرد!!

از طرف دیگر عده ای از برادران حرکت اسلامی مانند آقای فیاض ارزگانی، شهید حیدری، آقای مصطفوی و آقای سید زکی و رزمجو و حق جو و ابراهیم شاه شهید به حزب وحدت پیوستند و از همان روزهای نخست طرفدار اتحاد عمومی مردم بودند و در تمامی مذاکرات آنها علاقه خود را به اتحاد از صمیم قلب نشان می دادند و بعد از انجام مذاکرات چه در داخل و چه در خارج و امضای میثاق وحدت و انجام مراسم تحلیف همچنان استوار و صمیمی در حزب وحدت ماندند و امروز هر یک از آنها از موقعیت بالائی در حزب برخوردارند. مثلاً آقای محمد کاظم مصطفوی در شورای عالی نظارت، آقای فیاض به عنوان رئیس شورای نمایندگی در خارج آقای سید زکی در هیئت رئیسه حزب وحدت و رزمجو در شورای تصمیم گیری و مرکزی و آقای حق جو در شورای مرکزی و... هر کدام با اخلاص و جدیت کار می کنند تا آنجا که شخصیت برجسته ای چون شهید موسی حیدری روحانی مجاهد قربانی اهداف والای مکتب و مردم خود در سایه حزب وحدت می شوند و شهید ابراهیم شاه یکی از چهره های است که در این راه قهربانی می شود. اینجاست که باید گفت: بین تفاوت ره از کجا تا به کجا است. آنگاه که انسان پرواز

می کند و به معراج می رود و به خدا می پیوندد و صعود... آنگاه که انسان در امواج هوس های نفسانی و مطامع غرق می شود و سقوط می کند.

می خواهم نتیجه گیری کنم و باید یادآور شوم که من با هیچ یک از بزرگواران حساب شخصی ندارم و از نظر شخصی همه شان مورد احترام من اند ولی آنجا که مصالح عالیه مردم مظلوم ما مطرح است، ایجاب میکند که باید فریاد کشید و گفت: امروز مصلحت جامعه ما ایجاب می کند که از نظر سیاسی، اجتماعی و... یک مرکز تصمیم گیری و یک حزب داشته باشیم تا دیگران به ما چشم طمع ندوزند، ما را تکه تکه و از هم دور نسازند و در نتیجه تضعیف نشویم زیرا اگر افتخاری باشد برای همه است و اگر شکستی باشد نیز، دامنگیر همه مان خواهد بود!!



استاد عبدالعلی مزاری در رأس هیئت بلند پایه
حزب وحدت اسلامی در ایران

اعلامیه انحلال حرکت اسلامی افغانستان

بنی الاسلام علی کلمتین کلمة التوحید و توحید الکلمه

مکتب اسلام بر دو پایه استوار است یکتا پرستی و یکپارچگی که این دو پایه در وادی عقیده و عمل (توحید اتحاد) استوانه های اصلی امت واحده اسلامی بوده، سنگ بنای حرکت توحیدی خواهد بود. اتحاد و همبستگی با وصف اینکه برخاسته از ژرفای مکتب است، آرمان سازی زایدالوصفی دارد. پیروزی و شکوفایی جامعه ارتباط تنگاتنگی با اتحاد داشته، متقابلاً واپس گرایی و نگون سازی جامعه اثر اجتناب ناپذیر اختلاف است به بیان دیگر کل واژه وحدت از نظر منطق و عقل یک ضرورت حیاتی بوده، از نظر فقهی به دلیل اینکه شکوه و شوکت اسلام و جلال و جبروت مسلمین به آن بستگی دارد، واجب خواهد بود. به عنوان بهترین نمونه می توان به قیام یکپارچه ملت مسلمان افغانستان در برابر تجاوز روسها اشاره کرد که این ملت جهادگر و دشمن شکار همه با هم در مقابل دشمن و پست و پلید روس پیا خاسته، رکورد انقلاب را در سطح جهانی شکستند. ولی متأسفانه عدم رشد نسبتاً کافی در بعضی از مناطق آزاد شده افغانستان اختلاف و درگیریهای بین گروههای شیعه و سنی صورت گرفت که ثمرات تلخی بجا گذاشت. و پس از چنین فرایند زهر آگین، ملت مسلمان افغانستان در جهت حل این مشکل گامهای استواری برداشته، برای از بین بردن اختلاف، اقدام لازم را به عمل آوردند. که در این راستا شاخص ترین مورد، حرکت توحیدی ملت تشیع افغانستان در تاریخ اخیر است که با بدست آوردن رشد و آگاهی نسبتاً مطلوب توانستند تا فراسوی مرزهای حزبی اندیشیده در چشم انداز تشیع افغانستان. وحدت را اعلام نمایند. که این حرکت مقدس و منطقی که نتیجه تکامل افکار ملت است در مدت کوتاهی توانستند درگیریهای داخلی را بطور کامل مهار نموده، امنیت را در منطقه حاکم سازد. در این رابطه به عنوان یک گام بسیار بزرگ که نقطه عطفی در تاریخ وحدت شیعه خواهد بود، اعلام انحلال حرکت اسلامی افغانستان توسط شورای مرکزی این حزب است. لازم به یاد آوری است که در اثر مذاکرات مکرر مسئولین حرکت اسلامی با مسئولین وحدت اسلامی، شرایط پیشنهاد شده از طرف حرکت اسلامی (شورای علمای امامیه، تشکیل

شورای قضیاء و...) از سوی حزب وحدت اسلامی بطور مشخص و مکتوب پذیرفته شده و توافق کامل به عمل آمده، لذا از مجموع هیجده نفر از اعضای شورای مرکزی، هشت نفر آن در داخل کشور، مراسم تحلیف را نسبت به وحدت انجام داده و پنج نفر دیگر از اعضا میثاق منعقد در داخل کشور را تأیید و با وحدت موافقت نمودند که در نتیجه با تحلیف و موافقت سیزده نفر از هیجده نفر، اعضای شورای مرکزی حرکت اسلامی (اکثریت مطلق) با حزب وحدت اسلامی و قبولی شرایط مورد نظر، حرکت اسلامی هیچگونه قانونیتی نداشته و انحلال آن رسماً اعلام می گردد. که این رخداد مهم و تاریخی، مقطع بالندگی وحدت را فراهم ساخته، توان لازمی را بیاد خواهد آورد به امید وحدت و اتحاد مسلمین و قوت و نصرت اسلام در سطح جهان

حرکت اسلامی افغانستان

شورای مرکزی

عنوان اعلامیه های پشتیبانی از حزب وحدت

هیئتهای محترم حزب وحدت در سالهای ۶۷ و ۶۸ که در خارج کشور اعزام شدند، در انجام مأموریتشان که همانا تبدیل شورای ائتلاف به اتحاد و ادغام پایگاهها بود، به مشکلات فراوانی روبه رو شدند! کار شکنی های تاجران سیاسی که به اصطلاح موفقیت خود را در اختلاف و پراکندگی می دانند از یک طرف، برتری جوئیهای قدرتهای سیاسی که منافع جوامع محروم را با منافع سیاسی خود ارزیابی می کنند از سوی دیگر، سبب شد تا کار هیئتهای حزب وحدت به کندی پیش برود و زمان بیشتری را در بر بگیرد که از آوردن آن همه کارشکنیها و ایجاد موانع خود داری میکنیم.

اما مقاومت شجاعانه هیئتهای حزب وحدت بویژه شجاعت و درایت آخرین هیئت حزب وحدت و استقبال پر شور مردم ما اعم از علما، طلاب، انجمنهای دانشجویی و کارگران مهاجر و... از حزب وحدت سبب شد که سرانجام در مأموریت شان موفق شوند. برای اینکه میزان استقبال و پشتیبانی مردم از حزب وحدت و هیئتهای اعزامی روشن شود، به عناوینی از اعلامیه ها بیانیه ها و طومارها که در زمانهای مختلف داده شده، بسنده

می‌کنم. خوانندگان گرامی برای آگاهی بیشتر مضمون اطلاعیه‌ها می‌توانند به کتابی تحت عنوان «اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و طومارها» از انتشارات حزب وحدت مراجعه کنند چه اینکه اعلامیه‌ها و... خود کتابی است مستقل که از ظرفیت این کتاب خارج است.

۱- اعلامیه جمعی از طلاب و فضلاء پاسداران جهاد اسلامی و سازمان نصر افغانستان و جمعی از طلاب غیر گروهی

۲- اعلامیه علما، و طلاب مستقل افغانستان مقیم حوزه علمیه قم.

۳- اعلامیه جمعی از طلاب سمت شمال افغانستان

۴- اعلامیه طلاب افغانستانی مقیم حوزه امیرالمؤمنین - تهران

۵- بیانیه پاسداران جهاد اسلامی افغانستان - مشهد

۶- بیانیه بخش فرهنگی سازمان نصر - کتابخانه قائم آل محمد

۷- اعلامیه مهاجرین و کسبه کاران افغانستان - مشهد

۸- اعلامیه علما و طلاب و دانشجویان سازمان نصر مقیم قم

۹- اعلامیه علما و طلاب و دانشجویان سازمان نصر - بخش بهسود

۱۰- در راهپیمائی شش جدی قم چه گذشت؟

۱۱- بیانیه روحانیون و مهاجرین هوادار سازمان نصر - مشهد

۱۲- اعلامیه طلاب افغانستان جامعه امیرالمؤمنین - تهران

۱۳- اعلامیه طلاب و روحانیون و محصلین افغانی مقیم قم

۱۴- اعلامیه عده‌ای از طلاب افغانستان مقیم حوزه علمیه قم

۱۵- اعلامیه ستاد برگزاری مراسم استقبال از هیئت حزب وحدت

۱۶- اعلامیه علما، و طلاب ولایت غزنی مقیم قم

۱۷- بیانیه شماره دوم جامعه روحانیت شمال افغانستان

۱۸- اعلامیه علما، و طلاب مستقل افغانستان مقیم قم

۱۹- حزب وحدت جرقه امید

۲۰- اعلامیه علما، و طلاب ولایت ارزگان مقیم قم

- ۲۱- بیانیه احزاب و سازمانهای عضو ائتلاف - مشهد
- ۲۲- اعلامیه طلاب دایکندی (دره خودی)
- ۲۳- اطلاعیه طلاب افغانستانی مقیم حوزه حضرت عبدالعظیم
- ۲۴- اطلاعیه اعضای شورای مرکزی اتفاق اسلامی افغانستان
- ۲۵- اعلامیه مدرسین و طلاب افغانی مقیم حوزه علمیه سوریه
- ۲۶- اعلامیه حجة الاسلام قاسم علی شریفی
- ۲۷- اعلامیه مهاجرین افغانی مقیم یزد
- ۲۸- اعلامیه طلاب، دانشجویان، دانش آموزان و مهاجرین دره صوف - مشهد
- ۲۹- اعلامیه طلاب افغانستانی مدرسه الجواد - قم
- ۳۰- اعلامیه جمعی از اساتید و طلاب افغانی مقیم مشهد
- ۳۱- اعلامیه نمایندگی شورای اتفاق قبلی - آقای مهدوی
- ۳۲- اعلامیه جمعی از اساتید و طلاب لعل، تلخک، سرچنگل و کرمان - مشهد
- ۳۳- اعلامیه جمعی از طلاب و مجاهدین و مهاجرین بهسود - ترکمن - کابل مقیم
مشهد
- ۳۴- اعلامیه طلاب و مهاجرین یکه ولنگ، پنجاب، ورس، لعل، سرچنگل، بامیان،
شهیدان و سیغان - مشهد
- ۳۵- اعلامیه طلاب افغانی حوزه علمیه اصفهان
- ۳۶- اعلامیه طلاب افغانستانی - شیراز
- ۳۷- اعلامیه حرکت انقلاب اسلامی افغانستان
- ۳۸- بیانیه احزاب و سازمانهای عضو شورای ائتلاف - مشهد
- ۳۹- حمایت دانش آموزان مسلمان افغانستانی
- ۴۰- اطلاعیه انجمن ارشاد اسلامی زنان افغانستانی
- ۴۱- دومین اطلاعیه انجمن ارشاد اسلامی زنان افغانستان
- ۴۲- اطلاعیه جبهه اسلامی فجر افغانستان

- ۴۳- آیه الله بهشتی و حزب وحدت اسلامی
- ۴۴- ترحم به نسل قربانی
- ۴۵- اعلامیه کتابخانه امام محمد باقر (ع) قم
- ۴۶- اعلامیه عده ای از طلاب افغانستانی - قم
- ۴۷- قطعنامه پایانی مراسم وحدت در قم
- ۴۸- بیانیه علما، طلاب، مجاهدین و مهاجرین سمنگان و بغلان
- ۴۹- اعلامیه طلاب جرغی و برجگی - قم
- ۵۰- بیانیه طلاب مدرسه الجواد - قم
- ۵۱- اعلامیه علما و طلاب ولایت ارزگان - قم
- ۵۲- اعلامیه طلاب و مجاهدین ولایت ارزگان مقیم مشهد
- ۵۳- ما برای چندمین بار پشتیبانی خود را از حزب وحدت اسلامی اعلان می داریم
- ۵۴- بیانیه اساتید و طلاب افغانی حوزه علمیه مشهد
- ۵۵- اعلامیه طلاب ولایت بغلان و پلخمری...
- ۵۶- اعلامیه طلاب و علمای مالستان - قم
- ۵۷- اعلامیه جمعی از روحانیت افغانستان مقیم مشهد.
- ۵۸- اعلامیه کمیته کمک به جنگ زدگان افغانستان
- ۵۹- دعوتنامه اساتید و طلاب افغانی مقیم اصفهان از هیئت محترم اتحاد
- ۶۰- اعلامیه طلاب، دانشجویان مجاهدان و مهاجرین دره صوف - قم
- ۶۱- اعلامیه طلاب افغانی مدارس سازمان تبلیغات اسلامی در تهران
- ۶۲- بیانیه طلاب افغانستانی مقیم اصفهان - ستاد استقبال
- ۶۳- اعلامیه جمعی از نجاران مهاجر افغانی مقیم تهران
- ۶۴- اعلامیه مجمع قاریان و حافظان قرآن کریم - اصفهان
- ۶۵- اعلامیه طلاب، دانشجویان... مجاهدین و مهاجرین افغانی مقیم ساوه
- ۶۶- اعلامیه پژوهشهای اسلامی - سیاسی جمعی از طلاب

۶۷- بیانیه جبهه اسلامی فجر افغانستان

۶۸- در دو دیدگاه - پژواک دردمندانه نسبت به تحولات کشور ما از طلاب

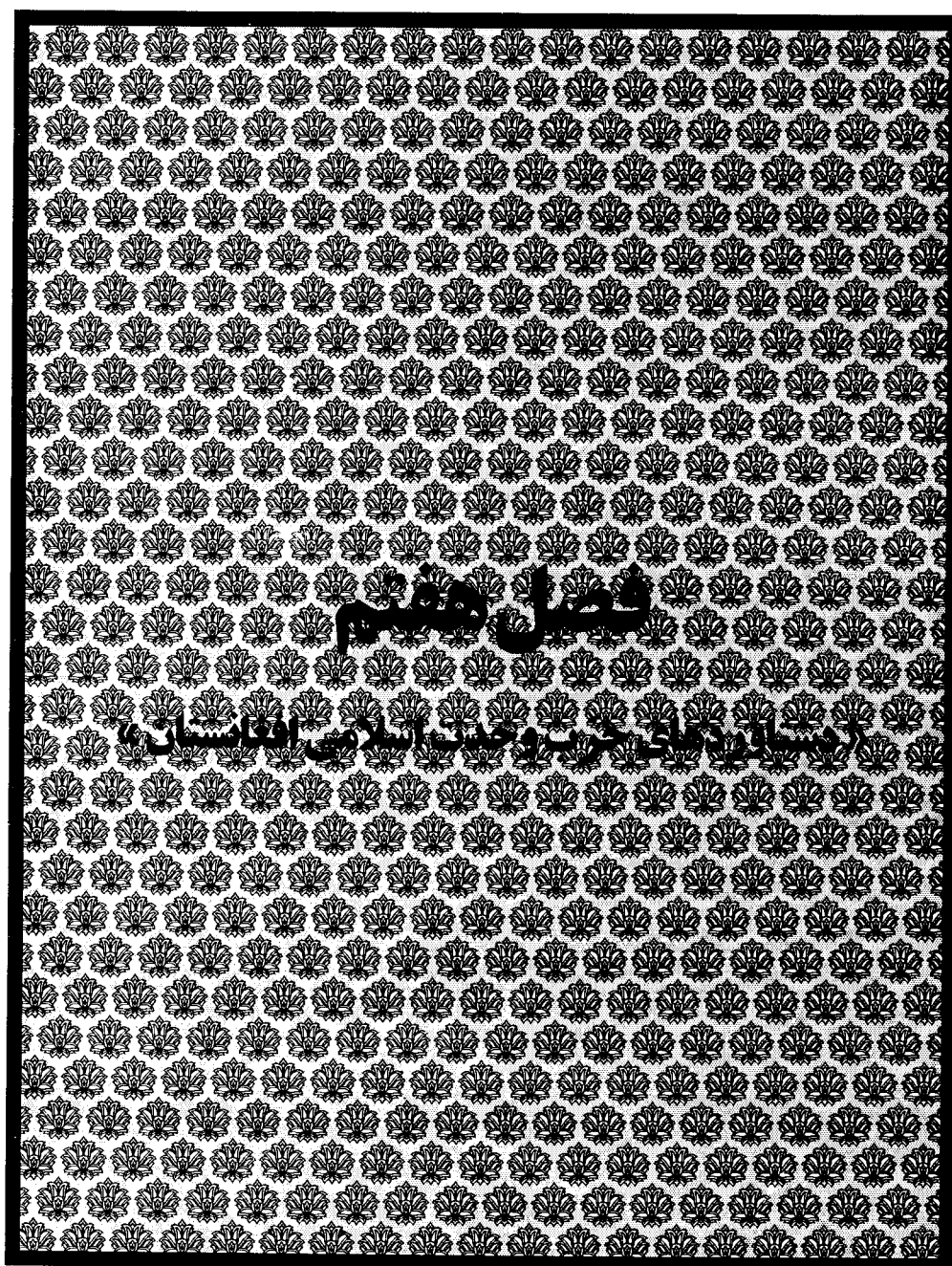
جاغوری مقیم حوزه علمیه مشهد مقدس...

۶۹- طومار حمایت و پشتیبانی از حزب وحدت اسلامی با امضای تقریباً هفتصد نفر

از علما و طلاب افغانی مقیم مشهد مقدس...

۷۰- نامه علما و طلاب ارزگان مقیم قم به علمای داخل کشور در حمایت از حزب

وحدت



«دستاورد های حزب وحدت اسلامی افغانستان»

پس از تحکیم پایه های حزب وحدت اسلامی افغانستان در داخل کشور و ادغام پایگاه های احزاب سیاسی متحده در خارج از کشور، حزب وحدت، دست آوردهای مهمی از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در داخل و خارج کشور داشته که به طور فشرده و گذرا بدانها اشاره می گردد:

درداخل کشور:

۱- از نظر اجتماعی: حزب وحدت اسلامی در دوران کوتاه از تشکیل و اعلام موجودیت یک نوع آرامش و اطمینان روحی در جامعه بوجود آورد و اعتماد مردم را جلب نمود که در نوع خود یک معجزه به شمار می آید. مردمی که سالهای سال در اثر تعدد گروهی از اختلاف و تفرقه و بد بینی رنج می بردند، تشکیل حزب وحدت، یک نوع داروی مسکن و آرام بخش بود که به آلام مردم مرهم گذاشت و به آینده روشن امیدوار شان ساخت.

مردم ما پس از تشکیل حزب وحدت، به نحوی احساسات و همکاری خود را در هر مقطعی به این آرمان بزرگ و مقدس نشان دادند و به یک کلام، امروز حزب وحدت اسلامی افغانستان مظهر وحدت و اراده مردم ستم دیده و پا برهنه میباشد و باور دارد که رهبری آن در راه تحقق اهداف اسلامی و ملی خود، صادقانه فعالیت و تلاش می نمایند.

۲- ایجاد امنیت: امروز مردم ما، در سایه حزب وحدت اسلامی از امنیت و آرامش کامل برخوردارند و می توانند در هر گوشه ای از مناطق مرکزی و قلمرو حزب وحدت، با خاطر آسوده و اطمینان گشت و گذار نمایند، دیگر آن موانع و مشکلاتی که در گذشته در اثر تعدد احزاب و اختلافات بوجود آمده بود و برادران را از هم جدا کرده بودند وجود ندارد. دیگر آن عقده گشایها و انتقام گیریهای بی معنی و پوچ، جای خود را به اخوت، برادری، عطف و مهریانی داده است.

ایجاد امنیت در مناطق مرکزی و در جای جای قلمرو حزب وحدت آنها در مدت

کوتاه، کار ساده و آسانی نبود ولی این کار به فضل و عنایت خداوندی و تصمیم قاطع مسئولین دلسوز حزب وحدت به سرعت و موفقیت انجام گرفت.

به عبارت دیگر تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان خود یک انقلاب اساسی و بنیادی و نوینی بود که در جامعه ما به وقوع پیوست و در مدت کوتاهی توانست دلها را به هم نزدیک کند و دگرگونی عظیم ذهنی و عینی بوجود آورد.

خاموش نمودن آتش نفاق و خانمانسوز داخلی، متصل و متحد ساختن همه دسته های متخاصم یکی از بزرگترین ثمرات این انقلاب نوین و دست آورد این تشکیلات عمومی و تاریخی است.

۳- تأمین راه های عبور و مرور مسافرین و کاروانها در مناطق مرکزی کشور: از آنجائیکه هزاره جات در قلب سرزمین زیبای افغانستان واقع شده، مسافرینی که از گوشه ای از کشور به سمت دیگر عبور می کنند، اکثراً از مناطق مرکزی کشور یعنی هزاره جات باید عبور نمایند. یعنی کمتر راهی پیدا میشود که از هزاره جات نگذرد در دوران تعدد گروه های سیاسی، گهگاه از سوی برخی از عناصر مسلح تهدید هایی علیه مسافرین و عابرين صورت می گرفت. در اثر راه گیری و جنایت یک فرد غیر مسئول همه احزاب و گروه های سیاسی در برابر دیگر برادران مورد سؤال قرار می گرفت و بدنام می شدند. با آمدن حزب وحدت و برخورد جدی آن با عناصر مسلح غیر مسئول، زمینه چپاول و غارتگری از بین رفت. به طوریکه دیگر هیچ کس جرأت ندارد به کارهای خلاف دست بزند.

۴- اقدام برای سرشماری نفوس و تعیین هیئت های آمارگیری در هزاره جات: که در بعضی از ولایات چون بامیان، ارزگان و ولسوالی لعل صورت گرفت و سرشماری آنها تکمیل شد.

امیدوارم این پروسه در دیگر ولایات هزاره جات و غیره نیز تکمیل شود. مسئله آمارگیری در حکومت آینده کشور و تشکیل واحد های اداری جدید و انتخابات و غیره، جنبه حیاتی و اساسی دارد. که بدین منظور حزب وحدت یک گام مؤثر و اساسی برداشته است.

۵- رو آوردن مؤسسه های خیریه جهانی و به ویژه افتتاح دفتر نمایندگی سازمان ملل در مرکز حزب وحدت اسلامی در ولایت باستانی بامیان: که یکی از دست آورد های مهم حزب وحدت اسلامی به شمار میرود.

توجه کنید در خلال ده سال انقلاب اسلامی افغانستان و جهاد خونبار مردم مظلوم ما در مناطق مرکزی کشور و ولایات، کسی به عنوان سازمان ملل و یا مؤسسه خیریه جهانی و... به سراغ این مردم نیامدند و حتی برای اینکه کسی از جهاد مسلحانه ما در افغانستان به صورت لازم آگهی پیدا نکند، رقبا ی ما، مارا از نظر سیاسی و تبلیغاتی در صحنه بین المللی بایکوت کردند و از وارد شدن افراد بیطرف و صلح دوست در مناطق آزاد شده، جلوگیری بعمل آوردند. اگر احياناً کدام خبرنگاری از وضع هزاره جات و موقعیت جهادی آنها سؤال می کرد، با کمال وقاحت، فعالیت جهادی ما را انکار می کردند و حتی تبلیغ می کردند که شما به هزاره جات نروید. آنها مردمی خشن هستند و جان شما در خطر قرار می گیرد. و ده ها پروپاگند!! ولی مثل معروف که آفتاب را نمی شود میان دو انگشت پنهان کرد. پس از تشکیل حزب وحدت و مرکزیت قدرتمند آن در مرکز بامیان، دیگر پرده از روی تبلیغات مغرضانه و دروغین آنها برداشته شد و امروز است که گروه هایی از عناصر خیر جهانی در مرکز حزب وحدت به بامیان می آیند و نمایندگی سازمان ملل در مرکز بامیان فعال میشود. ممکن است این سؤال مطرح شود که آمدن عده ای از عناصر خارجی که اهداف استعماری هم دارند، چه سودی می تواند داشته باشد که مورد ارزیابی قرار گیرد؟ در پاسخ می توان گفت که البته هیچ کس منکر این معنی نخواهد بود که بعضی از این مؤسسه ها اهداف استعماری خود را دارند ولی این را هم در نظر بگیریم که ما در جهانی زندگی می کنیم که زندگی پیوسته و مشترک دارند و در چنین عصر و زمانی نمی شود به زندگی دور از تمدن بشری بسر برد و منزوی شد. ما جز خانواده بزرگ جهان موجود هستیم از اینرو، نباید با جهان و سازمانهای جهانی برخورد تنگ نظرانه و حقیرانه داشت و از آنها وحشت کرد. من معتقدم که از حالت ناتوانی باید بیرون بیاییم. حزب وحدت باید برای شناسایی مردم خود و جهان و مقاومت آنها از موضع قوی (باحفظ اصول) برخورد کند.

۶- اجرای احکام شرعی:

پیش از تشکیل حزب وحدت اگر شخصی یا اشخاصی اعمال خلافی را انجام می دادند هیچ کس جرأت آن را به خود نمی داد که فرد متهم را در دادگا کشانده و حکم شرعی را علیه متهم تطبیق و عدالت را اجرا کند زیرا در دوران تعدد احزاب و گروه گرایی، افراد متهم برای نجات از چنگال قانون، خود را به یکی از گروهها منتسب ساخته و به عنوان سپر از آن استفاده می کردند و آن احزاب و گروهها هم از افراد متهم، کورکورانه و بر اساس تعصب گروهی پشتیبانی می کردند و اگر برای اجرای عدالت و تنبیه متهم از طرف دستگاه قضایی پافشاری می شد، ناگزیر بین گروههای مربوط درگیری به وجود می آمد.

پس از آنکه حزب وحدت اسلامی تشکیل گردید، بسیاری از جنایتکاران بدست قانون سپرده شد. پس از محاکمه شرعی و تحقیق لازم، به جزای خیانت شان رسیدند. به عنوان نمونه از قاتلین شهید صادقی نیلی و شهید ابراهیم شاه می توان نام برد. اگر حزب وحدت اسلامی برای دستگیری و بازداشت عناصر مجرم و قاتل اقدام نمی کرد، دیگر کسی یارای آنرا نداشت که افراد متهم را از دامن گروهی و بانندی جدا کند و به کیفر برساند.

۷- از نظر سیاسی و فرهنگی:

اعزام هیئت های سیاسی و نظامی به ولایات کشور و مذاکره با قوماندانان جهادی و مسئولین حوزه ها جهت ایجاد هماهنگی سیاسی و تشدید عملیات رزمی علیه نیروهای رژیم نجیب که در این راستا پرتکل هایی با قوماندانان احزاب اسلامی به امضأ رسید.

با توجه به اقدام حزب وحدت، از طرف مسئولین احزاب اسلامی از مناطق نمایندگانی به مرکز حزب وحدت آمدند و سرانجام در جهت هماهنگی تلاشهای زیادی صورت گرفت، ادغام پایگاهها در داخل کشور و ایجاد پایگاههای واحد در تمام ولسوالیها و ولایات مربوط حزب وحدت، توحید صفوف مجاهدین در سنگرهای مقدم، تشدید عملیات رزمی علیه نیروهای رژیم وابسته نجیب، یکی از موفقیت های بزرگ حزب وحدت به شمار می آیند. در مورد عملیات جهادی بالای مواضع دولت مزدور کابل باید یادآور شوم که حزب وحدت اسلامی جبهات فعال و برجسته ای در ولایات کشور دارد. چون جبهه

جوزجان، بلخ، بغلان، بامیان، پغمان، غور، پروان، میدان، غزنی، هرات، فراه و نیمروز که مستقیماً زیر نظر حزب وحدت اداره می شود و بودجه اختصاصی دارد. این جبهات در طول انقلاب اسلامی ضربات مؤثری بر دشمنان اسلام و وطن وارد کرده است.

۸- از نظر فرهنگی:

هرچند فعالیت فرهنگی مانند بازگشایی مدارس دینی و مکاتب دولتی در برخی از مناطق و ولسوالی ها بصورت محدود وجود داشت و در طول انقلاب بصورت نسبی فعال بود ولی در اثر اختلافات حزبی هیچ گاه از رشد و شکوفایی لازم برخوردار نبود و گاهی هم در اثر تشدید اختلاف و برخورد های منطوقی همین مدارس نیمه فعال به تعطیلی کشانده می شد!

پس از تشکیل حزب وحدت و آمدن آرامش در منطقه، زمینه فعالیت های فرهنگی گسترش پیدا کرد و در مدت بسیار کوتاهی، مکاتب و مدارس بازگشایی و فعال گردید. یعنی پس از ایجاد تشکیلات جدید بنام حزب وحدت، موانع کلی از مسیر احیای مدارس و تقویت فرهنگی برداشته شده، مسئولین حوزه ها و دست اندر کاران امر و فرهنگی با عشق فراوان، برای رشد و توسعه امور فرهنگی تلاش نمودند، ولی آنچه که هنوز به صورت یک معضله جدی باقی مانده و فعالیت های فرهنگی را دچار رکود و مشکل نموده مسئله امکانات فرهنگی است. از قبیل تهیه کتابهای حوزه های و کلاسیک، لوازم فرهنگی، هزینه کار فرهنگی، مصارف طلاب، مدرسین، معلمین و... که در این رابطه اقدام جدی و اساسی صورت نگرفته و البته موانعی وجود دارد که دسترسی و تحصیل امکانات در شرایط موجود مشکل به نظر می رسد هرچند در جهت تهیه امکانات فرهنگی به صورت جزئی وبا هزار مشکل اقداماتی صورت گرفته به مناطق فرستاده شده ولی با آن همه باز هم کافی نیست و نمی تواند نیاز های فرهنگی ما را رفع نماید.

حزب وحدت اسلامی از نظر فرهنگی در ساحه تبلیغی نیز گامهایی مؤثر و بلندی برداشته همچون اعزام هیئت های تبلیغی از حوزه های علمیه از علماً، فضلاً و طلاب جوان افغانستانی به مناطق مختلف کشور، البته این کار قبل از آمدن حزب وحدت نیز صورت

می‌گرفت ولی چندان اثر مثبت نداشت زیرا بسیاری از مبلغین در مناطق مختلف از نظر تبلیغات و ارائه راه روشن‌تر و مفیدتر برای مردم دچار مشکل می‌شدند. چرا که هر گروه و دسته‌ای علاقه داشت که کارها بر وفق مراد آنها و زیر نظر آنها صورت گیرد و طرف مقابل آنها مورد سرزنش قرار گیرد که باز پی آمد آن اختلاف، هرج و مرج و بی‌نظمی بود. و حتی بسیاری از علما و طلاب در موضعگیری خود دچار مشکل و احیاناً از سوی برخی از قوماندانها بازداشت و توهین می‌شدند.

پس از تشکیل حزب وحدت و ایجاد آرامش در مناطق دیگر زمینه فعالیت فرهنگی مساعدتر از هر زمان دیگر شد. این بود که فضلاء افغانی بخصوص طلاب جوان، دسته، دسته از حوزه‌های علمیه بسوی کشور و زادگاه شان سرازیر شده و وظایف اسلامی و میهنی خود را در جهت امر به معروف و نهی از منکر و تقویت نیروهای جهادی در سنگرهای شرف و عزت در برابر اشغال گران و منافقین انجام میدادند. و در عین حال بسیاری از طلبه‌های جوان در راه رساندن کتاب به مناطق و ولایات شان تلاشهای جدی بخرج می‌دادند و در این رابطه هزینه‌های سنگینی را متحمل می‌شدند که هم اکنون با همه موانع و مشکلات توان فرسا در بسیاری از ولایات، کتابخانه‌هایی بوجود آمده و مردم و تیپ تحصیلکرده از آن‌ها سود می‌برند.

در این جا لازم می‌بینم از همکاری جدی و برادرانه جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای شیخ حسن ابراهیمی، سرپرست طلاب غیر ایرانی در حوزه علمیه قم تشکر نمایم. زیرا ایشان بحیث سرپرست طلاب غیر ایرانی، نسبت به طلاب افغانستانی، خدمات برجسته‌ای انجام داده و آنها را در هر شرایطی یاری رسانده است. حاج آقای شیخ حسن ابراهیمی برای وارد شدن طلاب جوان افغانستانی به حوزه علمیه نقش مؤثری داشته و همواره تلاش می‌کرد که طلاب جوان افغانستانی که از استعداد سرشاری برخوردارند، مدارج علمی را طی نموده و مصدر خدمت برای کشور و وطن شان، افغانستان قرار گیرند، و من که از نزدیک با وی آشنایی دارم، بارها شاهد بودم که ایشان اظهار می‌کردند که: من در برابر علما افغانستان و طلاب جوان آن کشور، احساس خاصی دارم. اینها بسیار معتقدند

و برای اینها دلم می‌سوزد می‌سوزد این بود که حتی المقدور سعی می‌کردند که زمینه تحصیل آنها را در حوزه فراهم کنند و در مورد اخذ اقامه و شهریه ایشان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند. برای مقامات مربوطه نامه تأییدیه میدادند و زمینه اقامت‌شان را فراهم می‌کردند. آقای ابراهیمی در مورد اعزام علماً افغانستان بعنوان مبلغ به کشورشان نقش اساسی و مستقیمی داشتند. و تمام پرونده‌های تبلیغی زیر نظر ایشان تکمیل می‌شد و هزینه سفر توسط ایشان از حوزه علمیه پرداخت می‌شد و برای مدارس دینی افغانستان توجه خاصی مبذول می‌داشتند.

«شورای نظارت بر مدارس دینی افغانستان» که متشکل از علماً بزرگ و فضلاً افغانستانی می‌باشد، توسط ایشان در حوزه علمیه بوجود آمد که تمام امور طلاب افغانی را چه در حوزه علمیه و چه در افغانستان زیر نظر داشته و مستقیماً امور طلاب افغانی به خود شان واگذار شود و از این طریق مشکلات و نیازمندیهای طلاب افغانی رفع شود.

آقای ابراهیمی زمینه فرستادن کتاب به افغانستان را خود فراهم می‌کردند و به طلاب افغانستانی یاری می‌رساندند و اجازه رسمی آن را از مقامات مربوط اخذ و تأیید می‌نمودند که البته این خدمات شایسته و اسلامی که وی انجام میداد اینجا است که از همکاری مخلصانه وی باید تقدیر و تشکر شود و طبیعی است، هر که بخواهد برای ملت افغانستان خدمت سالم و برادرانه داشته باشد، ما تقدیر و قدردانی میکنیم چون ما عاشق رشد و شکوفائی مردم در ساحه های مختلف هستیم و هر که در جهت رشد و شکوفایی استعداد این ملت قدمی پیش نهد، مورد سپاس و احترام است.

در پایان خلاصه ای از دست آورد های حزب وحدت اسلامی در داخل کشور به

شرح زیر می باشد:

- ۱- ایجاد آرامش روحی و اطمینان در سطح جامعه در رابطه با حزب وحدت
- ۲- تأمین امنیت عمومی در مناطق آزاد شده
- ۳- ایجاد راههای عبور و مرور در مناطق مرکزی کشور
- ۴- اعزام هیئت‌های سرشماری افراد در مناطق مربوط به حزب وحدت
- ۵- افتتاح دفتر نمایندگی سازمان ملل در مرکزیت حزب وحدت بامیان

- ۶- اجرای احکام شرعی (تعذیر، حدشرعی و قصاص) علیه مجرمین
- ۷- اعزام هیئت های سیاسی، نظامی در ولایات کشور و ایجاد هماهنگی با برادران اهل سنت
- ۸- برقراری آتش بس بین گروه های برادران اهل سنت
- ۹- فعال کردن صدها باب مدرسه دینی و کلاسیک. هفته نامه وحدت و خبرنامه در کابل، مزار و... به نشر می رسد.
- ۱۰- حل مخاصمات طائفی در ولایات غزنی و ارزگان
- ۱۱- تشکیل ۱۷ فرقه نظامی در ولایات کشور
- ۱۲- تشکیل شوراهای ولایتی و حوزه های ذیربط
- ۱۳- انجام عملیات مهم نظامی در ولایات بلخ، جوزجان، میدان، بامیان، پروان، بغلان، فراه و هرات

« دست آورد های حزب وحدت در خارج از کشور »

ایجاد نمایندگی و افتتاح دفاتر حزب وحدت در کشورهای اسلامی ایران، پاکستان، سوریه، لبنان و کشورهای اروپائی آلمان، فرانسه، دانمارک، استرالیا، انگلستان و...

تشکیل شورای نمایندگی حزب وحدت در تهران که تنها مرجع نمایندگی این حزب در خارج از کشور می باشد. بر اساس این تشکیلات و طبق اساسنامه حزب وحدت، تمام نمایندگیهای خارج باید زیر نظر شورای نمایندگی تهران کار نمایند و در مسائل سیاسی و تبلیغاتی نمی توانند بطور جداگانه موضع گیری کنند.

شورای نمایندگی حزب وحدت در تهران زیر نظر مستقیم شورای مرکزی حزب وحدت فعالیت میکند و موظف است که هر روز و یا حداقل هفته ای یکبار، گزارش کار خود را به شورای مرکزی در بامیان ارائه دهد و تمام دستورات را در خارج از کشور به صورت دقیق و جدی اجرا نمایند.

موضع گیری شورای نمایندگی برخاسته از نظرات و اهدافی است که از داخل کشور

دریافت میکنند و بدون الهام گیری از مرکز حزب وحدت نمی توانند موضع گیری و اقدام نمایند.

از نظر فرهنگی و تبلیغاتی:

حزب وحدت اسلامی افغانستان از نظر فعالیتهای فرهنگی، تبلیغی و انتشاراتی در کشورهای خارج، از توانائی نسبتاً بالائی برخوردار است که به بخشهای آن از نظر انتشاراتی اشاره می شود:

- ۱- در جمهوری اسلامی ایران: مجله ای بنام «میثاق وحدت»، «هفته نامه وحدت» و خبرنامه ای بنام «پیک» تجلی وحدت و هفته نامه عربی بعنوان «الوحدة الاسلامیه»
- ۲- در کشور پاکستان هفته نامه ای بنام «بشارت» و هفته نامه ای بعنوان «طلوع وحدت»

۳- انگلستان - لندن «خبرنامه وحدت»

۴- آلمان - هامبورگ «پیام وحدت»

۵- در کشورهای عربی - سوریه و لبنان، نشریه عربی «ندى الوحدة»

انتشارات حزب وحدت اسلامی افغانستان نقش برجسته ای در منعکس نمودن اخبار، تحولات سیاسی و نظامی افغانستان بویژه اخبار مربوط به حزب وحدت در خارج از کشور داشته است. مخصوصاً برای مردم مهاجر و دانشجویان افغانستان، زیرا دستگاههای تبلیغاتی و رسانه های خبری استکبار جهانی همواره از حقایق که در کشور ما می گذرد چشم پوشی نموده، عکس آنرا که با منافع آنها وفق می دهد، تبلیغ و منتشر میکنند. انتشارات نیروهای جهادی افغانستان بخصوص انتشارات حزب وحدت در خنثی کردن تبلیغات انحرافی و ابلاغ حقایق نقش مثبتی را ایفا کرده است.

انتشارات حزب وحدت، علاوه بر انعکاس اوضاع سیاسی و اخبار جهادی کشور، تبیین کننده موضعگیری حزب وحدت در مقابل حوادث نیز می باشد. هماهنگی نمایندگیهای حزب وحدت با مرکزیت آن در داخل کشور، یک امر مهم تبلیغاتی و ارگانیکی به شمار می آید.

از نظر سیاسی:

قبل از تشکیل حزب وحدت اسلامی، بسیاری از احزاب و سازمانها بصورت پراکنده و متفرق، تلاشهایی در سطح جهانی و بین المللی داشتند ولی این تلاشها هیچگونه ثمر و اثری نداشت چرا که احزاب متعدد آن هم با اختلاف شدید که بین شان داشت نمی توانست دارای وجه سیاسی و بینالمللی معتبری باشد زیرا از افراد متفرق و پراکنده هیچ چیزی ساخته نیست و نمیتواند برای خود در منطقه و جهان حساب باز کنند و هیئت رهبری حزب وحدت اسلامی بویژه نمایندگیهای آن در خارج از کشور، فعالیت و سیع و گسترده ای را در سطح جهانی به منظور بالا بردن اعتبار سیاسی این تشکل آغاز نمودند که این حرکت سیاسی و دیپلماتیک در نوع خود، گام بسیار مثبت و بلندی بود در سطح انقلاب اسلامی، بخصوص در جهت شناسائی حزب وحدت اسلامی افغانستان، و توانست حزب وحدت را به عنوان یک جریان سیاسی، متشکل و قدرتمند مطرح کند که بطور فشرده به هریکی از این اقدام های سیاسی اشاره می کنم:

اعزام هیئت بلند پایه در کشور اسلامی پاکستان برای ادغام دفاتر احزاب متحده و افتتاح دفترهایی بعنوان حزب وحدت اسلامی، گفتگو با رهبران جهادی افغانستان مقیم پشاور، و برخی از مقامات ذیربط پاکستانی

هیئت حزب وحدت اسلامی به سرپرستی حجة الاسلام والمسلمین آقای سیدظاهر محقق، عضو شورای عالی نظارت حزب وحدت که حجج اسلام، آقایان: یوسف واعظی، اسحق اخلاقی، حیات الله بلاغی، محقق افشار، سید عمرانی، اسحق محبی، احمد سجادی، معلم زاده از اعضا شورای مرکزی حزب وحدت او را همراهی میکردند و در تاریخ ۷۲/۱/۳ وارد پاکستان شدند و در فرودگاه از طرف مسئولین دفاتر احزاب، مهاجرین، نمایندگان رهبران جهادی و برخی از مقامات پاکستانی، مورد استقبال قرار گرفتند.

محورهای عمده فعالیت هیئت را سه چیز تشکیل میداد:

۱- افتتاح دفاتر حزب وحدت در پاکستان

۲- تبیین مواضع حزب وحدت برای مهاجران افغانی که در پاکستان بسر می برند.

۳- دعوت از چهره های سیاسی و جهادی افغانستان، جهت همکاری با حزب

وحدت

هیئت محترم حزب وحدت مأموریت خود را با موفقیت انجام دادند و نمایندگیهایی که در شهرهای پیشاور، پراچنار و کویته افتتاح شد با استقبال پرشور مردم مهاجر و مقامات ذربط در امور افغانستان مواجه گردید و تعداد قابل ملاحظه ای از مسئولین پاکستان و افغانستان در این بازگشائی شرکت نمودند. هیئت محترم در مدت اقامت خود، صحبتی با مهاجرین افغانستان داشتند که برای آنها دلچسپی خاصی داشت.

هیئت حزب وحدت اسلامی در پاکستان

هیئت بلند پایه حزب وحدت اسلامی افغانستان، بنا به دعوت آقای اکرم زکی قائم مقام وزارت امور خارجه پاکستان، در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۲۶- وارد کشور اسلامی پاکستان شد و در فرودگاه پیشاور از طرف مقامات وزارت امور خارجه پاکستان، نمایندگان اتحاد هفتگانه، مسئولین و مهاجرین حزب وحدت استقبال گرمی بعمل آمد.

هیئت محترم، آقایان، رحمت الله مرتضوی، محمد حسین شیخزاده، یوسف زکی، داکتر محبی و محقق زاده در مدت اقامتشان با ریاست جمهوری اسلامی پاکستان، آقای غلام اسحاق خان، آقای اکرم زکی و دیگر مقامات آن کشور دیدار کردند، مقامات دولت پاکستان برحل مسئله افغانستان از راه مسالمت آمیز و ایجاد دولت ائتلافی، تأکید کردند.

هیئت محترم حزب وحدت ضمن توافق کلی بر حل قضیه افغانستان، اظهار نمودند که با وجود دکتر نجیب الله، هیچگونه راه حلی کار ساز نخواهد بود و نجیب یک جنایتکار جنگی است و باید به چنگال عدالت سپرده شود و از صحنه کنار رود. این مذاکرات در جو دوستانه صورت گرفت و آنها ابراز می کردند که شما با وحدت خودتان عظمت کسب کرده اید و برادران اتحاد هفتگانه باید از شما الگو بگیرند و...

هیئت حزب وحدت با رهبران جهادی افغانستان مقیم پیشاور نیز دیدار کرده و پیرامون حل سیاسی کشورشان به مذاکره پرداختند و از حزب وحدت دعوت نمودند که در کمیسیون ۲۸ نفره که جهت ارائه یک راه حل مناسب برای افغانستان دایر شده بود. شرکت

کنند تا بتوانند یک طرح اساسی و جامع از سوی مجاهدین ارائه شود. هیئت حزب وحدت ضمن مثبت دانستن «کمسیون»، خواستار شرکت پنج نفر از حزب وحدت در این کمسیون شد که با مخالفت بعضی از رهبران پیشاور مواجه گردید. هیئت محترم پس از مذاکرات طولانی پیرامون وضعیت کلی افغانستان و نحوه هماهنگی با رهبران جهادی مقیم پیشاور و برای اینکه عدم شرکت حزب وحدت باعث شکست کمسیون نشود، آقای اخلاقی را بعنوان نماینده موقت وحدت در کمسیون انتخاب کردند.

سرانجام هیئت حزب وحدت در میان بدرقه گرم مقامات پاکستانی و مجاهدین افغانستان، پاکستان را ترک گفتند.



هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان در پیشاور پاکستان

«اجلاس چهارجانبه اسلام آباد»

در آن روزها مسئله حل سیاسی افغانستان در منطقه و جهان بصورت بسیار حاد مطرح بود و از این زاویه به حل مشکل نگریسته می شد طرح سازمان ملل یعنی:

۱- آتش بس در افغانستان

۲- مذاکره بین الافغانی

۳- حکومت انتقالی

۴- انتخابات آزاد

در راستای حل مسالمت آمیز افغانستان از همین مقوله سرچشمه می گرفت، رفت و آمد مکرر نماینده سازمان ملل آقای سوان، در تهران، اسلام آباد و کابل مذاکره جدی با رهبران جهادی و رئیس رژیم کابل دکتر نجیب الله دقیقاً در راستای تطبیق این طرح قرار داشت.

مذاکره پیدا و پنهان میان وزراً خارجه افغانستان و پاکستان، بیانگر این معنی بود که بحران افغانستان را از راه مذاکره و تفاهم حل کنند، در نتیجه یک دولت ائتلافی مرکب از رهبران جهادی و دولت نجیب بوجود آورند. آنچنان که نماینده سازمان ملل در دیدار با مجاهدین، تهدید کرده بود که اگر مردم افغانستان مسائل خود را از راه مذاکره حل نکنند در کشورشان جنگهای قبیله‌ای و قومی بوجود می آید و افغانستان به حمام خون تبدیل میشود. برخورد دولت پاکستان (در جهت حل سیاسی افغانستان) با مجاهدین کمتر از پافشاری نماینده سازمان ملل نبود، چنانچه که یکی از مقامات پاکستانی گفته بود: «مجاهدین افغان باید واقع بین باشند، دولت نجیب یک واقعیت است، نمی شود در آینده کشور ناپایده گرفت باید بطور معقول برخورد شود و...»

اجلاس اسلام آباد که با طرح ایران و میزبانی پاکستان صورت گرفت در راستای حل سیاسی قضیه افغانستان بود و زمینه آن کم کم مساعد شد و سرانجام در تاریخ ۷-۸ برج اسد سال ۱۳۷۰ اجلاس مرکب از نمایندگان حزب وحدت اسلامی، آقایان: مرتضوی،

محمد ناطقی، حسین عالمی، محقق زاده، عبدالحق شفق، عرفانی و سایر رهبران جهادی افغانستان مقیم پیشاور و وزرای خارجه جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در اسلام آباد دایر گردید. این اجلاس در نوع خود از مهمترین رویدادهای تاریخی به شمار می آید:

اولاً: حزب وحدت اسلامی به عنوان یکی از دو رکن مهم قضیه افغانستان مطرح شد که دکن دیگر آنرا اتحاد هفتگانه مجاهدین مقیم پیشاور تشکیل می داد.

ثانیاً: مجاهدین افغانستان مقیم تهران و پیشاور، بعنوان تنها محور اصلی در قضیه افغانستان مطرح گردید که خود یک حرکت سیاسی مثبت به شمار می آید:

ثالثاً: در این اجلاس، وزراً خارجه ایران و پاکستان تأکید کردند که سرنوشت افغانستان بدون دخالت خارجی و از سوی خود مردم آن کشور تعیین شود.

رابعاً: تمام رهبران حاضر در اجلاس تأکید داشتند که اجلاس اسلام آباد و هر نشستی که در این راستا صورت گیرد، در صورتی می تواند مفید واقع شود که فیصله زیر بعمل آید:

- خاتمه جنگ از سوی رژیم وابسته کابل که عامل کشتار و خون ریزی در کشور شد.

- پذیرش عدم تعهد و عدم وابستگی آن به قطبهای استکباری شرق و غرب

- قبول هویت اسلامی افغانستان و استقرار حکومت اسلامی در آن کشور

- آزاد بودن مردم برای انتخاب نوع حکومت دلخواه خود بدون مداخله و یا فشار

خارجی

سرانجام این اجلاس پس از دو روز مذاکره و گفتگو که با هماهنگی طرف های ذیربط در قضیه صورت گرفت، راه حل هایی ارائه شد، از جمله طرح پنج ماده ای سازمان ملل متحد که در ماههای اخیر پیشنهاد شده بود نیز مورد بررسی قرار گرفت و تمام شرکت کنندگان در این اجلاس، به این توافق رسیدند که این طرح دارای نقاط مثبتی می باشد و در عین حال نقاط مبهمی هم دارد که باید روشن شود و می تواند در آینده زمینه فعالیت های بین المللی در جهت حل قضیه افغانستان باشد.

در این اجلاس قرار شد که هیئتی مشترک از مجاهدین افغانستان در اجلاس کنفرانس



اسلامی شرکت کنند و نیز تصمیم گرفته شد که تا حداکثر یک ماه آینده، اجلاس مشترک ایران و پاکستان و مجاهدین افغانستان در تهران تشکیل شود.

اجلاس مشترک اسلام آباد پس از دو روز مذاکره، نتایج اجلاس را به صورت بیانیه صادر کردند، که بخشهایی از آن در اینجا آورده می شود:

«اجلاس مشترک با تمجید از جهاد شکوهمند مردم سلحشور افغانستان علیه متجاوزان که طی آن از خود گذشتگی های زیادی نشان دادند و قریب ۱/۵ میلیون شهید دادند و از حمایت قاطع ملل اسلامی نسبت به آرمانهای این جهاد، قدردانی کردند.

رهبران احزاب مجاهدین افغان مراتب امتنان و قدردانی عمیق خود را از ایران و پاکستان به جهت حمایت از جهاد و مهمان نوازی که به بیش از ۵ میلیون پناهنده افغانی در خاک خود به عمل آوردند، ابراز داشتند.

اجلاس بر ضرورت فیصله صلح آمیز مسئله افغانستان و نیز اعاده استقلال، حاکمیت ملی، ماهیت عدم تعهد و هویت اسلامی افغانستان تأکید نمودند.

مردم افغانستان باید قادر باشند نوع دولت دلخواه خود را بدون مداخله و یا فشار خارجی انتخاب کنند. شرایطی باید به وجود آید که پناهندگان و مهاجرین افغانی داوطلبانه در کمال احترام و امنیت بخانه و کاشانه خود باز گردند.

اجلاس از همکاری فزاینده بین ایران و پاکستان برای فیصله عادلانه و صلح آمیز مسئله افغانستان که متناسب با اهداف جهاد افغانستان و آرمانهای مردم آن باشد، استقبال نمود.

کنفرانس ضمن تشکر از تلاشهای دبیر کل سازمان برای حل مسئله افغانستان و ضمن تأکید بر رعایت اصول اسلامی، طرح ۵ ماده ای سازمان ملل را دارای نکات مثبت می بیند. این بیانیه می تواند یکی از راههای احتمالی حل مسئله تلقی گردد و این طرح می تواند مورد بررسی بیشتر قرار گرفته پس از رفع ابهامات به عنوان یک راه حل جامع مورد پذیرش مردم افغانستان قرار گیرد. به هر صورت هر گونه طرح در مورد افغانستان باید منجر به ایجاد یک دولت اسلامی منتخب و مورد قبول مردم افغانستان واقع شود که جانشین

رژیم غیر قانونی حاکم بر کابل خواهد بود.

رهبران جهادی افغانستان بر اساس یک روحیه جهادی شرافتمندانه و آگاه از قربانیهای عظیمی که مردم افغانستان متحمل شدند و نیز مصیبت و مشقتی که بر آنها رفته است، عزم راسخ خود را برای تداوم تلاشها جهت حصول به صلح و راه حل عادلانه افغانستان مورد تأکید مجدد قرار دادند...»

«حزب وحدت و کنفرانس وزرا خارجه کشورهای اسلامی»

هیئت حزب وحدت اسلامی آقایان: هاشمی سنگچارکی و محقق زاده در بیستمین کنفرانس وزرا خارجه ۴۵ کشور اسلامی که در تاریخ ۱۳/۵/۱۳۷۰ در «استانبول» ترکیه برگزار گردید، شرکت کردند. در این کنفرانس، درباره تحولات عظیمی که در سطح جهان و منطقه بخصوص کشورهای اسلامی به وقوع پیوسته به بحث و تبادل نظر پرداختند، حوادث مهم جهانی و منطقه‌ای که تمام افکار جهان را به خود مشغول ساخته است قرار ذیل یاد آوری می شود.

- ۱- بحران خلیج فارس، آثار و پی آمد حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس
- ۲- سرکوب مردم مسلمان عراق اعم از شیعیان و کردهای آن کشور توسط رژیم بعث عراق
- ۳- نظم نوین جهانی که در سطح سیاست بین المللی به وجود آمده و یا در حال شکل گرفتن است و موقف کشورهای اسلامی در این رابطه
- ۴- مسئله خاور میانه، قیام مردم فلسطین و سرنوشت آینده با توجه به طرح جدید صلح آمریکا که سران کشورهای عربی به شمول کشور عربی سوریه، بدان موافقت کردند.
- ۵- مسئله افغانستان و راه حل سیاسی با توجه به شرکت مجاهدین در اجلاس وزرا خارجه اسلامی و به حالت تعلیق ماندن عضویت رژیم کابل در کنفرانس
- ۶- مسئله کشمیر اشغالی و قبرس و...

در پایان اجلاس اسلام آباد مذاکره که بین مجاهدین حزب وحدت اسلامی و اتحاد هفتگانه صورت گرفت قرار شد که ۵ نفر نماینده از حزب وحدت اسلامی در کمیسیون

تدوین و ارائه طرح که در پیشاور تشکیل شده شرکت کنند آقایان اسحق اخلاقی و سید حسین عالمی و غلام حسین شفق، حیات... بلاغی و... به عنوان نمایندگان حزب وحدت معرفی شدند.

«دومین اجلاس چهار جانبه تهران»

اجلاس مشترک وزرای خارجه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری پاکستان و رهبران مجاهدین افغانستان روز چهارشنبه ۷۰/۶/۶ در تهران برگزار شد، و در تاریخ ۷۰/۶/۷ خاتمه یافت در این اجلاس از طرف هیئت مجاهدین مستقر در پیشاور آقایان: صبغة الله مجددی، ربانی، گیلانی، مولوی بنی محمدی... از طرف حزب وحدت اسلامی آقایان: مرتضوی، دکتر سلطانی، اخلاقی، بلاغی، زکی، روح الله... اشتراک داشتند.

اجلاس چهار جانبه در تهران که در محل وزارت امور خارجه برگزار گردید، با سخنرانی آقای دکتر ولایتی آغاز بکار کرد. دکتر ولایتی در نطق افتتاحیه این اجلاس گفت: «صرف نظر از اشتراکات عمیق فرهنگی، دینی، سنتی و زبانی در بین مردم مسلمان سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان که زیر بنا طبیعی، نزدیکی ما را به یکدیگر فراهم ساخته است وجود حسن نیت، حسن همیاری، درک صحیح از تحولات منطقه ای و بین المللی، عامل اصلی چنین همبستگی مستحکمی بوده و استمرار این همبستگی می تواند علاوه بر کمک به حل نهایی مسئله افغانستان زمینه ساز همکاریهای گسترده سه کشور بعد از آزادی کامل افغانستان در سطوح منطقه ای و بین المللی باشد.

دکتر ولایتی درباره جهاد اسلامی افغانستان گفت: این جهاد علاوه بر سرافرازی مردم مسلمان این کشور در نزد جهانیان در کنار دیگر تحولات در منطقه، باعث دگرگونیهای عمیقی در سطوح منطقه ای و بین المللی گردیده که تاریخ و آینده سهم تحولات و حرکتهای اسلامی در منطقه نظیر پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین مبارزات مردم مسلمان افغانستان و حرکت جهادی آنها و انتفاضه در سرزمین اشغالی فلسطین نیز دگرگونیهای عمیق منطقه ای و بین المللی و بیداری دیگر ملل آزاده جهان را روشن خواهد ساخت.

سپس وی افزود: جمهوری اسلامی ایران که از ابتدا احصائ و آلام وارده بر مردم

مسلمان افغانستان را غمهای خویش می دانسته، همواره در کنار مردم و مبارزین مسلمان این کشور قرار داشته با حفظ اصول اسلامی و انسانی خویش در این زمینه مصمم است، همه توان خویش را در جهت حل قطعی مسئله افغانستان در شکل همکاری با پاکستان و مجاهدین مسلمان افغانستان بکار گیرد.

دکتر ولایتی افزود: ما اعتقاد داریم جهان اسلام باید ضمن حل مسئله افغانستان و دیگر مشکلات مسلمین، در شکل بخشیدن به یک نظم نوین جهانی مطابق با آرمانهای الهی خود سهم داشته و از شرایط و جو حاکم بر جهان به نفع امت اسلامی بهره برداری نماید...»
آنگاه آقای صیغه الله مجددی ضمن تشکر از کشورهای دوست و برادر پاکستان و ایران به اثر متقابل تغییرات و تحولات مناطق و کشورها در یکدیگر گفت: بدون ارتباط با دیگران، جوامع نمی توانند به حیات خود ادامه دهند وی تأکید کرد که خواهان ایجات تحکیم روابط همسایگان و کشورهای اسلامی می باشد.

آقای مرتضوی به نمایندگی از هیئت حزب وحدت گفت: گرمی اتحاد و اقتدار سنگرهای جهاد ما باعث امتیاز بیشتر و پذیرش مطلوب تر ما در جامعه بین المللی خواهد بود. اتفاق مجاهدین و تشکیل اجلاس چهار جانبه اسلام آباد و تهران را عامل خشم دشمن دانست و افزود پس از اجلاس سه جانبه، رژیم حاکم در کابل دیوانه وار به حمله علیه مناطق مسکونی و مردم بی دفاع پرداخته است.

در پایان اجلاس بیانیه مشترک صادر شد که متن آن به شرح زیر می باشد:

با عنایات الهی، دومین دور اجلاس سه جانبه با حضور جناب آقای اکرم زکی دبیر کل وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی پاکستان و رهبران مجاهدین افغانستان با میزبانی جناب آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی روزهای ۶ و ۷ سنبله ۱۳۷۰ مطابق با ۲۸ و ۲۹ آگوست ۱۹۹۱ در تهران برگزار شد.

این اجلاس با هدف جستجو و پیشبرد راه حل صلح آمیز و عادلانه مسئله افغانستان که در اجلاس ۷۰/۵/۸ در اسلام آباد مطرح گردید تشکیل شد.

اجلاس در محیط آکنده از اعتماد و اطمینان ضمن حمایت از مجاهدتهای به حق مردم

مسلمان افغانستان و از استمرار همکاریهای جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در جهت حل مسئله افغانستان در راستای اهداف جهاد ملت مسلمان و آرمانهای آنها بار دیگر ضرورت اعاده هویت اسلامی، مستقل و غیر متعهد افغانستان را مورد تأیید قرار داد. مردم افغانستان باید قادر باشند بدور از هرگونه فشار و مداخله خارجی سرنوشت خود را تعیین کنند.

اجلاس نسبت به حمایت بین المللی بویژه حمایت سازمان کنفرانس اسلامی و نماینده دبیرکل سازمان ملل پیرامون تصمیمات متخذه در دور اول، اظهار خرسندی کرد. سپس ابراز امیدواری کرد که جامعه بین المللی حمایت از این تلاش سه جانبه، در پیگیری راه حلی عادلانه و صلح آمیز همکاری به عمل آورد با توجه به ارزیابی مثبت به عمل آمده در اجلاس اسلام آباد از بیانیه ۵ ماده ای دبیرکل سازمان ملل متحد، اجلاس تهران مواضع اتخاذ شده قبلی در این زمینه را مورد تأکید مجدد قرار داده و توصیه کرد، هیئتی از نمایندگان مجاهدین افغانستان مقیم ایران و پاکستان با دبیرکل سازمان ملل متحد دیدار کرده و ضمن انتقال نظرات خویش گفتگوهای بیشتری در رابطه با بیانیه ارائه شده بعمل آورد.

اجلاس همچنین تصمیم گرفت که هیئتی در نشست آتی مجمع عمومی سازمان ملل و اجلاس سران کنفرانس اسلامی در «داکار» پایتخت کشور سنگال اعزام کند. این اجلاس به تحولات جاری در اتحاد شوروی توجه دقیق مبذول داشته و ابراز امیدواری کرد که این تحولات در جهت راه حل سریع مسئله افغانستان مفید واقع شود. احزاب مجاهدین افغانستان برای آغاز گفتگوهای اساسی با مسکو، اعلام آمادگی کردند.

اجلاس تأکید کرد که تنها اراده مردم مسلمان افغانستان آینده آن کشور را رقم خواهد زد. اجلاس بمباران اخیر مناطق مسکونی (بامیان) و کشتار مردم بی گناه افغانستان توسط رژیم کابل را محکوم کرد.

احزاب مجاهدین افغانستان همزمان با گسترده ساختن تلاشهای سیاسی، عزم راسخ

خود را بر تداوم جهاد تا وصول به اهداف اسلامی ابراز کردند. اجلاس بر اراده و عزم خویش در جهت نیل به صلح و حل عادلانه مسئله افغانستان که مردم سه کشور برادر افغانستان، ایران و پاکستان را قادر سازد تمامی تلاشهای خود را صرف ایجاد صلح و پیشرفت در کل منطقه کند تاکید کرد. هیئتهای پاکستان و مجاهدین افغانستان از مهمان نوازی گرم برادران ایرانی در برگزاری اجلاس دوم تشکر کردند. مقرر شد که دور سوم اجلاس در اسلام آباد تشکیل شود.

هیئت حزب وحدت در سازمان ملل

در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۰

بنا به دعوت دبیر کل سازمان ملل (آقای دکوئیار) هیئتی از سوی مجاهدین افغانی جهت مذاکره و راه یابی حل سیاسی افغانستان و شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل عازم (نیویورک) گردید که از سوی حزب وحدت اسلامی، آقای یوسف علی زکی و از سوی احزاب مستقر در پیشاور پاکستان، آقایان: صبغة الله مجددی، پیرگیلانی، مولوی بنی محمدی و آقای سید محمد علی جاوید در این هیئت عضویت داشتند.

هیئت مجاهدان افغانستان علاوه بر شرکت در جلسات عمومی سازمان ملل با شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان کشورهای عضو سازمان که در اجلاس عمومی حضور به عمل آورده بودند، ملاقات‌هایی داشتند که بطور خلاصه آورده می شود:

۱- ملاقات با دبیر کل سازمان ملل آقای دکوئیار:

در این دیدار آقای دکوئیار اظهار داشت که علاوه بر رهبران جهادی افغانستان، از شخصیت‌های سیاسی افغانی مقیم اروپا و آمریکا نیز در یک کشوری طرف دعوت شوند تا یک راه حل اساسی در قضیه کشور شما پیدا شود که این طرح از سوی هیئت مجاهدان پذیرفته شد و اظهار داشتند که قبل از دعوت، لیست مدعوین اروپایی برای رهبران جهادی ارائه گردد تا در آینده کدام پرابلم به وجود نیاید، که از سوی دبیر کل سازمان ملل با علاقه و گرمی پذیرفته شد.

۲- ملاقات با رئیس مجمع سازمان ملل آقای سمیر شهابی:

رئیس مجمع بعد از خیر مقدم و تقدیر از مجاهدان افغانستان، اظهار داشت که دولت مطبوع وی (عربستان سعودی) همواره از جهاد برحق شما حمایت کرده و من نیز به نوبه‌ای خود، در اجلاس سازمان ملل از شما حمایت می‌کنم و تأکید داشت که طرح سازمان ملل پذیرفته شود.

۳- ملاقات با دبیرکل کنفرانس اسلامی آقای حامد الغاب:

دبیرکل کنفرانس اسلامی از موضع مجاهدین حمایت نموده اظهار داشت که طرح دبیرکل سازمان ملل به نفع شما، جهت حل قضیه افغانستان است، قبول نمائید و من نیز در اجلاس آتی کنفرانس اسلامی از موضع شما حمایت می‌کنم.

۴- ملاقات با وزرای خارجه کشورهای اسلامی: که هر کدام قول مساعد برای همکاری در جهت حل قضیه افغانستان دادند.

۵- ملاقات با وزیر خارجه شوروی سابق:

وی بعد از ابراز امیدواری در جهت حل مسئله افغانستان طرحی را ارائه داد که: یکی از رهبران جهادی به عنوان رئیس جمهور افغانستان و آقای خالقیار صدر اعظم فعلی رژیم کابل به عنوان صدر اعظم دولت ائتلافی باشد. هیئت مجاهدین در این رابطه اظهار داشتند که مسئله، قابل شور و بررسی است.

۶- ملاقات با نمایندگان دائمی کشورهای: ژاپن، چین، فرانسه، آلمان، اتریش، پاکستان، تونس و بلژیک در سازمان ملل، در همه این دیدارها و مذاکرات همگی از طرح سازمان ملل حمایت می‌کردند که این طرح راه حلی است برای مسئله افغانستان

در حاشیه ملاقاتها، کنفرانس مطبوعاتی نیز دایر شد که در حدود ۴۰ نفر از خبرنگاران حضور داشتند. آقایان مجددی و سید احمد گیلانی و مولوی بنی محمدی از اتحاد هفتگانه مقیم پشاور و آقای زکی از حزب وحدت اسلامی در جایگاه قرار گرفته به سؤالات خبرنگاران پاسخ دادند.

نماینده حزب وحدت در هیئت مجاهدین با خبرنگار جمهوری اسلامی ایران و رادیو

دری آمریکا مصاحبه هایی انجام داد که بصورت مفصل پخش گردید که در آن گفتگوها انگیزه شرکت حزب وحدت در اجلاس سازمان ملل و موضع حزب وحدت اسلامی تشریح شد.

«مسکو و سفر مجاهدین»

تصمیم مجاهدین افغانستان برای سفر به مسکو جهت مذاکره با رهبران شوروی سابق در زمان گرفته شد که دگرگونی های مهمی در سیستم سیاسی و موضع گیری های آنها به وجود آمده بود تعدیلات قریب به ۱۸۰ درجه ای در روابط خارجی و بین المللی شوروی سابق دیده می شد. با آنکه پاسخ مثبت رهبران جهادی جهت سفر به مسکو که در اجلاس تهران مطرح شده بود باز هم سؤالهایی بر انگیزت که باعث تأخیر از سفر به مسکو گردید. این سفر به دعوت روسیه صورت گرفت و آنها چه منظوری داشتند؟ پاسخ روشن است. شورویها از این سفر اهداف خاص خود را تعقیب می کردند که مهمترین آنها:

۱- زمینه سازی برای آینده افغانستان که حداقل بتوانند در آینده جای پائی در این کشور داشته باشند.

۲- در خواست آزادی اسرایشان که در زمان اشغال بدست مجاهدین افتادند؛ زیرا رهبران شوروی سابق سخت تحت فشار افکار عمومی مردم خود قرار داشتند و در برابر افکار مردم خود هیچگونه دلیل و توجیهی نداشتند. زیرا فرزندان این مردم در جنگی کشته و اسیر شده اند که برای اشغال یک کشور مستقل اعزام شده بودند.

۳- جلوگیری از نفوذ کامل آمریکا در منطقه افغانستان، البته با پندار شورویها! در حالیکه مردم افغانستان همان گونه که با متجاوزین شوروی سابق مبارزه کردند، با هر کشور دیگری که اهداف استعماری داشته باشند مقابله خواهند کرد.

و اما مجاهدین از سفر به مسکو اهداف خاص خود را دنبال می کردند:

۱- اهمیت تبلیغاتی آن: سفر مجاهدین به مسکو در شرایطی صورت می گیرد که شورویها با خفت و خواری از افغانستان بیرون رانده شده و هیئت مجاهدین پیروز و مغرور وارد مسکو می شوند. و از نظر تبلیغاتی آنچنان اهمیت دارد که مجاهدین مبارزات خود را

علیه اشغالگران تا قلب مسکو کشانده اند.

۲- در خواست غرامت جنگی از روسها که افغانستان را بدون موجب و دلیلی به ویرانه‌ای تبدیل ساخته‌اند.

۳- آزادی زندانیان سیاسی که در دوران تجاوز اسیر زندانی شده‌اند. آزادی اسرا و زندانیان آنچنان که برای روسها اهمیت دارد، برای مجاهدین به مراتب بالاتر و برتر از آن؛ زیرا از روسها اگر افرادی اسیر شده‌اند، اسیرانی هستند که در میدان جنگ علیه مجاهدین به اسارت در آمده‌اند و برای اشغال یک کشور مستقل وارد جنگ شده و قاتل مردم افغانستان به شمار می‌آیند ولی اسرای ما که اکثراً چهره‌های علمی، سیاسی، دانشمندان و کارگران ساده و مظلوم بوده‌اند که بدون هیچ جرم و تقصیری از خانه هایشان برده شده‌اند که تاکنون از سرنوشت آنها خبری نیست و هزاران اطفال معصوم و زنان مظلوم به امید بازگشت شان به انتظار نشسته‌اند و اشک می‌ریزند.

سرانجام سفر مجاهدین به مسکو انجام شد. هیئت حزب وحدت اسلامی افغانستان آقایان: سید رحمت الله مرتضوی، فیاض، شیخ زاده، عزیزالله شفق و سلطانی روز یکشنبه ۱۳۷۰/۸/۱۹ ساعت ۴/۴۵ دقیقه از تهران پرواز و در شهر تفلیس برای سوخت گیری توقف نمودند و ساعت ۱۱/۲۰ دقیقه به مسکو رسیدند و در هتل نزدیک به وزارت خارجه روسیه اقامت گزیدند.

روز دوشنبه ۱۳۷۰/۸/۲۰ هیئت حزب وحدت با هیئت اتحاد هفتگانه افغانستان مقیم پیشاور به ریاست آقای برهان الدین ربانی، که آقای مولوی بنی محمدی و آقای محسنی رهبر حرکت اسلامی با وی همراه بود، قبل از ظهر آن روز با آقای روستکوی معاون ریاست جمهوری روسیه ملاقات نمودند بعد از ظهر در یکی از استادیوم‌ها با پدران و مادران و اقارب اسرا، مفقودین سربازان شوروی دیدار داشتند و آنها خواستار آزادی اسرایشان از هیئت مجاهدین بودند.

پس از آن در ساعت ۸ شب با علمای فدراسیون روسیه و خطیب مسجد جامع مسکو، آقای (راویل عین الدین) ملاقات صورت گرفت آقای عین الدین گفت: که در شهر

ولگا ۱۴۳۰۰ مسجد وجود داشت که فعلاً فقط ۸۰ مسجد باقی مانده و ۳۰ هزار نفر از علمای اسلامی در این شهر مجازات و شهید شدند. وی گفت: فعلاً در مسکو کرسیهای اسلامی افتتاح شده که برای افراد از ده تا هفتاد ساله مبادی اولیه دینی مانند: وضو، غسل، تصحیح کلمات شهادتین آموزش داده میشود.

روز سه شنبه ۷۰/۸/۲۱ با وزیر امور خارجه روسیه ملاقات مفصلی انجام شد گفتگوها پیرامون حل مسئله افغانستان دور میزد در این سفر دعوتیهایی از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در مسکو به افتخار هیئت مجاهدین برگزار شد. و در پایان قطعنامه صادر شد که به قرار ذیل می باشد:

۱- تمام حکومتهای متکی به حمایت اتحاد شوروی در افغانستان، غیر قانونی بوده مخالف اراده ملت مسلمان افغانستان شمرده می شود.

۲- تقبیح دستور غیر قانونی اعزام سپاه شوروی به افغانستان و شرکت اتحاد شوروی در جنگی که رنجها و دردهای بی شماری را به ملت مسلمان افغانستان تحمیل نمود.

۳- طرفین لزوم انتقال قدرت و انتقال تمام صلاحیتهای دولتی را به حکومت اسلامی انتقالی مجاهدین افغانستان را تأیید کردند.

۴- هیئت مجاهدین تأیید کردند که در ظرف دو سال پس از انتقال قدرت از رژیم کابل به حکومت انتقالی، انتخابات سرتاسری افغانستان را به همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل به راه اندازند.

۵- هیئت مجاهدین موافقه دارند تا بخاطر آزاد سازی هر چه زودتر اسیران جنگی اتحاد شوروی از هیچگونه کوششی دریغ نورزند در این جهت در قدم نخست فهرستی از اسیران جنگی را در حد امکان تا اول جنوری ۱۹۹۲ میسر خواهند ساخت. و در عین زمان طرف شوروی موافقت می کند که از تمام امکانات خویش جهت مساعدت به رهایی مجاهدین که در حبس رژیم کابل هستند، تا اول جنوری ۱۹۹۲ استفاده نماید.

۶- جانب شوروی موافقت میکند که بتاريخ ۲۰ نوامبر ۱۹۹۱ تمام امکانات نظامی، وسایل حربی، مواد سوخت و وسایط جنگی خود را برای رژیم کابل قطع نماید و جهت

کاهش قطعی پرسنل نظامی من بعد به احضار همه آنها از افغانستان اقدام کند.

۷- طرف شوروی مسئله قطع هر نوع کمک را که به ادامه فعالیت‌های محاروبی مستقیماً مساعدت میکند. کاملاً بررسی خواهد نمود.

۸- طرف شوروی خود را از نگاه حقوقی و اخلاقی در اعمار مجدد افغانستان متعهد می داند سرانجام سفر مجاهدین به مسکو با افتخار و سربلندی صورت گرفت، در این سفر بود که روسها علناً به جرم خود اعتراف کردند که با اشغال افغانستان اشتباه بزرگ را در تاریخ مرتکب شده‌اند.

در این سفر بود که مردم مسکو اعم از زنان، مردان با عجز و ناتوانی تقاضا می کردند که فرزندان‌شان آزاد شوند و سردمداران کرملین را علناً نفرین می کردند.

هیئت اعزامی مجاهدین نیز به حکم اسلامی و احترام به انسانیت و نشان دادن حسن نیت یکی از اسرا شوروی را در برگشت شان آزاد و به والدینش تحویل دادند که باعث احترام مجاهدین در ساحه سیاسی و بین المللی گردید.

« هیئت حزب وحدت اسلامی در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در

سنگال

اینجانب همراه با جناب آقای محمد اسحق اخلاقی و آقای دکتر هدی ریاضی با تصویب اعضای شورای نمایندگی، در ششمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در «داکار» پایتخت سنگال، به عنوان نماینده حزب وحدت اسلامی شرکت نمودیم جلسه مقدماتی و زراخارجه کشورهای اسلامی در روز پنجشنبه ۷۰/۹/۱۴ برگزار شد محورهای عمده بحث مسئله فلسطین، افغانستان، سودان، جامو و کشمیر و جزیره مایوت القمر و... بود و در این رابطه سه کمیسیون تشکیل شد و هر یک از این کمیسیونها، کرسی افغانستان قرار داشت و هیئت حزب وحدت اسلامی در هر یک از این کمیسیونها به عنوان نماینده مجاهدین حضور به هم رسانیده و در کرسی افغانستان قرار گرفتند و اینکار سه روز یعنی پنجشنبه، جمعه و شنبه ادامه داشت روز یکشنبه تاریخ ۷۰/۹/۱۷ سران و رؤسای کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری وارد «داکار» شدند. روز دوشنبه ۷۰/۹/۱۸

اجلاس سران با سخنرانی آقای عبد وضوف رئیس جمهور کشور سنگال افتتاح گردید و سران کشورهای اسلامی هر کدام پیرامون اوضاع سیاسی جهان اسلام سخنرانی ایراد کردند در این میان سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور کشور ایران که بیانگر دردها و رنجهای مسلمین جهان بود و دردمندانه حرف میزد، توجه همه را جلب نمود. رؤسای جمهوری کشورهای اسلامی، وزرای امور خارجه، خبرنگاران و کلاً اعضای شرکت کننده پیرامون ایشان گرد آمده و مورد تقدیر و ستایش قرار دادند. در این کنفرانس:

علاوه بر حزب وحدت اسلامی افغانستان بسیاری از سران و مسئولین جهادی افغانستان چون آقای صبغة الله مجددی و جناب آقای محسنی، آقای برهان الدین ربانی، مولوی بنی محمدی آقای سید احمد گیلانی، آقای مولوی نصرالله منصور و آقای قاضی امین وقاد نیز در کنفرانس حضور داشتند و آقای مجددی پیرامون اوضاع سیاسی و مشکلات اجتماعی افغانستان سخنانی ایراد نمودند. در تاریخ ۷۰/۹/۲۰ اجلاس سران پایان یافت و قطعنامه پایانی کنفرانس صادر شد و در رابطه با افغانستان مواد زیر تذکر داده شد:

- ۱- تقدیر از جهاد مستمر و خستگی ناپذیر ملت قهرمان افغانستان
- ۲- تلاش برای حل مسئله افغانستان بدان سان که مردم افغانستان خود حاکم بر سرنوشت خود باشند هیچ یک از کشورهای خارجی حق دخالت ندارند.
- ۳- اجلاس سه جانبه ایران، پاکستان، مجاهدین و شوروی سابق در راستای طرح سازمان ملل مورد و تأکید و تأیید قرار گرفت.
- ۴- همکاری با جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در جهت بهبود وضعیت مهاجرین افغانستان

و اما فعالیت حزب وحدت در سنگال:

- ۱- تکثیر و پخش بیانیه رسمی حزب وحدت اسلامی افغانستان در کنفرانس
- ۲- مصاحبه با خبرنگاران مجلات عربی، آفریقایی و اروپایی یعنی مجله عربی لبنان،

روزنامه سنگال بنام «سولو» یعنی روزنامه خورشید مربوط به حکومت سنگال، مصاحبه با روزنامه عربی «الأصدا» مربوط به یکی از احزاب اسلامی سنگال، مصاحبه با خبرنگار رادیو و تلویزیون عربی لندن، مصاحبه با مجله عربی «مدینه منوره» و روتر

۳- ملاقات با دبیر کل کنفرانس اسلامی آقای حامد الغابد، ابتدا نامه ریاست محترم شورای نمایندگی به ایشان تسلیم شد و سپس پیرامون مسایل سیاسی افغانستان مذاکراتی به عمل آمد و راه حلهایی مورد ارزیابی قرار گرفت و همینطور پیرامون وضعیت اقتصادی مردم افغانستان بخصوص مناطق مرکزی کشور یعنی هزاره جات که در سال جاری دچار سیل زدگی وحشتناک و آفات زراعتی شده است، صحبت هایی صورت گرفت و هیئت حزب وحدت پیشنهاد داد که شماره حساب بانکی برای کمک به ملت افغانستان افتتاح شود. آقای دبیر کل از مجاهدت مردم افغانستان تقدیر نمود و خاطر نشان ساخت که مسئله افغانستان در کنفرانس اسلامی از جایگاه قوی و مطمئن برخوردار است و اضافه نمود که من نماینده ویژه ای برای افغانستان تعیین نمودم که با ایشان صحبت کنید.

۴- ملاقات با معاون دبیر کل آقای ابراهیم صالح البکر نماینده دبیر کل در امور

افغانستان

۵- دیدار با شیخ الاسلام رئیس هیئت نمایندگی آذربایجان شوروی سابق و در این اجلاس آذربایجان به عنوانی یک کشور مستقل به عضویت کنفرانس اسلامی پذیرفته شد و همینطور مذاکرات با بسیاری از هیئتهای نمایندگی صورت گرفت.

۶- مصاحبه با رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران و روزنامه های این کشور که به صورت بسیار وسیع پخش گردید.

« سمینار حزب وحدت اسلامی افغانستان در آلمان »

سمینار بررسی مسائل سیاسی افغانستان در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۱ مطابق با برج جدی ۱۳۷۰ در محل نمایندگی حزب وحدت اسلامی در شهر هامبورگ آلمان برگزار گردید که در آن بیش از ۲۰۰ نفر از صاحب نظران و تحلیل گران مسائل سیاسی افغانستان از کشورهای ایران، پاکستان، عربستان سعودی، آمریکا، کانادا، استرالیا، دانمارک، آلمان،

فرانسه، انگلستان، سوئیس، اتریش و ژاپن شرکت کرده بودند.

در این سمینار عده‌ای از شخصیت‌های اسلامی و روشنفکران از خواهران و برادران از جمله ریاست محترم نمایندگی تهران جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای فیاض سخترانی کردند و ما برای اختصار تنها اکتفا می‌کنیم به بیانیه جمعی که از سوی شورای نمایندگی تهران در این سمینار قرائت شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

«واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء يخالف بين

قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً» قرآن کریم

انقلاب اسلامی افغانستان به عنوان یک پدیده مهم سیاسی و یک تحول شگرف و عظیم اجتماعی نه تنها در محدوده افغانستان که در سطح جهانی و بین‌المللی بازتابها و پیامدهای زیادی را بر جای گذاشت و تغییرات و دگرگونیهای فراوانی را در محاسبات سیاسی و نظامی و بنیادهای فکر و فرهنگی پدید آورد و اکنون با عبور از پیچ و خمهای متعدد سیاسی و نظامی در موقعیت بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای قرار گرفته است.

مردم مسلمان ما در طول چهارده سال با کمال عزت و اقتدار و سربلندی در برابر تمام توطئه‌ها و دسایس دشمنان اسلامی مقاومت کرده و در این آوردگاه تاریخی، با دفاع مردانه از موجودیت و استقلال خود دشمن متجاوز و اشغالگر را مجبور به تسلیم و اعتراف به مظلومیت و حقانیت خود نمود اما هنوز هم راه دراز و طولانی و بسی سخت و دشواری در پیش دارد و کمینگاه‌های زیادی هنوز هم فتح نشده باقی مانده ویر پویندگان و جویندگان حق و حقیقت است که با درایت و هوشیاری و پایمردی این حرکت را تا فتح آخرین قله‌ها ادامه دهند و کاروان انقلاب را به سر منزل مقصود برسانند انقلاب ما در پیدایش خود، با شاخصه‌ها و اهداف و یک سلسله آرمانها و ایمانهای ویژه‌ای آغاز گردید و تا همه آن اهداف و آرمانها، تحقق عینی پیدا نکند هرگز نمی‌توان خود را به مرحله پیروزی نزدیک دانست در مورد شاخصه‌های انقلاب می‌توان به چند محور عمده اشاره کرد.

۱- ایمان و اعتقاد به ایدئولوژی اسلامی و باورهای توحیدی، عامل بسیار عمده و پویا

و دینامیک درپیدایش و گسترش انقلاب بوده و استراتژی سیاسی - جهادی انقلاب نیز بر پایه همین مبنا تبیین و تعیین شده است.

۲- روحیه ضد تجاوز و ضد اجنبی که جزء منش و شخصیت فرهنگی تاریخ مردم ما است یک محرک قوی و نیرومند در ایجاد واکنش سریع مردم مبنی بر قیام مسلحانه بر ضد تجاوز و قطع مداخلات خارجی بوده و از نظر حقوق بین المللی نیز خود یک پایه منطقی و معقول برای حرکت جهادی ما شمرده می شود.

۳- فراگیری و شمول نیز یکی از شاخصه های انقلاب است. یعنی همه ملیتها و اقوام و قبائل مسلمان همه مناطق و ولایات کشور و همه احزاب و گروه های سیاسی و جهادی و همه اقشار و اصناف و طبقات مردم هر کدام به تناسب توان و امکانات خود در انقلاب سهم گرفته و در شکستها و پیروزیها نقش داشته است و هرگز نمی توان فردی و یا گروهی و یا ملیت و صنف خاصی را آغازگر و صاحب و مالک تام الاختیار انقلاب پنداشت.

بر اساس شاخصه های مذکور، اهداف اصولی و کلی انقلاب نیز بطور روشن و صریح در چند اصل ذیل تبارز و نمود پیدا می کند: «اصل استقلال، اصل آزادی، اصل عدالت، اصل حکومت اسلامی در افغانستان» و تا آن روزی که این اصول که حق طبیعی، قانونی و انسانی ملت ما است تأمین نشود، انقلاب به اهداف خود نرسیده و جهاد ما همچنان ادامه خواهد داشت و ناگفته پیدا است که نتیجه منطقی این شاخصه ها و باورها این است که هرگونه حرکت و اقدامی که برخلاف ایدئولوژی اسلامی و استراتژی دفع تجاوز و مداخله اجنبی و برخلاف جنبه شمول و فرا ملیتی انقلاب صورت گیرد، یک نوع انحراف صریح، و نا بخشودنی از مسیر انقلاب تلقی شده است.

برادران و خواهران مسلمان!

همان طوریکه اشاره شد یکی از ویژگی های مهم انقلاب ما جنبه شمول و فراگیری آن می باشد زیرا با وقوع کودتای باند خلق و پرچم در ۷ نور ۱۳۵۷ و تجاوز آشکار روسها در ۶ جدی ۵۸، همه ملیتها و همه اقوام و قبایل مسلمان ساکن کشور اعم از پشتو و هزاره و تاجیک و ازبک و نورستانی و بلوچ و غیره براساس اعتقادات و فرهنگ مشترک و برای

دفاع از سرزمین و کشور، و تاریخ مشترک، قیام مسلحانه را در سرزمین افغانستان آغاز کردند و در این میان شیعیان افغانستان که اقلیت بزرگ و بخش عظیمی از جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند، با ویژگی خاصی در صحنه جهاد کوشیدند و در کنار سایر همزمان و همسنگران پشتو و تاجیک و ازبک خود، مردانه و شجاعانه از ناموس وطن دفاع کردند. در قیام ۲ سرطان ۵۷ کابل و قیام ۲۴ حوت ۵۷ هرات و قیام ۳ حوت ۵۸ کابل نقش عمده و اصلی به عهده داشتند و هنوز سال ۵۷ به آخر نرسیده بود که مردم مسلمان دره صوف و سپس همه ولسوالیها و ولایات شمال افغانستان قیام کردند و در آغاز سال ۵۸ مردم ما در ولایات ارزگان، بامیان، میدان، غزنی و غیره قیام را آغاز و در مدت کوتاهی دهها ولسوالی را از لوث وجود خلقیان ناپاک، پاک ساختند و تاکنون که در حدود سیزده سال از آن تاریخ سپری می شود، مردم ما همه مناطق هزاره جات و بخش وسیعی از مناطق ترکستان را در اختیار کامل خود دارند و در طول این مدت ارتش اشغالگر روس و مزدوران روسی خلق و پرچم با همه تلاشها و تهاجمات وسیع و گسترده خود نتوانستند حتی یک گام به سوی این مناطق نزدیک شوند و هر بار که در خیال خام خود، به فکر حمله و تسخیر هزاره جات افتادند، پشته‌هایی که از کشته‌های خود بجای گذاشتند و ذیلانۀ فرار و عقب نشینی کردند و آخرین نمونه در این رابطه مرکز ولایت بزرگ بامیان است که در سال ۶۷ بدست پرتوان مجاهدین دلیر ما فتح گردید و فعلاً مرکزیت حزب وحدت اسلامی افغانستان در آنجا مستقر است. شیعیان افغانستان در قبال انقلاب این رستاخیز عظیم ملی و اسلامی، خسارت و ضایعات جبران ناپذیری را متحمل گردیدند. صدها تن از آیات و علمای طراز اول و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و دکترا و تحصیلکرده‌ها و عناصر مبارز و متفکر ما، توسط خلقیها دستگیر و زندانی و شهید شدند و سرنوشت بسیاری از آنان تاکنون هم برای ما نامعلوم است. مدارس و مراکز مذهبی و حوزات علمیۀ ما توسط آنها مسدود و یا تخریب شدند و هزاران تن از مردم بیگناه در بمباران و تهاجمات وحشیانۀ روسها و مزدوران آنها شهید و مزارع و منازل و حرث و نسل ما تباه شدند و نزدیک به ۲ میلیون نفر از این مردم در حال آوارگی هستند که اکثریت آنها فعلاً در ایران و پاکستان

سکونت دارند.

جامعه شیعی افغانستان از نظر سیاسی نیز همواره آماج توطئه و نیرنگ های گوناگون بوده و هست، دولت مزدور و ملحد کابل با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه، به طور مکرر سعی نموده که با تکیه بر ستمهایی که در طول تاریخ بر این مردم اعمال شده، احساسات آنها را تحریک کرده، با وعده هایی از قبیل خود مختاری هزاره جات و غیره، شیعیان را از صف جهاد جدا کرده و به خود ملحق سازد و بدین ترتیب در میان شیعه و سنی اختلاف انداخته و به حاکمیت خود ادامه دهد از سوی دیگر کشورهای غربی و عربی و همه دولتهایی که به هر دلیلی در قضیه افغانستان از مجاهدین حمایت می کردند، براساس برداشتهای انحرافی و ناصحیح و یا به جهت بی خبری از واقعیتهای جامعه افغانستان، شیعیان را کاملاً نادیده گرفته و در طول ۱۳ سال گذشته همه کمکهای شانرا در اختیار گروه و یا گروههای خاصی قرار دادند و بدین ترتیب جامعه شیعی افغانستان از تمام کمکهای مالی و اقتصادی و بهداشتی و نظامی و غیره کاملاً محروم باقی ماندند. اما خدای را سپاسگذاریم که مردم ما در قبال همه این توطئه ها و محرومیتها سربلند و سرافراز، استقلال و آزادی خود را حفظ کرده و بدون وابستگی به هیچ قدرت و دولتی، جهاد و پیکار مقدس را بر ضد دشمنان اسلام و انقلاب تاکنون ادامه داده و تا پیروزی نهایی هم ادامه خواهند داد.

مطلب مهم دیگری که در این رابطه لازم به یادآوری می باشد، حرکت جدی و پیگیر وحدت خواهانه در جامعه ما است. ما از آغاز انقلاب بدین باور بودیم که بدون وحدت سرتاسری و فراگیر مجاهدین و هم اقشار مردم نه تنها صعود بر قله پیروزی امکان پذیر نیست که تعدد گروهی و حزبی و اختلافات فرقه ای و قومی و نژادی، یک سلسله درگیریهای داخلی و در نتیجه ضعیف شدن نیروهای جهادی و قوی شدن دشمن را نیز باعث خواهد شد. از این رو حرکت وحدت خواهانه از سال ۵۸ آغاز گردید و به صورت مستمر و وقفه ناپذیر ادامه یافت و سرانجام در ۲۵ سرطان ۶۷ به ثمر نشست و حزب وحدت اسلامی افغانستان با حضور قوماندانها و مسئولین و نمایندگان تام الاختیار گروهها

و سازمانهای قبلی به طور رسمی تشکیل و تأسیس شده و شروع بکار کرد. در سال ۶۹ شورای نمایندگی در تهران نیز تشکیل شد و با ادغام همه دفاتر و نمایندگی های احزاب منحل، نمایندگی حزب وحدت اسلامی فعالیت خود را آغاز نمود، و اکنون بحمدلله حزب وحدت اسلامی در ۱۵ ولایت کشور در مناطق وسیعی از مرکز و شمال و جنوب و غرب افغانستان از نفوذ و حاکمیت چشمگیری برخوردار و در ساحه های مختلف سیاسی و نظامی و فرهنگی از نظر معنوی و فیزیکی حضور مؤثر دارد و از نظر تشکیلات داخلی خود نیز از سازماندهی و استحکام قابل توجهی برخوردار می باشد. که تشکیل اولین کنگره حزبی آن در دومین سالگرد تأسیس، با حضور بیش از ده هزار از مسئولین و فرماندهان و عناصر برجسته حزبی داخل و خارج کشور، در مرکز بامیان، شاهد این ادعا و دلیل توانمندی و موقعیت ویژه سیاسی و نظامی و مردمی حزب وحدت اسلامی افغانستان است. برادران و خواهران مهاجر و مجاهد!

همانطوریکه اشاره شد مبنای تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان، وحدت خواهی و انسجام طلبی است سیاست ما سیاست تفاهم نیروها و توحید صفوف است، ما معتقدیم که تنها و اولین و آخرین راه و برای پیروزی نهایی مجاهدین مسلمان در افغانستان، وحدت عام و فراگیر ملی حول محور و مرکزیت اسلام است و در فردای پیروزی نیز تنها در سایه وحدت فراگیر و مستحکم ملی است که می توانیم از کشور ویرانه و جنگ زده خود یک افغانستان آزاد و مستقل و آباد و تجزیه ناپذیر بسازیم و نظام عدل اسلام را در آنجا مستقر گردانیم، بر این اساس باید گفت هر نوع فرقه گرایی، و حرکت های خود محورانه و نسنجیده و نادیده گرفتن حقوق سیاسی و اجتماعی همدیگر، در شرایط حساس کنونی، ضربه جبران ناپذیری بر پیکر انقلاب خواهد بود.

ما باید از حوادث و تحولات ۱۴ سال گذشته درس و عبرت بگیریم، هنوز از یادمان نرفته است که در هنگام خروج قشون اشغالگر روس از افغانستان چه تحلیلها و تفسیرهایی می شد و چه اقداماتی در این زمینه صورت گرفت اما سرانجام جز ایجاد وقفه تأخیر در پیروزی جهاد، نتیجه دیگری حاصل نشد و شورای مشورتی با آنهمه تبلیغات و تشریفات و

سرمایه گذاری های سنگین، بخاطر آنکه بافت ناهماهنگ و غیر منطقی داشت جز تشکیل دولت موقت توسط عده خاصی ثمره دیگری در پی نداشت و این دولت موقت هم بجای اینکه انسجام و هماهنگی مجاهدین را سبب شود، موجبات اختلافات حاد و تندی را فراهم ساخت و در نتیجه خود نیز سقوط کرد.

اگر حوادث و اخبار چند سال اخیر را مطالعه کنیم نتیجه می گیریم که شدید ترین اختلافات و کشمکشها و تبلیغات تند و زهر آگین علیه همدیگر در همین سه سال اخیر یعنی در زمان دولت موقت صورت گرفته است. باید اندکی تأمل کنیم که چرا چنین شد؟ چرا انتظارات مردم و مجاهدین بر آورده نشد؟ چرا در پیروزی نهایی ما این همه تأخیر و وقفه پدید آمد؟

البته عوامل متعدد داخلی و خارجی در این رابطه قابل بحث است اما عامل عمده و برجسته، تفرقه و اختلافات و ناهماهنگی مجاهدین و گروهها و احزاب سیاسی می باشد. البته اینکه راه اصلی پیروزی، اقدام و راه حل نظامی است یا مذاکره و راه حل سیاسی معتقدیم که در هر دو محور باید تلاش شود و لذا حزب وحدت اسلامی افغانستان در مدت ۲ سال گذشته هم شدیدترین و سنگین ترین عملیات نظامی را داشته و هم در همه اجلاسها و مذاکرات سیاسی فعالانه شرکت ورزیده است اما در هر دو مورد اعتقاد ما بر این است که تا بین مجاهدین یک وحدت نظر اصولی و اتحاد عملی به وجود نیاید نه در مذاکرات سیاسی و راه حل های مسالمت آمیز، موفقیت خواهند داشت و نه در اقدامات و عملیات نظامی و این وحدت هم به وجود نخواهد آمد مگر اینکه در همه طرحها و اقدامات خود دو محور عمده را مورد توجه قرار دهیم:

اول: اینکه انقلاب ما اسلامی و خواست مردم ما برقراری حکومت اسلامی در افغانستان است بنا بر این هرگونه سازش با دشمنان اسلام و تن دادن به حکومت غیر اسلامی، مردود و غیر قابل قبول است.

دوم: اینکه واقعیتهای اجتماعی و بافت ویژه جامعه افغانستان نیز باید مورد توجه قرار گرفته و در هر طرح و اقدامی، حقوق همه ملیتها و همه اقشار جامعه از زن و مرد و همه

احزاب جهادی به تناسب سهم آنها و در جهاد، میزان جمعیت و نفوس آنها رعایت گردد و گر نه اقدامات سیاسی چون واقعیتهای عینی جامعه را نمی تواند تغییر دهد بنا چار مورد مخالفت قرار گرفته و به شکست خواهد انجامید بنا بر این حزب وحدت اسلامی افغانستان معتقد است که در مورد طرح شورای قیادی، دولت انتقالی و انتخابات و هر طرح دیگر، باید حاکمیت اسلام و بافت اجتماعی و فرهنگی افغانستان به عنوان دو محور عمده مورد توجه قرار گیرد و گر نه مورد قبول ملت و مجاهدین سنگردار انقلاب واقع نشده و همچون موارد گذشته منجر به شکست خواهد شد.

برادران و هموطنان مهاجر!

مسئله دیگری که عطف توجه جدی شما را بدان خواهانیم، وضعیت اسفبار کنونی مناطق محروم کشور خصوصاً هزاره جات است همان طوریکه می دانید هزاره جات از محرومترین و عقب مانده ترین مناطق کشور می باشد که در طول تاریخ نه تنها از طرف دولت های وقت مورد توجه و عنایت قرار نگرفته که ستمها، تبعیضها و حق کشیهای فراوان را نیز شاهد بوده است و از سوی دیگر در دوره انقلاب هم بار سنگین جهاد و خسارتهای ناشی از جنگ از یک طرف و محروم بودن از کمکهای خارج از طرف دیگر، اکنون مردم این سامان را به سوی فاجعه عمومی سوق داده است.

آنچه در این رابطه به طور عریان و آشکار جلب توجه می کند سه مسئله است:

الف: وضعیت نابسامان اقتصادی و قحطی و گرانی سرسام آور مخصوصاً در سال جاری که به خاطر جریان سیلاب و از بین رفتن مزارع و منازل و سد ها و پلها و قناتها و جویها، حرمان و بدبختی مردم مضاعف شده است. آخرین پیام رسیده از شورای مرکزی حزب در بامیان حاکی از این است که مردم مناطق مرکزی در حال مرگند. اگر کمک فوری نرسد یک فاجعه عمومی خلق خواهد شد. به همین جهت در همین ایام دهها هزار خانوار از مهاجرین مناطق مرکزی در مرزهای پاکستان و ایران به سر می برند که وضعیت اسف بار و بسیار نامطلوبی دارند و افراد زیادی مخصوصاً پیران و سالخوردگان و کودکان خردسال یا از جهت بیماری و یا از جهت سرما و گرسنگی جان داده اند و تعدادی هم در مسیر راه

مفقود الاثر شده‌اند این وضعیت در حالی است که استکبار جهانی و عمال آنها به خاطر کمک جزئی که از طرف هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از طریق هواپیما ارسال شده، این همه بوق و کرنا راه می‌اندازند و موضوع مداخله اجانب را مطرح می‌سازند اما نمی‌خواهند بدانند که در آنجا چند میلیون انسان مسلمان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند و احتیاج به کمکهای فوری و عاجل دارند آیا برآستی دریافت چند بسته مواد غذایی و پتو و لباس و کفش مداخله محسوب می‌شود اما دریافت توپ و تانک غنیمت گرفته شده در جنگ عراق و دریافت میلیونها دلار و ریال و کلدان مداخله نیست؟ بهر حال ما از همه دولتها و ملتها و مؤسسات بین المللی می‌خواهیم که به وضعیت بحرانی هزاره‌جات توجه کرده و کمکهای مالی و درمانی خود را هر چه زودتر برای این مردم ارسال کنند. مابه طور صریح اعلام می‌کنیم میدان هوایی بامیان و سایر مناطق هزاره جات بر روی همه هواپیماهای هلال احمر و صلیب سرخ و مؤسسات کمک رسان بین المللی باز است و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی در بامیان از دریافت هر نوع کمک بشر دوستانه غیر مشروط استقبال می‌کند.

وضعیت نابسامان فرهنگی و محرومیت این مناطق از تعلیم و تربیت و مسئله سوم هم موضوع اعمار و باز سازی مناطق کشور است حزب وحدت اسلامی افغانستان در هر دو مورد طرحهای متعددی را آماده کرده و بعضی را هم در دست اقدام دارد اما با کمال تأسف در هر دو مورد نه امکانات اقتصادی و مالی کافی و لازم وجود دارد و نه نیروهای متخصص متعهد و فداکار که با دلسوزی و ایثار، فکر و اندیشه و تخصص خود را در خدمت مردم گذاشته و در اجرای پروژه های مورد نظر کمک و همکاری نمایند.

ما از همه فرهنگیان و معلمان و داکتران و انجیران متعهد خود در خارج از کشور می‌خواهیم که به یاری مردم محروم و مظلوم خود در داخل کشور شتافته و در حد امکان در تعلیم و تربیه و اعمار مناطق سهم بگیرند و بدانند که بحمدلله فعلاً در تمام مناطق تحت نفوذ حزب وحدت اسلامی افغانستان، زمینه سیاسی و اجتماعی برای هر کار و خدمتی آماده است.

به امید روزی که پیروزی نهایی مجاهدین سربلند و کفر ستیز خود را جشن گرفته و چنین محافل سیاسی و علمی را در مرکز بامیان و کابل دایر سازیم و همه با هم در جهت رشد و شکوفایی به بهروزی مردم و کشور خود تلاش نمائیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته علی فیاض

رئیس شورای نمایندگی حزب وحدت - تهران

۲۲ دسامبر ۱۹۹۱ م.

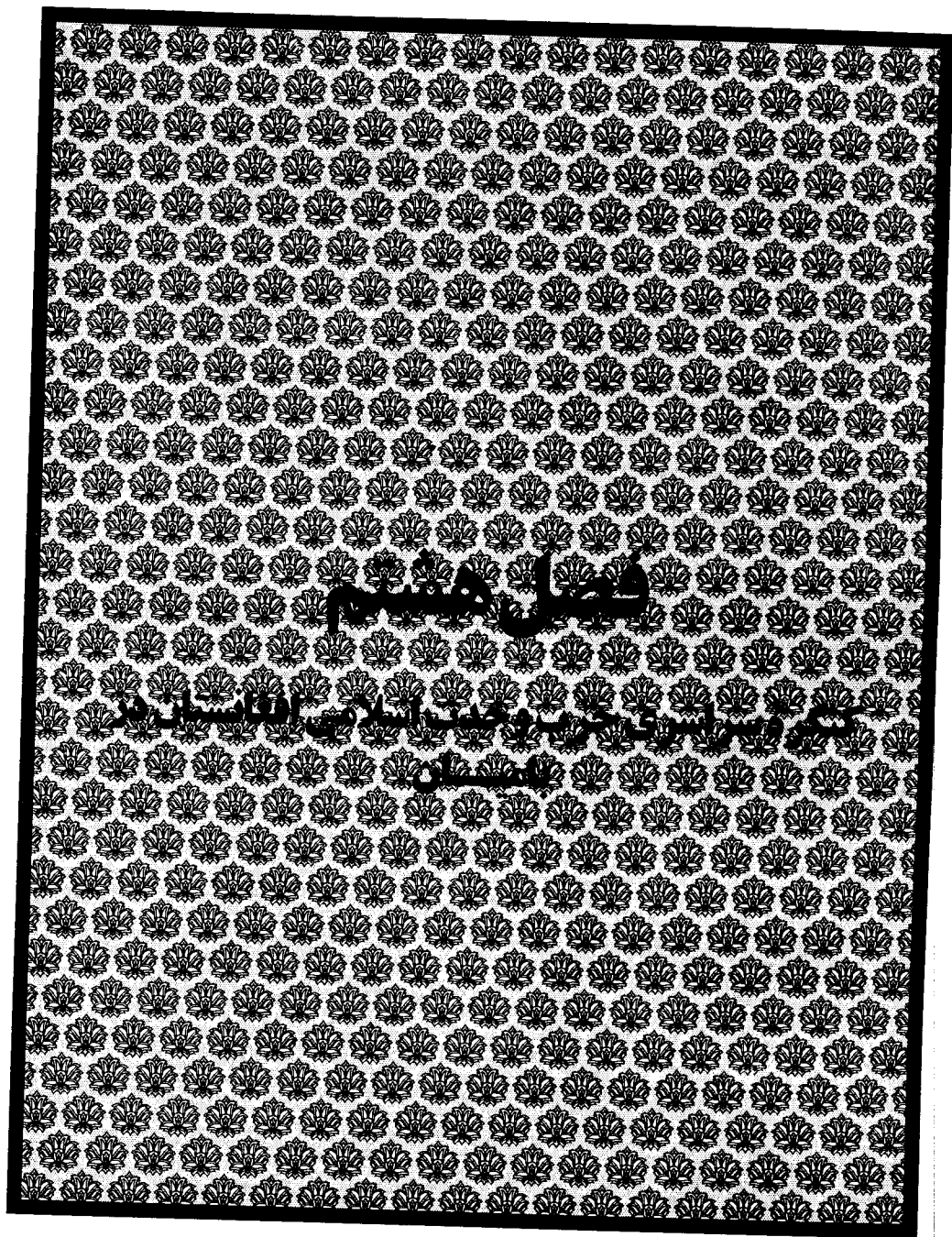
« سمینار بررسی مسایل افغانستان توسط خواهران در آلمان »

برای اولین بار سمینار بررسی مسایل افغانستان توسط خواهران به ابتکار حزب وحدت اسلامی با شرکت بیش از ۴۰۰ زن و استقبال کم سابقه از سراسر اروپا واحد خواهران حزب وحدت در ایران و پاکستان در شهر «هامبورگ» آلمان دایر گردید. در این کنفرانس که دو روز در مرکز بزرگ اسلامی (هامبورگ) ادامه یافت در این سمینار خواهر فاطمه نوری مسئول واحد زنان در آلمان به حضار خیر مقدم گفته و سمینار را آغاز نمود.

سپس خواهر خدیجه بلخی و عده‌ای دیگر از خواهران پیرامون مسایل مختلف به انقلاب اسلامی افغانستان و موقعیت زنان در فردای پیروزی به تفصیل سخن گفتند که با استقبال گرم اعضای حاضر مواجه گردید.

علاوه بر سخنرانیها قسمتی از برنامه ها پاسخ به سؤالهای سیاسی و اجتماعی و شرعی خواهران اختصاص داشت.

در پایان سمینار قطعنامه‌ای صادر شد که در آن از حقوق زنان در افغانستان دفاع شده بود. و از اینکه حزب وحدت در آخرین کنگره تاریخی خود در بامیان کمیسیون را به عنوان کمیسیون زن به تصویب رسانده و به زنان کشور در شورای مرکزی حزب موقعیت داده ابراز تشکر و قدردانی نمودند.



کنگره سراسری حزب وحدت اسلامی در بامیان

واژه کنگره برای حل پرابلم ها، مسایل و معضلات درون حزب در اصطلاح سیاسی و تشکیلاتی فراوان به کار گرفته شده و از شناخته ترین و مناسب ترین واژه ها در عرف سیاسی و بین المللی می باشد.

کنگره یک نوع حرکتی است تکاملی و خیزشی است که در به سرعت درآوردن چرخهای سیاسی و فعالیتهای تشکیلاتی نقش مؤثر و برجسته ایفا میکند. تشکیل کنگره از نظر زمان و پدیده های اجتماعی، حرکتی است دقیق و روشن که تصویر زیبا و مشخصی از چگونگی عمل و شیوه کار تشکیلات ارائه میدهند. با توجه بدانچه گفته شد، برآیم که فلسفه تدویر کنگره را بصورت مختصر و گذرا خدمت خوانندگان گرامی ارائه دهم:

۱- تدویر کنگره برای ایجاد فضای سالم و مناسبی است که هر یک از اعضا واجد شرایط و حاضر در کنگره بتوانند نظر صالح خود را بدون ملاحظه مطرح کنند.

۲- فلسفه تدویر کنگره تأمل کردن و گوش دادن به پیشنهادات و انتقاداتی است که اعضای حزبی در هر درجه و مقام از تشکیلات باشند ارائه می دهند و پذیرفتن راه حلهای مفید از سوی رده های حزبی براساس انتقاد و انتقاد پذیری.

۳- در برخورد با موانع: برای ایجاد یک سیستم جهت دار و ترسیم خط مشی کل، ج ایجاب می کند اساسنامه ای تدوین شود تا بر اساس آن بتواند جلو تخلفات، کج رویها، انحرافات سیاسی، اخلاقی و... را در درون تشکیلات مهار کند ولی گاهی است که هیئت اجرایی حزب در میدان عمل با موانع برخورد می کند و اساسنامه پاسخگوی آن مشکل نیست. در این جا هیچکس در هر پست و مقامی باشد توان تغییر و اصلاح را ندارد اینجا است که برای رهایی از بن بست، باید کنگره دایر شود و این تنها کنگره است که تجلی اراده مجموعه ای می باشد که می توانند اساسنامه را تغییر و یا اصلاح کنند.

۴- در برخورد با نواقص و کمبودها: ضرورت تدویر کنگره گاهی بخاطر نواقص و کمبودهای است که در مواد اساسنامه وجود دارد و قبلاً در اساسنامه پیش بینی نشده است، در خلال عمل و کارهای ضروری این پرابلم چهره خود را نمایان کرده است که تنها با تشکیل کنگره و حضور جمعی از نخبگان و چهره های برجسته سیاسی می توان راه حلی پیدا کرد و تغییرات به وجود آورد.

۵- تفسیر ابهامات: عدم صراحت در مواد اساسنامه و حالت ابهامی که وجود دارد باعث سر درگمی در قدرت اجرایی خواهد شد، در این صورت ممکن است هیئت اجرای هر یک از مواد اساسنامه برداشتهای خاص خود را داشته و به گونه ای تفسیر و تحلیل کنند که این وضع برای تشکیلات شکننده است که باید بگونه ای حل شود بصورت متمم و... بر اساسنامه اضافه شود و این اقدام در صلاحیت کنگره است و پس.

۶- ایجاد کادر منظم در اداره تشکیلات: بر اساس آزمایشهای مکرر و عملی، میزان صلاحیت کاری افراد یک تشکیلات و درک آنها از مسایل متفاوت اند، بعضی افراد بخاطر تعهد و صداقت که دارند در خلال کار و انجام وظیفه رشد می کند ولیاقت بیشتری از خود نشان می دهند، تمام مشکلات را به خاطر پیش برد اهداف والای انسانی تحمل می کنند و همواره در صحنه حضور دارند ولی بعضی از افراد آن تعهد و کار آیی لازم را از خود نشان نمی دهند تنها می خواهند از شرایط موجود به نفع خود استفاده کنند.

با توجه به مواردی که گفته شد تدویر کنگره حزبی ضرورت اجتناب ناپذیر است، تا انسانهای فعال مؤمن و دلسوز از سوی رهبران تشویق شود و از نظر موقعیت سیاسی در جای مناسب خود قرار گیرند. افراد فرصت طلب، کم کار و یا بیکار باید اصلاح شود و یا جای خود را به نیروهای مؤمن و پرتوان بدهند.

زیرا ایجاد یک کادر منظم و توانمند، تشکیلات را از نظر سیاسی و قدرت اداری قوی ساخته در صحنه جهانی از جایگاه مطمئن بهر مند می گرداند.

ضرورت برگزاری کنگره در شرایطی مسجل می شود که نه اساسنامه پاسخگوی نیازهای باشد و نه هیئت اجرایی تشکیلات، توان تصمیم گیری داشته باشند این است که

برگزاری کنگره یک امر طبیعی برای هر حزب و جریان سیاسی به حساب می آید.

«حزب وحدت اسلامی در کنگره سراسری»

رهبران حزب وحدت اسلامی برای برگزاری کنگره سراسری بر سر دو راهی قرار گرفته بودند زیرا اساسنامه این حزب می گفت: پس از سپری شدن دو سال از عمر آن، باید کنگره دایر شود تا به اساسنامه عمل شود و تشکیلات هم از پویایی و خلاقیت بیشتری برخوردار شود.

از سوی دیگر شرایط زمانی و مکانی آنروز برای تشکیل کنگره مساعد نبود. اما از نظر زمانی: حزب وحدت هنوز از آن قدرت و استحکام لازم برخوردار نشده، هنوز خود خواهیها، تنگ نظریها و لج بازیهای عناصر که رسوبات جریانهای منحل و مرده شان در قلب و اندیشه شان زنده است، وجود دارد که در اندک تحول و تغییری ممکن است آن عقده های متراکم باز شود و یا بخاطر احراز به اصطلاح مقام بهتر و پس بالاتر به جان هم بیافتند و بالاخره این باند بازیهای حقیرانه حزب وحدت را تکه تکه کند.

اگر از رسوبات گروه گرایی که بگذریم و خوش بینانه بگویم که فروکش کرده است ولی تشدید قومیت گراییها، منطقه گراییهای کور و بی معنی را نمی توان انکار کرد و از سوی آنها که کمبود دارند به شدت دامن زده می شود که حزب وحدت از این طرف نیز آسیب پذیر خواهد بود.

از جانب دیگر اگر به زوایای اجتماعی بنگریم، حزب وحدت در بیرون از چهار چوبه خود، هنوز مخالفین زیاد و گوناگون دارد، آنها که هنوز به دلایلی به حزب وحدت نپیوسته اند، آنها که پس از انجام تعهد و مراسم تحلیف، ناجوانمردانه کنار رفتند علاوه بر آنچه گفته شد دشمنان سوگند خورده ما که از انسجام و اتحاد مردم ما رنج می برند و سیادت و آقایی خود را در معرض خطر می بینند، در صددند که بر وحدت جوان و نوپای ما ضربه وارد کنند، آنچنان که خبر شنیدن کنگره آنها را به وجد و شادمانی می آورد که این اقدام بر ضرر حزب است یعنی تشکیل کنگره همان، و مرگ حزب وحدت همان.

دشمنان وحدت با توجه به جو موجود بدین باور بودند که رهبران حزب وحدت با

دست خود گور وحدت را کردند.

گذشته از اینها بعضی از رهبران نیز در اندیشه دردناک بسر می بردند که تشکیل کنگره در شرایط موجود به صلاح حزب وحدت نیست و حتی بعضی از دوستان ما نیز خارج از حزب وحدت ابراز نگرانی می کردند که به این زودی نباید کنگره دایر شود! اما از نظر مکانی! شهر باستانی و تاریخی بامیان که محل تدویر جلسه در نظر گرفته شده از نظر جغرافیایی نزدیکترین نقطه به مرکز کابل، پایتخت افغانستان است که در حدود ۱۹۰ کیلومتر فاصله دارد که گردهمایی بامیان از دو نظر قابل نگرانی و تشویق است:

۱- با توجه به وضعیت جغرافیایی افغانستان که کشوری است کاملاً نظامی و در جای جای این سرزمین قدرت اسلحه حاکم اند و هر نقطه و محیطی توسط یکی از گروههای جهادی اداره می شود، خصومت های قومی، قبیله ای حزبی و منطقه ای هم که به اوج خود رسیده، در هر گوشه ای راه گیری و جنگ های حزبی و منازعات قومی وجود دارد و این در شرایطی است که چهره های سیاسی و جهادی وحدت از ولایات کشور و... برای شرکت در کنگره باید در مرکز بامیان حاضر شوند و هزاران کیلومتر راه را از قله های رفیع گرفته تا دره های پر پیچ و خم طی کنند آنهم با خطر هایی که از سوی دشمنان رنگارنگ تهدید می شود و همین طور مسئولین حزب وحدت و نمایندگی های آن که غرض شرکت در کنگره از خارج وارد منطقه می شوند که باید از مرز ایران و پاکستان عبور نموده خود را در کنگره برسانند و این در شرایطی است که دهها خطر آنها را تهدید می کند.

۲- رژیم کابل که هنوز از قدرت نظامی و تسلیحاتی بالایی برخوردار است و از حزب وحدت اسلامی که مرکزیت را در داخل کشور و در قلب افغانستان مستقر نموده دل پر دردی دارد و هر آن برای خود احساس خطر می کند، همزمان با برگزاری کنگره در صدد شده است که تمام راه های عبور و مرور رهبران و قوماندانان حزب وحدت را توسط نیروهای مزدور شناسایی که به عنوان ستون پنجم کار می کنند، و ضربه وارد کنند و یا از هوا بمباران کند چنانچه این طرح خائنانه را در یکی از مسیرهای منتهی به هزاره جات بکار گرفت.

عده‌ای از شخصیت‌های بلند پایه حزب وحدت از اعضای شورای عالی نظارت و شورای مرکزی گرفته تا مسئولین، نمایندگان و نمایندگان حزب وحدت در خارج کشور تعدادشان به غرض شرکت در کنگره سراسری حزب وحدت، از مرز زابل ایران وارد ولایت «نیمروز» راهی افغانستان شدند. در منطقه «موسی قلعه» مربوط به ولایت هلمند خبر می‌رسد که عناصر مستبد «باغرائی» همزمان با آمدن مسئولین حزب وحدت، جنگی را علیه مردم هزاره در منطقه «ناوه میش» تحمیل کرده و راه بسوی هزاره‌جات که از ناوه میش می‌گذرد مسدود شده، رهبران حزب وحدت پس از چند روز توقف و اعزام هیئت بطرف «عبدالواحد باغرائی» تا اجازه عبور داده شود. در منطقه موسی قلعه معطل می‌ماند که زمزمه بمباران بازار «موسی قلعه» از طرف رژیم نجیب بر سر زبانها می‌افتد که اگر کاروان حزب وحدت «موسی قلعه» را ترک نکند، منطقه بمباران می‌شود. هیئت حزب وحدت بخاطر مصلحت مردم موسی قلعه قبل از آنکه راه خود را بسوی هزاره‌جات باز کنند، مجبور به بازگشت می‌شود تا از طریق پاکستان خود را در بامیان برسانند.

با توجه بدانچه گفتیم علی‌رغم همه مشکلات و موانع زمانی و مکانی کنگره سراسری حزب وحدت اسلامی افغانستان با شرکت اعضای شورای عالی نظارت حزب وحدت و شورای مرکزی و مسئولین شوراهای ولایتی قوماندانان جهادی داخل کشور و مسئولین دفاتر و نمایندگیهای حزب وحدت از خارج کشور در ولایت بامیان «ولسوالی یکه‌ولنگ» برگزار گردید.

اهمیت به سزای کنگره از یک سو، هویت اسلامی و جهت‌گیری مکتبی حزب وحدت اسلامی از سوی دیگر، رژیم وابسته کابل را به خشم آورد، بمباران وحشیانه‌ای را بر مرکز حزب وحدت (شهر تاریخی بامیان) بازار، مراکز تجاری، مناطق مسکونی هزاره‌جات و مسیرهایی که منتهی به شهر تاریخی بامیان می‌شد، آغاز کرد و خسارت زیادی به بار آورد، ولی رژیم رو به زوال کابل از این عمل وحشیانه خود جز خشم خونین و قهر انقلابی مردم مسلمان نتوانست که بر اراده آهنین فرزندان کوه بابا خللی وارد کند بلکه به سرعت، بر کوتاهی عمر و نابودی خود گام برداشت.

بر خلاف پندار و باور دشمنان، کنگره سرتاسری حزب وحدت به همت والای مسئولین حزب وحدت، در محیط آکنده از اعتماد، حسن نیت و برادری دایر گردید. در این گردهمایی اوضاع جاری کشور، موضع حزب وحدت در برابر حوادث جاری مورد ارزیابی قرار گرفت.

کنگره بعد از هشت روز بحث و مذاکره با صدور قطعنامه ای بتاريخ ۱۰ سنبله ۱۳۷۰ به کار خود پایان داد.

قطعنامه کنگره حزب وحدت اسلامی در بامیان

بسم الله الرحمن الرحيم

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا (قرآن کریم)

در شرایطی که گروه گرایی و انحصار طلبی به اوج خود قرار داشته و منازعات داخلی انقلاب اسلامی کشور را تهدید به نابودی می نمود، مسئولین خردمند حزب وحدت اسلامی افغانستان توانستند حصارهای حزبی را شکسته و به اساسی ترین نیاز انقلاب اسلامی که آرمان شهدای چند ملیونی کشور و خواست ملت مجاهد ما بوده پاسخ مثبت داده با تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان و امضای میثاق وحدت در ۲۵ سرطان ۱۳۶۸ احزاب و جریانهای قبلی را منحل اعلام نموده و مدت کوتاهی از عمر حزب وحدت اسلامی افغانستان سپری می شود. این جریان با مشکلات مقابله کرد، و علیرغم توطئه های دشمن از تبلیغات تا ترور شخصیت های مهم حزب وحدت اسلامی فعالیت های چمبشگیری داشته. به عنوان نمونه می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تأمین امنیت عمومی در مناطق آزاد شده تحت تسلط حزب وحدت اسلامی

افغانستان

۲- ختم کامل خصومت های داخلی

۳- ایجاد آشتی بین گروه های درگیر از برادران اهل سنت

۴- حل مخاصمات طائفوی در مناطق غزنی و ارزگان

۵- تشکیل هفده فرقه نظامی در ولایات کشور

۶- تشکیل شورای ولایتی و حوزات ذریبط

۷- انجام عملیات مهم نظامی در ولایات بلخ، جوزجان، میدان، غزنی، بغلان، فراه و

هرات

۸- تأسیس صدها باب مرکز علوم جدید در سطح کشور

۹- افتتاح دفاتر نمایندگی در جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، آلمان، اتریش و

دانمارک اینک که دو سال از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان که بر خاسته از سنگرهای جهاد بوده و به عنوان مستقل ترین حزب کشور که مرکزیت آن نیز در داخل قرار دارد و در شرایطی که هنوز انقلاب اسلامی به پیروزی نرسیده در حالت جنگ با دشمن قرار داریم، از نظر زمانی نیز فاصله چندانی با خصومت‌های گذشته نداریم وجود مشکلات فراوان و بمبارانهای پیاپی مرکزیت حزب وحدت اسلامی توسط دولت مزدور کابل، اولین کنگره سراسری حزب وحدت اسلامی با شرکت ۳۱۱ تن از شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی متشکل از اعضای شورای عالی نظارت و شورای مرکزی و اعضای کمیته‌های مرکزی و شوراهای ولایتی و نمایندگان خارج از کشور و مسئولین حوزات و مسئولین شوراهای شهری از تاریخ ۱۳۷۰/۶/۲ تا ۱۳۷۰/۶/۱۰ در ولایت بامیان در جو مملو از صمیمیت و اخوت و برادری برگزار گردید. اعضای شرکت کننده در کنگره ضمن استماع و گزارش کار دو ساله حزب، تحلیل از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و منطقه و جهان ارائه نمود و رهنمودهای لازم در این خصوص و بررسی و اصلاح اساسنامه حزب وحدت در مسائل مهم جهانی را مورد بررسی و دقت قرار دادند. نتایج آن ذیلأً به طور فشرده به عنوان سند رسمی اولین کنگره حزب وحدت اسلامی افغانستان اعلام می گردد:

۱- اعضای محترم شورای عالی نظارت و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی تا برگزاری دومین کنگره حزب وحدت با رأی اعضای کنگره ابقا گردید. ضمناً به شورای عالی نظارت و شورای مرکزی حزب وحدت صلاحیت داده شد که در حد صلاحدید، تعداد شورای عالی نظارت و شورای مرکزی را افزایش دهد.

۲- اعضای شرکت کننده در کنگره تأکید نمودند که رژیم الحادی کابل باقی مانده

دوران اشغال، عامل کشتار بیش از یک میلیون انسان و مهاجرت بیش از پنج میلیون دیگر و ویرانی کشور است. بناً تا سرنگونی رژیم مزدور کابل دست از جهاد مسلحانه برنداشته و از کلیه مجاهدین مسلمان می‌خواهیم که عملیات مسلحانه علیه رژیم را تشدید بخشند.

۳- ما خواهان حاکمیت اسلام و ارزشهای اسلامی در کشور خونبار افغانستان، تأمین استقلال و حفظ تمامیت ارضی کشور بوده و از ایجاد راه‌حلهای سیاسی و نظامی و هر راهی که بتواند هدف ما را تحقق بخشد از آن استقبال می‌کنیم.

۴- اعضای شرکت‌کننده تأکید نمودند شورای مرکزی بیش از گذشته تلاش نماید تا زمینه پیوستن دسته‌ها و اشخاص شیعی که هنوز به حزب وحدت نپیوسته‌اند فراهم گردد.

۵- اعضای شرکت‌کننده تأکید نمودند از آن دسته از افراد و شخصیت‌هایی که از موضع عناد و دشمنی با حزب وحدت اسلامی برخوردار بوده، دست به ترور و اقدام مسلحانه علیه حزب وحدت اسلامی می‌زنند برخورد قاطع و مناسب صورت گیرد.

۶- جهت ایجاد همبستگی و تحکیم روابط برادرانه با اقلیتهای محروم و مسلمان کشور در راستای انجام وظیفه همه اقشار مردم افغانستان تلاش جدی و همه‌جانبه صورت گیرد.

۷- زنان که قشر عظیمی از جامعه ما را تشکیل می‌دهند در طول تاریخ کشور از حقوق مسلم شان محروم بوده، جهت احیای حقوق آنان و شرکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی کشور کمیته امور زنان مورد تصویب شرکت‌کنندگان در کنگره قرار گرفت.

۸- شرکت‌کنندگان در کنگره تأکید نمودند که عاملین شهادت حجة الاسلام والمسلمین شهید صادقی فرمانده کل نیروهای مسلح حزب وحدت اسلامی افغانستان مورد تعقیب و پیگیری جدی قرار گرفته و مجازات گردند.

۹- همچنان که حزب وحدت اسلامی افغانستان از سنگرهای جهاد برخواسته و در داخل کشور شکل گرفته و تاکنون از هیچ قدرت خارجی اثر پذیر نبوده است در خط سیر مستقلانه حزب، از سوی اعضای کنگره تأکید گردید.

۱۰- اعضای شرکت‌کننده در کنگره تأکید نمودند که در راستای ساقط نمودن رژیم

العادی کابل و جهت استقرار حکومت اسلامی در کشور، با همه نیروهای جهادی مسلمان همسویی و هماهنگی لازم به عمل آید.

۱۱- اعضای کنگره بر تعیین سرنوشت افغانستان بدست خود ملت مسلمان و انقلابی و قطع مداخلات خارجی تأکید نمودند.

۱۲- شرکت کنندگان در کنگره از جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان بخاطر پناه دادن بیش از پنج میلیون مهاجر کشور و حمایت از انقلاب اسلامی و خواسته بحق ملت مسلمان ما تشکر و قدردانی نمودند.

۱۳- اعضای کنگره تأکید نمودند گورباچف و بورس یلتسین باید کمکهای نظامی و اقتصادی روسیه را از دولت غیر قانونی نجیب قطع و از مداخله در کشور اسلامی ما پرهیز نمایند.

۱۴- اعضای کنگره ضمن مثبت ارزیابی نمودن تحولات سیاسی و روحیه استقلال طلبانه ملت‌های تحت سلطه روسیه آن را از نتایج انقلاب اسلامی افغانستان دانسته و برای ملت‌های مظلوم و تحت ستم آن کشورها آرزوی موفقیت نمودند.

۱۵- شرکت کنندگان در کنگره حمایت قاطع و همه جانبه شان را از نهضت‌های آزادیبخش و مسلمان اعلام نمودند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

کنگره حزب وحدت اسلامی افغانستان - بامیان

ضمیمه

اسناد سخن می گوید :

یکی از مزایای این کتاب استاد عرفانی این است که در اغلب موارد از عین مصوبه‌ها، صورت جلسه‌ها و قطعنامه‌های امضاء شده مسئولین استفاده شده است.

در نظر داشتیم عین این اسناد را در آخر کتاب بعنوان یک بخش جداگانه چاپ کنیم ولی چاپ همه آنها حجم کتاب را بزرگ می‌ساخت؛ تنها چند مورد انتخاب شده که بعنوان نمونه می‌بینید البته متن کامل اینها در فصول مختلف کتاب نقل شده است در پایان عکس‌های جمعی از مسئولین و رهبران حزب وحدت اسلامی افغانستان در مناسبت‌های مختلف انتخاب شده است.

سند شماره ۱ مربوط به صفحه ۱۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ويعضوا خسر الله جحاد لا تغفروا ... زمان رسم

[illegible]

عمر و الميرزا

ومن لمة النومي

150

[illegible]

- ۱- اعضای شورای مرکزی به ترکیب زیر تشکیل گردد:
- الف - از پاسداران مجتهد و مدرسین فقهی ۹ نفر
ب - از ستاد فقهی و فقهی ۹ نفر
ج - از هیئت ائمه و فقهی ۷ نفر
د - از هیئت ائمه و فقهی ۶ نفر
ه - از نیروهای فقهی ۵ نفر
- ۲- اعضای شورای مرکزی باید دارای اوصاف زیر باشند:
- الف - مؤمن به اسلام و معتقد به ولایت فقیه باشند
ب - تعهد در قبال انجام وظایف محوله داشته باشند
ج - باید نقش مثبت و فعال در ائمه و فقهی داشته باشند
د - از آقاها و بزرگان و خردمندان و ائمه و فقهی باشند
ه - دارای آگاهی سیاسی و قدرت تحلیل سیاسی و فقهی باشند
- ۳- صلاحیت شورای مرکزی داشته باشد
۴- تدبیر و مدیریت داشته باشد
۵- متوجه امور مرکزی، شهر و مردم و آرا و انتخای مردم

[illegible]

[illegible]

الف - لہذا ساری تصدیقات سنائی :
 ۱- آگار علی مزاری - ۲- آگار سید علی علیگری - ۳- آگار ترانی عارفی عارفی عارفی عارفی
 ۴- آگار خورشید علی خورشید - ۵- آگار محمد حسن خورشید - ۶- آگار خورشید علی خورشید
 ۷- آگار محمد حسن خورشید - ۸- آگار محمد حسن خورشید - ۹- آگار محمد حسن خورشید
 ب - لہذا ساری تصدیقات سنائی :
 ۱- آگار محمد حسن خورشید - ۲- آگار محمد حسن خورشید - ۳- آگار محمد حسن خورشید
 ۴- آگار محمد حسن خورشید - ۵- آگار محمد حسن خورشید - ۶- آگار محمد حسن خورشید
 ۷- آگار محمد حسن خورشید - ۸- آگار محمد حسن خورشید - ۹- آگار محمد حسن خورشید

۲- در حضرت ابدی رفیق است:

۱- آثار علی (رضی اللہ تعالیٰ عنہ) حاضری - ۲- آثار موسوی حاضری - ۳- آثار گرجانی و آملی حاضری

۴- آثار سید سجادی کربان - ۵- آثار مجلسی نایب - ۶- ۷-

مقصود: جبکہ مقدمہ القلوب اللہ سے پہنچی ہوگی و حزب دعوت اقرار کرتے رہیں، لیکن بعد از غایبہ کاغذ خودی مرقی خواہند کرد و غنائی باقی ماندہ لہذا نصیحت کرتے ہیں کہ لوگ مرقی خواہند نہ۔

ماه دوم: آقایان عضو هیئت مدیره و اعضاء شورای مرکزی، مسئولین و دبیران
باید حضور می در شورای مرکزی حضور داشته باشند و در صورتی که از اعضا هیئت مدیره و اعضاء هیئت مدیره غایب باشد.

۱۸

ماہ سوم : راجپوت دعوت آگاہی کے لئے سوار گزری ۳۰؎ تو قلعہ کوک سے
 ماہ چھٹم : راجپوت یقین حاصل ہوا کہ گزرتا رہتا ہے یہ شرکت غامدہ،
 ۸۰؎ دوسرے لوگ لڑیں :

تفسیر - لہذا زمانہ قصہ و پاسداری جہاں کہ ہویت حقائق ۳۴ نفر

ب۔ لہذا حضرت ابراہیم علیہ السلام نے حرکتِ خدا راہ ۲ فقر

۲- لذت‌نبرد احمد در وجوب دعوت افکار احمد در حقیقت حد اعلیٰ است نفوذ

ماده پنجم - هیچ کس، سوا از یکی در موقعین شده (یا شده) با نزد وجه برج عید سال جاری
فوقین و در صورت نزدیکان بجز (در اعضای سورا، حلیه نام و ...) کارنامه

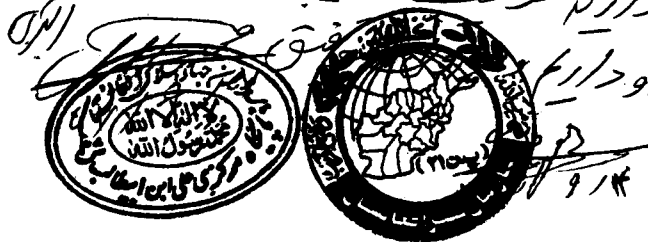
باسمه پروردگار حق و مخلص
موردی

~~Handwritten notes and signatures, mostly crossed out.~~

سند شماره ۲ مربوط به صفحه ۱۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم
 مدیریت اتحاد سازان نیرو و پاسداران جهاد اسلامی افغانستان

عبد السلام والمسلمین ستاد عرفانی و حجة الاسلام والمسلمین
 استاد نه اهدی دامت برکاتهما. السلام علیکم ورحمة الله
 باتشکر از مساعی جمیل و مشعشع داره حفرات عالی در راه
 حاکمیت اسلام چه قبل از انقلاب و چه در دوران حوادث
 ده ساله انقلاب اسلامی افغانستان و تقاضا می‌کنیم
 همراه با بقیه اعضای شورای مرکزی این اتحاد در خارج
 از کشور در راستای گسترش اتحاد کامل نیروی مؤمن
 و مبارز و جذب اشخاص شایسته و مستعد که بتوانند
 معزز خدمت برادران جامعه مظلوم ما واقع گردد
 می‌وقف و مجدداً سعی نمائید در این باره صلاحیت
 عام و تمام داریم موفق و کامیابی شما را از بارگاه
 انبیا و اولاد ائمه داریم



سند شماره ۶ مربوط به صفحه ۱۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم
 حجه الاسلام و السلام در سنین آیت الله محسن دامت برکات
 و کرامت این استحضار عظیم و رحمة الله... درگاه
 سید مرتضی و موفقت شما Q در ره خدمت به اسم و سنین آیت الله
 (بالله) وضع فعلی کشور و جهان و مصلوبیت گذشته و مشغولت آینده
 محروم با ای کامبر و بیدار میزد که سر موئن و مبارز Q در رأس او کویت
 که هر چنان قرار می دهد و تحقق این آراخان مقدس و دیرین ملت و هد
 صلب ما تنها با تلاش صفا و پیکار توأم با ایثارگری و فداکاری
 مسئولین امور و جریا نهاسر است و از تقدیر کشور ممکن است ، ما در ذکر
 و شنید علی رغم عواصم منفی تمام کردی Q برداشته ایم که با غنا
 البهر موفقت آید بوده و هم التوخ با تمام توان و صمیمیت در پی گشته
 ای کامبر (صوبی و مکتبی هستیم ، لذ حوت علی و حکما و شایخ منتظر
 صاهر و ایثارگری در مدح جمع کردن پراکنده کرد که رفاه و شرف مدب
 رفاه و شرف خروج Q داریم

۹۷/۹/۱۳
 ۹۷/۹/۱۳

و من (....) التوفیق

۹۷/۹/۱۳
 ۹۷/۹/۱۳

۹۷/۹/۱۳
 ۹۷/۹/۱۳

سند شماره ۷ مربوط به صفحه ۱۲۹

رسمی

اینجا سبب سهمی نفوی با اکثریت
در سطح جا غوری تصور میشود
هو افغان میباشم عالمی
۲۰/۹/۶۷ کویته

Handwritten signature

A page of handwritten notes and signatures on lined paper. At the top right, there's a circled 'P' followed by '9V/1.9'. Below it, another circled 'P' is followed by '9V/1.9'. To the left of these, there are some scribbles and the word 'off'. In the center, there's a large, stylized signature or set of initials that looks like 'S. S. S.' or similar. To the right of this, there's a signature that looks like 'W. J. B.' followed by '9V/1.9'. Below this, there's a signature that looks like 'J. J. B.' followed by '9V/1.9'. At the bottom, there's a large, stylized signature that looks like 'S. S. S.' or similar. To the right of this, there's a signature that looks like 'W. J. B.' followed by '9V/1.9'. There are also some other smaller signatures and scribbles scattered throughout the page.

بدین
تاریخ ۱۰۴ / ۱۳۵۷

صفحه جنین فصله لعل آمد کمره ای در آغوش
 و قرار کمره زار منند شمع از کوره یک فنون
 نمود در کوره ای آتشین در رابطه کارخانه کمره
 در کوره زار
 ۱- خانه - عروج عالی از جمله کوره ها
 ۲- خانه - اجتهاد حق الزاده در کوره ها
 ۳- عروج حق الزاده در کوره ها
 ۴- عروج حق الزاده در کوره ها
 ۵- عروج حق الزاده در کوره ها
 ۶- عروج حق الزاده در کوره ها

سند شماره ۱۱ مربوط به صفحه ۱۶۱

بسم الله الرحمن الرحيم

با احترام و سازمانها رسد می افغانستان :

اگر اتحاد مسلمین در ملایم وجود نباید آید شما بر اتحاد چند گروه در حاضر

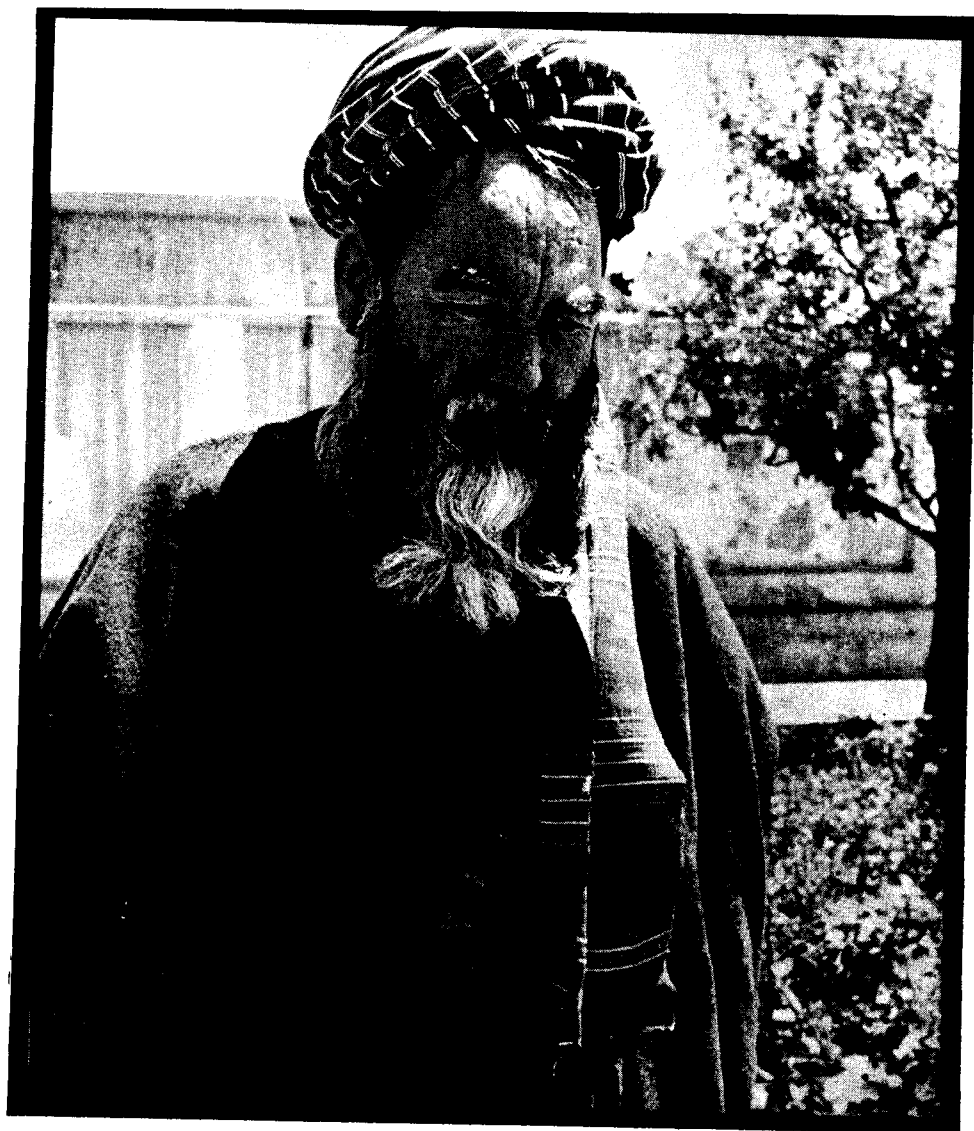
با اتحاد هستند . اتحاد یکسکه یا خبر ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

امید است اتحاد سرسری که بود بسیار در دین هم امکان ان اعفای حاضر در مجلس

بدین شخصیت اسلامی ، صحیح و سازمان جهاد اسلامی و اسلام نفیر و حرکت اسلامی
 حاضر به اتحاد استیم و با یک قصد داریم که
 ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹ ۶۷/۱۱/۶۹
 بدین جهت در وقت فراز جهاد که ... به وحدت برآید و کمر را نهاده و بر یک خط قرار دهیم و با هم متحد گردیم


 کتابخانه مجازی هزارستان
 www.HaPdf.com



استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان



آية الله العظمى حاج شيخ قربانعلی محقق کابلی (دام ظلّه)



استاد عرفانی در میان نیروهای مسلح حزب وحدت اسلامی در کابل



استاد عرفانی در میان مستقبلین مهاجرین افغانی در مشهد



استاد عرفانی همراه با حاج آقای اخلاقی در کنفرانس
سران کشورهای اسلامی در سنگال



استاد عرفانی در حال سخنرانی برای ابلاغ پیام وحدت در مشهد



کنفرانس بررسی مسائل افغانستان در آلمان



آقای حیدر محقق ورسی در حال سخنرانی در کنفرانس پنجاب



رهبران و مسئولین حزب وحدت اسلامی در مجمع شیعیان افغانستان



آیه الله صادقی پروانی و آیه الله عالمی بلخابی



استاد سیدعباس حکیمی غزنوی در اولین کنگره حزب وحدت در بامیان



استاد محمد کریم خلیلی در حال سخنرانی در مراسم تجلیل شهداء



استاد خادم حسین ناطقی شفائی بسوی کنگره بامیان



استاد عزیزالله شفق در کنفرانس بررسی مسائل افغانستان در آلمان